**مجموعه سبزها جلد 92**

**آثار حضرت بهاءالله**

 **INBA 92**

**مقدمه فایلهای وُرد مجموعه سبزها**

به نام یزدان مهربان

با درود فراوان،

بدین وسیله به اطلاع پژوهشگران و دوستداران آثار بابی و بهائی می‌رساند:

طی مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل‌های وُرد Word آثار مندرج در مجموعه «کتاب‌های جلدسبز» ارائه می‌گردد. کتاب‌های جلدسبز، کتاب‌هایی است که عمدتا طی دهه‌ی پنجاه خورشیدی، توسط محفل ملی بهائیان ایران، عجالتا جهت حفظ، تکثیر شده است. فایل اسکن‌شده‌ی این کتاب‌ها، پیشتر در برخی از وبگاه‌های اینترنتی از جمله کتابخانه‌ی بهائی (https://bahai-library.com/) و کتابخانه‌ی افنان (<https://afnanlibrary.org/>) موجود بود. اما مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل وُرد همان کتاب‌هاست که قاعدتا از حیث جستجو و قابلیت کپی‌برداری از عبارات، کارایی بیشتری برای پژوهشگران عزیز دارد.

 اعتبار محتویات فایلهای وُرد، به­دلیل ماهیت خاصی که دارند، خصوصاً به­خاطر امکان تغییر، دست­خورده شدن تایپ متن و درهم ریختن حروف­چینی واژه­ها، از نوع خاصی است و در قیاس با متن اصلی و نسخه­ی اسکن از متن اصلی در مقام برتر قرار ندارد. با این همه، امروزه طیف وسیعی از افراد متخصص و غیرمتخصص این ابزار الکترونیکی مفید را، با وجود چنین نقصی مورد استفاده قرار می­دهند و از مزایای آن برخوردار می­شوند. به تهیه­ی فایل وُرد از آثار بهایی نیز می­توان از همین دریچه نگریست؛ ضمن آنکه بهترست که برای حفظ شأن و مقام والای نصوص مبارکه تلاش شود تا حتی المقدور فایل هایی از متون بابی و بهایی تهیه شود که اشتباه و اشکال کم و نادری داشته باشند. نظر به همین مطلب، بسیاری از فایل‌ها در مجموعه‌ی حاضر مقابله و تصحیح شده است. در تصحیح آثار مندرجه در مجموعه‌ی جلد سبزها به چند نکته توجه شده است:

1. در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، نسخه‌های جلدسبز با سایر نسخه‌های چاپی یا خطی موجود مقابله و تصحیح شد. در خصوص آثار حضرت باب، با توجه به اینکه هر یک از نُسخ در دسترس ما دارای اشکالاتی بود و نمی­توانستیم هیچ نسخه­ای را بتمامه مبنا قرار دهیم، برآن شدیم تا در مواردی که به­نظرمان اشکال، اشتباه یا تردیدی وجود دارد، آن موارد را با ملاحظه­ای کلی اصلاح و نسخه­ی تایپی را بر همان مبنا تهیه کنیم. در این باب برای تصحیح متن یک اثر از آثار حضرت باب در جلدی از مجلدات سبزها، نه­تنها آن را با متن همان اثر در دیگر مجلدات سبزها مقابله کرده­ایم بلکه اگر نسخه­ای از همان اثر در اثری خارج از این مجموعه بوده، از آن نیز استفاده کرده­ایم. در نتیجه، نسخه‌ی پیش‌رو در برخی مواضع با مندرجاتِ نسخه‌ی اصلی (جلدسبز) تفاوت‌هایی دارد؛ اما محض ارجاع‌دهی درست، شماره‌ی صفحات اصلی (شماره‌ی صفحات نسخه‌ی جلد سبز) در دل متن درج شده است.
2. آثار حضرت بهاءالله مقابله نشده، اما در ضمن تایپ، تا حدی قابل قبول، تصحیح شده است.
3. در مجموعه‌ی حاضر، برخی تواقیع حضرت باب که سابقا به‌طور ناقص نشر یافته (مثل کتاب صحیفه‌ عدلیه، مندرج در جلد 82 که فاقد باب پنجم است، و یا صحیفه بین‌الحرمین و صحیفه اعمال سنه که پیشتر مختصرا نشر یافته) با توجه به سایر منابع به‌طور کامل، و تصحیح‌شده، منتشر می‌شود.
4. در مجموعه‌هایی که سابقا و از روی اضطرار منتشر شده بود نواقص عمده‌ای به چشم می‌خورد: از جمله، تفسیر «بسم‌الله» که در چندین مجموعه بدون مقدمه و خطبه نشر یافته بود، و یا توقیع حروف مقطعات قرآن که نیمی از آن ناقص منتشر شده، و یا تفسیر (های هذا) در جلد 60 که در داخل متن افتادگی‌هایی دیده می‌شد، و یا چند باب اول این اثر در مجموعه‌ی 98 که به‌طور ناقصی منتشر شده بود. در مجموعه‌ی حاضر، همه‌ی این نواقص با توجه به مجموعه­های دیگر بر طرف شده است.
5. در مواردی که نتوانستیم درجِ صحیحِ لغتی را تشخیص دهیم آن را نشانه گذاری (های لایت) کرده‌ایم و یا با چند علامت سؤال (؟) آن را مشخص کرده­ایم.
6. برای مقابله‌ی نسخ آثار حضرت باب از نسَخ مختلفی بهره برده‌ایم. از جمله، از تمامی مجلدات جلدسبز استفاده کرده‌ایم. فی‌المثل در تصحیح جلد 14 تفسیر «های هو» از مجموعه کتاب‌های جلدسبز تنها اکتفا به همین جلد نشده، بلکه از مجلدات دیگر مثل جلد 53، 67، 86 و منابع دیگر نیز استفاده کرده‌ایم. افزون بر نسخه‌های جلدسبز، مجموعه‌ی پرینستون و کیمبریج و نشریات ازلیان و مجموعه شخصی خود را نیز مدنظر و پیش‌رو داشته‌ایم.
7. در مواردی رسم الخط واژه­ها به­گونه­ای انتخاب شده که برای جستجو مناسبتر باشد. مثلاً گاهی کاتب در نسخ­ی اصل کلمه­ی «جلالت» را به­صورت «جلالة» نگاشته است و ما ترجیح داده­ایم آن را «جلاله» تایپ کنیم و

 در پایان یادآور می‌شود که از آغاز کارِ تایپ و تصحیحِ فایل‌های اسکن‌شده مایل بودیم که از همکاری فضلا و مطلعین جامعه در تصحیح نسخه‌های موجود، بیشتر بهره‌مند باشیم؛ اما این مهم، جز در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، محقق نگشت.

 در عین حال، امیدواریم که در ادامه‌ی راه از مساعدت و همراهی تعداد بیشتری از یاران فاضل و مطلع مستفید شویم. ضمن آنکه از همه­ی خوانندگان این فایل­ها درخواست می­کنیم تا اگر در حین مطالعه به اغلاط تایپی برخوردند آن موارد را از طریق سایت به ما اطلاع دهند.امید و هدف دیگرمان اینست که در آینده، تمام فایل‌های این مجموعه، با مقابله‌ی علمی و اسلوبی دقیق‌تر – دست‌کم در حد آنچه که در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء انجام شده – تقدیم دوستان و یاران علاقمند شود.

مجموعه آثار قلم اعلی

**92**

این مجموعه با اجازه محفل مقدس روحانی ملی ایران شیدالله ارکانه بتعداد محدود به منظور حفظ تکثیر شده است ولی از انتشارات مصوبه امری نمیباشد

شهر الشرف 133 بدیع

از نسخه متعلق بجناب ابوالقاسم افنان اعلائی علیه بهاءالله در شیراز استنساخ عکسی گردید.

**آثار قَلَم اعلی جَلّ وَ عَلی**

**بخطّ**

**حضرت زین المقرّبین**

\*\*\*ص1 \*\*\*

بسم الذی ینزل الایات بالحق و کل کان عنها محروماً و لمستعین؟؟؟

سبحانک اللهم یا الهی اذکرک حینئذ حین الذی استشرقت شمس الوهیتک عن افق سماء سناء سیناء لاهوت احدیتک و استرقت انوار ربوبیتک من صبح عماء لقاء بقاء جبروت صمدیتک و استرفعت ظلمات الملک من لمعان ضیاء بداء ملکوت احدیتک بحیث ذوّتت جنت الفردوس فوق جنان عزّ هویتک و غرست فیها اشجار کینونتک و اثمرت کلها باثمار ذاتیّتک و هبت فیها نسمات روحک و نفحات قدسک و قدّرت فیها من جوهر نعمتک و ساذج رحمتک و کشفت فیها من خزائن سرّک

\*\*\*ص2\*\*\*

و کنائز علمک و اجریت فی اطباقها انهار مجد حیوانک و ابحر عزّ بقائک و عیون خمر امتنانک فلما اردت یا الهی اظهارها ارفعتها الی عرش الکبریا و العظمة و زینتها من انوار القدرة و القوة و تجلیّت الیها بکینونتک الابدیة و اشرقت الیها شمس الاحدیة من انوار وجهک القدمیة حینئذ جاء حکمک الاعلی علی جبروت القضاء بالامضاء لخروج طلعة منها لیظهر انوار جمالک علی من فی ارضک و بها وجهک علی من فی جبروت امرک طلعت حوریة التی کانت فی ازل الازال فی سرادق القدس و الحفظ و الجلال و فسطاط العصمة و العزة و الاجلال و مکتوبٌ علی جبینها البیضاء من المداد الحمراء و القلم الاعلی تالله هذه لحوریة ما اطّلعت بها نقش الا الله العلی الاعلی و طهر الله ذیل عصمتها عن عرفان ملاء الاسماء فی جبروت البقاء و جمالها عن ابصر من فی ملکوت الانشاء فلما طلعت بطراز الله عن قصرها لا حظت بطرفها الی السماء انصعقت اهل السموات من انوار وجهها و نسمات طیبها و التفتت بطرفها الآخر الی جهة الارض اشرقت الارض من انوار جمالها و حسن بهائها فلک الحمد یا الهی علی ما اشهدتنی

\*\*\*ص3\*\*\*

من بدائع صنعک فیها و جوامع قدرتک فی خلقها و عند ذلک علقت و تعلقت و سارت فی السماء کانها مشت علی الخط الاستواء فی قطب الهواء و کانی وجدت بانّ سلسلة الوجود یتحرک ن حرکة خطها تحت رجلها ثم بعد ذلک نزلت و تقربت و جائت حتی وقفت تلقائی و کنت متحیراً فی لطائف خلقها و بدایع خلقها و وجدت فی نفسی ولهاً من شوقها و جذبة من حبها رفعت یدی الیها و کشفت ذیل القناع عن کتفها وجدت شعارها مرمولة مرغولة مجعدة علی ظهرها محلقة معلقةحتی بلغت الی قرب رجلها و اذا حرکتها الی طرف الاریاح الی طرف الیمین من کتفها عطرت السموات و الارض من نفحاتها و اذا حرکتها الی طرف الشمال تضوعت رائحة المقدسة المسکیة من فوحاتها کان بحرکة شعرها اهتزّ روح الحیوان فی سرائر الامکان و جرت عیون العرفان فی حقائق الاکوان فتعالی الله بارئها فیما اشهدنی فیها فتبارک الله موجدها فیما شهدت من ظهورات القدرة من جمالها و شئونات القوة من جلالها

\*\*\*ص4\*\*\*

مرة شاهدتها کانها ماء عذب حیوان سائغ سیال یجری فی حقایق الموجودات و غیاهب الممکنات و ایقنت بان کل الوجود کان باقیاً ببقائها و دائماً بدوامها و مرة وجدتها ناراً وقدت فی شجرة الهیة کان عنصر النار خلق من جذوة من قبساتها و احترقت اکباد الوجود من الغیب و الشهود من حرارتها و لهیبها اذاً اهتزت من لطائف شوقها و بدایع ذوقها کان رائحة الرحمن تضوعت من منافذ ثوبها فسبحان الله موجدها و محدثها و مبدئها ثم استقربت حتی قامت امام وجهی و نطقت بلحن علی لحن الورقاء فی جبروت البقاء کانها تنطق علی اللحن البدیع عن غیر کلمة و لا حرف و لا صوت کان کل الکتب ظهرت فی تفسیر تغنی من تغنیات بدعها و انی عرفت کل المعانی فی نقطة فمها فلما توجهت بتمام کینونتی سمعت ذکرالله العلی الابهی من نغماتها و اسم الله العلی الاعلی من ترنماتها حینئذ صرت مجذوباً مولهاً سکراناً من بدایع لحنها رفعت ایدای

\*\*\*ص5\*\*\*

 مرة اخری و کشفت ثدیاً من ثدییها الذی کان مستورا خلف قمیصها اذاً اشرقت السموات من تلئلاء نوره و اضائت الممکنات من ظهوره و اشراقه و بنوره اشرقت شموش لانهایات کانهن یسترن فی سموات التی ما قدرت لهان بدایات و لانهایات اذا صرت متحیرا من قلم الصنع فیما رقم علی هیکلها کلها طهرت علی هیکل النور فی هیئة الروح و یتحرک علی ارض الهویة فی جوهر الظهور و لاحظت بان الحوریات اخرجن روسهن عن الغرفات و کن معلقات فی الهواء فوق رأسها و صرن متحیرات فی منظرها و جمالها و والهات من جذبات لحنها سبحان من کان هو موجدها و صانعها و مبدعها و مظهرها اذاً تکاد ان انصعق فیما استنشقت من روائح قدسها و وجدت من بدایع طرزها التفتت الی بتمامها و فتحت شفتیها اشرقت الانوار من تلئلأ اسنانها کان لئالی الامر قد ظهرت من کنوزها و اصدافها و قالت من انت قلت عبدالله و ابن امته قالت اجد فیک من آثار الحزن الذی ما شهدت فی احد دونک کانی اری بان

\*\*\*ص6\*\*\*

الامکان قد احزنت بحزنک بحیث اجد سراج السرور فی مشکوة قلبک مخمودة و انوار البهجة من مصباح سرک مقطوعة اقسمک بالله الذی لا اله الا هو لاتستر عنی ما ورد علیک فاطلعنی لاطلع فی امرک علی الحق القیم و لو کان اقل من الطفح رشحاً قلت لها لاتسئلینی فی ذلک لانک لن تستطیعی ان تسمعی منی فی حزنی و لو کان اقل من الحرف ذکراً ثم اقسمک بالله المقتدر المهیمن القیوم بان ترفعی یدک عنی و اترکینی وحده ثم ارجعی الی محلک فی الفردوس و لاتسئلین فیما لا اقدر ان اذکر لک و لو کان اقل من الحرف رمزاً فلما عرفت تزلزل سری و حنین قلبی و تصرخ کینونتی و احتراق عظمی و ترجف جلدی و اضطراب نفسی و تبلبل جسمی نادتنی و قالت ایکون لک من ام لینوح علیک فی بلائک قلت لست ادری ثم قالت ایکون لک من اخت لتبکی فی قضائک او من ناصر لیعینک فی ضرک و یرافقک فی وحدتک قلت لها فو حزنی الذی ما اتاه من سرور لاتسئلینی من شیئ فانظری الی قلبی لیظهر لک ما تطلبین منی اذاً فاکسست

\*\*\*ص7\*\*\*

 راسها الی جهة قلبی و کانت متفحصة فی تمام ارکانی و جوارحی و عظامی و حشائی کانها فقدت شیئاً و تطلبه من کل مکان فتفحصت زماناً طویلاً و رفعت راسها حتی بلغ الی صدری رایت انقلب حالها و یحرک راسها مرة الی الیمین و مرة الی الیسار و فی مرة ارتدت طرفها الی السماء بحسرة و حزن و فی مرة لاحظت الارض بحیرة و اسف و شهدت شفتیها یتحرک کانها تتکلم بحرف تحت لسانها توجهت باذنی الیها سمعت حنیناً ضعیفاً کانه ظهر من سر کینونتها فی هویة قلبها فلما قربت راسی تلقاء فمها سمعت کلمات لا اقدر ان اذکرها و لو اذکرها فوالله لایبقی شیئ فی الملک من حرقة کبدها و احتراق سرها و عند ذلک خاطبتنی و قالت یموت امک یا فتی ما شهدت احداً مثلک و ما رایت نفسا شبهک و قد طالت فیک حیرتی و حزنی و زاد فی امرک اضطرابی یا لیت ما خلقت فی لاهوت البقاء و ما ولدت من نفحة الله فی میادین القدس فی غرفات الاعلی و ما شربت لبن القرب

\*\*\*ص8\*\*\*

عن عیون البهاء فواحسرتا علی ما عرفت و شهدت فواحزناه علی ما ادرکت و علمت لانی کلما تفحصت ما وجدت فیک من قلب لاطلع منه امرک فلما سمعت ارفعت راسها وجدت عیناه فاضتا من الدم کان البحور ظهرت من قطرة من دموعها و جرت علی خدیها کعنیث هاطل بلاتعویق و لاتعطیل فلما وقعت عینیتها علی عینی قد اخذ البکاء زمام الصبر عنها اذاً ضجت بضجیج لن اقدر ان اصفها او اذکرها حتی بکیت ببکائها و رفعت یداها الی کتفای و وضعت یدای الی کتفیها و بکینا بما لاعدله بحیث لا یحصیه زمانا و لا ازل و لا ابد و لا حقباً و لا عهداً و لما سکنت عن بکائها قالت یا فتی اقسمک بالذی سخرت الاقلام بیدک و یجری منه ما شاء و اراد بان تخبرنی علی ما نزل علیک لاکونی مصاحب لمصابک فی الملأ الاعلی و جبروت الاسنی قلت لها یا حبیبتی فو عمری فو عمرک لست اقدر بان افسر لک فیما مسنی ولکن فانظر الی کبدی لعل تجدین فیه ما یغنیک عما تطلبینه فی سرائر امری الاخفی اذاً

\*\*\*ص9\*\*\*

قربت راسها مرة اخری الی جهة کبدی و تفحصت اکثر من ان لا یقال ذکره فی جبروت الجلال او یعل فی الملک بلسان اهل المقال و ما وجدت منه فی محله من اثر حینئذ شهدت بان الارض تزلزلت من تزلزل سرها و ترجفت القلوب من ترجف قلبها کانها مکثت زمانا بعد زمان و قبل کل زمان و فوق کل زمان ثم رفعت راسها و صرخت بصریخ اصرخت السموات و ارجفت الارض و تزلزلت البلاد و تعدمت العباد و تنشقت الجبال ثم نادتنی و قالت قد مات امک یافتی حیرتنی فی امرک و اهلکتنی فی فعلک و ما وجدت احداً بلا قلب و لاکبد ولانفس و لاروحاً و کیف بقیت باقیاً علی الارض او تکون فی الملک موجوداً ثم بعد ذلک ضجت و تزلزلت و ترجفت و اضطربت و؟؟؟ ونالت و نادت و سقطت بوجهها علی التراب فلما توجهت الیها وجدتها مطروحاً علی الارض کانها ما خلقت فیها و علمها و فارقت الروح منها اذا اصرخت الحوریات المعلقات فی الهواء و ضجّت الجوهریات المطهرات فی العماء و رجعن کلهن

\*\*\*ص10\*\*\*

 الی قصورهن و سرداقهن و مساکنهن کانهن ترکن ما قدرت لانفسهن و ما خلقت لذواتهن و کنت قائماً علی جسدها ثم بعید ذلک اخذتها و غسلتها من مدامع عینی و کفنتها فی ثیابی فلما وضعتها علی التراب قربت فی تلقاء اذنها الیمنی و بشرتها بما لا یقدر احد ان یسمع منی فی حقها و اذا هی اهتزت من کلمة الله فی نفسها ثم بشرتنی فیما لاینبغی ان اذکرها او اتنفس فیها و بها ثم فبعد ذلک اودعتها فی اوعیة القدس و ارجعتها الی محل الذی قدرلها و کذلک نلقی علیکم یا ملأ الفردوس من رویا البقاء عبروا لی ان کنتم لرویا الروح تعبرون

هذا ما دعيت الله ربّي بلسان الرّمز والألغاز ويقرئه من يريد أن يشرب ماء الحيوان من أيادي الفيّاض و بذلک يكشف جمال الحقيقة و يحترق حجبات المجاز

هو العزیز المحبوب

يا من تزيّن جمال قدس أزلِيتك بطراز خيط عزّ مكرمتك و تظهر ظهورات شمس وجهتك بالنّقطة الَّتي ظهرت و لاحت من جواهر أسرار غیب حكمتك

\*\*\*ص11\*\*\*

فسبحانك سبحانك ما أتقن بدائِع صنع ربوبِيتك فیهذا الطّراز الأعظم و ما أحكم جواهر علم ألوهيّتك فيهذا الكنز الافخم الأكرم كأَنّك جعلته يا إِلهي أبحر علمك وسفينة حكمتك بحيث قدرت فيه كلما قدرتة في عوالم توحيدِك وأسماء قدس تجرِيدك فسبحانك سبحانك يا مقصُودي أنت الَّذي أحصيت معاني سلطنتك في قمص أسمائك وبذلك عرفت عِبادك من جواهر أَمرك وأَسرار حكمتك ثمّ أظهرت هذه الأسماء الغيبِیّة على الألواح من النّقطة الّتي فصّلتها بقدرتك وجعلتها حاكِيا عمّن خلقته من نار محبّتك وهواء عنایتك وأَخفيت فِيه أَرض إِرادَتِكَ لِيسقَى ماء العطوفة من يد عنايتك فسبحانك سبحانك ما أعظم أمرك فيهذا الخيط الدرّي السوداء وهذا الحبل المنِير الأَصفى فو عزتك لولاه ما ظهرت النّقطة في قميصِ السّوديّة وما جرت عين الحيوان في ظلمات الغیبِيّة فو عزّتك يا محبوبي صرت متحيّرا فيما خلقت بقدرتك في سر هذه النُقطة البقائيّة و هذا الروح الحركيّة كأَنّك اخترته بين الموجودات و جعلته مرآتا لجميع أسمائك

\*\*\* ص12\*\*\*

و صفاتك و قدرت له نعمة القرب والوصال وهذا من امر ما اختصصته باحد في ممالك سلطنتك و مدائن عز حكومتك الاّ به لأَني أشاهد بانّ جواهر الأحديّة ينعرون في فراقك و هياكل الصّمديَّة يشقّون ثيابهم في بعدهم عن لقائك وكُلّ الأُلوه يبكون عند ظهورات بعدك وكلَّ الملوك يضجّون لدى شئونات هجرك و اکباد المقربين يحرقون من نار شوقك و جواهر التَّقديس يتشهّقون في بيداء اشتياقك و مراياء التَّنزيه يضربون على روسهم عن بعدهم عن ساحة عزك و منعهم عن فناء قدسك و حرم قربك و کلهم عموا من شدّة بكائهم و ما وقَعت عیونهم على اشراق انوار جمالك و ضجوا الی ان ماتوا و ما فازوا بزيارة وجهك و اجلالک فواحزناه على ما ورد على المقربين من عبادك و على المقدّسين في ايامك بحيث نفس القدم عدم فِي هجركَ و اصل الوجود فقد في بعده عن جوارك و صرف الظهور سكن على الَّرماد فی فراقك و كم من ليالٍ يا الهی دخلوا في الفراش رجاء لوصلك و اصبحوا في فراقك وكم من صباح قاموا طلَبا

\*\*\*ص13\*\*\*

للقائك و أمسوا في هجرانك وأَخذتهم نار محبّتك على مقام الَّذي منعتهم عن كلِّ راحةٍ و أَخذتهم عَنكُلّ مسرّة وَ بهجَة وَ إِنَّكَ أَنت معَ كلِّ ذلِكَ وَ معَ ما اطَّلعتَ بجمِيعِ ذَلِكَ ما مرَرتَ علَيهِم مرَّةً وَما كَشَفتَ جَمالَكَ لأَنْفسِهِمْ آنًا مَعَ ذَلِكَ كَيفَ يقدِرُ أَن يُرِيدَ هَذا العَبدُ الَّذِي لَم يَکُن إِلاَّ كظِلٍّ في ساحة قدسِكَ أَو كعدم عند ظهوراتِ عزِّ قدمك و لَم يكُن ذكره إِيَّاك إِلاَّ كنِداءِ نحلٍ فِي هواءِ بهاءِ لاهوت قدس كبريائِك او كذكرِ نمل في وادِي عزِّ سلطانِكَ فسبحانك سبحانك من بدائِعِ قدرَتِك و ظهورات سلطنتك بحيث انقطعت أَيادي الأَولِياءِ عن ذيل رداءِ عرفانك و منِعت عيُون الأَصفِياءِ عَن ملاحظَةِ أَنوار جمالك و زِيارَةِ طَلْعَتِكَ فَسبحانَكَ سبحانَكَ يا مقصودي عن ذكر الموجودات فسبحانك سبحانك يا محبوبي عن وصف الممكنات و إِنِّي أَشهد حِينَئِذٍ بأَنّ ذكر غيرِك لن يصلَ إِلیك و وصفَ ما سواك لن يرد عليك لأَنَّ عرفانك يطِير فوق ملكوت البقاءِ و ذكر ما سواك مقطوع الجناح واقف في ناسوت الفناءِ فكيف يقدر

\*\*\*ص14\*\*\*

 أن يصعد الفناء إِلى لاهوت البقاءِ فو عزّتك لن يقدر إِلاَّ بحولك و قوتك وجودك و موهبتك و مع هذا المنع الکبرى أشاهد بانّك جعلت هذا الرُّوح طراز وجهك و زينَة طلعتك و به تظهر لطائِف أَسرارِ ملاحتك و به تستر شمس جمال قدسِ أَحديَّتِك بذلك تحيَّرت وَ تحيّرت كلُّ مَن في السَّموات وَالأَرضِ لا إِله إِلاَّ أَنت العزِيز الكاشِف السَّتّار إِذًا أَسئَلك يا إِلهِي بهبوب أَرياح رحمتكَ على هياكِلِ المذنِبينَ و تَنزُّلِ أَمطارِ غفرانِكَ عَلى العاصِين و بحبل الَّذي علِّقَت بهِ قلُوب العاشقينَ و اجتذبت منه أَفئِدة العارِفِين بأَن لاتقطع هَذا الحَبل الَّذِي جعلته سببًا بينك و بين خلقك وَلا تحرمهُم عَن هذا الخيطِ الَّذِي جعلته خادم جمالك و معاشر وجهك ثمَّ أَسئَلك يا إِلهِي بان تصفِّي هواء قلوب عبادك عن غمام النّفس والهوى ثمَّ ارتفع كلَّ ما حال بينهم و بين مشاهدة أَنوار البقاءِ و إِنَّك أَنت الفاضل الباذِل المكرِّم المعطي الرَّحِيم الکرِيمُ.

\*\*\*ص15 \*\*\*

الحی لم ادر یا الهی لمن اصفک و بمن اذکرک فو عزتک صرت متحیراً بعد الذی جعلتنی فی ارض الذلة بمثل الحوت متبلبلا و کلما ؟؟؟ اذکرک لن یرتفع الصوت من لسانی من شدة البلایا التی وردتنی فیها و کلما اجد حب الذکر فی قلبی لم یصعد النداء من سری لکثرة الرزایا التی احطتنی بها بحیث اجد ان شفتای بلطایف قدره یذکرک ولکن لن تسمع اذ نای ما یصفک و اعلم بان جنانی بکمال حبه ینعتک ولکن لم یعرف لسانی بما یذکرک و ان ذلک لم یکن الاجود امن عندک و فضلا من لدنک لا اله الا انت المهیمن القیوم فسبحانک اللهم یا الهی تری بان کل العباد قائمون علی فراشهم و عیون البهاء منتظرة لبدایع رحمتک و کل الانام مسترقدون علی بساطهم و طلعة الرجاء علی وجه التراب مشتاقة لطرایز رافتک کانی انظر الی الجهات بمثل المذنب الذی اذهبوه حتی یصلبوه و هو کان ان ینظر الی یمینه و یساره لعل یاخذه من ایات عطفک و بدایات رافتک ولکن ماشهدته الی الحین و بعد الحین الامر یبدل

\*\*\*ص 16 \*\*\*

و؟؟؟ لا اله الا انت العزیز المحبوب و لم ادر یا ؟؟؟ بهائی ؟؟ مصیباتی ؟؟ الیک و ؟؟؟ اذکر بین یدیک بعد الذی زفرات الدموع ؟؟ عن سلطان ؟؟؟ بلائک و قطرات العیون احجبتنی عن ملیک الوصف لدی ظهور ابتلائک فما اعظم بلائک و ما اکبر انتقامک و کلما احفظتنی ؟؟؟ من بلاء اسلمتنی ؟؟ اخری و کلما ؟؟؟ بحیث لن ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ فاه اه عما اقضبت ببدایع قدرتک و امضیت بطراز قوتک و ؟؟؟ ربوبیتک و احصیت باقتدار قیومیتک و کتبت علی الواح الابداع بایادی اذنک و قدّرت علی وجه الاختراع عند ارتفاع ذکرک و لم ادر یا محبوبی ؟؟؟ ان اصبر تلقاء تموج اریاح قدرتک و اسکن عند تظهر اثار قوتک بعد الذی تعدّمت ارکان

\*\*\*ص17\*\*\*

ببدایع الملکوت عند ؟؟؟ علامات سطوتک و ؟؟؟ الجبروت لدی تشهر ایات سلطنتک فاه اه من ؟؟؟ عند نزول بلائک فاه اه من قلة صبری لدی ظهور انتقامک فو عزتک ان البلایا باکماونها اخذتنی و ان الرزایا باکبرها احاطتنی ؟؟ بما کنت علیه ان ترسل نفحات النور التی و بینتها فی کبد؟؟ لعل یسکن بذلک قلب ؟؟ لافوعزتک ما یسکن و لو تجلسنی علی عرش العماء و تشربنی من انیة الحمراء عن طلعة البیضاء و تسمعنی نغمات الورقاء عند شجرة ؟؟؟ من نقطة القضاء لانی فو ربی رب السموات و الارض ما ا ردت فی شان الا اتباع امرک و الخضوع لدی ظهور سلطنتک و الخشوع لدی باب رحمتک و ان لم اکن یا الهی ناصراً لامرک لکنت منادماً لاحبائک و ان لم اکن مضیعاً لسلطان ؟؟ لکنت معینا لاصفیائک فسبحانک سبحانک انک انت اول الغافرین و انی انا اخر الثابتین فارحمنی ببدایع رحمتک و الطفنی بلوامع احسانک انک انت المعطی بلاسوال

\*\*\*ص 18\*\*\*

والمخفی ؟؟ وحدک لا اله الا انت ؟؟ العطوف و کلما

\*\*\*ص19\*\*\*

؟؟ لمشاهدة انوار جمالک غیرها بما انت تحب و ان لم تکن تلک الارض محل ؟؟ سلطنتک ؟؟؟؟؟؟/الواح عزک لاکون من ؟؟؟؟؟؟بحضرتک ؟؟ بین عن کاوس عظمتک و ؟؟؟ الی صرف وجهتک و المتصاعدین ؟؟؟؟؟؟؟صمدانیتک و المنعاد ؟؟؟؟؟؟الاحدیة بقدرة ؟؟؟ و ؟؟؟ بایات ؟؟؟؟ و المسترفدین علی بساط ربانیتک و المتمسکین بعروة سلطان ؟؟؟ و المستظلین فی ظل ؟؟؟ شجرة ازلیتک و المستجلسین فی قباب ؟؟؟ عند تظهر شمس وحدانیتک و الساکنین فی خیام الصمدیة لدی تنزل ایات فردانیتک و المستشربین عن کاوس الانقطاع من ؟؟ جمال کبریائیتک والمستغنین من تغنی الانجذاب ؟؟؟ورقاء بهائیتک لعل یسکن قلبی و یسرد؟؟؟؟؟ نفسی و بهیج روحی و توقد نار حبی و ؟؟؟ نور سری و یضیئ و ؟؟؟ و تحرک من الشوق جسمی و تصاعد من ؟؟؟و جسدی و اکون من لذینهم

\*\*\*ص20\*\*\*

کانوا من فضلک مستریحون و من عنایتک سالمون و صل اللهم یا الهی علی من احببته من قبل و تحبنه من بعد و علی من تظهریة یومن ترفع سموات بدعتک و تشرق شمس قدرتک بما انت تحبه و ترضاه اذ انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت المهیمن القیوم مناجات ؟؟؟؟بسم الظاهر المقتدر الرفیع فسبحانک اللهم یا الهی انت الذی خلقت الموجودات بقوة صمدانیتک و اظهرت المقدورات بقدرة ؟؟ و البستها قمص علامیتک و اخلعتها خلع قدامیتک ؟؟؟ الکل عن سلطان ازلیتک فی کور الهویات و یدلن الکل عن ملیک احدیتک فی دور الممکنات و جعلت نقطة الوجود نفس العلوم فی طرز البدایات و ؟؟ العلامات بحیث ما اردت لغیره ذکرا فی ساحته و لا لدونه عزا فی مملکته و ما قدرت بینهما فصلا و لا فصلا و لاذکرا و لاوصفاً لئلا یحتجب احد فی ملاحظة المصنوعات عن زیارة جمالک و لئلا یبعد نفس عند ظهور المعلومات عن مشاهدة جلالک فسبحانک سبحانک عن علم المعلومات

\*\*\*ص21\*\*\*

و سبحانک سبحانک عن وصف المقدورات فوعزتک یا سیدی او تهب کل الاسماء باتمها و کل الصفات باکبرها علی شیئ من ایات ملکک لحق و ان لن یظهر عنه شیئا فی ازل الازال و لم ؟؟منه حرفا من سبحات الجلال فسبحانک سبحانک ما اعظم قدرتک و ما اکبر سلطنتک بحیث جعلت کل الوجود مطلع علمک و مخزن عزک فو عمرک لو یرید احد من اذلانک ان یظهر کل العلوم من نقطة التراب لیقدر لان سلطان عنایتک قد تلجلجت فی سرّ الاحدیات و ملیک کفایتک قد تحرکت فی مستسرّ الصمدیات و کل ذلک ذکر لعلم الذی خلقت به الشهودات و اظهرت به المذکورات من دون ان یخرج عن ایة احدیتک من شیئ او ان یدخل فیها من شیئ ولکن علم الذی کان نفسک لن یعرفه احد الا انت و لم یقدر ان تصفه نفس الا انت و لم یکن له وصفا دون نفسه و لاذکرا دون ذاته و لا نعتا دون جنابه فسبحانک سبحانک عما یقولون العباد فی وصف وصفک تنزیهاً کبیرا فسبحانک اللهم یا الهی لم ادر کیف اذکرک

\*\*\*ص22\*\*\*

بعد الذی قطعت السبیل عنی و من کل الجهات اخذتنی و کیف لا اذکرک بعد الذی بسلطان ذکرک امرتنی و بملیک عطفک دللتنی فو عزتک یا محبوبی ما ارید الا انت و ما اصف الا انت و ما اقصد الا انت و ما اطلب الا انت و ما اکون الا لک و ما انت الا بک فو عزتک التی کانت نفسک لو لا ؟؟ ان تزل اقدام العارفین و قد ؟؟ عقول الموحدین لنزعتک عن کل شیئ و قدستک عن کل وصف و ارجعت کل الوصف التی کانت الناس ان یصفوک بها الی نقطة التراب لیظهر سلطان عزتک فی جبروت الهویات و یبرهن ملیک نزهتک فی ملکوت الاحدیات ولکن کیف یکون ذلک بعد الذی اختمت علی لسانی بقوتک و کیف یظهر هذا بعد الذی ابعدتنی بقدرتک فسبحانک اللهم یا الهی و محبوبی انت الذی اجلستنی فی خیام عظمتک ثم بعد ذلک اخذت عمودها و اسکنتنی فی فسطاط رفعتک ثم قطعت حبالها فلک الحمد یا الهی علی ما انزلت علی عبدک من رشحات سطوتک و لک الشکر یا منائی علی ما ارسلت علی ابن امتک

\*\*\*ص23\*\*\*

من طفحات بطشتک بحیث احاطتنی اثار غضبک من کل الجهات و لن یقدر احد ان یقوم معی تلقاء تظهر ایات قهرک ولایمکن لنفس ان یکون معی عند ؟؟ و علامات اخذک فسبحانک سبحانک ما اعظم حزنی و ما اکبر بلائی بحیث او تصدونی فی صدر الجلال و تشربنی من کاوس الاحدیة عن طلعة الجمال و تسترنی فی قمص العنایة خلف سرادقات العزّ و الفضال و تدخلنی فی قباب العظمة عند تظهر شمس الازال فو عزتک ما یفرغ حزن کبدی و لم یرفع هم فوادی و ما تسکن حرقة قلبی و لن یطفی غم بهائی و لم ادر یا الهی لم ابقیت فی الارض من لم یرده احد من الموجودات و کیف اسلمت فی الملک من لن ؟؟؟ من المخلوقات فسبحانک سبحانک ما وجدت بمثلک صبورا و ما عرفت ؟؟ مطروحاً ولکن فوعزتک مع کل ذلک او تقتلنی بکل الاشیاء و تشتک قلبی بکل الاسهام و ترفع راسی علی جمیع الارواح و ؟؟ فی البلاد حتی فعلوا به ما یحبون العباد لکنت حاکما فیما حکمت و مطاعاً فیما اجریت و مختارا بما فعلت و مولاء فیما احببت و لیس لی

\*\*\*ص 24\*\*\*

ان اعترض بحرف ؟؟؟ مع عجزی و ذلی علمت و ایقنت فانک لا تعمل ؟؟؟؟ و ان ذلک من منتهی فضلک لعبدک و منتهی عنایتک لابن امتک ولکن لن یعرف احد کیف ذلک الا من جعلت الیوم بصره حدیدا و کفی بنفسک علینا اقول شهیداً فسبحانک سبحانک انی قد کنت عن الظالمین و ؟؟؟ فی ظلمات البعد ان لا اله الا انت سبحانک الی ملکوت من ؟؟؟ و ارحمنی اذ انک انت بحور العارفین و الحمد لله انت الله رب العالمین ؟؟؟ فی نفسک یا الهی بان ترحمنی بعد الذی ایقنت بانک کانت ارحم الراحمین اتری فی سترک یا سیدی بان لاتسودنی بعد الذی علمت بانک انت مولی العالمین فسبحانک یا الهی لم تکن لعبدک فمن یکن له مونساً فان لن تکن لابن ؟؟؟؟ ان یکون له حسبیبا لا فو حضرتک لانک بسلطان عنایتک ؟؟؟ عن کل الجهات و بملیک رافتک ؟؟؟؟ عن کل الممکنات و ان کان ذلک مخالفاً لنفسه او موافقا بها بحیث ما بقیت له شیئا دون طوالع ذکرک و طرائز وصفک ان انت تقبلها

\*\*\*ص25\*\*\*

فلک الحمد حمدا ینزل العنایة من سموات ازلیتک فلک الحمد حمدا ؟؟؟ انت کینونتک فلک الحمد حمدا یلبق لسلطان احدیتک و ینبغی لملیک صمدیتک فسبحانک سبحانک الی اکون من الغافلین و اقول ارحمنی یا من بیدک ملکوت العالمین

هو العلی الاعلی

فسبحانک اللهم یا الهی تری فقری و افتقاری و عجزی و انکساری و ضری و اضطرابی و کربی و ابتلائی کانک ؟؟ ابواب رحمتک علی ؟؟ عبدک و اخرجته عن جوار سلطنتک و اطرد ؟؟ رضوان قدس مکرمتک و ؟؟؟؟ و فضلک کانک انسیته و اترکته فی اراضی هجرک و فراقک و اودعت فی مقابلة وجه اعدائک ؟؟؟ مایشاون و یجری علیه ما یریدون اما تسمع ندائی یا الهی و اما تشهد ؟؟ یا محبوبی و اما تنظر الی یا مالکی فسبحانک یا الهی فی کل ؟؟ ادعوک و لم تجبنی و فی کل الاصباح امادیک و لم تذکرنی ؟؟ علی نفسک بان تخیب لا ملیک او تحرم ذاکریک او تطرد ؟؟ فو عزتک یا الهی قد بلغت

\*\*\*ص26 \*\*\*

فی الذلة الی مقام ؟؟؟ عن نسمات رحمتک و وصلت فی الفقر الی ؟؟ نفسی محروماً عن نفحات مجدک بعد ایقان بشمول عنایتک علی اهل مملکتک و اقراری بجریان رحمتک بین خلقک فسبحانک یا الهی فو عزتک ما خرج عن نفسی فی ایامک نفس راحة و ما وجدت فی عهدک لجسدی موطن امن و انت احسیت کل ذلک باقتدار سلطنتک و اطلعت ؟؟ باحاطة قیومیتک مع کل ذلک ؟؟ القدیمة ؟؟ صبرت فسبحانک سبحانک یا مقصودی اذا؟؟ عن نفسی ؟؟ الی حرم قدس فردانیتک و ؟؟ عن کل ماسواک الی کعبة عز صمدانیتک و اعرضت عن کل الوجود و اقبلت الی جمالک ان ترحمنی فانک خیر راحم و ان تعذبنی فانک انت العادل الحکیم

فاجعل یا الهی هذه الارض مبارکاً و امناً ثم احفظنی حین دخولی فیها و خروجی منها ثم اجعلها حصناً لی و لمن یعبدک و یسجدک لاکون متحصناً فیها بعنایتک و محفوظا فیها عن رمی المشرکین بقوتک و انک انت القادر المقتدر العزیز الرحیم

فسبحانک اللهم یا الهی اشهدک حینئذ و کل من ؟؟فی حول عرشک الاعظم و سکان ملاء ؟؟؟ الذینهم ؟؟؟ علیهم من انوار القدیم ثم اسمائک الحسنی و هیاکل عزک الذین سکنوا فی مدینة البقا بانا کل مومنون بایاتک و مستظلون فی شجرة عنایتک و مسترقدون فی مهد رحمتک و؟؟؟ و الساکنون فی شاطی عز احدیتک و القبلون علی هیاکل عز هویتک و بانک انت الله لا اله الا انت المقتدر المتعالی العلی الاعلی ثم اشهدنک حینئذ فی دارالسلام قربک و مدینة التی اشرقته فیه من انوار رحمتک بان هذا عبدک الذی خلقته بمشیتک و رزقته باذنک و قدرت له ما اجریت من قلم امضائک علی لوح قضائک و اغذیته من اثمار التی خلقتها بقدرتک و اظهرتها من اغصان سدرة عنایتک و اطعمته من فواکه الاسفی فی اراضی انشائک و اشربته من میاه العذبا من انهار قدس مرحمتک و کان بعد ذلک

\*\*\*ص28\*\*\*

و بعد ما اکرمته بجودک و اکرمته باحسانک کان ناسیا عن اداء حقک و غافلا عن جمال عز سلطنتک بحیث ما اقبل الی مداین الاعلی فی ظل اسمک الاعلی و کان فی ذلک حتی بلغ ایامه الی غایة التی قدرت له اذا تکلکلت لسانه و تعمیت ابصاره و تصمت اذانه و تیبست رجلاه و تمنعت عن الحرکة ایداه و اذا یرجع الی مرجعه فی التراب فی بیت التی لن بعیده احد و لن یصلحبه نفس و لن یرافقه من مونس و لن یرحمه من راحم و لایستضیئه من سراج و انا کل حینئذ بلسانه نقرّ بذلک و نعترف بعنایتک التی سبقته بفضلک ولکن اسئلک یا الهی و سیدی و محبوبی لما نسبته الی عبادک الذین نسبتهم الی نفسک اسئلک بهم و بانوار وجهک الاسنی و بایاتک الکبری و بظهورات قدسک فی هیاکل البقا بان تغفر عنه و تکفر عنه سیئاته ثم اقبل عنه مالا عمل فی ایامک ثم فاعتذ رمیه مالاعمل عند تجلی انوارک ثم اسکنه فی ظل عنایتک فی جنة التی جعلت عرضها کعرض سمواتک و ارضک و انک علی ذلک لمقتدر قدیر

\*\*\*ص29\*\*\*

هذا کتاب من السین بعد ؟؟ لن یاه ؟؟ البیان فاقرقون فسبحانک اللهم یا الهی اسئلک بذاتک الغیب فی مکمن البقا و بذکرک العلی الاعلی و بجمالک القدس فی فردوسک الابهی و بنور وجهک فی سرداق ؟؟ و بحر وفاتک العالمین و کلماتک المقدسین فی رفارف الابقی او بهیاکل قدسک التی ما سبقت علی عرفانهم حقایق الموجودات و بوجوهات غیبک التی ما احاطت بهم ادراک احد من الممکنات بان تغفر الذی عرج الیک و نزل علیک و طار فی هواء قربک و صعد الی سدرة عزک ثم ادخله یا الهی فی رضوان احدیتک ثم اشربه یا محبوبی من خمر التی ؟؟ عن یمین عرش هویتک ثم ارزقه من ثمرات شجرة الفردوس فی ریاض عزّک و وصلک ثم جد جوادک یا جوادا بجودک ثم اجره یا منائی فی ظل رحمتک الکبری عند شجرة القصوی و سدرة المنتهی ثم اسمعه من نغمات حماماتک التی ما فاز بها احد من عبادک فی اراضی الادنی و انک انت العزیز المقتدر الغفور الرحیم ثم اسئلک یا اهلی بدم الذی سفک فی سبیلک و بقلب الذی

\*\*\*ص 30\*\*\*

حرق فی محبتک و بعظم الذی ذاب فی عشقک و شوقک و بجسد الذی انهدم فی ودّک و بجسم الذی اوقد فی حبک بان تکفّ شر هذا الصبحی عن راس بریتک ثم اخذه یا قادراً بقدرتک ثم اهلکه یا حاکما بحکومتک ثم احدمه یا مقتدرا باقتدارک لیستریح بذلک افئدة المقربین من عبادک و یطمئن قلوب المخلصین من بریتک اذ انک انت المهیمن القیوم ثم انصر یا الهی عبدک الذی لایطلب ناصراً دونک و لایرید معیناً سواک و انت تشهد یا مقصودی کیف قاموا علیه عبادک بحیث نسبوا الیه ما یلیق بشانهم و افتروا به ما ینبغی لذواتهم و هو فی کل الامور و جمیع تلک الاحوال فوّض امره الیک و انفق روحه فی سبیلک و جسده فی رضائک و جسمه فی مرضاتک و انک انت الناصر المنتصر القادر القدوس

لطلعة الغیاث فی جرّد المستغاث

فسبحانک اللهم یا الهی و محبوبی کل العباد ینزهونک عن غیرک و کل الانام یقدّسونک عما سواک ولکن انی مع عجزی و فقری ماوجدت

\*\*\*ص31\*\*\*

غیرک حتی انزهک عنه و ما شهدت سواک حتی اقدسک به فو عزتک کلما طلبت دونک ماوجدته شیئا و کلما اردت غیرک ماشهدته ابداً و کلما اتناذل من ابهی ذروة الاعلی الی منتهی نقطة الثری ماوجدت شیئاً الا و قد وجدتها من ایات وحدانیتک و علامات فردانیتک و اشارات ربانیتک و دلالات صمدانیتک بحیث لم ترید ان تاخذ ایاتک من الوجود ما یبقی شیئ فی ملکک ولن تشهد حرف فی بلادک و لذا جعلت اللیل و النهار ایتین و محوت ایة اللیل و جعلت ایة النهار مبصرة لیبقی سلطان قدرتک فی جبروت الممکنات و تشعشع انوار وجهتک فی ملکوت الموجودات و لن یبلغ احد بسرّ ذلک الا من جعلته فی الملک ساکنا ثم تجعله علی الشمس دلیلا فسبحانک ما اعظم سلطان قدرتک التی احاطت کل من فی السموات و الارض و ما بینهما و ما ابهی ملیک قوتک التی ملئت کل من فی لاهوت الغماءات و مادونهما فسبحانک یا الهی کل الوجود یطلبوک و لایجدوک و کل الشهود یشهدوک و لایعرفوک لانهم لما

\*\*\*ص32\*\*\*

توجهوا الی سراتهم و شئوناتهم من غیرک فنسوک فلما انسوک فانسیتهم انفسهم جزاء بما هم کانوا ان یعملون و بذلک احتجبوا عن زیارة طلعتک و مشاهدة وجهتک و ملاحظة جمالک و صاروا من المحرومین عن لقائک و المردودین عن جنابک و المحجوبین عن حضرتک و کانوا من الخاسرین و المبعدین فسبحانک اللهم یا الهی لم ادر بایّ لسان ادعوک و بایّ بیان انادیک و لم ادر یا منائی کیف ترید ان اصفک اصفک بنفسک او اذکرک بغیرک و ان ترید ان تسمع وصفک من نفسک و ان ذلک حق بمثلک ولکن لن یقدر احد بذلک الا من جعلته مکامن علمک و مخازن نورک و ان ترید ان تشهد وصفک من غیرک و ان هذا ممتنع بمثل مثلک لان ذکر الذی لم یکن من عندک لاینبغی لک و لایلیق بک و لایتعارج الی سموات ازلیتک ولایتصاعد الی بهاءات احدیتک فسبحانک سبحانک کل الوصوف لایبلغ الی بساط عزّک و کل النعوت لن ؟؟ الی سلطان قدرک لانک ما قدرت لنفسک حق قدرک و ما ؟؟؟

\*\*\*ص33\*\*\*

وصف خلقک فو عزتک یا محبوب لن یقدر احد ان یصفک و لن یمکن لاحد ان یذکرک لانک ما وصفت نفسک الا بنفسک و ما نعتت ذاتک الا بذاتک فسبحانک الی قد کنت من المخلصین ؟؟؟و الثابتین بذکرک فسبحانک یا الهی اسئلک بمن اصطفیته لبدایع اکرک و اصطنعته لطوائز قدرک و اجتبیته لودایع سرّک و اختصصته للوامع وجهک بان تلهمنی بما انت تحبه من جوامع ذکرک و تلبسنی قمص عفوک و تسترنی من خلع عطفک و تشربنی من کاوس ؟؟؟ لانی انا عبدک و فی قبضتک لا؟؟؟ بحضرتک و متماسکا بسلطان رافتک و متوسلا بملیک عنایتک اتبعد یا الهی من ربیته لعبودیتک اتخذل یا منائی من ادّبته لخدمتک اتحرم یا رجائی من کانت عیناه منتظرة لنزول رحمتک اتمنع یا مولائی من جعلت بصراه مترصده لظهور غفرک ؟؟ ثم خاشاک بان تطرد من اقربته و ترد من اکرمته او تهلک من ؟؟؟او تکل من انطقته فسبحانک سبحانک انت الذی تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید

\*\*\*ص34\*\*\*

لامانع لامرک و لادافع لفعلک لا اله الا انت المهیمن القیوم و لم ادر یا الهی ان لن ترید ان اصفک فی البلاد لم الهمتنی بتلک الکلمات و ان تحب ان اذکرک بین العباد بم اصرحتنی عن کل الجهات لافوعزتک بل اکرمتنی و لو اجلستنی علی نقطة التراب و دعوتنی و لو اطردتنی عن کل الابواب فما اعز سلطان ربوبیتک لی و ما الذ ملیک عبودیتی لک فما اعلی بدایع عزک لی و ما ابهی طرائز ذلی لک فسبحانک انی قد کنت اول المذنبین و انک انت ارحم الراحمین فاسمع ندائی اذ بیدک جبروت العالمین و اشهدک یا الهی حینئذٍ حین الذی لم یکن عندی احد دونک بانی عبدٌ امنت بک و بایاتک المنزل من عندک و کتابک المرسل من لدنک بحیث ما شهدت من ایة الا و قد امنت بها قبل ظهورها و بعد عز و بها و حین تشعشع جمالها و تلالو نورها خاضعاً لامرک و خاشعاً لسلطان وجهتک و ما امرت العباد الا بما سمعت من لسانک او شهدت فی کتابک لئلا یختلفوا فی امرک و یفسدوا فی بلادک و ما

\*\*\*ص35\*\*\*

اردت فی شان الانشر عوارفک و اظهار معارفک و ما ارید الا اتباع امرک الا قامة علی ما اراد طلعتک و ؟؟وجهتک لتستوقد نار الاحدیة من شجرة ازالیّتک و تبرهن وجهة الصمدیة علی عرش عظامیتک فسبحانک سبحانک انی اکون من الذاکرین و العابدین و اقول الحمدلله رب العالمین

فنعم یا الهی ما استغرد بغاء الدّاود فی حدیقة الزبور من تغنیات ورقاء الانجذاب عند زیارة طلعتک فیاطوبی بما توقدت نار احدیتک فی کینونة ازلیتک فیا روحا بما تنفشت روح الجذب فی ذاتیة صمدانیتک الهی الهی لاتبعد عنی لان الشداید بکلها احاطتنی الهی الهی لاتدعنی بنفسی لان المکاره باسرها اخذتنی و من زلال ثدی عنایتک فاشربنی لان الا عطاش باتمها احرقتنی و فی ظل جناحی رحمتک فاظللنی لان الاعداء باجمعها ارادتنی و عند عرش العظمة تلقاء تظهر ایات عزک فاحفظنی لان الذلة باکملها مستنی و من اثمار شجرة ازلیتک فاطعمنی لان الضعف بالطفها قربتنی و من کاوس السرور

\*\*\*ص 36 \*\*\*

من ایادی رافتک فارزقنی لان الهموم باعظمها اخذتنی و من سنادس سلطان ربوبیتک فاخلعنی لان الافتقار بجوهرها عرتنی و عند تغنی ورقاء صمدیتک فازقذنی لان البلایا باکبرها وردتنی و فی عرش الاحدیة عند تشعشع طلعة الجمال فاسکنی لان الاضطراب باقومها اهلکتنی و فی ابحر الغفریة تلقاء تهیج حوت الجلال فاغمسنی لان الخطایا باطودها اماتتنی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟علی نجم سموات ازلیتک و اثمر ورقات شجرة کینونیتک و نسمات ؟؟ صمدیتک و حروفات کتاب ابدیتک و کلمات

\*\*\*ص37\*\*\*

الواح بدعتک و اشماس مشارق حبوبیتک و اقمار مطالع ذاتیتک و ابراق غمایم سطوتک و اوراد حدیقة سرمدیتک و انوار ظهور نور وجهتک و ثواقب شیاطین امتک بکل شئوناتک و ظهوراتک و بدایاتک و نهایاتک و قوتک و قدرتک اذ بیدک ملکوت الامر و انک علی کل شیئ قدیر و کیف اذکر یا الهی ؟؟ من بدایع قهرک و لوامع ؟؟ ما کنت حمامة بیتک او نملة ؟؟ او ؟؟ من بیداء صمدیتک او بعوضة من برّ ازلیّتک فو عزتک ؟؟؟ و انهدمت او کانی ان ؟؟ فانک انت خیر راحم و ان تعذبنی فانک انت الغفور الرحیم و عند ذلک ؟؟؟ عن سلطان المسّ بما قضی فی الواح عزّ مبین خرجت نفسی عن کل الجهات لئلا ؟؟ امرا لاتحبه و اکون من ؟؟ بذلک جعلت محروماً فی البلاء و مطروحاًبین العباد بحیث ما وجد بمثلی مهموماً مهموماً فی العالمین و اقول الحمد لک اذ انک انت رباً للعالمین و ادعوک بنداء المضطرّبن فسبحانک سبحانک عمّا یقولون المخلصین

\*\*\*ص38\*\*\*

للحی هو المحبوب

و انت ؟؟ یا الهی بان ؟؟ قد ذابت و کبدی قد فادت و روحی قد صامت و سرّی قد ضاجت و ؟؟ ازلیتی قد باحت و سراج احدیتی قد راحت و ضیآء کینونیتی قد نالت و سناء ذاتیتی قد نادت باین این یا غافر الذنبین و یا ؟؟ الخائفین و یا طبیب قلوب المشتاقین فسبحانک یا الهی لم لا تاخذ روحی بعد الذی ما ارید ان اکون فی الملک یوماً و لم لاتقبض سرّی بعد الذی ؟؟ ان اکون اقل من ؟؟ بعد الذی ما قدرت لی احداً لیکون علی العبد؟؟ و ان کان ذلک جزآء ؟؟؟بدایع رحمتک و ان کان کل ذلک ثمراً لخطیئاتی فاین لوامع عطفک و جوامع غفرک فسبحانک سبحانک ؟؟ المولی یلیق طرد ؟؟ او بمثلک المقتدی ینبغی رد الوفاء لافو عزتک انت الغافر بالحق و انا کل بک راجعون فسبحانک سبحانک یا الهی و محبوبی و اقائی و سنائی کیف اذکرک بلسان الکلیل و جسم العلیل و جسد الذلیل

\*\*\*ص39\*\*\*

؟؟؟؟ و نفسی القتیل بعد الذی ؟؟؟ عن کل الجهات و کیف لا اذکرک بعد الذی علمتنی من ؟؟ الایات ؟؟؟ ارید ان اذکرک بسلطان ذکرک ؟؟ فی الحین بانک ذکرتنی قبل ذکری ایاک و کلما ؟؟؟ الی ملیک ؟؟؟تذکرنی بانک وصفتنی قبل ؟؟؟؟ بمثل جودک لاریب فیها فو عزتک یا الهی لو ؟؟؟ ذکرک ما کنت موجودا حتی اذکرک و ؟؟؟؟؟ منعک ما بقیت مشهودا حتی اصفک فسبحانک یا الهی ان لم تکن تلک الاوصاف نفس وصفک فکیف یتصاعد الی سمائک ازلیتک و ان لم تکن تلک الاذکار سرّا لذکرک ؟؟ یتعارج الی ضیاء ؟؟ صمدیتک فسبحانک سبحانک ما عرفک احد الا ا نت و ما وصفک نفس الا انت فلما ایقنت بذلک و علمت هذا اذا اذکرک بسلطان ذکرک واصفک بملیک وصفک و اقدسک بطرائز قدسک و اسبحک ببدایع انسک و اقول سبحانک انی اکون من الثابتین الارض من وجد بحرف من ابداعک کیف یقدر ان یعرف وجهة ازلیتک او یصف طلعة صمدانیتک فسبحانک انی اکون من

\*\*\*ص40\*\*\*

المستغفرین و اقول الحمد لک اذ هو ارحم الراحمین

هو الحی قد کان بنفسه قیّوماً

فسبحانک اللهم یا الهی لاتخذل من عزّزته بسلطان ازلیتک و لاتبعد من ادخلته فی خیام صمدیتک اتطرد یا الهی من کنت له مربیا اترد یا منائی من کنت له محصّنا او تذل من کنت به معززا او تنسی من کنت له مذکراً فسبحانک سبحانک انت الذی لم تزل کنت سلطان الممکنات و محرکها و لاتزال و تکونن ملیک الموجودات و مدبرها فسبحانک یا الهی ان لم ترحم عبادک فمن یرحمهم و ان لن تاخذ ایادی احبائک فمن یاخذهم فسبحانک سبحانک انت المعبود بالحق و انا کل لک عابدون و انت المشهود بالعدل و انا کل لک شاهدون اذ هو المحبوب بالفضل لا اله الا هو المهیمن القیوم

للحی هو القیوم

فسبحانک اللهم یا الهی انک لتعلم بان العباد کلهم اتفقوا علی ذلتی و انت ایدتهم علی ما هم یریدون و کل الرقاد اجتمعوا علی خروجی و انت قدرتهم علی ما هم یحبون فلک الحمد یا الهی بما هم کانوا ان یفعلوا

\*\*\*ص41\*\*\*

لان کل ما فعلوا ما کان الا من فعلک و کل ما عملوا لم یکن الا بامرک فسبحانک یا الهی اتبعد من ابعدوه کل العباد او تطرد من اطردوه عن کل البلاد و ان کان ؟؟ اکثر من ان ؟؟ و قد کان عفوک ازید عما یحصی و ان کان ذنبی اظهر من ان یخفی ولکن عطفک اکبر من ان یطفی فسبحانک سبحانک انی قد کنت اول السن فبین و اخر الثابتین و صل علی غیب العماء نقطة السناء محبوب العارفین

بسم الصمد المقتدر

فسبحانک یا الهی انت الذی خلقت الممکنات بحروف من کتاب امرک و اظهرت الموجودات ؟؟ من سحاب قدرتک و ما قدرت الموجود علة دون نفسه و ما اقضیت للوجود و صفادون ذاته بحیث ما جعلت فی رتبة ذکرا عن غیره و ان هذا رشح من ابحر صمدانیتک و ؟؟ من امطر نزاهیتک لیظهر سلطان قدرتک فی ملکوت الهویات و تشعشع ملیک قوتک فی جبروت اللانهایات و لایعلم احد کیف ذلک الا من عرفته مکامن احدیتک و مخازن ازلیتک فکیف یلیق لذلک المولی

\*\*\*ص42\*\*\*

ثنآء البهاء فسبحانک سبحانک انت المقتدر ذو الاحتشام و انا المختصر ذی الافتقار و اکون من الذاکرین و اول العابدین و صل علی المستغاث جوهر الهویةمن الله رب العالمین

هوالله العزیز المتعال

فسبحانک اللهم یا الهی حینئذٍ ارید ان اذکرک بذکر المقدسین و اسبحک بتسبیح المقربین مع علمی بان کل ذکر الذی یظهر من عند غیرک لن یصل الیک و لن یعرج الی ساحة عز ازلیّتک و لن یصعد الی بهاء مجد کینونیتک و مع علمی بان لن یقدر احد ان یذکرک بثناء الذی ما ذکرت به من قبل فسبحانک سبحانک من کل ذکر بدیع و عن کل ثناء جمیل فصل علی اول نور ظهر من کینونتک و اضآء من جوهر ذاتک و لاح من شمس احدیتک و اباح من قمر ابداعک و علی الذینهم امنوا بک و بایاتک و عملوا کل ما انت تحب اذ بیدک ملکوت کل شیئ و انک انت علی کل شیئ قدیر

هو

فسبحانک اللهم یا الهی اشهد حینئذٍ حین الذی

\*\*\*ص43\*\*\*

یضج مآء الاحدیة من سطوة نار ازلیتک و ینادیک بلحن الذی لن یعرفه الا من تصعد الی سمآء عز صمدیتک انک انت الذی خلقت الموجودات بقدرتک و البستهم قمیص عنایتک و خلع مکرمتک و اودعت فیهم حبا منک لیشغفون بجمالک و یستجذبون بانوار قدسک و ما قدرت لهم شیئا اکبر من ذلک و الطف من هذا فذا یا الهی و محبوبی فارحم علی الذین رجعوا الیک و سرعوا الی فنآء امرک و استجاروا بیت رحمتک و کهف عنایتک و طلبوا من جواهر جودک و جوامع فیض فضلک و طرائز عفوک و علی الذی امن بک و بایاتک و کما جعلته کبیرا فی الاسم فاجعله محبوبا فی الفعل لیظهر سلطان قدرتک فی جبروت الاسماء و الافعال اذ انک انت علی کل شیئ قدیر

هو هو

فسبحانک اللهم یاالهی انادیک حینئذ حین الذی اکون متغمساً فی ابحر رضائک و متمسکا فیه من غمرات الدهر بفلک عنایتک فلک الحمد یا الهی علی ما اکملت نعمتک علیّ و علی المخلصین من عبادک بحیث اشرقت

\*\*\*ص44\*\*\*

علیهم من انوار قدس صمدیّتک و اسرار عزّ جبروت احدیتک و اغنیت الکل بسلطان عنایتک فیما عرفتهم منها ح ربوبیتک و اسبال هدایتک و امسکنتهم فی جوار رحمتک و انزلت علیهم من ایات قدس سلطنتک فسبحانک سبحانک من یقدر ان یقدسک علی حق تقدیسک او یشکرک علی ما یلیق بک فی ؟؟ و تنعیمک فو عزّتک کل عاجزون عن جمیل ثنائک و کل الانام متحیرون من بدایع اکرامک اسئلک حینئذٍ بنار کینونتک و نور ازلیتک ان تهب هذه الامة ما طلبت منک من بدایع فضلک ثم احفظها عن کل دآء و بلآء و شرفها بلقائک و غنائک فادخلها فی ظل عطوفتک و اکرامک و اعطها خیر الدنیا و الاخرة ان کانت مومنة بک و بایاتک و فیما نزلته علی طلعتک الاعلی من بدایع ایات عزّتک و جوامع اثار حکمتک ثم اجعلها فی الارض من المتوارنین

هو النور بالحق و کان الله حیا قدمیّا

فسبحانک اللهم یا الهی انادیک حینئذ حین الذی انقطعت بکلی عن کل من فی السموات و الارض

\*\*\*ص45\*\*\*

و تمسکت بحبال عنایتک و قطعت الاسبال الیک ؟؟ وقفت فی قطب ؟؟؟ و رجعت من الخلق الیک و اعرضت عن کل الوجوه و وجهت بوجهی تلقاء شمس ازلیتک و ما طلبت الا من بدایع فضلک و ما رجوت سوی بدایع اثار صنع ربوبیتک و بذلک هجموا علی عبادک و ؟؟؟؟ بسهام اوهامهم بحیث وصل الامر الی محل قد ضاقت الارض علی بانبساطها فیما اکتسبت ایدی عبادک و طغاة اهل مملکتک کانی ابتلیت فی فم ثعبان سود؟؟؟ حمر وحیّات ؟؟ و کلاب بیض و لا اجد لنفسی ملجا الا الیک و لامعین الا انت و لا ناصرا دونک و لاحافظاً سواک و ابتلبل حینئذ فیما یلسعونی هولاء الذین اختلفوا فی شانی بعد الذی ما قدرت لی من امر دون العبودیة لوجهک و السجود لدی ظهورات سلطنتک و الانابة عند ابواب فیض مرحمتک ولکن یا الهی من جرّد عنایتک و ساذج مکرمتک و جوهر ودّک و لطیفة حبّک اقصتنی قمص هدایتک الذی ما سبقه احد من خلقک و لایسیقه نفس

\*\*\*ص46\*\*\*

من بریتک حیث نزلت فی کتابک الذی سمیّته لنور و ارفعته الی اعلی افق الظهور و تغنیت فیه اعلی تغنیات ازلیتک و ترنیات عزّ صمدیّتک فجعلته مهیمنا علی کتبک و ناطقا لاثبات حقک و مدلا علیک فی اظهار سلطنتک بحیث لن یعرفه احد دونک و لن یبلغ الی کنه معارفه نفس سواک قلت فیه و قولک الحق ان الله قد قدر لک مقاماً لایسبقه من احد و بعد ذلک امرتنی فیه بان ادعوا الکل الیک و اتذکر الکل باذکار حروف ازلیتک والقی علیهم من جواهر حکمتک و سواذج علم احدیتک لیتم نعمتک علی المقربین من عبادک و یظهر سلطنتک علی المقدسین من اصفیائک و ملخصصت احد بذلک و ما شرقت نفس فیما شرفتنی فیه بعنایتک و افتخر بذلک فی ملکوت امرک و جبروت عزک و بعد ذلک ارسلت کتابک الیهم باذنک و انت اطلعت علیهم بانهم ما قرئوا حرفا مما فیه من ایاتک و لو قرئوا ما اختلفوا و لما اختلفوا دلیل باتهم ما التفتوا بکتابک و ما شهدوا ما قدر فیه من اسرار قضائک و شئونات امضائک کانهم

\*\*\*ص47\*\*\*

؟؟؟؟ لیطلعوا ما فیه من بدایع حکمتک و جواهر صنع الوهیتک و ظنوا فی حقی مالا اذنت لهم و تکلموا بما استحق ان ذکره عندک او عند احد من احبائک فلک الحمد یا الهی علی کل ذلک و علی ما نزلت علی فی سبیلک فاسئلک یا الهی بالذی جعلته سلطانا علی و علی من فی السموات و الارض بان تجعلنی طائرا فی بلائک و راضیاً بقضائک ثم اجعل بصرای معرضاً عن دونک و مترصدا لبدایع رحمتک لعل ینزل علی مما یسکن به قلبی و یسر به ذاتی لاستبشر فی ظل عنایتک الاعلی و استرقد فی جوار رافتک الابهی و اسئلک حینئذ بان تعفو عن الذین غفلوا عن ذکرک الکبری و التفتوا بما یشتهی به الهوی ثم اغفرهم لانهم عبادک و ارقائک و لابملکون لانفسهم نفعاً و لاضراً و لاحیوة و لانشوراً فاجعل اللهم یا الهی قلوبهم طاهرة و ابصارهم ضافیة و اسماعهم ذاکیة لیسمعون ایاتک بسمعهم لابسمع غیرهم و ینظرون الی رفرف الاسنی بجناحی حبهم و یصعدون الی افق الاعلی ؟؟؟ لعل یملکون بقدرتک ما خلقت لهم

\*\*\*ص48 \*\*\*

فی انفسهم بقوتک و ان ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ نار توقدت من نار کینونتک ؟؟؟ من احدیتک و ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

و طلبوا رضائک و سکنوا فی دیارک و رقدوا فی جوارک اذ بیدک سلطان القدرةو لاقتداری فی یمینک ملیک القوة و الاختیار و انکات علی ما تشآء قدیرا و بما تعملون العباد علیم خبیراً

هو

فسبحانک یا الهی ان هذا عبدک الذی اطلع عبدک هذا بامر من عندک و سافر فی سبیلک و ادرک ؟؟؟ السیف و برد الشتا فی هجرته فی ؟؟؟؟ و صبره فی قضائک اذا اسئلک یا الهی باسمک الاعلی

\*\*\*ص49\*\*\*

بان تجعله من الصابرین فی قضائک و الشاربین عن؟؟؟ جمالک ثم اظهره علی الارض و من علیها بضیاء انوار وجهتک یستریح علی عرش البقا فی جورا سلطنتک و یسکن علی کرسی ؟؟ فی ظل عنایتک ثم اکرمه یا الهی ما یحب و یرضی و انک انت علی ذلک المقتدر قدیر

فسبحانک اللهم یا الهی اسئلک بحسن جمالک الذی به اشرقت علی الممکنات من ظهورات شمس ازلیتک و بروزات قمر احدیتک بان تجعل عبدک الذی امن بک من هیاکل قدس صمدیتک و ترفعه الی مقام الذی یسکن فی جوار رحمتک و یستریح فی ظل عنایتک فاجعله محسنا فی الفعل کما سمیته حسنا فی الاسم و انک کنت علی ذلک المقتدر قدیر

فسبحانک اللهم یا الهی ان هذه امتک التی امنت بک و بایاتک و سرعت الی میادین عفوک و ؟؟ و شربت من ؟؟ عفرک و وصالک حتی ؟؟ بقربک و جوارک و صعدت بجناحی العبودیة حتی زارت شمس تجلیک و ؟؟؟ و سمعت الحان طیور تقدیسک و حضرت بین یدی عبدک هذا

\*\*\*ص50\*\*\*

فاسئلک یا الهی بان تجعلها راضیاً منک و ناظرا الیک و شرفها؟؟؟ و لطیف مناجاتک اذ بیدک ملکوت کل شیئ و انک انت علی کل شیئ قدیر

فسبحانک اللهم یا الهی انادیک باسمک الذی اقمت السموات علی ؟؟ ازلیتک و ارفعت خیام الامر علی عرش مجد احدیتک بان تنزل علی ؟؟؟ اسمک الاعلی و سلکن فی منهاج حبک فی جبروت الادنی ثم ارفعهن یا الهی الی مقامات القدس ؟؟ جوارک لیکونن من الشاکرین فی دیارک و الشاربین من کاس رضائک اذ انک انت المقتدر علی کل شیئ و انک انت العزیز المحبوب

هوالله الملک العزة المتکبر القدوس

نادیک حینئذ یا الهی حین الذی توقد سراج الاحدیة فی مشکوة ؟؟؟ رب هذا الشمع لصمدانی فی مصباح الحمرا و ؟؟ من القلب من نار لحزن فی کبد البهاء و ؟؟ دیک الامر فی ملکوت الاعلی و یجری دموع الحمر علی ؟؟؟ الصفرا فانه لو ؟؟ بین یدیک من ؟؟ المداد علی لوح الخضراء

\*\*\*ص51\*\*\*

ولکن فی یسر قلبه یکتب من قلم الدّم علی قطعات کبد ما لا یقدر احدن یسمعه فی جبروت الادنی فسبحانک ؟؟؟ نسمات الروح عن مدینة البقا و سقطعت اثمار شجرة الطوبی و ؟؟ اغصان سدرة المنتهی و تبکمت ؟؟ الورقاء فی ملا الاعلی و تبدلت ؟؟ فی غرفات الابهی فیما ؟؟؟؟ عقاریب الجبال و ؟؟؟ بحیث لو ارید ان التفت الی الیمین ؟؟ سموئها و لو اتوجه الی ؟؟؟؟ و لو ارید ان ارفع ؟؟؟؟ ینزل علیه ؟؟؟و وصل الامر الی مقام الذی انقطع علی کل ؟؟؟؟؟ من نعماء الدنیا و ان ارید ان ؟؟؟؟ اشرب من دم قلبی و ان ارید ؟؟؟ اکل من قطعة کبدی فکل ذلک یا الهی من ؟؟؟ الذی ؟؟؟ علیّ فی محبتک و نزل علیّ فی طاعتک فانک انت حینئذ ان تکون ؟؟؟ حفظی فاحفظنی و ان لن تفعل ذلک فابن لی بیتا عند عرش عظمتک فوق سموات عز ازلیتک ثم ارفعنی الیک لاسکن فیها بعنایتک و استریح فی جوار رحمتک لانی ما اجد لنفسی فی ارضک

\*\*\*ص52\*\*\*

من مقرّ علی قدر الذی اقع رجلی علیها او اقیم فیها و بها لان عبادک ؟؟؟و اطردونی و فی کل یوم یشاورون فی قتلی و یقولون فی حقی مایشاون و یحکمون علی ما یریدون بحیث صرت ؟؟؟ ولن اجد من ؟؟؟ الیه ولا من مقرّ لاستقر فیه و لا لی من مامن لاسکن علیه فاه اه لیس لی من ام لتسکی علی حالی و لالی من اخت ؟؟ و ؟؟ عزاتی و مصیباتی و لاعندی من مونس ؟؟ فی بلائی او یرافقنی فی ابتلائی و رضیت بکل ذلک لما ورد علی فی سبیلک فیالیت عبادک یرضون بذلک و یکفون بنفسی عن کل ذلک لافو عزتک ما یرضون بذلک بل ؟؟ علی طلعتک الذی اقمته مقام نفسک و اجلسته علی کرسی ربوبیتک و اخفیته فی خیام عظمتک و سرادق رفعتک و انشعبته من بحر احدیتک و اوقدته من نار ازلیتک و ارفعته الی مقام الذی لن یعرفه من احد و لن یحصیه من نفس و جعلته حصنا للعباد و نورا فی البلاد و قدرت رجوع الناس الیه کرجوعهم الیک و جلوسهم بین یدیه ؟؟ بین

\*\*\*ص53\*\*\*

یدیک مع کل ذلک خالفوا به و حاربوا معه فی السر و الجهر بحیث ارفعوا رایات الاختلاف علیه و اعلام الفساد لامره حینئذ اسئلک یا الهی بنور ازلیتک الذی به اضائت السموات و الارض بان تجعل رجلای من الحدید لاقیم بهما علی خدمته و خدمة من یحبک و لاکون ناصرا لامرک و حافظا لحکمک حتی استشهد فی سبیله بین یدیک اذ بیدک ملکوت کل شیئ و انک انت علی کل شیئ قدیر ثم اسئلک یا الهی ؟؟ الذی ؟؟ فی سبیلک و ما ؟؟؟ بان تصعدنی الی احبه ازلیتک و ترفعنی الیها بعنایتک و لاتحرمنی عما قدر فیها من بدایع ؟؟ احدیتک و جواهر الاءصمدیتک لاکوز من الساکنین فیها و السایرین فی جوار رحمتها لئلا یمنعنی همسات الشاطین عن ؟؟ ایاک و شوقی الیک و شغفی بک و ولهی علیک لانها حبه خلقت من جراسیم قدرتک و ذوتت من لطایف قوتک بحیث کانت الشمس فیها مشرقة لاتکسف و ؟؟ مضئی لایخسف و ؟؟ لاتتساقط و بیوتها ؟؟؟؟لاتتغیر ؟؟؟ لن تتبدل و اسرارها لاتستر

\*\*\*ص54\*\*\*

و نسیمها لن یقطع و کنوزها لاتفنی و نورها لا؟؟ و قمیصها لایبلی و ایاتها لاتنسخ و قطوفها دانیة و ثمورها باقیة و اوراقها دائمة و لدیمها بالغة لم تزل کانت شمسها فی وسط الزوال و قمرها فی مطلع الجمال فسبحانک سبحانک یا الهی فو عزتک لو اذکر بدوام عزّ سلطنتک و بقاء ؟؟؟ قدرتک فی وصف ؟؟ فیما خلقت فیها من ظهورات صنع ربوبیتک و شئونات قدس الوهیتک لاکون عاجز کلیلا خاسراً ؟؟ یظهر حرفا من جواهر صنع الذی خلقت فیها بقدرتک و انشات فیها بارادتک فسبحانک سبحانک و ؟؟ ینبغی رداء العظمة و الکبریا و جواهر القدرة و الاقتدار اذ انک انت المقتدر بالحق و انا کل لک عابدون و الیک راجعون

بسم الله العزیز المقتدر الجبار

فسبحانک اللهم یا الهی انت الذی خلقت السموات

\*\*\*ص55\*\*\*

من قلم ابداعک و الارضین من نفحات الواح اختراعک و کوّرت بینهما من اکوار هویتک علی مقادیر صنع ازلیتک و دوّرت علیها من ادوار ربوبیتک علی ما اختصصت فیهما من جواهر ظهورات عز سلطنتک و ارسلت اریاح المحبة عن یمین ارادتک و نزلت امطار العنایة من سحایب جود مکرمتک و مزجت هذا الماء الحی الحیوان العذبیة بهذه الارض المقدسة المنیرة اذا ؟؟؟ افئدة الموجودات فی قمایص بدعک و اهتزت عظایم المخلوقات من بدایع قدرتک و تولهت قلوب المقربین من جواهر فضلک و تجذبت عقول المخلصین من نغمات جذبتک اذاً ظهرنی کل شیئ ایات قدرتک علی قدر مراتبهم و استعدادهم لیمیز الخبیث من الطیب فی اقبالهم الیک و اعراضهم عنک فبذلک اقبلت نفوس المقدسة الی شمس جمالک و اعرضت قلوب المکدرة عن کعبة ذاتک و حرم کبریائک فبعد ذلک نزلت هذا الماء من سماء اذنک علی ارض قضائک و ؟؟؟؟عصمتک و خزاین قدرتک حتی اظهرتنی بجودک و بعثتنی بمرحمتک و ارضعتنی من ؟؟ مکرمتک

\*\*\*ص56\*\*\*

و اطعمتنی من نعماء رضوانک و اسقیتنی من ؟؟ افضالک ؟؟؟؟ اقتدارک و اظهار ؟؟؟و ؟؟ اصعدتنی الی رفرف العماء و سدرة المنتهی حتی ؟؟؟و عرفتنی مظهر نفسک و شمس هدایتک و ؟؟ رفعتک و ؟؟؟؟؟؟ الی درجات الوصل و الجلال و بعد ذلک اکرمتنی بعنایتک اکلبری و اسلکتنی فی جوار رحمتک الاعلی و ؟؟؟ فی ظل اسمائک الحسنی ؟؟ فی کل ذلک غافلاً عن ذکرک و بعیداً عن ریاض قربک و ؟؟؟ بدایع رافتک و جواهر عطوفتک ؟؟؟؟ ما فعلت و اکتسبت ما اکتسبت بحیث ؟؟؟؟ علیک علی شان الذی ما استحینیت فی جوارک و ما ؟؟؟ عن جمالک و ارتکبت مالاینبغی لسلطنتک و ؟؟ عن حبک و اشتغلت بعد ؟ الذی نهیت عن عبادک فواحزنا علیّ و علی الذین کانوا ؟؟ و یمشون فی سبیلی کانی عصیتک بکل العصیان یا من بیدک جبروت العفو و الغفران و کنت فی کل ذلک مشغولا بنفسی و غافلا عن نفسک و مقبلا الی

\*\*\*ص57\*\*\*

هوائی و معرضاً عن هوائک و ارادتک و بلغت الی مقام الذی ؟؟؟ سبل هدایتک و مناهج احکامک اذا یا الهی رجعت من کل ذلک الیک خائبا خاسراً نادماً متذللاً و ادعوک بشمس احدیتک و نور ازلیتک و سرادق مجد غیبتک بان ترحمنی و تغفرنی و تعفونی ولاتاخذن فیما احصیت منی و باما اطلعت من فعلی اذ انک انت الراحم الغافر المعطی المتعالی العزیز الرحیم

هو

قد اخذت القلم حینئذ یا الهی من عندک و وضعت المداد بین یدیک و لم ادر ما ترید ان تنزل علیه و تظهر منه من مقادیر بدع صنعتک و تدابیر عز حکمتک ان تجری من المداد بحور عظمتک او انهار قدس صمدیتک من یمنعک فی ذلک یا الهی و لو تظهر من القلم ایات عز فردانیتک و علامات قدس کبریائیتک من یصدک فی امرک یا محبوبی انک لم تزل کنت قادراً علی امرک و مقتدرا علی فعلک و من ؟؟ فیما تحب ان تجری من بدایع قضائک و قیوماً فیما ترید ان تظهر من قوامع امضائک بحیث لو ترید ان تحصی کل الاسمائی ؟؟ من اسمائک

\*\*\*ص58\*\*\*

لکنت محموداً فی ذلک و ان تحب ان تقدسه عن جمیع ذلک و عما یتعلق فی ملکوت الانشاء جبروت الکبری لتکون مطاعاً فی امرک و محبوبا فی کل ما یظهر من عندک و ؟؟ الملک و لو تبعث یا الهی ؟؟ منه اکوار الثقلین فی الاسمین ذلک حق بمثلک ؟؟؟ افضیت و ان تحرک بکلمة منه ادوار ؟؟ فی السترین ذلک حکم منک و لا مانع فیما لمضیت و ان تاخذ عنه کل ذلک و تجعله مفقودا بحیث لا؟؟ منه اسم ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ من لدنک و لادافع فیما احریت ولکن ان ؟؟ عزتک ما ؟؟ بکل ذلک و ما ؟؟؟ من ذلک الا بان تجعلنی ؟؟ منقطعاً الیک و ؟؟ الیک و راضیاً منک و ذلک یکون بان تشاء ؟؟؟؟ بدمی حین الذی اکون ؟؟ علی التراب و کان راسی عریانا و رجلی ؟؟؟ و جسمی متبلبلا و روحی من العطش مضطرباً اذا انظر الی الیمین و لا ؟؟ ناصرا دونک و اتوجه الی الیسار و لن اشاهد معیناً سواک ؟؟ فی شیئ او یسقینی بشربة ماء او یوافقی فی ضری او یوافقی فی کربی و بلائی

\*\*\*ص59\*\*\*

اذا اقیم من مقامی ؟؟ علی القیام من الضعف الذی اکون فیه و ؟؟؟ علی وجهی علی التراب عزةً ؟؟ و انادیک حینئذ فی سرّی بان یا حبیبی اقبلت منی و رضیت عنّی و انت تجیبنی یا حبیبی هینئا لک بما وفیت بعهدک و جئت بمیثاقک و عند ذلک نصعق بین یدیک من کثرة الدم الذی جری من عروق کان الارض کلها ؟؟ منها و اکون فی صعقی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟الا انت و بعد الذی افاق روحی اتکلم معک فی خفیات سرّی من غیر حرف و لاهوت و لاذکرا و انت تکلم بلسانی ؟؟ رحمتک من دون وصف و لا ؟؟؟؟؟ مقامات التی اخنیته فی مکنونات امرک و سرادقات مجدک اذا بین یدی من ؟؟؟ العباد فی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟فو عزتک ؟؟؟ روحی الفداء قدس هویتک و استعراج نوری الی افق سماء احدیتک اذا ؟؟ فی جواهر الوجود و اسرّ فی ؟؟؟ ساذج الشهود و اقول هنیئا لی یا محبوبی

\*\*\*ص60\*\*\*

فی بدایع رحمتک فطوبی لی یا مقصودی من طرائز رافتک و اغنّ بنداء یستجذب به جواهر الوجود و ؟؟ بلحن یستبشر به سواذج الرقود و کل ذلک نعمة علیّ من عندک و فخر علیّ من لدنک و افتخر به فی ملکوت امرک و جبروت صنعک و اشهدک یومئذ فانک حینئذ قضیت کل ما طلبت منک و وفیت بکل ما اردتک فیه و ادّیت ما رجوتک به لانک اعلی و اعظم بان تاخر فیما تدعی و اجل و اکرم بان تبدل فیما ترمی و ترجی بل قضیت علیّ ما لاقضی علی احد من قبلی و اجریت ما لایجری علی نفس من بعدی ولکن لن یعرفه احد دونک و لن تحصیه نفس سواک لانک کما لاتعرف بالابصار و کذلک فعلک لاتدرک بالافکار و انک انت المقتدر العزیز الجبار و نزل کل ذلک حین الذی اسمعتنی اختلاف عبادک فی شانی بعد الذی ما قدرت لی من شان دون العبودیة لنفسک و الخضوع لدی باب رحمتک و الخشوع عند ظهورات انوار وجهتک لانک لم تزل کنت سلطانا علیّ و لاتزال کنت عابداً لوجهک و کنت سالکا لنفسی و کنت مملوکا لنفسک و ذلیلاً

\*\*\*ص61\*\*\*

عند جنابک و حقیرا لسلطنتک و معدوماً لدی ظهور قدرتک و مفقوداً عند تجلی انوار عزّ ازلیتک و عما للذین یریدون ان یفسدون فی ارضک و یعلون فی بلادک و یحدثون فی الملک ما لاقدرت لانفسهم و مراتبهم فسبحانک سبحانک عن کل ذلک و عن کل ما وصفتک به لانک لاتدرک حتی نذکر بالوصف و لاتعرف لکی تدرک بالنعت بل ان عبدک هذا یکون عابداً لمن یعبدک و ساجداً لمن یسجدک و خادماً لمن یکون خادماً لنفسک و خاضعاً لسلطنتک و معینا لمن یطلبک و ناصرا لمن ینصرک فی سمائک و یرید نصرک فی بلادک فو عزتک لم اجد لنفسی عزّا اکبر من ذلک و لارتبة اعظم من هذا و من کان فی قلبه و له من شوقک و شغف فی حبک یعرف حبّ الذی شرّفتنی به من جواهر رحمتک و مجرد مکرمتک و یستنشق من هذه الورقة الوردیة اریاح حدیقة البقا و اطیاف مدینة الوفا و یشهد کیف یحرق و یذوب هذا الشمع فی مصباح قلبه فیما ورد علیه و نزل به فی امر مولاه فسبحان سبحانک یا محبوبی لو انک حینئذ تقبل منی ما ذکرتک

\*\*\*ص62\*\*\*

فیما علمتنی بجودک و اجریت علی قلمی بفضلک لفعلک ما یلیق لشانک و اجریت ما ینبغی لفضلک و احسانک اظهاراً لجودک و اکراماً لعبدک من دون استحقاقی بشیئ من ذلک و اهلیّتی باقل من هذا لان جوارحی بکلها اشتغلت بغیرک و غفلت عن ذکرک و مع ذلک کیف ینبغی ان اتذکر ببدایع الطافک و فیوضات عزّ مرحمتک او احصی جواهر انعامک و سواذج الائک لان طرف الذی التفت بغیرک کیف یلیق ان یشاهد ظهورات انوار ازلیتک و قلب الذی اشتغل بدونک کیف یقدر ان یتذکر بایات عز صمدیتک و لسان الذی نطق بغیر اسمک کیف یکون لایقا ان ینطق فیما نطقت به علی عرش ربوبیتک و رجل الذی تحرک فی غیر رضائک لن یقدر ان یتوجه الی میادین قدس لقائک و سمع الذی سمع من ایات غیرک کیف یستطیع ان یسمع من الحان بدیع ورقاء احدیتک او یتلذذ من اذکار حروف عزّ ازلیتک فو عزتک حینئذ انقطعت جناحی من سطوات قهرک فیما ؟؟ بین یدیک و لن اقدر ان اصاعد الی رفرف سماء العنایة و حدایق مجد البدایة اذا ینبغی لسلطان

\*\*\*ص63\*\*\*

رحمتک بان ترفع هذا العبد باقتدار مشیتک الی ذروة سموات ازلیتک و تصعد هذا المذنب الی افق عماء صمدیتک و بحبوبة حبة عفوک و غفرک لیتذکر به اهل اللاهوت فی معارج العظمة و لیتحرک به اهل الجبروت فی سرداق العصمة فسبحانک سبحانک یاالهی ما اعجب بدایع صنعک فی امری الذی اجریته من قلبی هذا بحیث اشاهد مرّة بان تطلعه من مشرق الکلمات و یجری منه ماء العذب الحیوان من غیر تعطیل و لاتعویق و لاتاخیر کانه احصی کل شیئ فی اماکنها و سیّر الامکان و ما فیها و الاکوان و ما علیها بحرکة من ؟؟ و مرة اشاهد بان تحجبه فی مغرب الاشارات و تستره فی ظلمات الدلالات بحیث یسکن من حرکة کانه لایقدر علی شیئ فتعالی قدرتک فی ملکک و تباهی عظمتک فی بلادک و نفوذ اقتدارک فی عبادک حینئذ لما و صل الامر الی هذا المقام بین یدیک ینبغی ان ارجع القول الی لحن اخری لعل یصعد به العباد الی افق الاعلی و رفارف الابهی اذاً انتهی اللوح و ماتم مراتب الشوق فی صدر الورقاء

\*\*\*ص64\*\*\*

و مقامات ؟؟ فی قطب الوفاء ولکن ؟؟ انتهی اختم الذکر بانه لا اله الا هو و طلعة الاعلی نوره و ضیائه و وجهة القدس مجده و جماله و هیکل النور ذاته و سراجه انا کل بهم موقنون

هوالله

فسبحانک یا الهی هذا راسی قد وضعته تحت سیف مشیتک و هذا عنقی مترصد لسلاسل ارادتک و ان هذا قلبی مشاق لرمح سلطنتک و هذا رجلی منتظر لاغلال قدرتک و ان هذا عینی مفتوح لبدایع رحمتک لان کلما ینزل من عندک غایة مقصود المشتاقین و منتهی مطلب المقربین فو عزتک یا محبوبی حینئذ قد فدیت نفسی لمظاهر نفسک و انفقت روحی لبدایع مطالع جمالک کانی فدیت روحی لروحک و ذاتی لذاتک و جمالی لجمالک و انفقت کل ذلک فی سبیلک و سبیل اولیآئک و لو ان الجسد یحزن عند نزول بلائک و ظهور قضائک ولکن الروح تستبشر فی ورودها عند شریعة جمالک و نزولها فی شاطی بحر ازلیتک هل ینبغی للحبیب ان یعرض عن لقآء المحبوب

\*\*\*ص65\*\*\*

او للعاشق بان یفر عن لقاء المعشوق حاشا ثم حاشا انا کل بک آمنون و بلقائک مشتاقون و الروح علی عبادالله المخلصون

هوالله

فسبحانک اللهم یا الهی هذه اختی التی امنت بمظاهر احدیتک فی قمایص ازلیتک و اقرّت بمطالع صمدیتک فی هیاکل قدس سلطنتک و عرجت الی مقام الذی انقطعت عن کل الجهات الیک و رجعت منک الیک و اسئلک یا الهی بان تنقطعها عن الاشارت التی منعتها عن الورود فی قلزم الحمرا و السکون فی رفارف البقا فی شاطی السنا لعل یعرفک فی مظاهر الاحلی و مطالع الخفی الاخفی اذ انک فعال لما تشاء و انک انت المهیمن القیوم و بعد قد حضر فی محضر ؟؟ کتابک الاحلی و نسئل ؟؟یجمعنا و ایاک فی حدائق البقا قرب قوسین الابهی لتشهدین من اسرار القضا عن وجه ؟؟ الحمرا لیکون نعمة الله ؟؟علیک و علی العالمین جمیعاً و الروح علیک و علی الطائفین

جناب معظمه بدیعا مکرمه 2مّ

هوالله فسبحانک اللهم یا الهی هذه امی التی اقرت

\*\*\*ص66\*\*\*

بفردانیتک و اعترفت بسلطان احدیتک و فازت بلقاء مظاهرک فی ایامک و بلغت الی مقام العرفان و دخلت فی سرادق الرضوان فیما احبّت نفسک و عبدک و تمنتکت بعروة محبتک فی هیاکل قدس سلطنتک اذا اسئلک یا الهی بان تشرفها بجمالک و ترزقها بلقائک ثم اشربها من بحور مرحمتک و کاوس مغفرتک ثم اسکنها یا الهی فی جوار رحمتک فی جنة ازلیتک ثم اسمعها من نغمات قدسک لتعری راسها شوقا للقائک و ترکض الی میادین قربک و وصالک اذ انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت العزیز المنیر

هوالله

فسبحانک اللهم یا محبوبی هذا عبد شرب عن نهر جذبک و حبک و اخذته ؟؟ نار محبتک و وصلته الی مقام ماصبر فی بعدک و فراقک و تقرب بقلبه و رجلاه حتی وصل فی رضوان احدیتک و ؟؟ بشجرة فردانیتک تلقآء حرم جمالک و استاذن منک حتی دخل فی جوار رحمتک فی حرم قربک و وصالک و سمع لحنات القدس فی رفرف البقا

\*\*\*ص67\*\*\*

و شهد جمال الهویة فی المنظر الاعلی و بلغ فی القرب الی مقام رشح علیه غمام جودک و الطافک و سحاب فضلک و احسانک علی قدر الذی لایحصیه احد الا انت و یستکشف یا الهی قناع الحجبات عن ابصار خلقک و غطاء الکدورات عن انظار بریتک لیشهدن الکل بدایع عواطفک فی احبتک و طرائز فواضلک فی عبادک و لیوقنن کل من فی السموات و الارض بانک انت الله لا اله الا انت ترفع لمستضعفین بقدرتک و تضع المستکبرین بقوتک فسبحانک سبحانک یا الهی اذاً لم اثبت افضالک علی عبدک الذی توجه بوجهک و اقبل الی قبلتک فاتمم اکرامک فی حقه ثم اکمل عنایتک فی شانه لتهبّ علیه من نسمات حیوتک الباقیة و تجری علی قلبه انهار معرفتک الدائمة لیکون داخلا فی مدینة وجهک و ساکنا فی حدیقة بقائک اذ انک انت المقتدر المتعالی العزیز الرفیع

هو العزیز العلی

فسبحانک اللهم یا الهی هذا عبدک الذی هاجر من دیاره حتی دخل فی دیارک و انقطع عن دونک و وصل بلقائک و ؟؟ فی السبیل من الحرّ و البرد

\*\*\*ص68\*\*\*

ما انت احصیته بمشیتک و یسبقته فی العلم ؟؟ اذا یا الهی اسئلک باسمک الذی به دفع غمام فضلک و امطرت سحاب جودک بان تجعله مستقیما فی حبه ایاک و ثابتا فی طلب سبل ؟؟؟ احدیتک و ؟؟ فواده من ؟؟؟ صمدیتک و نور صدره من انوار قدسک لیشاهد بعینتاه جمالک البدیع و یسمع باذناه نغماتک المنیع و یذکره بلسانه اذکارک الجمیل ؟؟ ؟؟ معارفک الجلیل اذ بیدک جبروت کل شیئ و انک انت علی ذلک لمقتدر قدیر و صل اللهم یا ؟؟؟؟ بجمالک و ؟؟ من یظهر ؟؟ و علی مرایات المنیعة و حروفاتک ؟؟؟ علی ؟؟ الیک و الواردین علیک و انّ ذلک علیک ؟؟؟؟

هو العزیز الجمیل

فسبحانک اللهم یا الهی اشهدک و مظاهر جمالک بانک انت لم تزل کنت مقدساً عن وصف ماسواک و لاتزال تکونن منزهاً عن نعت مادونک کل العقول حارت عن معرفتک و کل ؟؟ عجزت عن ادراک ؟؟ و کل الافئدة اقرّت بسلطنتک و کل الجواهر

\*\*\*ص69\*\*\*

\*\*\*ص70\*\*\*

؟؟ عن جمالک و ؟؟؟؟؟؟ عن جلالک بان ؟؟ الذینهم هاجروا فی سبیلک و سافروا عن اوطانهم الی شریعة وصالک و انقطعوا عن دونک الی مدینة لقائک حتی ؟؟ ین یدیک و قاموا لدی ؟؟ قربک و کعبة عزتک و انسوا ؟؟؟ و سمعوا نغماتک اذا یا الهی لاتحرمهم من بدایع ؟؟؟ المخزون و جواهر حکمتک ؟؟ ثم اسکنهم یا محبوبی فی جوار رحمتک الکبری فی ظل اسمک العلی الاعلی اذ انک انت الحاکم ما تشآء و انک انت العزیز الکریم

هو

فسبحانک یا الهی تشهد ما تشهد ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ بحیث ؟؟ عن الورود الی مدینة وصالک و الطیران الی هوآء عز لقائک فاسئلک یا محبوبی بالذی جعلت حاکما علی الممکنات و سلطانا علی کل من فی الارضین و السموات بان تطهّر قلبی عن وساوس الشیطان یا من بیدک جبروت العز و الایقان ثم وفقنی یا الهی علی نصرتک و نصرة امرک لافدی روحی و نفسی و جسدی فی مقابلة جمالک و مشاهدة انوار عزّ

\*\*\*ص71\*\*\*

بقائک لعل استطیع ان ؟؟ فی رفارف رضوان احدیتک و هواء قدس انقطاع ازلیتک لان هذا امر الذی قدرت لاحبائک و ختصت به اصفیائک ثم اسئلک یا الهی ؟؟؟الذی اخذ زمام الصبر عن الاصطبار عن ؟؟ اذ بیدک ملکوت ؟؟ و انک انت المقتدر المهیمن القیوم

فسبحانک اللهم یا الهی انت الذی اظهرت الممکنات من غیب ازلیتک و ؟؟ المخلوقات من بحر جود صمدیتک و نورت ؟؟ من لازال ؟؟ لابد و دورت الادوار من القدم الی ؟؟؟ تموجت ابحر عز مشیتک و اجریت ؟؟؟ ارادتک و استقرت علیه من فلک تقدیرک من عمآء تدبیرک و بعد ذلک حرکت ؟؟ القدم فی قمص العدم و ؟؟؟ من روح الحیوان فی جوهر مجد العظم لیظهر بذلک طلعة اسمائک فی ملکوت صفاتک و یعلن بذلک ؟؟ حمالک فی جبروت اجلالک و اظهرت بین ذلک عبدا من عبادک و اقمصته قمیص عنایتک و خلع هدایتک و اشربته

\*\*\*ص72\*\*\*

من مآء محبتک و کوثر تجلی رضوانک و ربیته بایادی مرحمتک و ارضعته من ثدی مکرمتک حق صار کبیر السلطان قدرتک و ملیک عز ربوبیتک و جعلته موقنا بک و بایاتک و خادماً لطلعتک و غلاماً لحضرتک و سلک فی الارض بما قدرت و مضی علیه ما امضیته من جواهر قوتک و ساذج حکمتک الی حین الذی حدّدت فی کتابک الذی لایاتیه الباطل فی ؟؟ ما کتب فیه ساعةو لایسبقه العاجل و بعد ذلک لماتم میقاته و مضی ایامه ارجعته الیک کما بدئته من عندک و اخفیته فی کنوز غیبک و خزون سرک و کل ذلک ماجری لامن حکمتک البالغة و صنعتک الکاملة و خفیات علمک المخزونة و جواهرات سرک المکنونة ولکن لما احتجبت معرفة ذلک فی حجبات غیرتک و سرادقات عظمتک لذا اضطربوا عبادک و حربوا ارقائک و الا فو عزتک ما یجز نوا فی شیئ من موقع امورک النازلة و موارد شئونک الحادثة فسبحانک

\*\*\*ص73\*\*\*

سبحانک اسئلک حینئذ الذی جعلته سمآء مشیتک و ارض ارادتک و شمس قضائک و قمر امضائک بان تنزل الصبر فی قلوب احبائک و احبائه اذ لن یشهد فی احبائه دون تجلی شمس حبک و تجلی قمر ودّک ثم اخلع عن هیکل ابیه و امه قمص السّوداء و رداء الحزناء اذ تحب ذلک فی ملکوت عزک الاعلی و رفرف مجد الابهی و رضوان قدسک الاسنی ثم البهما من ثیاب جودک الاصفی و براقع سرورک الاخفی انک انت المعطی لما تشآء فیما تشآء و انک انت العزیز الحکیم فسبحانک یا الهی اقسمک حینئذ بکلمتک التی استقرت بها غیب هویتک علی عرش سلطنتک و کینونة ذاتک علی کرسی عظمتک بان لاتطفی سراج الذی اشتعلته بنور ازلیتک و لاتسکن حمامة التی استدفها من جوهر جذبتک و استکفتها من ساذج ولهتک ثم اسکن یا الهی عبدک الذی یحرق فی الحب حبا لجمالک و یضج فی السر شوقا للقائک و یعج فی القلب طلبا لوصالک و یصرخ و یبکی مما نزل علیه من جذبات شوقک و غلبات ذوقک و کان فی عین الوصال و یطلب وصلک و فی عین

\*\*\*ص75\*\*\*

اسئلک بمن جعلته مهیمنا علی الممکنات و قیوماً علی الموجودات و حیّاً باقیا فی ملکوت الارضین و السموات ان تجری فلک ذاتیتی علی بحر کینونتک لاظهر من قعر غمر قمقام عظمتک لئالی صمدیتک و ؟؟؟ ازلیتک لئلا یری احذ غیرک ولاتلتفت نفس الی دونک و کل العباد یتوجهوا الی ساحة قدسک و کل من فی البلاد یسرعوا الی بساط انسک و لاینظروا الا الی صرف وجهتک و لن یشربوا الا من خمر عنایتک من ایادی جذبتک و لن یمذقوا الا من ثمرات مکرمتک من شجرة ازلیتک لا اله الا انت انا کل لک عابدون و لوجهک ساجدون

فسبحانک اللهم یا الهی ان هذا عبدک الذی جعلته عریا عن رداء الوهیتک و بعیدا عن ریاض قرب ربوبیتک و نزعت عنه خلع العرفان من بدایع علمک بما وردت علیه من جواهر قضائک و خلعت عنه قمیص الایقان من سواذج حکمتک فیما انزلت علیه من سیوف انتقامک و جعلته مرید النفسک بنفسک و مقبلا لذاتک بذاتک و ناظرا الی قمص وجهک بوجهتک و احبسته فی سجن الملک بقدرتک

\*\*\*ص76\*\*\*

و سدرت علی وجهه ابواب العنایة بقوتک و کل ذلک نزل علیه بشان تفطرت السموات عن ادرکها و تزلزلت الارضین من ایقاعها و تکدرت الارواح عن اصغائها و اترکد؟؟ من جریانها و انعدمت الکینونات عن امضائها و انهدمت الجوهریات من احصائها و اظلمت الشمس عما ورد علیها و هو جلس بین یدیک حین الذی لم یجد لنفسه من معین و لاناصر و لا؟؟؟لا انیساً و یکون بین الناس و لم یکن معهم و یتکلم بالعباد مع الذی لم یکن منهم و یجلس و معهم حین الذی لن یریدهم و یمشی بینهم بعد الذی لن ؟؟ لا فی ؟؟ و لا فی الجهر و کل ذلک ما ظهر الا من مقادیر امرک و موارید حکمک و مواقیع ذلتک التی قدرتها لا؟؟ و فضیتها لا و ذاتک ولکن یا الهی بعد ما اقمصتنی قمیص الفقر و المذلة و البستنی لباس الحزن و الرحقة اسکنتنی بما الهمتنی بان کل ذلک لن یجری الا من لطیفة عنایتک و دقیقة موهبتک کما اشهدتنی خلق سموات امرک بحیث ارفعتها بسلطان قدرتک و قدرت فیها من انجم دریات و کواکب ظاهرات و ما قدرت لها

\*\*\*ص77\*\*\*

من کسوف و لامن خسوف و کل یدورن فی سمآء تدبیرک و یسیرن فی اکوار تقدیرک و ادوار تنزیهک و یستیرن من شوارق شمس قیومیتک و یستضیبن من بوارق قمر قدوسیتک و یحرکن بامرک و یطوفن فی حولک بحیث لن ؟؟ ما یحدث لاشماس سموات عز توحیدک و ما ینزل علی اقمار افق عماء تمجیدک من کسوفات قضائک و خسوفات امضائک و کل ذلک لم یکن الا من خفیات حکمتک و شئونات عز سلطنتک و ذلک مما ظهر من قدیم فعلک و عظیم صنعک و ما یشا به بذلک مما اظهرته من کنایز قدرتک و خزاین قوتک بحیث تغرس شجرة فردانیتک فی ارض قدس مشیتک و تحفظها بملیک عنایتک فی هذا اللیالی و الایام بایادی مکرمتک و ترسل علیها من نفحات قدس ازلیتک و تسقیها من انهار کافور عز احدیتک و تحرسه بجنود الغیب التی لن یحصیها احد دونک حتی ارفعت اغصانها و افنانها و تمرت بثمرات هویتک و تورقت باوراق بدایع نعمک و الائک و بعد ما ارفعتها الی افق الاعلی و اصعدتها الی ملکوت الاسنی یجمع الصبیان علیها و یرجموها

\*\*\*ص78\*\*\*

لتساقط علیهم ما یکون لها من اثمار رضوان صمدیتک و تنزل منها من فواکه جود مرحمتک و کل ذلک یحدث علیها لما فیها من اثمارها و الاشجرة التی لم یکن لها من ثمر لن یریدها من احد و لن یقربها من نفس و ما نزل علیها من مکاره الذلة و مادونهما فسبحانک سبحانک ما اعجب بدایع فعلک و ما احلی ظهورات صنعک لم تزل کنت مخذل احبائک لما قدرت علیهم من شئونات عزتک و لاتزال تکون معز اعدائک بما حتمت علیهم من نقمات قهر سلطنتک و اخفیت حکمة ذلک عن نواظر عبادک و استرت لئالی ذلک فی اصداف قدرتک فی بحور عظمتک بحیث لاینبغی ان یطلع علی ذلک احد دونک فسبحانک یا الهی مع عرفانی و کل ذلک و ایقانی بکل ما علمتنی من بدایع صنایع افلاک تدبیرک و طرائز بحرکات اکوار صنع سلطنتک و تدورات ارکان ظهورات عز شوکتات احرق بنار التی توقد کل الوجود بجذوتها و ابکی بدموع التی کل البحور وجدت برشح منها و کیف لابعد الذی اسمعتنی ندآء احد من احبائک الذی احببته فی خفیّات سرّک من دون ان یطلع احد بذلک

\*\*\*ص79\*\*\*

کانه صرخ بین یدیک بصریخ الذی تحرقت اکباد الوجود ضج بضجیج الذی تکدرت ارواح المجردات فی قصور عز مشهود و تبدلت عیش القاصرات فی غرفات العما بین یدی طلعة المحمود و سکنت ؟؟ العظمة عن الامواج فی لحج ابحر الهویة بالسر قود و تقطعت اریاح المحبة عن حدایق قدس ؟؟بما ترید ان تشربه من عیون الفراق و تبعده عن عرش الوثاق بعد الذی ؟؟ قلبه من جوهر ولهک و ساذج جذبتک و بهاء حبک و سناء مجدک و دعوته بسرک الی اعراش قربک و اسرعته بندائک الی میادین و صلک و لقائک و اسکنته فی جوار رحمتک و اشربته من زلال خمر عنایتک من ایادی مکرمتک و مذقته حلاوة ذکرک من اثمار شجرة ازلیتک و اسمعته بسرائر الوجود من الحان ورقاء عز جبروتک و حمامات مجد ملکوتک فاحکم یا الهی حینئذ ثم انصف یا محبوبی عند ذلک کیف بقدر احد ان یحمل ذلک او یصبر احد بذلک او ینبغی لسلطنتک ان تفعل باحد بمثل ما فعلت به من بدایع فعلک او تنزل علی نفس بمثل ما نزلت علیه من جواهر حکمک ولکن لما

\*\*\*ص80\*\*\*

کان یا الهی ناظرا بمرحمتک و ساجدا لطلعتک و راضیا بقضائک و صابرا فی ؟؟ امرک ادعوک حینئذ بندائه بین یدیک و نسئلک من لسانه فی ساحة قدسک و اقسمک ؟؟ من عنده سراج الذی ؟؟ بنور محبتک و ؟؟ الذی اشتعلته بنار مودتک و بمشکوة کینونتک التی ؟؟؟ انوار وجهتک و بسبیل مجدک الذی ارفعته علی افئدة المقربین من احبائک بان لا؟؟ الذی ؟؟ سرک و اردته فی قلمک و لاتنزل حرفک الذی ارفعته الی سماء عزک و لا؟؟؟ ساذج الذی ؟؟ بانوار ؟؟؟؟؟؟؟؟ الذی اشرقته من شئونات مظاهر انوار سبح احدیتک ولاتنهدم علم الذی ارفعته لظهورات فجر صمدیتک و لاتطرده عن ؟؟؟ مکرمتک الذی ؟؟ عن عیون ربوبیتک ولاتمنعه عن مشرق قیومیتک و لاتقطع حبل الذی وصلت بینه و بین ؟؟ ثم اجعل اللهم یا الهی فی فراقه وصول الی لقائک و فی لقائه حصول الی وثاقک و ارجعه الیک کما ارجعته اول مرة و اعده کما اعدته من قبل و انک انت

\*\*\*ص81\*\*\*

مبدء کل شیئ و راجعه و ؟؟ کل شیئ و ساکنه و انک انت المقتدر ؟؟؟ و انک انت العزیز المحبوب ثم لعبد اللهم یا الهی ؟؟؟؟؟؟؟ و سالکا فی سبل رضوانک و ما ؟؟؟؟ رضائک و ؟؟ اکبر عن خلق السموات و الارض بحیث لن یساوقه ؟؟؟ یعادل امر و لا یقارنه شیئ لا فی لاهوت عرش ؟؟؟مرحمتک و لا فی ؟؟ عز ؟؟ قدرتک لان هذا مقام الذی لنقصته بالمخلصین من احبتک و المقربین من اهل ؟؟ الذین لاینظرون لا الیک ؟؟؟؟؟؟ و لا یتوکلون الا علیک و ؟؟؟؟؟؟/و لایتغمسون الا فی ابحر رضائک و ؟؟؟ الا باذنک و لایتکلمون الا بامرک فسبحانک سبحانک ما اعلی بدایع رحمتک علیهم و ما ؟؟؟؟؟؟؟فی شانهم ؟؟؟؟؟؟؟سواذج کرامتک فی سرهم و ؟؟ و ظاهرهم و باطنهم و اولهم و اخرهم و مبدئهم و مرجعهم و کذلک تعز من تشآء و ترفع من تشآء و تحب من تشآء و تفعل ما تشآء لمن تشآء و فی قبضتک ملکوت

\*\*\*ص82\*\*\*

کل شیئ یفصلها علی قدر من عبدک و مقدار من لدنک و انک انت المهیمن العزیز المحمود فصل اللهم یاالهی علی الذی ارفع ؟؟ عظمتک بقوة صمدانیتک و اظهر فسطاط رفعتک بعددة و بانیتک و جلس علی عرش ربوبیتک و ارقد علی بساط الوهیتک و جلس عن یمین قوتک و امام قدرتک و ؟؟ عظمتک و شمائل رفعتک و جعلته مهیمنا علی کل اسمائک و کل صفاتک فی ملکوت امرک و قیوماً معالیاً فی لاهوت خلقک بکل ما انت تقدر ؟؟؟ و انک انت المتعالی المتغالب المقتدر العزیز المنیر

بسم الذی کان قیوماً علی

من فی الارضین و السموات

فسبحانک اللهم یا الهی ان هذا عبدک و ابن عبدک الذی نزل فی ساحة قدسک و نبآءهم ؟؟؟ الذنوب تلقاء مدین مغفرتک و اسرع من کل الجهات الی بساط عز مکرمتک و یرید ان یشرب من کاوب مرحمتک و یطلب من بدایع فضلک الذی اختصصته علی حروفات عزک و کلمات قدسک لیکون فی الارض خاکیا عن طلعتک و مراتا لجمالک و مدلاً

\*\*\*ص83\*\*\*

علیک و مقبلا الیک و ؟؟؟ عنک اذ بیدک ملکوت السموات و الارض تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید لا اله الا انت العزیز الممتنع الرفیع ؟؟؟؟ کلما طلعت الی الحین ؟؟؟استظلت فی ظل شجرة ربانیتک اطردتنی ؟؟؟ فراش صمدیتک ؟؟؟؟؟ثم؟؟بقدرتک کانک ما خلقتنی فی ملکک و لن تعرفنی فی ؟؟؟ بین ؟؟؟؟؟؟؟؟؟سلطنتک احرقت ؟؟؟ الی وادی الذی لن یحسیه احد الا انت و ؟؟ فیه بلا ؟؟؟؟؟؟؟؟؟ولاسرمد و لا؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ذلک و اکرمتنی و اطمیتنی جناحین عن الیاقوت ؟؟؟ الحمرا فی سرّ اسمک ؟؟؟ ثم ؟؟؟؟؟ الی سموات امرک و ما ؟؟؟؟؟؟و ارجعتنی الی وادی ؟؟؟؟لن ؟؟ فی الارض بمثله احد و لن ؟؟ کشبهه فی الملک نفسا فما جزاء من اعرض عن حضرتک و ؟؟ عن طلعتک و اشرک بسلطان وحدتک فسبحانک

\*\*\*ص84\*\*\*

سبحانک ما اعجب بدایع فعلک ؟؟ فما اکبر طرا من صنعک لی و انک الحمد یا الهی علی کل ذلک و ؟ هذا و لک العنایة یا محبوبی علی کل صابرات او تنزل واردت او ترید و احببت او تحب فسبحانک یا الهی ان عبدک هذا قد جاء عندک مرةاخری کلیل اللسان و ؟؟؟ البیان لن یعرف حرف من بدایع علمک حتی اذکرک به و لن یفقه سرا من اسطر جوامع فیض فضلک حتی اصفک به ولکن لما کان حبة من اراضی قدسک یرید ان تغرسه بایادی مکرمتک فی ارض صمدیتک لیثمر بثمرات ازلیتک فی عماء ربوبیتک و یورق بورقات احدیتک فی هواء انس جبروت مجد ملیک مکرمتک و ان هذا رضیع یرید ان یشرب من ثدی عنایتک من لبن الذی احزنته فی هویة کافور غیبتک و ان هذا حوت یرجو ان یتغمس فی لجج ابحر عز رفعتک و حمامة تطلب ان تجلس علی اغصان سدرة عزتک و جذوة ینبغی ان یوقد من نار محبتک و نجم یلیق ان یطلع فی سماء جود مرحمتک و ظمان قد جاء عند بحور عظمتک و ذلیل التجا الیک بان تدخله فی حدیقة عزتک و مریض یرید ان یشرب من انهر شفاتک

\*\*\*ص85\*\*\*

و جاهل قد جاء تلقاء ظهورات خزاین علمک عند طلعات مجدک و وجهات قدسک لان فوادی لن یرضی بغیر ذلک و لو تعطیه کلما احصیته فی سمائک و ارضک لانک من شریعة غنائک قد اشرعتنی و من ابحر جودک قد اشعبتنی و من ؟؟ عظمتک انشقتنی و من قدسات نور وجهتک اشرقتنی و من جذوات نار ازلیتک اظهرتنی و ان هذا شان لن یعادله شان فی ملکک و فضل لن یساوقه فضل فی مملکتک و لن یقارنه امر فی بلادک تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید لا راد لقضائک و لا سرد فی حکمک و لا مانع فی فعلک و لا دافع لامرک و انک انت المهیمن القیوم اسئلک اللهم یا الهی حینئذ بمن جعلته ذخر الممکنات و کهفاً علی الوجودات و حصنا علی من فی ملکوت الارضین و السموات ان تنزل علی قلوبنا محبة احبائک و مودة اصفیائک لتکونن مرایاء صافیة و ؟؟؟ قدسیة و مصابیح منیرة لتحکین عن بدایع کافور صرف وجهتک و ؟؟ عن لوامع عما مقر طلعتک حتی ؟؟ فی الارض کعبدو احد و نفس واحدة کل سجادون لسلطان جلالک و ؟؟ لملیک

\*\*\*ص86\*\*\*

جمالک لانا کل عبادک و فی قبضتک لا اله الا انت العزیز المنیر المحبوب

هو

فسبحانک اللهم یا الهی ان هذا ایذای قد ارفعتها لنزول رحمتک و ان هذا رجلای قد اقمتها بین یدیک و ان هذا عنقی قد جعلتها منقاد لسلطنتک و خاضع لالوهیتک و ان هذا لسانی قد انطقتها بذکرک و ان هذا عینای قد افتحتها لمشاهدة جمالک و ملاحظة اثار صنع ربوبیتک و ان هذا طرفی قد ابصرتها لزیارة وجهک و بهاء طلعتک و ان هذا قلبی قد مذقتها من حلاوة حبک و بدایع معرفتک و املاتها من خشیتک و ان هذا کبدی قد ؟؟ مولهة من جذبتک و ان هذا سری قد حرکتها من الشوق الی وصلک و لقائک و ان هذا احشای قد ابشرتها من جوهر الحیوان عن کاوس محبتک و کاوب خمر مکرمتک و ان هذا جسدی قد اهتزتها من ایات قدسک و حروفات انسک و ان هذا مشیتی قد شیئتها بحبال مشیتک و امسکتها باوقاد ارادتک و ان هذا هیکلی قد اجلستها بین یدیک و جعلتها

\*\*\*ص87\*\*\*

شایق لشئونات قضائک و ظهورات امضائک و ان هذا ؟؟ قد تطاولتها لاسیاف قدرتک و ارماح قوتک لان فی قهرک یا الهی خزاین الرحمة مکنونة و فی ذلک کنایز العز مخزونة فسبحانک سبحانک یا الهی کسرت الاعناق من لن یخضع لالوهیتک و لن یخشع لازلیتک و انعدمت ارکان من لن یخشی من خشیتک و لن یضطرب من سطوتک و لن یرجو کل ما انت تحب له من لوامع اخذک و جوامع امرک فسبحانک سبحانک یا الهی اسئلک بالذی جعلته مظهر نفسک و منبع ذاتک و مکمن عزک ان تشعلنا من نار حبک و تجذبنا بنورک و انک انت العزیز المقتدر الوهاب

هوالحی الغافر المتعالی العزیز الکریم

فسبحانک اللهم یا الهی ان هذا عبدک الذی اعرض عن الذی اعرض عنک و کفر بایاتک و ادبر عن جمالک و غفل عن ذکرک و اشرک بطلعتک و اشتغل بغیرک و اعرض عن نفسک و ارادتک و اقبل الی هواء نفسه و ارادته حتی عرج الی سماء الغفلة و النسیان و صعد بانکاره الی مقام الذی لن یبلغ الیه ایدی

\*\*\*ص88\*\*\*

احد من ؟؟؟؟؟لامر علی الذینهم امنوا بک و بایاتک الکبری و توجهوا الی میادین القرب فی رفرف البقا و انک لما اکتسبت فعلهم و ما کتبت ایدیهم تموجت ابحر رحمتک و بدایع جود عز موهبتک حین کشفت الغطا عن ؟؟؟ لیعرفوا سبل ؟؟ من الشقاوة ؟؟؟؟ فی امرک و یسترفعوا الی سماء احدیتک و ؟؟؟ فی هیکل ازلیتک لتخرج عبادک من الظلمات الی النور و تشربهم بایاتک و تهدبهم الی جمال قدسک ؟؟؟ لما استشرقت شمس عنایتک و ؟؟ عز مرحمتک و استظهر حکم الاسما؟؟؟ قضائک و ؟؟؟؟ بعضا منهم فیما عرفتهم ؟؟؟ و سبل رضائک و منهم ؟؟؟؟ هدایتک و جاء تلقا شریعة ؟؟؟ و توجه الی حدیقة قدس عطوفتک و تمسک؟؟؟ و تشبث بذیل عفوک و عنایتک و انی یا الهی ما اعلم الا بما قرئت کتابه و اطلعت بما فیه من اسراره و عرفت من خفیات قلبه کانی سمعت صریخ قلبه و ضجیج ؟؟؟؟ فواده و اضطرب نفسه و حزن روحه

\*\*\*ص89\*\*\*

بحیث خرنت بحرفه و تزلزلت باضطرابه و ؟؟ و بعیون سری فیما جری علیه فی ایامک فبذلک ؟؟ السموات و ما فیها و الارضین و ما علیها فانک انت یا الهی اعلم به منی ان کان فی قلبه حب جمالک و شغف ذاتک و وله کینونتک و اغفره ثم ارحمه ثم استرد ؟؟و خطایاه فی اوله و اخره ثم اعف عنه و تب علیه ثم البسه من اثواب جودک و رداء مغفرتک و ؟؟ عفوک ثم اصعده الی مقام الذی یطوف حول ذاتک و ؟؟ حرم کبریائک و یدور بیت جمالک اذ انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت العزیز الرحیم

من انهار کافور صمدیتک فاشربنی یا الهی و من اثمار شجرة کینونتک فاطعمنی یا رجائی و من زلال عیون محبتک فاسقنی یا بهائی و فی ظل عطوفة ازلیتک فاسکنی یا سنائی و فی ریاض القرب بین یدیک سیرنی یا محبوبی و عن یمین عرش رحمتک فاجلسنی یا مقصودی و من اریاح طیب بهجتک فارسلنی یا مطلوبی و فی علو جنة هویتک فادخلنی یا معبودی

\*\*\*ص90\*\*\*

و من نغمات ورقا الاحدیة فاسمعنی یا مشهودی و بروح القوة و القدرة فاحینی یا رازقی و علی روح محبتک فاستقمنی یا ناصری و علی سبیل مرضاتک ثبتنی یا خالقی و فی رضوان الخلود عند طلعتک فاخلدنی یا راحمی و علی کرسی عزک مکنی یا صاحبی و الی سماء عنایتک عرجنی یا باعثی و الی شمس هدایتک فاهدنی یا جاذبی و عند ظهورات غیب احدیتک فاحضرنی یا مبدئی و منای و الی صرف کافور الجمال فی من تظهرنه فارجعنی یا الهی لانک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت المتعال العزیز الرفیع

بسم القائم القدوس الحی الرفیع

فیا الهی و محبوبی لم ادر بای لسان ارفع اعلام ذکرک و ارتفع رایات عزک بعد الذی اشاهد وجودی و ما قدر فیه و خلق به معدوم ؟؟ من ایات عز سلطنتک و مفقود لدی و جذوة من انوار نار ازلیتک و ان اسد ابواب الذکر علی قلبی فو عزتک اشتعل فی الحین بما اودعت فی سری من نار

\*\*\*ص91\*\*\*

محبتک و ان افتح ابواب الثناء علی فوادی اخاف و ان یاخذ القلم زمام ؟؟عن ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟من یعبدک و المحمود من اقبل ایک و المحروم من اغرس عنک و المردود من اشتغل بغیرک و المطرود من خرج عن ظلک و ما سکن فی جوارک فسبحانک سبحانک اسئلک سرّک المستور و باسمک المشهود ان تجعلنا من الذین انقطعوا الیک و ؟؟؟ بک ؟؟ عن دونک و وردوا الیک و انسوا بحمالک و اقبلوا الی میادین وصالک و سرعوا الی فضلک و لقائک

\*\*\*ص92\*\*\*

ثم الهم یا الهی علی قلوب احبائک من ایات حبک و حب عبادک ثم ارفع البغضاء بینهم لیجمعوا علی کلمة تفریدک فی هیکل توحیدک بحیث لایسکنون الا بذکرک و لا یتوجهون الا بوجهک و لایتقربون الا برضائک و لا ینطقون الا باذنک لیجعلوا فی الارض کنفس واحدة و اسم واحد و رسم واحد و انک انت الذی ؟؟؟ ماتشاء بمشیتک و تشبت ما ترید بارادتک و تقضی ما شئت بقضائک و سلطان امضائک و انک انت المهیمن العزیز المحبوب

هوالمتعالی المقتدر القیوم

فسبحانک اللهم یا الهی امسیت حینئذ فی جوار رحمتک الکبری فی ظل اسمک العلی الاعلی و قعدت عبد توقد سراج فضلک فی مشکوة جودک و وجدت فی قلبی ولها عن شغف وصلک و شوق لقائک بحیث لم اجد لنفسی صبرا فی فراقک و اصطبارا فی ؟؟ کان لم ادر ما ارید منک ان ارید الوصل من بدایع اکرامک اشاهد بان فی وصلک یرتفع ضجیجی و یعلو صیحتی و ان اصبر فی فراقک اشاهد بان فی هجرک یفارق روحی و لن یسکن نفسی ابداً و تشهد

\*\*\*ص93\*\*\*

یا محبوبی بان فی کلت الجالسین یضطرب فوادی و تبلبل جسمی و ینصعق جسدی اذا فاعظنی ما جعلته مقدساًعن هذین الامرین یا من بید الملکوت العالمین و لن اعرف یا محبوبی من این ظهر هذا الوله العظمی و هذا الجذب الابهی کانه ظهر من کل الجهات بعد الذی کان مقدساً عن کل الاشارات و مع ذلک اشاهد نفسی محجوباً عن قرب خیام عز سلطنتک و روحی ممنوعاً عن الدخول فی سرادق قدس احدیتک و فوادی محروماً عن الطیران فی هواء روح صمدیتک الی متی یا الهی لاتحرق سبحات العرفان عن بصر خلقک و الی متی لاتحرق حجبات الفصل عن قلوب بریتک بعد الذی انت تعلم فقری و انا اعلم غنائک و انت تری ذلی و انا اری عزک و اعلم بانک انت المقتدر فی کل شیئ باقتدارک و سلطنتک فسبحانک سبحانک یا الهی انک ان لم تاخذ ایدی ؟؟ فمن هو منجی المشتاقین و انک ان لن ترحم عبادک العاجزین فمن هو معین الفاقدین فو عزتک یا محبوبی لن اعرف بای شیئ اتقرب الیک و بای اسم استقرب الی انوار جمالک و کلما اتفکر بان اذکرک باذکار حروف

\*\*\*ص94\*\*\*

توحیدک فی جبروت تفریدک لعل بحبل شرفه اتوسل الیک حتی اصل بما ارید منک اشاهد بان جوهر التوحید ؟؟؟ زجیته و علوه یبکی عن فراقک و ؟؟ فی هجرانک و کینونة التفرید یتنعر فی بیداء اشتیاقک و یصرخ فی ؟؟ فی بعده عن لاهوت وصلک و وصالک و اشاهد بان کل الذوات منصعقات عند اشراق تجلی انوارک و کل الصفات محترقات عن نار سطوتک و اقتدارک و مع ذلک کیف اتشبث بشیئ من ذلک او اتمسک بامر من هذا اذا اسئلک یا الهی بان تجعلنی مقدساً عن کل مایعرف و یقال و کلما یعلم بالقال حتی اعرف نفسک بنفسک و اشاهد جمالک بنظرک و جلالک ببصرک و انک انت مقتدر علی کل ذلک و مهیمن علی ما ترید بامضائک و انک انت المتعالی العلیم القادر الحکیم فسبحانک سبحانک یا الهی لما اشاهد نفسی فی ذلک الحین منقطعا عن دونک و معرضاً عن سواک استشفع عندک بمظاهر سلطنتک التی بهم ملئت الافاق الافاق من انوار الاشتیاق و بهم اشرقت شموس العزة عن شطر العراق بان تنقطع الذینهم امنوا بک و بایاتک عن کل من فی السموات

\*\*\*ص95\*\*\*

و الارض بحیث لایشتغلون الا بذکرک و لایلتفتون الا باسمک و لایتوجهون الا الی سبل رضائک حتی یسرعوا کلهم بقلوبهم الی میادین قربک و حدائق وصلک ثم اجتمعهم یا سیدی فی رضوان حبک و مدینة ودک ثم امح عن قلوبهم اشارات الاختلاف و عن نفوسهم دلالات الانقلاب بحیث یذکرنک بلسان واحد و یعبدنک علی هیکل واحد و یکونن کنفس واحده و روح واحد و انک انت علی ذلک مقتدر قدیر 152

هوالله المقتدر القیوم

حرک یا عبد هذا القلم السنا علی هذا اللوح الدری البیضا ؟؟ عما یغن الروح فی قلبک من الحان الهویة فی هذا الجنة البدیعة علی هذا الدوحة الصمدیة لتستبشر بذلک عباد مکرمون الذین فیهم غرس شجرة الربانی و اشرقت شمس الصمدانی و النور و السبحانی و الظهور القدمانی و بهم فجرت عیون الالهیة و استورقت سدرة ؟؟ و اثمرت ورقة الکافوریه و منهم استقر جوهر الهویة علی عرش القدم و تغرد الورقاء فی هیکل المکرم و طلعت انوار الصبح من شمس الهویة

\*\*\*ص96\*\*\*

فی قمص المفخم و بهم ظهرت الموجودات و الیهم اعادت و منهم طلعت الممکنات و الیهم رجعت و بهم ؟؟ هیکل الفنا رداء البقا و ؟؟ جوهر الفقر قمیص الغنا و ساذج الذل ثوب الکبریا فسبحانک اللهم یا الهی لم ادر ما اذکرک حینئذ اذکرک بما تنطق فی صدری او بماتلهم فی قلبی او اذکرک بما وفیت بعهدک فی حقی و حق عبادک کما و عدت من قبل فی محکم کتابک و تنطق ایاتک قلت و قولک لاحلی و وعدک الصدق فی ملکوت الاعلی یوم یغنی الله کل من سعته اشهد حینئذ بین یدیک بانک وفیت بکل ما وعدت و ادیت بکل ما حتمت و قضیت کلما ثبت بحیث جعلت کل شیئ مکمن غنائک و معدن افضالک فیما عرفتهم مناهج امرک و سبل احکامک و جواهر حکمتک و ساذج علمک و معانی ایاتک و کشفت عن وجهک براقع الجلال لیشهدن الکل من انوار الجمال فی هیکل ذکرک و قمص عزک و جوهر علمک و مخزن وحیک و معدن امرک و مکمن نورک حتی استغنیت به عن دونه و ؟؟ به عن کل ماسواه و استفرغت به عن کل من فی السموات و الارض بحیث کل العباد یطلبون قربک و جوارک

\*\*\*ص97\*\*\*

و الطوف فی کعبة ذاتک و الورود فی حرم لقائک ولکن انی فو عزتک ما عرفت بعدک حتی اطلب قربک و وصالک و ما شهدت فراقک ؟؟؟ وصلک و لقائک فماظنی بک یا الهی و ما هم العباد الیک یا محبوبی لانک کنت قائما فوق کل شیئ و باقیا علی کل شیئ فاسئلک حینئذ بشمس ازلیتک و انوار عز قدس ربوبیتک بان تجعل هولاء من ایات عز سلطنتک و من اثمار شجرة فردانیتک و من اوراق سدرة کینونتک ثم اشتعل یا الهی فی قلوبهم سراج محبتک و مشکوة عنایتک و مصباح ولایتک لتحرق اکبادهم شوق للقائک و حبا لوصالک و طلبا لزیارة جمالک اذ هذا شان لم یکن فی الملک شان اعظم من ذلک و لتحرکهم اریاح القدس عن شمال الحدیة الی یمین الاحدیة لیقدرن علی الصعود الی رفرف العما خلف سرادق المجد فی ملکوت السنا و جبروت البقا فی حدیقة الکبری عند قمیص العلی فی هیکل الاعلی ثم استقرهم یا الهی علی مقام الذی خلقت لهم بهم بانفسهم ثم البسهم من خلع هدایتک و قمیص الذی نسجته من ایادی قدرتک و انامل عزتک

\*\*\*ص98\*\*\*

ثم اثبت یا الهی علی الواح قلوبهم من قلم الامضا مما ینبغی لاهل القضا و انک فعال لما تشاء و انک انت علی کل شیئ قدیر 152

هو المحبوب

فسبحانک اللهم یا الهی ان هذا عبدک الذی التفت الی میادین قدس الوهیتک و اراد الدخول فی حرم ذاتک و الورود فی بیت احدیتک لیشهد لطایف جمالک فی ظهورات هویتک اذاً یا محبوبی ؟؟ الی هذا المقام الاعلی ثم ارزقه من اثمار التی لن یصل الیه ایادی احد من عبادک الا المخلصین من بریتک و انک انت علی ذلک لمقتدر قدیر

هو العزیز

فسبحانک اللهم یا الهی اسئلک بصفاتک العلیا و باسمائک الکبری و بکلمتک الاتم الاقدم الاعلی بان تنزل علی هذه الامة من سحاب رحمتک و غمام فضلک امطار جودک و الطافک لتطهرها عن کل ما یمنعها عن بدایع لطفک و اکرامک و انک انت علی کل شیئ قدیر 152

هو العزیز

\*\*\*ص99\*\*\*

فسبحانک اللهم یا الهی انادیک حینئذ حین الذی استرفعت سحاب بلائک و غمام قضائک و هتبت اریاح الباساء عن مشرق مشیتک و نسمات الضرا عن مغرب ارادتک بانک انت الله الملک الحی الذی لم ؟؟ کنت مقدساً عن وصف دونک و متعالیاً عن نعت ماسواک و خلقت عالم البقا فی جبروت العما و جعلت مفتاحها من جوهر البلا ثم ابدعت بصنعک القدیمة لئالی الاحدیة ثم احتجبتها یا الهی فی حجبات حفظک و ؟؟ سرک فهنیئا لمن احرق الحجبات و اخرق السبحات و دخل بمفتاح اسمک فی مدینة صفاتک و ورد باذنک فی سرادق عرفانک فلما کان الامر کذلک اسئلک بجوهر اسمک المکنونة و بدایع صفاتک المشهودة بان تجعلنا من الذینهم ما منعوا عن لقائک و لو امطرت علیهم امطار قهرک و قضائک و انک انت علی ذلک لمقتدر قدیر

فکیف یا الهی لسان التی یدعو غیرک یلیق لذکرک و قلب الذی التفت الی دونک ینبغی ان یکون ؟؟ لجمالک و ؟؟ یحبک و عین التی شهد من غیرک

\*\*\*ص100\*\*

و التفت الی غیر ؟؟؟ کیف یقدر ان یشد ؟؟؟ صنایع صنع احدیتک ثم یشرف بلقاء عز ازلیتک و سمع التی ادرک کلمات المحدودة من عبادک کیف یمکن ان یسمع جوامع ایت عز صمدیتک او تغنیات بدع ورقاء هویتک و رجل الذی کان یمشی فی غیر رضائک کیف یمکن ان مقرک فی میادین قدسک و وصالک و ؟؟؟ و اشتغل بدونک کیف یلیق ان یشرب من زلال خمر محبتک او یستانس ؟؟؟ وجهة قیومیتک و طراز جمال غیب الوهیتک او یکون خاضعا لربوبیتک و ساجدا لوجهة محبوبیتک یا الهی بعد کل ذلک ؟؟ عن فعلی ؟؟؟ و استحیی عن ذکری ایاک و ؟؟ ما اعرف کل ذلک الا منک و من عندک تستریح نفسی و یسکن ذاتی لانک انت الفاعل فی کل شیئ و المقتدر علی کل شیئ فسبحانک سبحانک ما علی حیرتی فی بدایع فعلک و عجایب صنعک و ما ابهی اضطرابی؟؟ظهورت قدرتک و شئوات قوتک مرة ؟؟؟؟ علی هیکل الذل و الفقر و ؟؟؟ مکرمتک و مرة تنزع ثوب الافتخار عن ؟؟؟؟؟

\*\*\*ص101\*\*\*

الی منبع ؟؟ و معدن افتقارک و مرة ؟؟؟ العلی الی نقطة ؟؟ بمشیتک و مرة تعرج ساذج ؟؟ الی عرش العلی ارادتک و فی حین اشاهده بان تلبس علی نقطة ؟؟رداء عز ؟؟ و جلالک و ؟؟؟؟؟؟؟؟و تستره فی حجبات انظم بحیث لن ؟؟؟؟؟به و انت فی کل ذلک مقتدر باقتدار قیومیتک و مهیمن باحاطة قدرتک و ؟؟؟ ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟و لاترد عن کل ما ترید ان تفعل بحیث او تفعیل ؟؟؟ الذل من یقدر ان بردّک او تجعل ؟؟ البعد جوهر القرب من یمنعک لافو عزتک لم ؟؟سلطان قدرتک ؟؟ فی ملکوت خلقکک و لا تزال ملیک قوتک ؟؟؟ فی جبروت ملکک و بریتک فسبحانک یا ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

\*\*\*ص102\*\*\*

بحرف منها و یجعل ؟؟ باقیة من عندک و کلمة ؟؟ من لدنک ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ عنی لانک انت ارحم الراحمین و اکرم الاکرمین

\*\*\*ص103\*\*\*

فسبحانک اللهم یا الهی کیف ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

\*\*\*ص104\*\*\*

و محرما کعبة اجلالک اذ انک انت المقتدر علی ما تشآء و انک انت المهیمن القیوم

هو الحی المتعالی الفرید

فسبحانک اللهم یا الهی ان هذه امة التی امنت بک و بایاتک و دخلت علی فراش القدس فی مشرق جمالک و مطلع وصالک و ؟؟ فی عرش الهویة علی بساط عزک و لقائک و فازت بساذج العنایة لما خصصتها لنفسک و وصلت بجوهر المرحمة لما انتخبتها لمحبتک فسبحانک سبحانک ما اعظم ؟؟ فی شانها و ما اکبر مکرمتک لنفسها بحیث شرفتها بقمیص الالوهیة و نورتها بانوار الربوبیة و اسمیتها من تغنی عز الصمدیة و اکرمتها من ؟؟ مجد الاحدیة فما اعلی بدایع رحمتک فیها فما احلی جواهر فضلک فی حقها فو عزتک عبدک هذا عاجز عن ذکر ؟؟ فیما شرفتها و خصصتها و اصطفیتها و اعلیتها و قدر فی شانها و حقق لها و بها و علیها فاذا اسئلک یا الهی باول من ؟؟ و اجابک و اخر من اظهرته و ؟؟ بان تجعلها راضیا منک و صابرا علیک ثم احفظها عن کل داء و بلاء ثم اعطها ما تقر

\*\*\*ص105\*\*\*

به عینها لیورثها بعنایتک و لیکون دلیلا علیک و سبیلا الیک اذ انک انت المعطی فیما تشاء و انک انت خیر الوارثین

هو القدیم القیوم

فسبحانک اللهم یا الهی قد حضر بین یدی عبادک هولاء الذین انقطعوا عن دیارهم و خرجوا من اماکنهم و قطعوا مناهج البعد حتی وصلوا الی مواقع القرب و شهدوا فی السبیل من ؟؟ الصیف و بردد الشتا و مسهم من الباسآء و الضراء ما اطلعت بعلمک و احصیت بمقادیر قیومیتک و ماکان همهم الا الوصول الی لقائک و الدخول فی حدیقة جمالک و الورود فی حرم وصالک و السجود لدی باب رحمتک و الخضوع لوجهک فاسئلک یا الهی بروحک التی ملأت السموات و الارض بان تملا قلوبهم من انوار قدس مرحمتک ثم اسمع اذان سرهم نغمات عز ربوبیتک و اشهدهم بعیون فوادهم بدایع صنع ازلیتک لینقطعوا عن دونک و یقبلوا تکلهم الی مخزن لقائک اذ بیدک ملکوت البقا و فی یمینک جبروت العما تفعل کیف تشآء و تحکم کیف ترید و انک انت المهیمن العزیز القیوم

\*\*\*ص106\*\*\*

باسم ربنا العلی الاعلی

اتحرم یا الهی من اقبل الی حرم ذاتک اتبعد یا محبوبی من استجار الی مدینة قربک اتخذل یا رجائی من تمسک بحبل عزک اتمنع یا مقصودی من ورد فی شریعة عطائک اتفقر یا معبودی من تشبث بذیل عطائک اتمیت یا مسجودی من احییت قلبه عرفانک اتصم یا مشکوری من اسمعته بدایع ایاتک لافو عزتک لاتحرم من اقبل الیک و لاتطرد من ورد علیک و لاترد من نزل بغنائک اذ انک انت المتعالی فوق کل شیئ و المعطی بکل شیئ و الحاکم من فی السموات و الارض و انک انت العزیز الممتنع القدوس

باسم ربنا العلی الاعلی

فسبحانک اللهم یا الهی ادر بای ذکر ارفع اعلام هدایتک المخلصین من عبادک ان اذکرک بانک سلطان الملوک هذا؟؟ یرجع الی المملوک و ان اصفک بانک مظهر النور هذا امر یعید الی مطالع الظهور و ان اقول انک صاحب الملک هذا ذکر لاهل الجبروت و وصف لاصحاب الملکوت و ان اقدسک عن کل ذلک و کل ما یعرفه العارفون و هذا نعت

\*\*\*ص107\*\*\*

وصفت به من قبل من مظاهر نفسک و مطالع امرک فو عزتک صرت متحیرا بین یدیک لان عبدک هذا لو یذکرک بما الهمته من جواهر اسرار حکمتک لنصعقوا احبائک لان هذا سر لن تحمله النفوس و ان تطیقه العقول و ان اذکرک بما ذکرت من قبل هذا لیس بمقبول فسبحانک سبحانک اسئلک بسراج هویتک فی مشکوة قدس احدیتک بان تلهم عبادک ما تعنیهم عن دونک و تقدسهم عما سواک ثم انزل علی عبدک الذی ممیته باسم الراء و الضاء من جواهر علمک المکنون و لطایف اسرارک المخزون لیجمع عبادک علی حبک و یصلهم الی رفرف لقائک ثم اجعل هذا الکتاب علیه قمص جمالک و ثوب اجلالک لیجد رایحة البقا عن مصر اللقا و انک انت المقتدر العزیز المحبوب فالق کلمة التکبیر علی الذینهم سافروا فی سرهم و هاجروا الی الله فی قلبهم و نزلوا علیه فی جهرهم لتکون النعمةمن عنده بالغة علی العالمین

هو العزیز الجمیل

یا الهی و سیدی انادیک حینئذ بنداء الذی الهمتنی من بدایع جود احدیتک و علمتنی من جواهر فض

\*\*\*ص108\*\*\*

ازلیتک لان الندا بجوهره لو لم یکن منک لن یصل الیک و لن یرد علیک و لن یصعد الی هواء قربک و انک لما عرفتنی ذلک اذاً ینبغی بان تلهمنی ما یلیق لنفسک و ینبغی لجلالک حتی یصعد نداء هذا الذلیل الی اسماء قدس عزک و یعرج ضجیج هذا الفانی الی هوا عز بقائک و یطیر هذا المسکین فی هواء قرب غنائک لان دونک لن یقدر ان یدخل فی میادین وصفک الا بمفاتیح رحمتک و سواک لن یستطیع ان ینزل فی شاطی عرفانک الا بحولک و قوتک فسبحانک سبحانک یا مقصودی انت الذی لم تزل کنت غنیاً بقیومیة ذاتک و لاتزال تکونن مقدساً؟؟ نفسک کل العرفا معترف بالعجز عن عرفان مظاهر توحیدک و کل البلغا مقر بالفقر عن البلوغ الی مطالع تفریدک فو عزتک یا منائی کل ؟؟ کان عن ذکر جمالک و کل العلما جهال لدی ظهورات علمک و اجلالک اذاً اسئلک یا نار قلوب العاشقین و یا وله صدور المشتاقین باسمائک الحسنی فی رفارف البقا و بانوارک الروحی فی ملأالاعلی و بحبیبک الذی به ؟؟ بدایع اسمائک و به انتهی کل صفاتک فی ملکوت

\*\*\*ص109\*\*\*

بقائک بان تغلق علی وجوهنا ابواب رحمتک الکبری و لاتسد علی قلوبنا مصاریع عنایتک العظمی ثم اشهدنا فی کل شیئ اثار ربوبیتک و انوار ازلیتک حتی نجتمع بقدرتک فی بساط توحیدک و مواقع تمجید ثم اجعلنا یا الهی سالکا فی سبل رضائک و راضیاً عند نزول قضائک بحیث لانخاف من احد الا منک و لا نلتفت باحد الا ایاک اذ بیدک ملکوت کل شیئ و انک انت العزیز المقتدر المتعالی القدیر

هوالله تعالی عز نوره

فسبحانک اللهم یا الهی تری ما تری و تشهد ما ورد علی عبدک هذا مما اکتسبت ایدی عبادک فی حقه بحیث هجموا علیه و افتروا به سوء ظنونهم و اوهام انفسهم و قتلوه باسیاف شرکهم و حبسوه فی سجن کفرهم و اطردوه عن بلادهم و اماکنهم و یقولون فی حقه ما لا اذنت هم و طغوا فیک فیما ینسبون بعبدک من دون اذن من عندک و لا کتاب من لدنک و بذلک یریدون ان یفسدوا فی ارضک و یطغوا فی مملکتک اسئلک حینئذ یا الهی بنار کینونتک التی لایطفی و نور ازلیتک الذی لایفنی بان تجعلنی حصنا لعبادک و سدا

\*\*\*ص110\*\*\*

لیاجوح خلقک لئلا یقدرون ان یتجاوزوا عن حدک فیما قدر من عندک لاهل ارضک و سمائک اذ انک انت الملک الفرد المقتدر المتعالی العزیز المنیع

هوالحی المتعالی الرفیع

فسبحانک اللهم یا الهی انت تسمع ضجیجی و تشهد صریخی و تعلم حنینی و تاوه سری و ؟؟ قلبی و اضطراب کینونتی و اضمحلال ذاتیتی و انعدام جسدی و تبلبل جسمی و تزلزل ؟؟ مع ذلک کیف اکون قابلاً لمقامات عز قربک او لایق لزخارف مجد لقائک لان قلب الذی خطر فیه غیرک لن یقدر ان یکون مراتا لجمالک و رجل الذی مشی فی غیر رضائک کیف یستطیع ان یدخل فی حدیقة حبک او یسکن فی جوار رحمتک و عین الذی التفت الی دونک کیف یکون قادر الملاحظة انوار وجهتک او مشاهدة اسرار سلطنتک فسبحانک سبحانک فو عزتک و جلالک انی ابتلیت بکل ذلک عن زیارة جمالک و بقیت علی وجه الارض بمثل المذنب العاصی الذی لن یجد لنفسه من معین و لاغافر و لم یحدث ذلک الا من کثرة الغفلة التی احاطتنی من کل الجهات اسئلک حینئذ یا الهی بنار التی اشرقت بها الموجودات

\*\*\*ص111\*\*\*

و بنور الذی احییت به المخلوقات ان تجعلنا منقطعاً الیک و متوسلا علیک و لا؟؟ بجنابک و ؟؟ بحضرتک و متملقا بک و مسترحما برحمتک و مستبقیا ببقائک اذ فی قبضتک مقادیر کل شیئ تفعل ما تشاء و تحکم کیف تشاء و لا یسئل عما تشا و تحب و انک علی کل شیئ قدیر

باسم الله الغنی المتعال

فیا الهی فی کل اللیالی احترق بنار فراقک و فی کل الایام ابتهج ببدایع افضالک و فی اللیل ابکی عن یاسی عن مواقع نصرک و عنایتک و فی النهار اضحک من رجالی ببدایع جودک و احسانک فسبحانک یا الهی مضی کل الایام و ما قضی البلایا عن اصفیائک و کل امر انتهی و ما تنتهی الرزایا لامنائک کان الضراء صارت قدیما بقدم ذاتک و الباساء مقیما بقیام نفسک و باقیا ببقاء وجهک بحیث یتغیر کل شیئ فی مملکتک الا البلیة عن احبتک و کل الاشیاء حادثة فی ملکک الا الذلة عن صفوتک فو عزتک یا محبوبی قد بلغ الذلة الی النهایة و ورد من الجهال ما لا یذکره بالمقال یا من الیک ینتهی الفضل و الافضال و انک انت ذو الجمال و الاجلال اما تنظر یا الهی الی

\*\*\*ص112\*\*\*

احبتک بلحاظ عطوفتک و اما تلتفت یا رجائی الی بریتک بنظرات مکرمتک هل غیرک من احد حتی یهربوا منک الیه و هل دونک من سلطان حتی یردوا علیه لا فو عزتک و انی من قبل محبیک اشهد لهم حینئذ لدیک بانهم ما ارادوا غیرک و ما عبدوا سواک و ما عرفوا دونک و انقطعوا عن کل الجهات الی وجه فردانیتک و خرجوا عن کل الدیار حتی دخلوا دیار صمدانیتک الی متی یا الهی لا ترسل علی قلوبهم اریاح رحمتک و لاتهب علی نفوسهم نسمات جودک و لطفک اما وعدت یا سیدی بان تجمع المنقطعین فی جوار رحمتک الکبری و اما ما وعدتهم مکمن الا من فی ظل اسمک الاعلی اذا فاقض بما وعدت ثم اظهر کلما عهدت اذ انک انت ارحم الراحمین و قاضی حوائج الطالبین و انت تعلم یا الهی و ربی بانی لا اشکوا لنفسی و لا اجزع لذاتی و لا احزن لجسمی لانی فی یوم الذی عرفتنی نفسک و اشربتنی خمر جمالک قد انفقت روحی لروحک و ذاتی لذاتک و جسمی لجسمک و انت تعلم ماورد علی فی سبیلک و ما مسنی من مجاری قضائک فو عزتک لن اقدر ان اذکره بین یدیک و لایقدر احد ان یسمعه من احبتک و فی کل الاحوال کنت شاکراً

\*\*\*ص113\*\*\*

بنعمتک و راضیاً بقضائک بل کنت منتظرا لسیوف اعدائک فی سبیلک و سهام قضائک فی محبتک و ما حفظت نفسی اقل من ساعة و کنت کالنار المشتعلة بین عبادک الفسقاء و کالسراج المنیرة بین یدی الاعداء و کالشمس البازغة فوق راوس الاشقیاء و هم فی کل یوم یشاورون فی خروجی و فی کل لیل یجتمعون علی قتلی و انا اقول یا الهی زد فی کفرهم و غفلتهم ثم فی شرکهم و شقوتهم لیقرب بذلک لقائی بک حتی ارجع الیک و ارد علیک لان هذا املی منک و رجائی بک ولکن یا الهی لما اشاهد اضطرب احبتک و قلق بریتک احزن فی نفسی عل قدر الذی لن یحصی ذکره و لن یتم بالقلم امره و انک لو کشفت لهم حجبات الامر کما کشفت لعبدک هذا ما اضطربوا فی موارد بلائک و ما یتبلبلوا فی مجاری قضائک ولکن حجبت عنهم بعلمک المحیطة و کشفت لعبدک الفانیة لذا اقسمک یا محبوبی بمظهرک الاعلی و مرایاک الحاکیة عنه و مراتک الازلیة الاسنی و السن الناطقة به بان تجعلنا من الواردین فی شاطی انقطاعک و النازلین الی مدینة افضالک و الشاربین عن کاوس جمالک و المستریحین علی بساط اجلالک

\*\*\*ص114\*\*\*

اذ بیدک ملکوت کل شیئ و انک انت العزیز الفرد المتعالی القیوم

هوالله و انت تعلم یا الهی بان اکون ذلیلا عند من استعزز بسلطان قدرتک و ؟؟ لدی من ؟؟بمظاهر قوتک و فانیا لمن ؟؟ کینونتک و من ارید من یریدک و احب ؟؟ و اتبع الذی کان ؟؟لامرک و ؟؟؟؟ لحکمک و استجیر من استجار ؟؟؟؟؟ فی سبیلک و استشهد فی محبتک فسبحانک سبحانک کل ذلک محبوب عندی ؟؟ الیک و انتسابها علیک و الا انت منزه عن ؟؟؟؟؟و اعزاز کیف و مقامات التی ما ؟؟ لنفسک و ما قدرته لذاتک فسبحانک انی اکون ؟؟؟؟و العابدین ان یا علی فاشکرالله ؟؟؟ باسمه العلی و ؟؟؟ بالکبریائیة لتکون کبیرا فی حبک و ثابتا فی امر ولاک فاعرف قدر ؟؟ ثم انقطع الیه و توکل علی الله فی کل الاحیان و الاوان و لا؟؟ فی شیئ و ؟؟ نفسک علی الظنونات و الشبهات لتکون منزها؟؟؟ و خاکیا عن وجهته و ناطقا عن ذکرا و راضیاً

\*\*\*ص115\*\*\*

بقضائه فصل اللهم یا الهی علی ادل شمس اعنانت من افق قدسک و ؟؟ طلع من ؟؟ وجهتک و به انار امرک فی ملکیت خلقک بعد ؟؟ طلعتک و علی احبائک المقدسین و ؟؟ العالمین و علی الواردین الیک و النازلین علیک اولئک فقال لما تشاء و فضال فیما تحب و انک علی کل شیئ قدیر

هوالله

فسبحانک اللهم یا الهی ان هذا عبدک الذی قضی بامه فی غفلة عن حمائک و ؟؟ عن ساحة قدس احدیتک حتی انتهی ایامه الی مقام الذی ؟؟؟ و رجع الی ؟؟ بحیث ابیضت ؟؟ انه و رجعت ارکانه و ؟؟ اعضانه ولکن یا الهی لما امن بک فی ظلمتک ؟؟ الذی اختصصته من بین عبادک و جعلته ؟؟لانبیائک و ؟؟ لاصفیائک و نورا فی بلادک و ذخرا و شرفا لامنائک لذا جعلت منتهی ایمه اول ایامک و غایة ؟؟ البلوغ الی مظاهر توحیدک و الورود فی ساحة احدیتک اذا یا الهی ؟ علیه من رضوان ازلیتک نسمات قیومیتک و اریاح احدیتک لیعرف اسرار تفریدک فی هیاکل

\*\*\*ص116\*\*\*

تجریدک و یعترف بجمالک الاخری کما اعترف ؟ لک فی طلعتک الاولی ثم ابعثه یا محبوبی عن قبور الغفلة ثم احشره ی زمرة الموحدین فی ریاض ارواحک العالین لیشهد بعین قلبه انوار عز سلطنتک و مطالع قدس صمدیتک ؟؟ یکون موقنا بایاتک الکبری و قمص ذاتک الاسنی فی جمالک العلی الاعلی و مذعنا بکل ما حاء به فی ملکوت الانشا و جبروت الادنی اذ بیدک ملکوت ملک السموات و الارض و انک انت الذی تفعل ما تشاء فی رفیق الاعلی و انک انت علی کل شیئ قدیر

هوالله

فسبحانک اللهم یا الهی اذکرک حینئذ حین الذی تغرد فیه حمامات قدس سلطنتک و تمطر من غمام احدیتک ایات بدع عظمتک و تنزل من سحاب رحمتک اغیاث عز مکرمتک و تهب من رضوان احدیتک نسمات جود مرحمتک ؟؟ بذلک شجرات قدس الوهیتک و ؟؟ سدرة فردانیتک باوراق عرفان هویتک و ؟؟ اغصان رحمانیتک بثمرات بدع رحمتک و لیس عن کل من

\*\*\*ص117\*\*\*

فی السموات الی ؟؟ غنائک و یسکن کل من فی لجج الموجودات فی جوار ربوبیتک و یشربن عن کاوس جمالک و یعرجن الی اعلی افق اجلالک و یصعدن العاشقون الی رفرف قربک و یطیرن الواصلون فی هواء وصلک و یرکضن المقربون فی ریاض لقائک و یکفن المخلصون فی سمآء بقائک فسبحانک سبحانک عن کل ما یذکرک الذاکرون او یصفک الواصفون لان کل الاذکار یرجعن الی اوکارهم فی حقایق عبادک و کل الاوصاف ینزلن الی مواقعهم فی افئدة بریتک و لما کان الامر کذلک کیف یصل الیک وصف ؟؟ فو عزتک یا محبوبی کل العیون متحیرة عن بدایع اشرق انوار جمالک و کل اللسان کلیل عند تغنیات عندلیب جلالک و کل الاذان ؟؟ لدی ظهورات مشارق عز حکمتک و کل العقول معدوم عند شئونات بدع سلطنتک و کل النفوس مفقود لدی بروزات قدس معرفتک و کل الاجساد ??عند اثار صنع قدرتک و کل العظام رمیم لدی اشراق اسرار قدرتک اذا یا الهی لما کان العبد معترف بکل ذلک و مقرا بجمیع ذلک ینبغی لبدایع احسانک و جوامع فیضک

\*\*\*ص118\*\*\*

و فضلک بان تجعله منقطعا عن دونک و ترجعه عن کل ماسواک الی شریعة لقائک لتجری عن لسانه بدایع بحور رحمتک و عن قلبه ایات عز قدرتک و قوتک و عن قلبه عیون علمک و عن لسانه طرائز ؟؟ و عن فواده اثار فضلک اذ انک یا الهی خلقته بامرک و علمته من تاویل کتابک و عرفته خزاین علمک و الهمته جواهر حکمتک و علمته ما احتجبته عن دونه بفضلک اتری فی نفسک یا الهی بان تطرد مسکین الذی انقطع الیک او ترد فقیر الذی قام لدی حرم جمالک او تذل ذلیل الذی تمسک بحبل عزک فسبحانک سبحانک انت اعظم من ان تخیب من قام لدی خیام عظمتک او تمنع من ؟؟ الی ؟؟ فضلک و رحمتک اذا اسئلک یا الهی ان کان ؟ قابلا فی سبیلک فاسفکه باحسانک و ان کان قلبی لایقا لعرفانک فاحرقه بنارک و ان کان راسی مقبول فی رضائک فارفعه علی اسنان بقدرتک لاقتدی باصفیائک فی مملکتک و اتبع امنائک فی بلادک فو عزتک یا الهی قلبی مشتاق الیک و عیونی راجیاً لجمالک و فوادی منتظرا للقائک و ان ترید ان تاخر فی کل ذلک

\*\*\*ص119\*\*\*

لتحرقنی فی هذه الایام و تعذبنی فی هذه اللیالی بین ایدی هولاء الفاسقین فاقبل منی فدی الذی طلبت منی فی ملأالاعلی بین یدی ملئکة المقربین ولایحیط بعلمه احد الا بعد ظهوره فی ارضک و ان تبدل کل ذلک لاظهار سلطنتک و انک انت المهیمن القیوم ثم اسئلک یا الهی بالذی ظهرته فی یوم قیامک و بمن تظهره فی قیامة جمالک بان تجعل التی رجع هذا اللوح الیها من طلعات رضوانک ثم اعطها یا الهی ما تقربه عینها و انک انت فضال کریم

هوالعزیز

فسبحانک اللهم یا الهی انت الذی رفعت السموات بامرک و اسکنت الارض بارادتک و قدرت بینهما ما ینبغی بسلطنتک و یلیق لعزتک ثم بعد ذلک خلقت بمشیتک و اظهرت الانام بحکمتک و ارسلت الیهم رسلا من عندک و انزلت علیهم کتبا من لدنک و تجلیت علی اهل صفوتک من رسلک بانوار عز قیومیتک و ارفعتهم الی معارج عز الوهیتک بحیث جعلتهم مشارق احدیتک و مظاهر صمدیتک و مطالع هویتک و مجامع حکمة ازلیتک و عسیتهم

\*\*\*ص120\*\*\*

حجة منک و برهانا من لدنک و جعلت اعظم حجتک ایات النازلة من سماء فردانیتک و ؟؟ برهانک نغمات الظاهرة من الحان بدیع صمدانیتک ثم بعد ذلک امرت العباد بطاعة ؟؟ فی ؟؟و الرجوع الیهم فی ملکک لینقاد الکل ؟؟ افسک و ؟؟؟ لمشارق شمس جمالک ؟؟؟؟ فضلک و یشربوا عن بحور فیضک و ؟؟؟؟؟؟و یسکنوا فی

\*\*\*ص121\*\*\*

عن؟؟ ؟؟؟ احد فی ذلک و ماقبل ؟؟ الی رضائک و وردوا علی مطلع جمالیک ما؟؟ العلم عن ذکره و یبکی المداد عما جری علیه و تفتح اهل الفردوس فیما ورد به ؟؟؟ اهل السموات ؟؟؟ نزل بما ورد به ذلک لما ؟؟؟ من عبادک و رفع الی مقام ؟؟؟؟؟؟ فی عرش عظمتک ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟فسبحانک سبحانک ؟؟؟ عبادک ؟؟؟ و ذالک و ما اکبر اقبالهم ؟؟؟ حلالک فو عزتک یا الهی مولاء الانام ما یمشون الی ؟؟؟ تقلید عند غروب ؟؟؟ هدایتک و ما؟؟؟ الا بعد غیبة وجهک فسبحانک سبحانک ؟؟؟ فی امرک اهل سرادق الاهوت و کیف اهل الملکوت فی اراضی الناسوت کل العرفا عرفان عن بدیع حکمتک و کل الفقها سفها عند ظهورات علیک و کل ؟؟؟ عجزا عن معارف عز سلطنتک و کل البلغا قصراء عن البلوغ الی میادین عظمتک و کل الاغنیا فقراء لدی تموج بحور غنائک و کل العلما ؟؟؟ لدیک و کل العظما عدماء عندک

\*\*\*ص122\*\*\*

فو عزتک لم یزل شرایع حکمک جاریة و ؟؟ حکمتک ظاهرة و ابواب ؟؟؟؟مفتوحة و لکن لن یقدر احد ان ؟؟؟ فیها او یشرب عنها و یشهد ؟؟؟ الا الذین انقطعوا الیک ؟؟؟؟؟ یا الهی برحمتک الباسعةو نغماتک ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟و ما نشهد فی ایامک من اختلاف اذ انک انت المقتدر علی کل شیئ و انک انت العزیز القیوم

هوالله

فسبحانک اللهم یا الهی کیف اذکرک بعد الذی لم اجد الغرسة من ؟؟ امطار بلائک و کیف لا لذکرک بعد الذی امرتنی بذلک فو عزتک یا محبوبی ؟؟؟ یذوب بنار فراقک و قلبی یحرق عن ؟؟؟؟و حشائی و سری ؟؟؟؟؟من ؟؟؟؟؟؟ کینونتی ابهدمت ؟؟؟؟ و انک یا الهی اتشهد فی فضلک بان تَدَع عاشقیک او تحرم عن حرم القرب محبیک لا فو جمالک القدیم ما کان

\*\*\*ص123\*\*\*

؟؟؟ بک کذلک و ما وصدت فیما ؟؟؟؟ بمثل ما اجریت علی عبدک ولکن مع کلی ذلک اسئلک بنار جمالک ان کان هذا ؟؟؟؟ لسیف اعدائک فی سبیلک لا تاخر بعنایتک و ان کان هذا الصدر لایقشا لسهام قضائک فی رضائک ؟؟ فی ذلک و ان تبدل کل ذلک بسلطنتک لظهور ؟؟ فانک مقتدر علی ذلک و مهیمن فی اجراء امرک و انفاذ حکمک و انک انت العزیز القادر الحکیم

هوالعزیز القیوم

فسبحانک اللهم یا الهی انادیک حین الذی تغنّ حمامة الفراق عن شطر العراق و یرنّ عندلیب الاشتیاق عن جهة الافاق بانک انت الله الملک العزیز الجمیل لم تزل یا الهی کنت فی علوّ القدرة و القوة و الجلال و لاتزال تکونن فی سموّ الرفعة و العزة و الاجلال کل الانبیاء خائفة من ظهورات قهرک و کل الاصفیا مضطربة من بروزات خشیتک لا اله الا انت القادر المقتدر العزیز و اشکرک یا الهی فی هذه الایام التی اجتمعوا علینا طغاة خلقک و عصاة بریتک و یفرحون بما نزلت علینا من اسرار قضائک و جواهر تقدیرک

\*\*\*ص124\*\*\*

 بعد الذی تکان ذلک من سنتک علی احبتک و عادتک مع صفوتک فو عزتک یا محبوبی لو انّ دونی یقر عن البلایا فی سبیلک انا الذی اشتاق کلها فی محبتک و اسالک باسمک الذی منه تموجت بحور الاسماء عند ظهورات عز فردانیتک و به تعلّیت علی الممکنات بسلطان قدس ربانیتک بان تنزل کل البلایا التی قدرتها لاحبائک علی عبدک هذا لئلا ینزل علیهم ما یجمدهم عن ذوبان حبک او یخمدهم عن حرارة ودّک و انا الذی یا الهی اشتری بروحی و نفسی کل ما یظهر من عندک و یحدثمن لدنک و اکون صادقاً فی کل ذلک بحولک و قوتک لا اله الا انت الکریم اللطیف العلیم الحکیم ثم اسئلک یا الهی بانوار قدس احدیتک و اسرار غیب صمدیتک بان تحفظ اصفیائک بعدی لئلا تزلّ اقدامهم علی صراطک ثم اجتمعهم علی شاطی جودک و فضلک ثم انقطعهم عن دونک بحیث لایخافون من احد و لا یضطربون من نفس ثمّ افتح یا الهی ابصارهم ببدایع قدرتک و سلطان قوتک حتی یشهدوا کل شیئ فی قبضتک و کل امر فی کفّ اقتدارک فو جمالک یا املی لو تصعدهم الی هذا

\*\*\*ص125\*\*\*

المقام الاعلی و هذه المنزلة القصوی لیحکین عنک و یرجعن علیک بکلهم بحیث لن و یضطربهم شیئ و لو یجتمع علیهم کل من فی السموات و الارضین ثم اسئلک یا الهی بنورک الذی به اضائت الممکنات و ببهائک الذی به نورت الکائنات بان تذکر عبدک الذی سمی بالجیم فی رفارف بقائک و قباب عظمتک ثم اسمعه یا الهی نغمات قدس رحمانیتک لتجذبه عن نفسه و عن دونک الی بدایع اشراق انوار عشقک و حبک و انک انت علی ذلک لمهیمن قدیر152

هوالعزیز القیوم

فسبحانک اللهم یا الهی و محبوبی تشهد و تری کیف اجتمعوا علینا کلاب خلقک و خناذیر بریتک بعد الذی ما امرناهم الا بالورود علی شاطی بحر احدیتک و الدخول الی باب مدینة علمک و فضلک و کلما بشرناهم یا الهی بهبوب نسمات عز ازلیتک انکرونا بما القی الشیطان فی صدورهم و اعرضوا عن نفسک و کلما ایدناهم بجواهر حبک قاموا علینا بالحاربة بین یدیک الی متی لاتخرج ایادی القدرة عن حبیب سلطنتک و الی متی لاتظهر علیهم باقتدارک و حکومتک

\*\*\*ص126\*\*\*

و قد بغوا علیک الی مقام الذی اخرجوا خیر خلقک عن دیارک فو عزتک یا سیدی لن اشکو عما ورد علی فی سبل رضائک لانی اشتاق کل البلایا فی محبتک ولکن یا محبوبی و مقصودی لما اسمع منهم ما قالت الیهود فی حقک اذا یتزلزل سری و ؟؟ قلبی حیث یقولون یدالله مغلولة و هذا من بغیهم علیک و علی امنائک بعد الذی کانت ایادی قدرتک مبسوطة علی الممکنات و مفتوحة علی الکاینات و بلغوا فی اقوالهم الکذبة الی مقام الذی صاروا مایوساً عن نفحات قدس مکرمتک و محروماً عن جواهر فضلک و رحمتک و لو قیل لهم هبت نسمات الجود و الفضل عن رضوان البقا او طلعت وجهة الامر عن جبروت الاسنی ینکرون و یضجون و یقولون بان الله حتم الولایة بال محمد و لن یقدر ان یبعث من دونهم احد کانهم اطلعوا بما فی علمک فسبحانک سبحانک یا الهی عن طغیانهم علیک و عن بدایع صبرک فی حقهم اذا یا الهی فاقطع عنهم ما یشغلهم عنک لعل یرجعون الیک و ینقطعون عما سواک و انک انت القادر العالم العزیز المعطی الکریم 152

\*\*\*ص127\*\*\*

فسبحانک اللهم یا الهی اسئلک بهذا المهاجر الذی اخرجوه عن وطنه عبادک الاشقیا و باحتراق قلوب المقربین فی هجره و فراقه و بصریخ افئدة الموحدین فی اشتیاقک بان تستقیم رجل هذا العبد علی صراط حبک ثم احفظه یا محبوبی عن کل بلاء و مکروه الذی یحول بیه و بین جمالک و انک انت المقتدر علی کل شیئ و انک انت العزیز القیوم152

هوالعزیز المحبوب

فسبحانک اللهم اسئلک بالذی به ارفعت اعلام هدایتک و به اقمت رایات فردانیتک بان تنصر من یستنصر منک و تحفظ من یستحفظ منک و انک علی ذلک لمقتدر قدیرا

هو فسبحانک اللهم یا الهی هذا عبدک الذی تحقل عن بدایع ذکرک و احجبته الخطایا علی مقام اشتغل بما سواک و اعرض عن جمالک و فعل ؟؟ ما کنت مکرهه و ارتکب بایذاه ما کنت معرضا عنه و انطق بلسانه ما لاینبغی لاحبائک و بقلبه ما لایلیق لارقائک و بعد کل ذلک لما کان من قبل

\*\*\*ص128\*\*\*

من الذینهم امنوا بک و بایاتک الکبری هبت علیه نسمات الرحمة بحیث ایقظته عن النوم و اخرجته عن الغفلة حتی عرف ما فعل و علم ما به اشتغل و رجع الیک کما هرب منک فی اوسط امره و دخل فی حصن عنایتک کما خرج عنه فی بعض اذا فیه اذا یا الهی ینبغی لبدایع رحمتک و جواهر عنایتک بان لاتحرمه عن امطار جودک و غمام رافتک و مکرمتک ان تجده باقیا علی عهد الذی ؟؟ مع احبائک ثم اغفر یا الهی جریراته العظمی و خطیئاته الکبری ثم اغسله یا محبوبی فی ابحر جودک و غفرک و طماطم ؟؟ فضلک و احسانک و قلبه عن کل الجهات الی یمین عز قدسک حتی لایسکن فی الارض الا باسمک و لا یحرک الا برضائک ولایمشو الا باذنک و لایاکل و لایشرب الا بذکرک اذ بیدک ملکوت کل شیئ و انک انت علی کل شیئ قدیر و صل اللهم یا الهی علی الذینهم انقطعوا الیک ولاذوا بجنابک و عادوا بحضرتک و سکنوا فی ظل عطوفتک بکل ما یمکن فی ملأالاعلی و فی اراضی الفردوس اذ انک انت القائم القدوس

\*\*\*ص129\*\*\*

هوالعزیز

فسبحانک اللهم یا الهی انت الذی لن یعرفک من احد لان عرفانک ان یقترن بعرفان خلقک و لن توصف بوصف دونک لان وصف ماسواک مخلوق بامرک و منجعل بارادتک و اشهد حینئذ بان منتهی وصف البالغین و اعلی عرفان العارفین یرجع الی خلقک الذی خلق بامرک و حدث بارادتک فسبحانک سبحانک من ان یصل الیک افئدة عبادک او ان یبلغ الی مقر عزک عقول بریتک و انی فو عزتک صرت متحیرا فی امرک و فیما الهمتنی بجودک و فضلک لانی

\*\*\*ص130\*\*\*

لوابین ما اکرمتنی بعنایتک و احسانک لیرفع بذلک ضجیج المغلین و لو لن اذکر ما اعطیتنی باکرامک لاکون کافرا ؟؟ یا من بیدک ملکوت ملک الغالین اذا یا الهی اسئلک باسمک الاعظم و کلمتک الاقدم لا بان تطهر قلوب احبائک عن سبحات الوهم و التقلید لیعرفوک بعیونهم و ینظرون جمالک بابصارهم لعل یقدرون ان یتقربوا سدرة قربک التی ما عرفها احد دونک و انک انت المقتدر العزیز الکریم ثم اسئلک یا الهی بالذی اظهرته و بمن تظهرنه بان تنزل علینا من کل خیر اتمه و من کل فضل اکبره و بان لاتحرمنا عن کل ما عندک و انک انت السلطان القادر القدیر 152

هو العزیز

الهی ترانی فی فم الثعبان و تشهد کیف یلد غنی فی کل حین و حان اما تنصرنی یا الهی بعد الذی تمسکت بذیل عطایاک اما ترحمنی یا محبوبی بعد الذی تشبث برداء عز افضالک و قضایاک اذا یا الهی فانصرنی بسلطان نصرک ثم احفظنی عن هذا البلاء یا من بیدک ملکوت الانشاء و انت بکل شیئ علیم 152

هوالعزیز

\*\*\*ص131\*\*\*

فسبحانک یا الهی فو عزتک ان کبدی تقطعت من هجرک و فراقک و قلبی تشبکت من بعدی عن وصلک و لقائک اذا یا الهی اسئلک بهذا الاسم الذی احاطته البلایا بما قضت فی الواح قضائک بان ترسل علی عبادک ما نفتح به عیونهم لیعرفوک عن غیرک و یطلعون بامرک الخفی الاخفی فی هذا الهیکل البهی الابهی و انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک علی کل شیئ قدیر 152

هوالعزیز

فسبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به ظهر جمالک و طلع برهانک و لاح اسمائک و غنت ورقائک ثم استرفع اسمک الاعظم و جمالک الاقدم بان ترفع امرک و تنصر احبائک و ترزقهم من اثمار سدرة وحدانیتک و فواکه قدس شجرة فردانیتک و انک انت القادر العزیز القیوم ثم اجر یا الهی هذا الذی امن بک و بایاتک الکبری ثم انصره یا الهی ببدایع نصرک ثم انزل علیهم الصبر فی الذی ارفعته الی سماء تفریدک و افق تجریدک و انک انت العزیز المحبوب 152

هوالعزیز القیوم

فسبحانک اللهم یا الهی تسمع ضجیجی و صریخی فی هذا

\*\*\*ص132\*\*\*

السجن الذی کان فی ؟؟؟ مملکتک و انعد ارضک بحیث لن ؟؟؟یقرب بسدرة قربک و شجرة وصلک ولکن فو عزتک یا الهی و تعذبنی اشد من ذلک ؟؟؟ ایدی المشرکین من خلقک و ؟؟ بریتک ؟؟ حتی ایاک و ؟؟ فیک و بشرنی ؟؟؟؟ حبک لن تمنعه البلایا عن ؟؟؟؟ رحمتک عن جوار عز مکرمتک فسبحانک اللهم یا الهی اذا ؟؟ فتح ابواب فیض فضلک علی عبادک اسئلک باسمک الذی به ظهر الفضل عن مشرق الطافک بان تحفظ هذا العبد الذی حضر فی کل؟؟؟؟ احدیتک ثم انصره یا الهی ؟؟ ثم ارزقه ما ؟؟ له عن ملکوت ملک السموات و الارض ثم اثبته علی حبک ثم استقبه علی ؟؟؟؟؟ عن صراطک و انک انت المقتدر العزیز الکریم 152

هوالبهی الابهی

فلک الحمد یا الهی علی ما جعلتنی موارد بلائک و مواقع قضائک و وردت علی ما لاوردته علی احد من خلقک بحیث جعلتنی ؟؟ ایدی ؟؟ خلقک و

\*\*\*ص133\*\*\*

و لظلم بریتک و ادنی عبادک الذی لن اقدر بذکره اذا یا الهی ؟؟بجودک و فضلک ثم خلصنی یا الهی عن ؟؟ و انک انت علی کل شیئ قدیر152

هوالعزیز القیوم

فسبحانک اللهم یا الهی یا الهی و یا سیدی و سیدی و یا محبوبی و محبوبی لک الملک و الملکوت و لک القدر و العزة و القدر و ؟؟ و تمنع لا اله الا انت العزیز الغالب القادر العلیم152

فسبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به دفع کل ظلمة و طلع کل نور و انار الوجه فی جبروت الممکنات و اضاء الجمال فی ملکوت الموجودات بان تحفظ حامل هذا اللوح بسلطانک و اقتدارک و انک انت علی کل شیئ قادر و قدیر 152

هوالعزیز

فسبحانک اللهم یا الهی اشهد حینئذ بوحدانیتک و سلطان فردانیتک و بانک انت الذی لم تزل کنت بلا ذکر شیئ معک و لاتزال تکون کما کنت فی عز جلالک و اجلالک لا اله الا انت العزیز الغالب

\*\*\*ص134\*\*\*

العلیم الحکیم فسبحانک یا الهی کیف اذکر بین یدیک ما ورد علی فی ذلک الایام بحیث ما ورد علی احد من قبلی و انک علی ذلک العلیم ؟؟ انت الذی یا الهی القیت ؟؟ فی صدور اولیائک و احبائک من قبل ان ؟؟ او تطلعوا بامرک فی نفسی ثم بعد ذلک ابتلیتهم بالفراق بما اشرق حکم الفصل بعد الوصل عن افق الطلاق و بذلک احترق قلبی و قلوبهم علی مقام الذی خرفوا عن جوارهم شوقا للقائک و طلباً لرضائک و بعضهم ؟؟؟فی الغربة و ما وصلوا الی معین وصلک و ؟؟؟؟؟ و منهم تشبثوا فی البلا و لن یعرف احد بما ورد علیهم و ؟؟؟ و ما بهبت علیهم اریاح الوصل عن شطر لقائک و ما اشرقت لهم شمس الفضل عن افق جمالک فاه اه یا الهی عن ضجیجهم فی فراقک و صریخهم عن ؟؟ من وصالک و لو لهم یا محبوبی فی امرک ؟؟ عن مدینتک ولکن فو عزتک ما اخرجتهم الا جذبة شوقک و وله حبک الذین برشح منه تنجذب الممکنات الی مقعد قدس ؟؟ وحدانیتک و تقلب الموجودات الی ؟؟ عز ملیک فردانیتک فو عزتک یا سیدی و رجائی لو تجری عن عیون

\*\*\*ص135\*\*\*

کل من فی السموات و الارض ؟؟من اول الذی لا اول له لای اخر الذی لامرک ؟؟ فی بعدک و اضطربهم من هجرک فو عزتک ؟؟؟ و انک قد کنت بذلک؟؟؟؟؟؟ خرجوا عن مدینتک بما وفیتهم من ؟؟؟؟؟ نار الفراق الی مقام الذی ؟؟؟؟؟؟ رجعت ارواحهم الیک فی الافق الاعلی و الرفیق الابهی اذا یا الهی ؟؟؟ ارواحهم بطراز الذی ؟؟؟ منهم انوار عز احدیتک و ظهورات ؟؟؟؟ ثم انشر یا الهی اثارهم ؟؟؟ جمالک عز صمدانیتک ؟؟؟؟ قدس فردانیتک ثم اجعلها یا الهی باقیا ؟؟؟؟؟ناظرا الی ؟؟؟؟؟؟؟ و بریتک ثم؟؟؟ یا الهی ؟؟؟بلسان وصلک و ملیک لقائک بحیث لن ؟؟؟ عن وجهک فی ازل الازال و انک انت ذوالجلال و الاجلال و انک انت العزیز الکریم فسبحانک یا الهی فو عزتک قد بلغ بلایائی الی مقام الذی انقطع عنه ؟؟؟؟؟؟ بحیث لن اقدر ان احصیها فی مملکتک او اذکرنا فی ساحة عز احدیتک اذکر یا الهی هجرتی و غربتی او ضری

\*\*\*ص136\*\*\*

و اضطراری او ابتلائی بین یدی الاعدا او افقاری بین یدی الاشقیا او ورودی فی هذا السجن الکبری او اذکر ما ورد علی احبتک فی سبیلک و علی بریتک فی سبل مرضاتک او اذکر یا الهی ما ورد علی بعد خروجی عن مدینتک و علی بیتی التی فیها رفع ذکرک و اعلام هدایتک و انوار عز احدیتک و جعلتها علماً فی مملکتک لاهل محبتک و ؟؟ البریتک من اهل صفوتک و اختصصتها بین بقاع الارض لارتفاع ذکرک و اعلاء امرک بحیث دخلوا فیها عصاة خلقک و طغا عبادک و ؟؟ وافیها مافیها و بذلک استکبر ؟؟ علیک و کسروا حرمتک و هتکوا بین الاعدا عزتک فو عزتک یا الهی قد بلغوا فی الطغیان الی ذروة العصیان و اخذتهم الغفلة بشان الذی ظنوا بانک کنت غافلا عنهم و عن افعالهم بعد الذی کنت عالما بهم و بافعالهم فو عزتک یا الهی ما اغفلهم عن علمک الا شئونات عز ستاریتک و بروزات قدس ؟؟ اذا یا الهی فاغفر جریراتهم و خطیئاتهم ان یرجعوا الیک و تیوبوا علیک لانهم لایعلمون و لایشعرون و لو ان عصیانهم یا الهی اعظم عن خلق السموات و الارض ولکن عفوک

\*\*\*ص137\*\*\*

اعظم عن کل شیئ ثم انزل علیهم یا الهی ما یطهر به قلوبهم و نفوسهم ثم ذکرهم یا الهی ایام لقائک ثم الهمهم ما یمنعهم عن کل ما لا ؟؟ لحضرتک و لاینبغی لسلطانک و انک انت المقتدر العزیز السلطان الحاکم العالم القادر العزیز الرفیع المدرک المهیمن الغالب الطالب السمیع العلیم الخبیر ثم اسئلک یا الهی بالذی اظهرته من قبل و تظهرنه یوم القیمة بان تقلب هذا اللیل بانوار صبح لقائک و هذه الظلمة بضیاء فجر جمالک ثم انصر یا الهی من ینصرک بنفسه و یتبعک فی امرک و لو یخالفه کل من فی السموات و الارضین و الحمدلله رب العالمین

هوالعز

اللهم یا الهی و سیدی تری ما تری و تشهد ما تشهد و تنظر یا محبوبی کیف ابتلیت بین ایادی خلقک بحیث وقعت فی هذا ؟؟ الذی لم یکن به من اول و لا من اخر و کان قدامی ثعبان القهر و فتح فمها لیبلعنی و عن ورائی غضنفر الغضب و یرید ان یشقنی و عن فوقی یا محبوبی سحاب القضا و یمطر علی امطار البلاء و عن تحتی نصبت رماح الشقا لیجرح اعضائی و بدنی اذا یا الهی مع هذه البلایا

\*\*\*ص138\*\*\*

التی ما ورد علی احد من عبادک اشکرک بلسان سری و جهری و ظاهری و باطنی و اقول این عنایتک الخفیة و این الطافک المنیعة یا مصوری و مقدری فسبحانک یا مقصودی ان لن ترفع منی هذه البلایا الواردة لاتقطع عن قلبی لذایذ وحیک البدیعة و ان لن ترفع عنی هذه الرزایا النازلة لا؟؟ عن وجهی نفحات قدسک المنیعة فسبحانک یا الهی فو عزتک لن ترفع عن ؟؟ نغمات عز وحدانیتک من احزان التی احاطتنی عن مظاهر نفیک و مطالع قهرک و لن یحرک شفتائی من هموم التی اخذتنی عن شطر تقدیرک و بلغت یا الهی فی الهم الی مقام الذی یبکی السراج عما ورد علی من طغاة خلقک و عصاة بریتک فسبحانک یا محبوبی فاسمع ضجیج هذا المضطر فی هذا السجن الکبری یا من بیدک ملکوت العز و البقا فی یمینک سلطان الامر و القضا تفعل بقدرتک ما تشاء و تحکم بمشیتک ما ترید فو جمالک یا اولی و اخری قد مضت ایام عدیدة و لیالی معلومة و انی ما اخرجت عن بیت الحزن لملاقات احبتک بعد الذی کنت مشتاة للقائهم

\*\*\*س139\*\*\*

لا؟؟ عن وجوههم انوار عز احدیتک و ؟؟ بلقائهم بما تهب من قلوبهم اریاح عز حبک و محبتک اذاً یا الهی لاتاخذنی بهذا الخطا العظمی و لاتدعنی فی هذه الحالة یا من بیدک جبروت العز فی رفرف الابهی و انت تعلم یا الهی لم یکن هذا لاستکباری علیهم و لا لاستغنائی عنهم ولکن یا محبوبی اخاف بان یحزنوا من حزنی و یکدروا بکدورتی ؟؟ احفظت نفسی عن لقائهم و سترت وجهی عن انظارهم و اسئلک یا الهی باسمک الذی به ظهرت شمس جمالک و قر اجلالک و به ارتفعت سموات عز قدس فردانیتک فی هذه الکلمة الذی بها ظهرت نغمات سلطان عز وهابیتک و به دخلت کل الوجود فی سرداق وحدانیتک و به اقروا و اعترفوا العباد بما انت نادیتهم فی عرش عظمتک بان تجعل الذینهم تمسکوا بک و بذیل رداء عطوفتک من الذین یتشرفون فی کل حین بلقائک و یسمعون نغماتک و یستخدمون بخدمتک و قائمون علی امرک و ینظرون بوجهک و انک انت المقتدر العالم العلیم ثم اسئلک یا الهی بهذا الاسم المخزون و بهذه الکلمة المکنون بان تقبل عن عبدک

\*\*\*ص140\*\*\*

الذی هاجر الیک و ورد علیک طواف حرم قدسک مرةبعد مرة لیقضی عنه ما کفله من احبائک و انک انت القاضی المعطی الحکیم ثم اصعدهم الی مقام الذی فیه یرفع صلوتک فی ازل الازال و لن ینقطع فی ابد الاباد لا؟؟؟ هذا الصلوة التی ما اطلع به احد من خلقک ثم اقبل یا الهی عن هولاء اجر حنین العاشقین فی بعدک و فراقک و اجر الواصلین فی قربک و لقائک ثم انزل یا الهی علی قلوب احبائک ما یحبوا به عبدک الذی سمی بالسّلمان و یکرموه باکرامک و یتوجهوا الیه بفضلک بحیث لن یمنعوا عنه ما اعطیتهم بجودک علی ما استطاعوا به و انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت العزیز العالی الکریم و الحمدلله رب العالمین

هوالعزیز

فسبحانک اللهم یا الهی هذا عبدک الذی وضع لک بایداه ما صنع ابتلی بعد ذلک بهجرک و فراقک الذی به ذهب الصبر عن کلی ذی بصر و به ارتفعت ضح المقربین ثم ضجیجهم و صرخ الموحدین ثم صریخهم اذا یا الهی لما انقطعت ایدیه عن رداء قربک و وصلک لا تنقطع عن قلبه حبل عنایتک و ؟؟ الطافک و انک

\*\*\*ص141\*\*\*

انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت المهیمن القیوم ثم اثبت قدماه علی الصراط و انک انت العزیز المحبوب 152

هوالعلیم الحکیم

فسبحانک اللهم یا الهی و سیدی و تری عجزی و افتقاری ثم ضری و اضطراری و تشهد یا الهی سکونی و جلوسی فی هذا السجن الذی وقع فی منتهی البلاد من مملکتک و اخر الدیار من ارضک فلک الحمد یا الهی ما قدرت لنا من بدایع تقدیرک و لک الشکر یا محبوبی علی ما نزلت علینا من مبرم قضائک و انی فو عزتک یا الهی لاکون راضیاً بکل ذلک ولکن اعدائک یفرحون بذلک و یستهزئون باحبائک و بذلک تتدقع عینی و استدم قلبی و تشبک کبدی فسبحانک سبحانک یا الهی فارفع عبادک الی مقام الذی یذوقون حلاوة بلایاک فی سبیلک و لطافة قضایاک فی حبک او تبدل ذلهم بسلطان عزک و فقرهم بغنائک و ضرهم بعافیتک لئلا یشهد و اما لا یحبوه فی مملکتک و انک انت القادر الملک العزیز المحبوب ثم اسئلک یا الهی باسمک الذی به رفع امرک و علا اسمک و تمت حجتک و لاح وجهک و ظهر برهانک و بالذی وعدته بان تظهرنه فی یوم القیمةبان تجعل هذا العبد

\*\*\*ص142\*\*\*

موقنا فی امرک و ثابتا فی حبک و ناظرا الیک و ناطقا عنک ثم انزل علیه یا الهی ما یفرح به قلبه و یطهن به نفسه و انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت العزیز الغالب القدیر و بالعباد غفور رحیم 152

هوالباقی

فسبحانک اللهم یا الهی و سیدی و رجائی و کهفی و لهفی و مسکنی و فاوائی و عزی و ذلی ثم یسری و شدتی ثم غنائی و فقری اسئلک باسمک الذی به رفع سلطنتک و علا عظمتک و استعلی قدرتک علی کل من فی السموات و الارض بان تنصر الذین ما عرفوا سواک و ما توجهوا بغیرک و ما تمسکوا بدونک و انک انت مجیب المضطرین و معین المساکین ثم اسئلک یا الهی ببدیع اسمائک و جمیل صفاتک بان تجعل هذا العبد من الذینهم ما یسلکون الا سبیل رضائک و ما یمشون الاعلی اثر مرضاتک و انک انت قاضی حوائج الطالبین و انک انت کل شیئ قدیر 152

هوالعزیز

فسبحانک اللهم یا الهی تشهد مفری فی سجن الاعداء و مقصدی فی حبس الاشقیا بحیث صرت و بعیداً

\*\*\*ص143\*\*\*

عن قرب احبائک و ممنوعاً عن لقا اصفیائک و بذلک تکدر عیش الذین انقطعت ایدیهم عن ؟؟؟؟اجسادهم عن التقرب الی انوار جمالک فسبحانک یا الهی لما منعتهم عن الدخول فی حرم قربک و لقائک لاتقطع عن قلوبهم نفحات عز احدیتک و اریاح قدس مکرمتک و انک انت علی کل شیئ قدیر 152

هوالعزیز

فسبحانک اللهم یا الهی هذا عبدک الذی خیّط رداء عز سلطنتک و اثواب قدس هیکلک و هاجر مع جمالک الاعلی الی ان دخل معه فی هذا السجن الکبری اذا اسئلک یا الهی بان لاتقطع خیط الذی جعلته سبباً بینه و بین انوار جمالک و معرفة نفسک ثم استقمه علی حبک ثم ارزقه خیر ما عندک ثم اجعل له مقعد ثبوت من فضلک و هیا له من امرک فی هذا الامر رشدا

هوالعزیز

فسبحانک اللهم یا الهی تشهد کیف ابتلیت فی مملکتک و من جهة یا الهی قد ظهرت البغضا فی صدر اعدائک و من جهة یا الهی بدت الغل و النفاق و البغضاء

\*\*\*ص144\*\*\*

فی قلوب احبائک اذا یا الهی قد جعلتنی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

\*\*\*ص145\*\*\*

؟ لما تشاء و انک انت المقتدر المتعالی الغفور العطوف ؟؟؟ الرحیم

بسم الله الامنع الامنع

سبحانک اللهم یا الهی ؟؟؟؟ العاشقین و تذرفات بحور المشتاقین بان تجعلنی محروماً من نفحات رحمانیتک فی ایامک و نغمات ورقاء وحدانیتک عند ظهور انوار وجهک فیا الهی انا المسکین قد تشبثت بذیل اسمک الذی ؟؟؟ قد تمسکت بحبل اسمک الباقی اذا اسئلک بنفسک العلی الاعلی بان ؟؟ نفسی و هوائی خذ یدی بایادی اقتدارک و خلصنی عن ؟؟ الظنون و الاوهام و طهرنی عن کل ما یکرهه رضاک ثم اجعلنی مقبلا الیک و متوکلا علیک و لا؟؟ بحضرتک و طهاربا الی نفسک و انک انت الذی تفعل ما تشاء بقدرتک و تحکم ما ترید بارادتک لامانع لما قضیت و لاراد لما امضیت انک انت المقتدر العزیز المنان

بسم الله الامنع الاقدس

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به نورت قلوب العاشقین و استضائت وجوه

\*\*\*ص146\*\*\*

المخلصین و به استجذبت عبادک المقربین بحیث انقطعوا عما سواک و خرجوا الی مقام انفقوا فی سبیلک انفسهم و ارواحهم و ؟؟؟؟ قدسک و کعبة انسک بان تصعد هذا العلا الی سماء عز امرک و مقر قدس مکرمتک ثم اشربه ما یفتح به علی ؟؟ قلبه ابواب الحکمة و البیان و ؟؟؟ یا الهی ؟؟ فاجعله من اهل هذا الرضوان و راضیاً بما قدرت له یا من فی قبضة قدرتک جبروت ؟؟ و ملکوت لاکوان و انک انت المقتدر العزیز المستعان لیصل فی ظل رحمتک الی مقام یقوم علی ذکر و ثناء نفسک علی شان ینقطعن عما سواک و یتبلن الی وجهک المقدس المتعالی العزیز المشرق المنیر و الحمد لک یا من فی قبضة قدرتک ملکوت السموات و الارضین

بسم الله الابدع

یا الهی هذا غصن اخر الذی انشعبته من سدرة التی اثمرت بعرفان مظهر نفسک العلی الاعلی و طهرته من شائبة النفس و الهوی اذا اسئلک یا محبوبی باسمائک الحسنی و کلمتک العلیا و القلم الاعلی

\*\*\*ص147\*\*\*

بان تجعله محروماً عن فیوضات عز رحمانیتک و لابعیداًعن ؟؟ رحمتک و الطافک و ؟؟ شانه عن ثناء عزک و قلبه عن التوجه الی دونک ثم ؟؟ یا الهی من اریاح مشیتک التی تهب عن یمین فضلک لیعمل بما انت اردته و ینطق بما انت ؟؟؟ بحیث یکون مراده فانیا فی ارادتک و مشیته فی مشیتک و انک انت العالم الذی لن یعزب من علمک من شیئ و المقتدر الذی لایعجزک من شیئ لا اله الا انت المقتدر المتعالی العزیز ؟؟؟

بسم الله العزیز الجمیل

سبحانک اللهم یا الهی هذه امة من امائک بلغها الی ما قدرت لها فی ایامک و اشهد حینئذ بانک ما خلقت نفسا الا لعرفان نفسک و من فاز به فاز بکل الخیر عما قدرته فی الواح ؟؟؟؟ تقدیرک اذا ؟؟؟ یا محبوب العارفین و مقصود العاشقین بان لاتسقط هذه الورقة من سدرة امرک ثم استجذبها من نغماتک بحیث تنقطع عمن سواک و تقبل بکلها الی وجهک العزیز المتعال فیا الهی اسئلک باسمک الذی منه ظهر ؟؟ فزع عنه من فی

\*\*\*ص148\*\*\*

السموات و الارض الا من عصمته بید قدرتک بان تحرمها عن تسنیم عنایتک و سلسبیل رحمتک ثم اشربها فی کل حین من کاس فضلک ما یطهر به فوادها و تزکی بها نفسها لتذکرک بین امائک و تفرح بمکرمتک و الطافک و لایحزنها شیئ من مکاره الدنیا و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المهیمن القیوم

بسمه الوهاب

لک الحمد یا الهی علی ما قلبت وجوه عبادک الی یمین عرش الطافک و انقطعتهم عما دونک لسلطنتک و اجلالک اشهد بان امرک نافذ و حکمک جاری و مشیتک ثابتة و ما اردت هو باقی کل شیئ و فی قبضة قدرتک اسیر و کل لدی ظهور غنائک فقیر فیا الهی و محبوبی و غایة املی فافعل بعبادک و بریتک ما ینبغی لجلالک و عظمتک و ما یلیق لکرمک و مواهبک انک انت الذی سبقت رحمتک العالمین و احاط فضلک من فی السموات و الارضین من الذی ناداک و ما اجبته و من الذی اقبل الیک و ما تقربت الیه و من الذی توجه بوجهه الی وجهک و ما توجهت الیه

\*\*\*ص149\*\*\*

لحظات عنایتک اشهد حینئذ بان اقبالک عبادک سبق اقبالهم ایاک و ذکرک ایاهم کان قبل ذکرهم ایاک و لک الفضل یا من بیدک ملکوت العطا و جبروت القضا فانزل یا الهی علی قاصدیک ما ینقطعهم عن دونک و یقربهم الی نفسک و ایدهم علی حبک و رضائک ثم استقمهم علی صراط امرک الذی ذل عنه اقدام المریبین من بریتک و المعرضین من عبادک و انک انت المقتدر العزیز العظیم

بسم الله الامنع الاقدس

سبحانک اللهم یا الهی لم ادر بای ذکر اذکرک و بای وصف اثنیک و بای اسم ادعوک ان ادعوک باسم المالک اشاهد بان مالک ممالک الابداع و الاختراع مملوک لک و مخلوق بکلمة من عندک و ان اذکرک باسم القیوم اشاهد بانه کان ساجداً علی کفّ من التراب من خشیتک و سلطنتک و اقتدارک و ان اصفک باحدیة ذاتک اشهد بان هذا وصف البسه ظنی ثوب الوصفیّة و انک لم تزل کنت مقدساً عن الظنون و الاوهام فو عزتک کل من ادعی عرفانک نفس ادعائه یشهد بجهله و کل

\*\*\*ص150\*\*\*

من یدعی البلوغ الیک یشهد له کل الذرات بالعجز و القصور ولکن انت برحمتک التی سبقت ملکوت ملک السموات و الارض قبلت من عبادک ذکرهم و ثنائهم نفسک العلیا و امرتهم بذلک لترفع به اعلام هدایتک فی بلادک و تنتشر اثار رحمانیتک فی مملکتک و لیصلن کل الی ما قدرت لهم بامرک و قضیت لهم بقضائک و تقدیرک اذا لما اشهد بعجزی و عجز عبادک اسئلک بانوار جمالک بان لا تمنع بریتک عن شاطی قدس احدیتک ثم اخذهم یا الهی بنغمات قدسک الی مقر عز فردانیتک و مکمن قدس وحدانیتک و انک انت المقتدر الحاکم المعطی المتعالی المرید ثم ارزق یا الهی عبدک الذی توجه الیک و اقبل الی وجهک و تمسک بحبل عطوفتک و الطافک من تسنیم رحمتک و افضالک ثم ابلغه الی ما یتمنی و لاتحرمه عما عندک و انک انت الغفور الکریم

بسم الله الاقدس

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به اخضرت سدرات رضوان امرک و اثمرت بفواکه القدس فی هذا الربیع الذی فیه هبت روائح

از صفحه 151تا 154 موجود نمی باشد

\*\*\*ص155\*\*\*

فی سبیلک لیکون قلیلاً عند عطایاک اذا اسئلک بان تجعلهم راغبا الیک و مقبلا الی شطر رضاک و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المتعالی العزیز الغفار ثم اقبل یا الهی من عبدک ما ظهر منه حبا لنفسک ثم استقمه علی کلمتک العلیا ثم انطقه بثناء نفسک و احشره مع المقربین من بریتک و انک انت الذی فی قبضتک ملکوت کل شیئ لا اله الا انت المقتدر المهیمن العزیز المختار

هوالله تعالی شانه العزیز

سبحانک اللهم یا الهی انت الذی لم تزل کنت فی علو القدرة و القوة و الجلال و لاتزال تکون فی سمو الرفعة و العظمة و الاجلال کل العرفا متحیّر فی اثار صنعک و کل البلغاء عاجز من ادراک مظاهر قدرتک و اقتدارک کل ذی عرفان اعترف بالعجز عن البلوغ الی ذروة عرفانک و کل ذی علم اقرّ بالتقصیر عن عرفان کنه ذاتک فلما سدّ السبیل الیک اظهرت ظاهر نفسک بامرک و مشیتک و ارسلتهم الی بریتک و جعلتهم مشارق الهامک و مطالع وحیک و مخازن علمک و مکامن امرک لیتوجهن کل بهم الیک و یستقربن

\*\*\*ص156\*\*\*

الی ملکوت امرک و جبروت فضلک اذا اسئلک یا الهی بک و بهم بان ترسل عن یمین فضلک علی اهل الاکوان ما یطهرهم عن العصیان و یجعلهم خالصاً لوجهک یا من بیدک ملکوت الاحسان لیقومن کل علی امرک و ینقطعن عما دونک و انک انت المقتدر العزیز المختار فیا الهی و سیدی و محبوبی انا عبدک و ابن عبدک قد تمسکت بحبل عنایتک و تشبثت بذیل رداء عطوفتک اسئلک باسمک الاعظم الذی جعلته میزان الامم و برهانک الاقوم بان لا تدعنی بنفسی و هوائی فاحفظنی فی ظل عصمتک الکبری ثم انطقنی بثناء نفسک بین ملأ الانشا و لا تجعلنی محروماً عن نفحات ایامک وفوحات مطلع امرک و بان ترزقنی خیر الدنیا و الاخرة بفضلک الذی احاط الموجودات و رحمتک التی سبقت الممکنات و انک انت الذی فی قبضتک ملکوت کل شیئ تفعل ما تشاء بامرک و تحکم ما ترید بقدرتک لا لمشیتک من مانع و لا لحکمک من نفاد لا اله الا انت المقتدر العزیز الوهاب

\*\*\*ص157\*\*\*

لاظهر سبحانک اللهم یا الهی فانصر من احبک و ؟؟ وجهک انه قد ورد یا الهی فی شاطی امرک و رضاک و تمسک بعروة عطایاک اسئلک باسمک الذی به هدیتک المقربین الی بوارق انوار وجهک و طیرت العاشقین من کاوس حبک و عرفانک بان تکتب له من قلمک الاعلی ما کتبته لاصفیائک و خیرة خلقک ثم ارزقه خیر الدنیا و الاخرة بفضلک و عنایتک ثم افتح به یا الهی ابواب المغلقة ثم احی به قلوب ؟؟ ثم ارفعه باسمک بین مملکتک و انک انت المقتدر بسلطانک لا اله الا انت العزیز المختار

الحق

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک بحنین قلوب العاشقین و زفرات افئدة المشتاقین و باسمک الذی منه انعدم سرادق الشرک و ارتفع خباء التوحید بان تحفظ الذی امن بک و بایاتک و تمسک بحبل فضلک و توجه الی شطر رحمتک و رضاک ای رب فاکتب له ما کتبته لاصفیائک من قلم امرک و تقدیرک ثم البسه درع حمایتک ثم احفظه عن کل داء و مکروه

\*\*\*ص158\*\*\*

وافةٍ و سقم و الم لینصرک فی مملکتک و یذکرک بین بریتک و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز الوهاب ثم احفظه یا الهی و من معه من کل ذکر و انثی ثم انزل علیهم خیر الاخرة و الاولی و انک انت المقتدر المختار

هوالرحمن

سبحانک اللهم یا الهی هذا عبدک الذی امن بک و احب احبائک و اعرض اعدائک و سلک سبیل الیقین الی ان بلغ قطب الاسفار و عرف مظهر امرک المختار اذا یا الهی فاحفظه بجودک ثم انصره بفضلک و لاتحرمه عن بابک ثم انزل علیه یا الهی ما یصلح به امره فی الدنیا و الاخرة و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز المقتدر المهیمن القیوم والبها علی اهل البها

الاکبر

سبحانک اللهم یا الهی انا الذی انقطعت عن کل شیئ و توجهت الی بوارق انوار وجهک و قطعت حبل النسبة عن کل ذی نسبة و تمسکت بحبل حبک و رضائک ای رب انا الذی قبلت حبک و ضر

\*\*\*ص159\*\*\*

العالمین و فدیت نفسی حباً لاحبائک لیصعدن الی سموات قربک و عرفانک و یطیرن فی هواء حبک و رضائک ای رب فاکتب لی و لهم ما کتبته للمخلصین من اصفیائک ثم اجعلهم من الذین ظهرت وجوههم عن الاقبال الی غیرک و عیونهم عن النظر الی ماسواک و انک انت المقتدر المتعالی العزیز الملک المهیمن العفو الغفور

القائم

سبحانک اللهم یا الهی فو عزتک من تتابع البلایا منع قلم الاعلی من اظهار ما هو المستور عن انظر بریتک و من ترادف القضایا منعت لسان الامضا عن بدایع ذکرک و ثنائک اذاً یا الهی بهذا اللسان الکلیل ادعوک و بهذا القلم العلیل اشتغل بذکرک هل من ذی بصر یا الهی لیراک بعینک و هل من ذی ظما لیتوجه الی کوثر حبک انا الذی یا الهی محوت عن قلبی ذکر دونک و کتبت علیه اسرار حبک فو عزتک لو لا البلایا لم یظهر الامتیاز بین عبادک الموقنین و المریبین ان الذینهم سکروا من خمر معادنک اولئک یسرعون الی البلایا شوقا للقائک

\*\*\*ص160\*\*\*

اسئلک یا محبوب قلبی و المذکور فی صدری بان تحفظ احبائی من شائبة النفس و الهوی ثم ارزقهم خیر الاخرة و الاولی و انک انت الذی بمنک هدیتهم و سمیت نفسک بالرحمن لا اله الا انت العزیز المستعان

الاقدس

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به جعلتنی قیوماً علی الاسماء و مظهر ایاتک بین الارض و السما بان تجعلنی خادماً لنفسک و ناطقا بذکرک و قائماً علی امرک و مقتدراً علی عبادک و مهیمنا علی من فی ارضک و سمائک لاستقیم علی اظهار امرک علی شان لایمنعنی اعراض عبادک و نعاق بریتک ثم اسئلک یا الهی بان تجعل احبتی افنانا لهذه السدرة التی ارتفعت بامرک و ارادتک و حرکهم باریاح مشیتک کیف تشاء و انک انت المقتدر علی کل شیئ تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید لا اله الا انت المقتدر العزیز العلیم

الاقدم

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک المخزون و جمالک المشهود و بمظهر نفسک العلی الاعلی الذی یری من هذا الافق الابهی بان تعصمنی و احبتی

\*\*\*ص161\*\*\*

بعصمتک الکبری و رحمتک التی سبقت الارض و السما ثم اجعلنا من الذین ذاقوا حلاوة ذکرک و انقطعوا عما سواک ثم اجعلنا یا الهی رحمة لاحبائک و غضبا لاعدائک فیا الهی نحن عبادک و خلقک و فی قبضة قدرتک اسئلک بنفسک و بالذی اظهرنه اظهارا لسلطنتک بان توفقنا علی ما انت تحب و ترضی انک انت الذی من قدرتک استقدر کل ذی قدرة لا اله الا انت العزیز المتعالی المستعان و الحمدلله الملک المقتدر المهیمن العزیز الوهاب

الاقدر

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک بهبوب اریاح فضلک و بمشارق وحیک و مطالع الهامک بان تنزل علی و علی من اراد وجهک ما ینبغی لکرمک و احسانک و ما یلیق لمواهبک و الطافک ای رب انا الفقیر فادخلنی فی لجّةغنائک و انا الظمان فاشربنی کوثر عنایتک اسئلک بنفسک و بالذی جعلته مظهر نفسک و کلمة الفصل بین السموات و الارض بان تجمع عبادک فی ظل سدرة عطوفتک ثم ارزقهم من اثمارها و اسمعهم نغمات اوراقها و تغنی

\*\*\*ص162\*\*\*

عندلیبها و تغرد ورقائها و انک انت المهیمن المتعالی العزیز الکریم

العزیز سبحانک اللهم یا الهی تری عجزی و فقری و تشهد ضری و ابتلائی الی متی ترکتنی بین عبادک فاصعدنی الیک فو عزتک ان البلایا احاطتنی علی شان لا اقدر ان اذکرها تلقاء وجهک و انک انت احصیتها بعلمک اسئلک یا مونسی فی وحدتی بان تنزل علی احبائک من سحاب رحمتک ما یجعلهم راضیاً منک و مقبلا الیک و منقطعا عمن سواک ثم قدر لهم کل خیر احاطه علمک و قدر فی کتابک و انک انت المقتدر الذی لایعجزک شیئ لم تزل کنت فی علو الرفعة و الاقتدار و سمو العظمة و الاجتبار لا اله الا انت المقتدر الغفار و الحمد لک یا من بیدک ملکوت ملک الارضین و السموات

القیوم

سبحانک اللهم یا الهی تری عبراتی و زفراتی و تسمع حنینی و عویلی و ضجیجی ای رب انا الذی تمسکت بحبل رحمتک التی سبقت الاشیا کلها و تشبثت بذیل عنایتک یا من بیدک ملکوت الاسما فارحمنی و من معی ببدایع رحمتک و قوتک ثم احفظنا یا الهی من شر اعدائک ثم اجعلنا ناصرا لدینک و حافظا لامرک و ناطقا بثنائک انک انت الذی لم تزل کنت فی علو توحیدک و لاتزال تکون بمثل ما قد کنت لایعزب عن علمک من شیئ و لایعجزک من شیئ لا اله الا انت المقتدر المعتمد المتعالی العزیز المحبوب و الحمد و الشکر لک یا من بیده ملکوت الوجود

الاعظم

سبحانک اللهم یا الهی کلما ارید ان اذکرک یمنعنی علوک و اقتدارک لانی لو اذکرک بدوام جبروتک و بقاء ملکوتک اری بانه یرجع الی مثلی و شبهی و هو مخلوق قد خلق بامرک و ذوت بارادتک و کلما یجری من قلبی اسم من اسمائک اسمع حنینه فی هجرک و صریخه فی فراقک اشهد بان ما سواک خلقک و فی قبضتک و انک انت لو تقبل منهم ذکرا او عملا انه لم یکن الا من بدایع فضلک و مواهبک و ظهورات کرمک و احسانک ای رب اسئلک باسمک الاعظم الذی به فصلت بین النار و النور و النفی و الاثبات بان تنزل علیّ و علی من معی من احبائی خیر الدنیا

\*\*\*ص164\*\*\*

و الاخرة ثم ارزقنا من بدایع نعمک المکنونة و انک انت خالق البریة لا اله الا انت المقتدر العزیز المتعال

الاطهر

سبحانک اللهم یا الهی انی عبدک و ابن عبدک آمنت بک و بایاتک الکبری و قمت بحولک بین عبادک لنصرة امرک و اعلاء کلمتک ای رب فانصرنی و من معی بسلطنتک و اقتدارک و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المهیمن القیوم ای رب انقطعت عن دونک و اقبلت الی وجهک لاتمنعنی من فیوضات التی نزلت من سحاب رحمتک و سما عنایتک و انک انت المقتدر الذی کنت قادراً علی من فی السموات و الارض لا اله الا انت العزیز الحکیم

الاعلی

ای رب فی جوار قربک فاسکنی لان البعد اهلکنی و فی ظلل جناح فضلک فاسترحنی لان الحرارة ذابت کبدی و الی کوثر الحیوان قربنی لان عطش الطلب احرقنی یا الهی زفراتی تشهدن لبلائی و عبراتی تحکین عن حبی ای رب اسئلک بذکرک نفسک و بثنائک ذاتک بان تجعلنا من الذین اقروا بک

\*\*\*ص165\*\*\*

و اعترفوا بسلطانک فی ایاتک ثم اشربنا یا الهی من اصابع الرحمة کوثر العنایة ؟؟ عما سواک و یشغلنا بک و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز المهیمن القیوم و الحمد لک یا مالک کل الملوک

هوالاظهر

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک بهذا الظهور الذی فیه بدل الدیجور بالبکور و بنی البیت المعمور و نزل اللوح المسطور و ظهر الرق المنشور بان تنزل علی و من معی ما یطیرنا الی هواء عز احدیتک و یطهرنا من الشبهات التی بها منع المریبون عن الدخول فی حرم توحیدک ای رب انا الذی تمسکت بحبل عنایتک و تشبثت بذیل رحمتک و الطافک قدر لی و لاحبتی خیر الدنیا و الاخرة ثم ارزقهم من النعمة المکنونة التی قدرتها لخیرة البریة ای رب هذه ایام التی فرضت فیها الصیام علی عبادک طوبن لمن صام خالصاً لوجهک و منقطعاً عن النظر الی دونک ای رب وفقنی و ایاهم علی طاعتک و اجراء حدودک و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العلیم الحکیم و الحمدلله رب العالمین

\*\*\*ص166\*\*\*

القادر سبحانک اللهم یا الهی اسئلک بقدرتک التی احاطت الممکنات و بسلطانک الذی استعلی علی الموجودات و بکلمتک التی کانت مکنونة فی علمک و بها خلقت سمائک و ارضک بان تجعلنا مستقیما علی حبک و رضائک و ناضرا الی وجهک و ناطقا بثنائک نفسک ثم اجعلنا یا الهی ناشر اثارک بین بریتک و حافظ دینک فی مملکتک و انک انت کنت من دون ذکر شیئ و تکون بمثل ما کنت فی ازل الازال علیک توکلت و الیک توجهت و بحبل عطوفتک تمسکت و الی ظل رحمتک سرعت لاتطردنی یا الهی عن بابک خائباً و لاتمنعی عن فضلک لانی کنت راجیاً لا اله الا انت الغفور الکریم والحمد لک یا محبوب العارفین

الاقدس

سبحانک اللهم یا الهی تری و تعلم بانی ما دعوت و عبادک الا الی شطر مواهبک و ما امرتهم الا ما امرت به فی محکم کتابک الذی نزل من قَدَرک المحتوم و قضائک المرقوم فیا الهی لیس لی من ذکر الا باذنک و لالی من حرکة الا بامرک فیا الهی انت اظهرتنی بقدرتک و اقمتنی لاظهار امرک و بذلک ابتلیت علی شان

\*\*\*ص167\*\*\*

منعت لسانی عن ذکرک و ثنائک لک الحمد یا الهی علی ما قدرت لی بامرک و سلطانک اسئلک بان تثبتنی و احبائی علی حبک و امرک فو عزتک یا الهی ان الذلة فی احتجاب العبد عنک و العزة فی عرفانه ایاک مع اسمک لایضرنی شیئ و مع حبک لا ؟؟ عنی بلاء العالمین ای رب فانزل علی و علی احبتی ما یحفظنا عن شر الذینهم اعرضوا عنک و کفروا بایاتک و انک انت العزیز الکریم

الابهی

فیا الهی بایّ ذکر اذکرک بعد علمی بان الذکر غیر مذکور عند ظهورات انوار عظمتک و انه بنفسه یبکی لذکرک و ما ورد علیک من اعدائک و مظاهر الاسماء کلها ینوحون فی هجرک و فراقک و مع ذلک کیف یرتقی ذکری الی سماء احدیتک و یتعارج الی هواء عز رحمتک و الطافک ای رب اسئلک بهذا العجز بان تنصر احبتی بفضلک ثم اجمعهم تحت لوائک فی هذا الیوم الذی یشهد فیه کل الذرات بان الملک لله المقتدر المختار

الاقرب یا الهی تری عبدک جالساً فی السجن منقطعا

\*\*\*ص168\*\*\*

عن دونک و ناظرا الی افق عنایتک و راجیا بدایع فضلک ای رب انت احصیت ماورد علیه فی سبیلک و اذا تراه بین طغاة خلقک و عصاة بریتک الذین حالوا بینی و بین احبتک و حبسونی فی هذه الارض ظلما علیک و منعوا عبادک عن التوجه الیک ای رب لک الحمد علی کل ذلک اسئلک بان توفقنی و احبتی لاعلا کلمتک ثم اثبتنا علی شان لایمنعنا شیئ من مکاره الدنیا و شدائدها عن ذکرک و ثنائک و انک انت المقتدر علی کل شیئ و الظاهر فوق کل شیئ کل غالب مغلوب بیدک و کل غنی فقیر عند غنائک و کل ذی عزة ذلیل لدی ظهورات عزک و کل ذی قدرة عاجز عند شئونات قدرتک ای رب شق سحاب الاوهام عن وجه الانام لیس عن کل الیک و یسلکن سبل رضائک و مناهج امرک ای رب نحن عبادک و ارقائک و استغنیا بک عن العالمین و رضیا بما ورد علینا فی سبیلک و نقول الحمد لک یا من بیدک جبروت الامر و الخلق و ملکوت السموات و الارضین

بسم الله الاعز الابدع الابهی

\*\*\*ص169\*\*\*

سبحانک اللهم یا الهی انت الذی بعزتک استغرت اولو العزة و الاعزاز و بقدرتک استقدرت اولو القدرة و الاقتدار و بامرک استعلت مظاهر امرک علی من فی الارض و السما و من کوثر مدادک استحیت افئدة اهل ملکوت الانشا ای رب انا الذی توجهت الیک خالصاً لوجهک و اقبلت الی حرم الانس و کعبة القدس مقرا بقدرتک و سلطنتک الی ان وردت مدینة التی فیها تجلیت علی کل الاشیا بکل اسمائک و عاشرت مع احبائک و وجدت من البیت نفحات قدسک و فوحات انسک ای رب لاتخیبنی عن بابک و لاتطردنی عن شاطی حبک و رضائک لان الفقیر لایجد لنفسه ملجا الاباب غنائک و ان المطرود لاتستقر نفسه الا فی جوار عنایتک ای رب لک الحمد بما عرفتنی مظهر نفسک و جعلتنی موقنا بایاتک اسئلک بان تجعلنی ثابتا علی ما امرتنی به و حافظا لک لی حبک الذی جعلت قلبی مخزنها و مکمنها ثم انزل یا الهی فی کل حین ما یحفظنی عن دونک و یستقیمنی علی امرک و انک انت العزیز و انک انت القدیر و انک انت الحکیم و انک

\*\*\*ص170\*\*\*

انت العلیم لا اله الا انت المعطی الباذل المقتدر الغفار و الحمدلله العزیز الجبار

بسم الله الاقدس العلی الاعلی

اللهم انی اسئلک بنور وجهک الذی منه استضاء الافاق و بهائک الذی منه استبهت عباد الذین اشتعلوا بنار الاشتیاق و بسلطانک الذی استعلی علی الممکنات و بظهورک الذی منه زینت کلی شیئ و طراز الاسما و بامرک الذی احاط کل الاشیا بان تجعلنی منقطعة عن سواک و مقبلة الی حرم عرفانک و ذاکرة بذکرک و ناطقة بثناء نفسک ای رب انا امة من امائک قد اقبلت الیک خالصة لوجهک فانظر الی بلحظات اعین رحمتک و مواهبک و لاتطردنی یا الهی عن بابک الذی فتحته علی وجه من فی ارضک و سمائک ثم انزل علی من شطر فضلک ما یجعلنی مستقیمة علی حبک و سالکة فی مناهج رضائک و انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت المهیمن القیوم

بسم الله الابدع الامنع

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الاعظم الذی

\*\*\*ص171\*\*\*

ابتلی بین ایدی المشرکین من بریتک و احاطته الاحزان من کل الجهات علی شان لایذکر بالبیان بان توفقنی علی ذکرک و ثنائک فی هذه الایام التی کل اعرضوا عن جمالک و اعترضوا علیک و استکبروا علی مظهر امرک ای رب لم ار لک ناصراً دونک و لا معینا سواک اسئلک بان تجعلنی ثابتا علی حبک و ذکرک و هذا ما استطیع علیه و انک تعلم ما فی نفسی و انک انت العلیم الخبیر ای رب لاتحرمنی من بوارق انوار وجهک الذی به استضاء الافاق لا اله الا انت المقتدر العزیز الغفار

بسم الله الاقدس الامنع

سبحانک اللهم یا الهی هذا عبد من عبادک و قد توجه الی شطر عنایتک و اراد بدایع جودک و احسانک و فاز برحیق الحیوان الذی کان مختوما بختام عزک و اقتدارک ای رب لما اشربتنی بجودک و رزقتنی باحسانک لاتمنعنی عن بدایع مواهبک و لاتجعلنی بعیدا عن شطر قربک و افضالک ای رب فاجعلنی مستقیما علی حبک و امرک و ناطقا بذکرک و ثنائک و لاندا بحضرتک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله

\*\*\*ص172\*\*\*

الا انت المقتدر المتعالی العزیز الغفور ای رب فانزل علی من سحاب رحمتک ما یفتح به عینی و یطهر به قلبی و تزکی به نفسی و یقدس به صدری لاقبل بکلی الیک و انقطع عن دونک و انک انت المتعالی العزیز الحکیم و الحمدلله رب العالمین

الاظهر

سبحانک اللهم یا الهی لم ادر ایّ نار اشتعلت فی صدری بحیث یسمع من کل ارکانی زفیرها و یشهد لهیبها لو یذکرک لسانی بانک انت کنت قادرا فوق کل ذی قدرة یخاطبنی لسان قلبی هذه کلمة ترجع الی شکلها و مثلها و انه لهو المقدس عن ذکر العالمین فو عزتک یا محبوبی اجد فی کل ارکانی لسانا و یکون ناطقا بذکرک و ثنائک بحبک لایجزعنی بغض اعدائک و بذکرک لایحزننی شئونات قضائک فاثبت فی قلبی حبک ثم دعنی لیرد علی سیوف من علی الارض کلها تالله کل شعر من اشعاری یقول لو لا البلایا فی سبیلک ما لذ لی حبک و عشقک ای رب فانزل علیّ و علی احبتی ما یستقیمهم علی امرک ثم اجعلهم ایادی امرک بین عبادک لینتشر

\*\*\*ص173\*\*\*

منهم اثارک و یظهر سلطانک لا اله الا انت المقتدر علی ما ترید و انک انت العزیز الحمید

بسم الله الاقدس الانور

سبحانک اللهم یا الهی انت الذی خلقت الممکنات بکلمة امرک و ذرات الموجودات بسلطنتک و اقتدارک کل عزیز ذل عند ظهورات عزک و کل قوی ضعیف عند شئونات قدرتک و کل بصیر عمی عند بوارق انوار وجهک و کل غنیّ فقیر عند بروزات غنائک اسئلک باسمک الابهی الذی به زینت من فی ملکوت امرک و جبروت مشیتک بان تجذبنی من نغمات ورقاء احدیتک التی تغن علی افنان سدرة قضائک بانک انت الله لا اله الا انت ای رب طهرنی بمیاه رحمتک ثم اجعلنی خالصة لوجهک و مستقر به الی حرم امرک و کعبة قربک ثم قدر یا الهی ما قدرته لخیرة امائک ثم انزل علی ما یستضیئ به وجهی و یستنیر به صدری و انک انت المقتدر علی ما تشاء و الحاکم علی ما ترید

بسم الله الابدع الامنع العلی الابهی

یا من سبقت رحمتک علی کل الاشیا و فضلک احاط

\*\*\*ص174\*\*\*

من فی الارض و السما و باسمک اثمرت سدرة البیان من فواکه العرفان و بذکرک زینت قلوب المنقطعین بطراز الایقان اسئلک باسمک الرحمن بان تلبسنی خلع رحمتک و عنایتک ثم اکتبنی من اماء اللائی اقبلن الیک و انقطعن عمن سواک و ما منعهن عن حبک و رضائک اشارات المشرکین و کلمات المعرضین ای رب نور قلبی بنور معرفتک ثم بصری ؟؟ عرفانک لاعرفک بنفسک و استقیم علی حبک و رضائک و انک انت الذی لم تزل کنت مقتدراً علی ما ترید لا اله الا انت المتعالی المقتدر العزیز الکریم والحمدلله رب العالمین

بسم الله الاقدس الاعلی

سبحانک اللهم یا الهی تری مقری و مقامی و تشهد اضطرابی و اضطراری و ضری و ابتلائی بین عبادک الذین یقرئون ایاتک و یکفرون بمنزلها و یدعون اسمائک و یعترضون علی موجدها و یستقربون باسمک الحبیب و یقتلون محبوب العالمین الهی و سیدی ان افتح عیونهم لمشاهدة جمالک او ارجعهم الی مقرهم فی اسفل النیران

\*\*\*ص175\*\*\*

و انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت العزیز الحکیم فو عزتک یا الهی کلما ارید ان اذکرک یمنعنی علوک و اقتدارک و کلما ارید ان اصمت ینطقنی حبک و ارادتک فیا الهی ان المسکین یدعو مولاه الغنی و العاجز یذکر مولاه القوی ان اقبل منه انه خیر معطی و ان اطرده انه خیر عادل و المقبول یا الهی من اقبل الیک و المحروم من غفل عن ذکرک فی ایامک طوبی لمن ذاق حلاوة ذکرک و ثنائک انه لایمنعه شیئ عن التوجه الی مناهج رضائک و مسالک امرک و لو یحاربه من علی الارض کلها فانظر دموع البهاء یا محبوب البهاء ثم انظر زفرات قبل البهاء یا مقصود البهاء فو عزتک و عظمتک و جلالک لو تورثنی الجنان کلها بدوام نفسک و انها یشغلنی عن ذکرک فی اقل من ان اترکها و لن اتوجه الیها ابدا انا الذی یا الهی بحبک منعت عن الدنیا و العافیة فیها و بذکرک قبلت البلایا کلها اسئلک یا انیس البهاء و محبوب البهاء بان تکشف حجاب الذی حال بینک و بین عبادک لیعرفنک بعینک و ینقطعن عما سواک و انک انت المقتدر

\*\*\*ص176\*\*\*

الغفور الرحیم لا اله الا انت المتعال الکاف المتباه العزیز العلیم و الحمد لک اذ انک انت رب السموات و الارضین

بسم الله الابدع الاقدس

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به اشرقت شمس العظمة و البقا من افق سماء مشیتک و به فازت المخلصون الی هواء قربک ؟؟ الی مقر ؟؟وصالک بان تطهرنی من کوثر ؟؟؟ ؟؟؟؟ لاتوجه بکلی الیک ؟؟؟؟ تقدیس نفسک ؟؟؟؟؟؟تنزیه ؟؟ عن الشبه ؟؟؟؟؟ من بدایع فضلک و افضالک و لاتبعدنی عن قربک و جوارک و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز المتعالی المتکبر الجبار

بسم الله الاقدس الابهی

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک بالذین سرعوا الی شطر قربک و ؟؟ الی مطلع ایاتک و تغربوا عن اوطانهم شوقا لجمالک و ماورد ؟؟ مقر

\*\*\*ص177\*\*\*

قربک و اخذهم سکر محبتک علی مقام انفقوا ارواحهم باسمک و ما ؟؟ فی ؟؟؟لوصالک بان تویدنی علی التقرب الی شطرک و توفقنی علی ما اردته لامنائک ای رب انا ؟؟؟ بحضرتک و سرعت الیک منقطعة عن دونک ؟؟ ندائک اخذنی و صوتک اشتعل النار فی کل جوارحی بحیث لو یتفحص احد فی مقام ارکانی لایجد من محل الا و یجد منه لهیب حبک و نار ودّک ای رب فارزقنی لقائک قم انقطعنی عما سواک و هذا ما اخترته لنفسی عما خلقت بین السموات و الارضین و الحمد لک یا محبوب العالمین و مقصود الاملین

بسم الله الاقدس الاعلی

سبحانک اللهم یا الهی تری و ؟؟ و تسمع حنینی لم ادر بایّ ؟؟ منعت عن احبائک اریاح رحمتک و الطافک و بایّ عصیان ترکتهم بین ایادی اعدائک هل یکون غیرک من ؟؟ لیکفر عنهم سیئاتهم و هل یکون من کریم دونک لیلبسهم خلع الغفران لا فو عزتک لا اری لدونک من ؟؟

\*\*\*ص178\*\*\*

و لاسواک من وجود لم تزل کنت و لم یکن معک من شیئ و لاتزال تکون بمثل ؟؟؟کنت ای رب فاغفر عبادک الذین ما ؟؟ لانفسهم معینا سواک و لا حبیباً دونک اسئلک باسمک الذی به ظهرت رایات امرک و نزلت ایات عظمتک و ؟؟خباء مجدک و قباب کرمک المخلصین من بریتک بان تنصر الذین هم سدّت علی وجههم ابواب الفرح و الاطمینان یا من بیدک ملکوت الاحسان و جبروت الفضل و الامتنان ؟؟ یا الهی علی وجوههم ابواب رحمتک و مصاریع عنایتک ثم انزل علیهم من ؟؟ فضلک ما یجعلهم غنیاً عما سواک و مستغنیاً عما دونک و انک انت مفتح الابواب و هادی العباد لا اله الا انت الحاکم فی المبدا و المعاد

بسم الله الاقدس

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باصفیائک و امنائک و بالذی جعلته خاتم انبیائک و سفرائک بان تجعل ذکرک مونسی و حبک مقصدی و وجهک مطلبی و اسمک سراجی و ما اردته مرادی و ما اجبته

\*\*\*ص179\*\*\*

 محبوبی ای رب انا العاصی و انت الغافر لما عرفتک سرعت الی ساحة عز عنایتک ای رب فاغفر لی جریراتی التی منعتنی عن السلوک فی مناهج رضائک و الورود فی شاطی بحر احدیتک ای رب لا اجد دونک من کریم لاتوجه الیه و لاسواک من رحیم لاسترحم منه اسالک ان لاتطردنی عن باب فضلک و لاتمنعنی عن سحاب جودک و کرمک ای رب قدر لی ما قدرته لاولیائک ثم اکتب لی ما کتبته لاصفیائک لم یزل کان طرفی ناظرا الی افق عنایتک و عینی متوجها الی شطر الطافک فافعل بی ما انت اهله لا اله الا انت المقتدر العزیز السمتعان

بسم الله الباقی الدائم

یا من کل شیئ مضطرب من خشیتک و کل الوجوه ساجدة عند ظهورات انوار وجهک و کل الاعناق خاضعة لسلطنتک و کل القلوب منقادة لحکومتک و کل الارکان مضطربة من سطوتک و کل الاریاح مسخرات بامرک اسئلک بنفاذ امرک و اقتدارک و اعلاء کلمتک و سلطانک بان

\*\*\*ص180\*\*\*

 تجعلنا من الذین ما منعتهم الدنیا عن التوجه الیک ای رب فاجعلنی من الذین جاهدوا فی سبیلک باموالهم و انفسهم ثم اکتب لی اجر هولاء فی لوح قضائک ثم اجعل لی مقعد صدق عندک ثم الحقنی بعبادک المخلصین ای رب اسئلک برسلک و اصفیائک و بالذی ختمت به مظاهر امرک بین بریتک و زینته بخاتم القبول بین اهل ارضک و سمائک بان توفقنی علی ما قدرته لعبادک و امرتهم به فی الواحک ثم اغفر لی یا الهی بفضلک و جودک ثم اجعلنی من الذین لاخوف علیهم و لا هم یحزنون و انک انت المقتدر المهیمن القیوم

بسمه الرحمن

سبحانک اللهم یا الهی کلما ارید ان اذکرک یمنعنی خطیئاتی الکبری و جریراتی العظمی و بها اجد نفسی محرومة عنک و ممنوعة عن ذکرک ولکن ایقانی بکرمک یشجعنی و اطمئنانی بجودک یطمعنی بان اذکرک و اطلب منک ما عندک اسئلک یا الهی برحمتک التی سبقت الاشیاء و یشهد بها من فی لجج الاسماء بان لاتدعنی بنفسی لانها امارة بالسوء فاحفظنی

\*\*\*ص181\*\*\*

فی حصن عصمتک و کنف حمایتک انا الذی یا الهی ما ارید الا ما انت قضیته بقدرتک و هذا ما اخترته لنفسی ان یویدنی قضائک و تقدیرک و یسعدنی شئونات امضائک و اذنک اسئلک یا حبیب قلوب المشتاقین بمظاهر امرک و مهابط وحیک و مطالع عزک و مخازن علمک بان لاتجعلنی محروما عن بیتک الحرام و المشعر و المقام ای رب وفقنی علی الورود فی ساحة قدسه و الطواف فی حوله و القیام تلقاء بابه انک انت الذی لم تزل کنت مقتدرا و لاتزال تکون مهیمنا لایعزب عن علمک من شیئ و انک انت القتدر العزیز العلیم والحمدلله رب العالمین

بسم الله العلی الاعلی

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به رفعت سماء امرک و اشرقت عن افقها شمس حکمک و قضائک و به نطقت الاشیا کلها بذکرک و ثنائک و توجهت الوجوه الی جهة التی فیه اشرقت انوار وجهک و ظهرت ظهورات قدرتک و عظمتک بان تحفظ عبادک الذین اقبلوا الیک و امنوا بایاتک

\*\*\*ص181\*\*\*

الکبری و ارادوا هذا المقام الاسنی عن الذینهم کفروا بمظهر نفسک العلی الاعلی و انک انت رب الاخرة و الاولی و فی یمینک جبروت القضا و ملکوت الامضا ای رب کم من روس نصبت علی الرماح فی حبک و کم من صدور تشبکت من سهام الاشقیا فی سبیلک و کم من رضیع منع عن ثدی امة و کم من اخت ناحت فی ؟؟؟ و کم من اب بکی فی فراق ابنه و ورد کل ذلک علیهم بما اقروا بواحدانیتک و اعترفوا بفردانیتک ای رب اسئلک بقدرتک التی غلبت الاشیا کلها بان تنصر هولاء ببدایع نصرک ثم عززهم بعزتک و سلطهم علی اعدائک لیظهر بذلک شئونات قدرتک بین عبادک و ظهورات قوتک بین بریتک ثم اسئلک یا الهی باسمک الذی به اثمرت اشجار احدیتک باثمار توحیدک بان تنزل علیّ و اختی من سحاب کرمک ما ینبغی لحضرتک و من سماء فضلک ما یلیق لجنابک ای رب لاتمنعنا عما قدرته لاصفیائک الذین قاموا علی نصرة امرک و ما منعتهم سطوة الظالمین عن حرم قربک و ما سدهم غضب المشرکین عن التوجه الی

\*\*\*ص183\*\*\*

کعبة امرک انک انت الذی باسمک الحافظ حفظت احبائک من اعدائک و باسمک القادر جعلتهم قادرا علی من فی ملکوت امرک یشهد بقدرتک کل الاشیا و خضعت عند ظهورات قوتک من فی الارض و السما عمت عین ما رات شئونات قدرتک فی کل الاحیان و خرست لسان لم ینطق بذکرک بین ملأ الاکوان لا اله الا انت العزیز الرحمن ای رب لاتترک عبدک الذی ظهرته من صلب من احبک ایده یا الهی علی ذکرک و ثناء نفسک و انتشار امرک بین بریتک و وفقه علی ما تحب و ترضی و انک رب العرش و الثری و رب ما یری و رب ما لایری لا اله الا انت المقتدر العزیز المهیمن المتعالی الملک المستعان

بسم الله الاقدس العلی الابهی

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک بهبوب اریاح رحمتک فی ایامک و بتموج ابحر احدیتک و بایاتک التی اجتذبت بها افئدة العاشقین من بریتک و لظهوراتک التی بها انقلبت وجوه المشتاقین الی شطر فضلک و عنایتک بان تنزل علی امتک من سحاب تقدیرک و غمام تدبیرک ما یقدسها عن دونک و یقربها الی

\*\*\*ص184\*\*\*

مقر عرش رحمانیتک و مطلع انوار شمس الوهیتک ای رب انها اقبلت الیک و اقرت بوحدانیتک و اعترف بفردانیتک و نادتک فی سرها و جهرها و ارتقی ندائها الی سما احدیتک و مشرق حکومتک و امرک ای رب لاتجعلها محرومة عما قدرته لخیرة امائک و لاتجعلها بعیدة عن حرم قربک و رضائک ای رب رشح علی قلبها من طمطام بحر ذکرک ما یجذبها الیک و ینطقها بذکرک و ثنائک بین امائک ثم اثبت علی لوح قلبها من قلمک الاعلی آیات محبتک و اسرار عرفانک علی شان لایمحوها شئونات الدنیا و ظهوراتها ای رب فاکتب لها ما هو خیرلها و قدر لها ما یسر به قلبها و تفرح به نفسها انک انت الذی لم تزل کنت مقتدراً علی ما تشاء و لاتزال تکون بمثل ما کنت فی ازل الازال لا اله الا انت العزیز المقتدر المتعال اسالک اللهم یا الهی بظهورک الذی به اضطربت الساعة و هربت القیامة و سقطت کل بطانة و لیجة و به نورت الظلمة و اشرقت الکلمة و تمت الحجة بان تلبسها قمیص الغفران و طهرها عن العصیان ثم وفقها یا الهی لخدمة عبدک الذی اصطفیته ؟؟ او سمیته بالجمال و انک انت اهل

\*\*\*ص185\*\*\*

؟؟؟؟ الارض ؟؟ لا اله الا انت العزیز المقتدر الغفور الرحیم

بسم الله الاقدس ؟؟؟؟ الابهی

سبحانک اللهم یا الهی کلما یخطر بقلبی ذکرک و ثنائک یاخذنی الجذب و الانجذاب علی شان یمنعنی عن الذکر و البیان و یرجعنی الی مقام اشاهد هیکلی نفس ذکرک فی مملکتک و کینونة ثنائک بین عبادک متی یکون یکون ثنائک منتشراًبین خلقک و ذکرک مذکوراً بین بریتک و کل ذی بصر من عبادک یوقن بان هیکلی باق لایفنی لان ذکرک باق بدوام نفسک و ثنائک دائم بدوام سلطنتک و به یذکرک الذاکرون من اصفیائک و المخلصون من عبادک بل کل من یذکرک فی الامکان بدء ذکره من هذا المقام و یرجع الیه کما ان الشمس اذا اشرقت تتجلی علی کل من قابلها و التجلی الذی ظهر فی کل شیئ هو منها و یرجع الیها سبحانک سبحانک من ان یقاس امرک بامر او یرجع الیه الامثال او یعرف بالمقال لم تزل کنت و ما کان معک من شیئ و لاتزال تکون بمثل ما کنت فی علو ذاتک و سمو جلالک فلما اردت عرفان نفسک اظهرت

\*\*\*ص186\*\*\*

مظهراً من مظاهر امرک و جعلته ایة ظهورک بین بریتک و مظهر غیبک بین خلقک الی ان انتهت الظهورات بالذی جعلته سلطانا علی من فی جبروت الامر و الخلق و مهیمنا مقتدرا علی من فی ملکوت السموات و الارض و جعلته مبشرا لظهورک الاعظم و طلوعک الاقدم و ما کان مقصودک فی ذلک الا بان تمتحن مظاهر اسمائک الحسنی بین الارض و السما و امرته بان یاخذ عهد نفسه عن کل الاشیا فلما جاء الوعد و تم المیقات ظهر مالک الاسماء و الصفات اذا فزع کل من فی السموات و الارض الا الذین عصمتهم بعصمتک و حفظتهم فی کنف قدرتک و عنایتک و ورد علیه من طغاة خلقک ما عجزت عن ذکره السن عبادک اذا یا الهی فانظر الیه بلحظات رافتک ثم انزل علیه و علی محبیه کل خیر قدرته فی سماء مشیتک و لوح قضائک ثم انصرهم بنصرک و انک انت المقتدر المتعالی العزیز الجبار

بسم الله الباقی الکافی الدائم

سبحانک اللهم یا الهی لک الحمد بما عرفتنی نفسک و جعلتنی مقرا بوحدانیتک و معترفا بفردانیتک و مذهباً بربوبیتک و موقنا بالوهیتک و منقاداً لسلطنتک

\*\*\*ص187\*\*\*

و اقتدارک و عزتک یا من تری ؟؟؟ بدوام ملکوتک و اشکرک ؟؟؟؟ قلیلا عند بدایع فضلک و مواهبک ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

\*\*\*ص 188\*\*\*

علی وجوههم ابواب رحمتک و عنایتک ای رب ذقهم سیاط قهرک و حمیم غضبک لا اله الا انت المقتدر الاحد القهار و صل اللهم علی ؟؟ الذین وفوا بمیثاقهم و انقطعوا عما سواک و اقبلوا الیک ثم انزل علیهم یا اله الالهة من سحاب رحمتک خیر الدنیا و الاخرة ثم اجعلهم غنیا بغنائک و عزیزا بعزتک و قائما بذکرک و ناصرا لامرک و ناظرا الی وجهک انک انت الله لا اله الا انت یشهد کل الذرات بانک انت موجد الاسماء و الصفات تفعل ما تشاء بامرک و تحکم ما ترید بقدرتک انک انت العزیز المختار

بسم الله الاقدس العلی الاعلی

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الکافی بان تکفی عنا شر اعدائک الذین کفروا ببرهانک و اعترضوا علی جمالک و باسمک القاهر بان تقهر الذین ظلموا علی مظهر نفسک الاولی الذی ظهر باسمک الابهی و باسمک الاخذ بان تاخذ الذین اتخذوا امرک ؟؟؟ یلعبون بالایات الکبری و منعوا عن هذا المقام الاسنی و باسمک الغالب

\*\*\*ص189\*\*\*

بان تغلب احبائک علی اعادی نفسک و الکفرة من بریتک و باسمک الهائک بان تهتک ستر الذین هتکوا حرمتک و ضیعوا امرک بین عبادک و باسمک الخبار بان تجبر قلوب احبتک و تصلح امورهم بعنایتک و باسمک العلام بن تعلمهم من بدایع علمک لیستقیمن علی امرک و یسلکن سبل رضائک و باسمک المانع بان تمنع عنهم ظلم کل ظالم و بغی کل باغی و ضر کل مضر و باسمک الحافظ بان تحفظهم فی حصن قدرتک و اقتدارک لئلا یرد علیهم سهام الاشارات من عُصاة بریتک و باسمک الذی جعلته مبارکا بین اسمائک و اختصصته بنفسک و اظهرت به جمالک بان تبادل علی احبتک هذه الایام التی رقمت من قلم تقدیرک و قضیت فی لوح الامضا بعلمک و ارادتک و باسمک السخار بان تسخر اهل مملکتک لیقبلن کل الی وجهک و ینقطعن عما عندهم حبا لنفسک و طلبا لرضائک ای رب فاخذل اعدا انک و خذهم بقدرتک و اقتدارک ثم ارسل علیهم نفحات قهرک و ذقهم یا الهی سطوتک و انتقامک لانهم کفروا بالذی امنوا بعد

\*\*\*ص190\*\*\*

الذی جائهم بایاتک و بیناتک و ظهورات قدرتک و شئونات اقتدارک ثم اجتمع احبائک فی ظل سدرة فردانیتک و مطلع انوار عز وحدانیتک و انک انت ذو القدرة العظیم و ذو البطش الشدید لا اله الا انت المقتدر القدیر

بسم الله الاقدس العلی الاعلی

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک بعظمتک التی منها استعظم کل شیئ و بانوار وجهک الذی منه استضاء کل شیئ و ببدایع اسمائک التی منها فصلت بین کل شیئ و باسمک الذی جعلته قائما علی کل شیئ و بایاتک التی منها استجذبت حقایق الاشیا و بکلمتک التی منها فزع من فی الارض و السما و بندائک فی بریة القدس الذی به اشتعل قلب العالم و به اهتدیت المخلصین الی شاطی بحر احدیتک و طیرت العاشقین فی هواء قربک و لقائک و استجذبت افئدة المقربین الی یمین عرش رحمانیتک بان تقبل منا ما عملنا فی حبک و رضاک فیا الهی و سیدی و محبوبی ان الذین ذاقوا حلاوة ندائک سرعوا الی ظل مواهبک و جوار

\*\*\*ص191\*\*\*

الطافک و اتبعوا ما امرتهم به حبا لنفسک و ابتغاء لوجهک اولئک لایتحرکون الا باذنک و لایتکلمون الا بعد امرک فیا الهی و سیدی انا عبدک و ابن عبدک قد قمت عن الفراش فی هذا الفجر الذی فیه اشرقت شمس احدیتک عن افق سماء مشیتک و استضاء منها الافاق بما قدر فی صحایف قضائک لک الحمد یا الهی علی ما اصبحسا مستضیئا بنور عرفانک و صُمنا خالصاً لوجهک ای رب فانزل علینا ما یجعلنا غنیاً عما سواک و منقطعاً عن دونک ثم اکتب لی و لاحبتی و ذوی قرابتی من کل ذکر و انثی خیر الاخرة و الاولی ثم اعصمنا یا محبوب الابداع و مقصود الاختراع بعصمتک الکبری من الذین جعلتهم مظاهر الحناس و یوسوسون فی صدور الناس و انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت المقتدر المهیمن القیوم صل اللهم یا الهی علی من جعلته قیوماً علی اسمائک الحسنی و به فصّلت بین الاتقیاء و الاشقیاء بان توفقنا علی ما تحب و ترضی و صل اللهم یا الهی علی کلمتک و حروفاتک و علی الذین توجهوا الیک و اقبلوا الی وجهک و سمعوا ندائک و انک انت مالک العباد و سلطانهم و انک

\*\*\*ص192\*\*\*

انت علی کل شیئ قدیر

بسم الله الابدع الابهی

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باوراق سدرة وحدانیتک و اثمار شجرة فردانیتک و مظاهر عز تقدیرک و مطالع قدس توحیدکک بان تنزل علی التی امنت بک و بایاتک کل خیر قدرته لامنائک المقدسات فی اعلی الغرفات ثم ارسل یا الهی علی قلبها ما یطیرها فی هواء شوقک و جذبک و یقربها الی مقر الذی فیه اشرقت انوار وجهک انک انت المقتدر علی ما تشاء و فی یمینک ملکوت الاسماء و فی قبضة قدرتک زمام القضاء لا اله الا انت المقتدر العزیز المنان

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحانک اللهم یا الهی تری مقری فی السجن الذی کان خلف البحور و الجبال و تعلم ما ورد علی فی حبک و امرک انت الذی یا الهی بعثتنی بامرک و اقمتنی علی مقام نفس و امرتنی بان ادعوا لکل الی شطر رحمانیتک و احدثهم بما قدرت لهم فی لوح قضائک من قلم وحیک و اشتعل قلوب العباد بنار حبک و اقرب من فی البلاد الی مقر عرشک و لما قمت بامرک

\*\*\*ص193\*\*\*

و نادیت الکل باذنک اعترض علی عبادک الغافلون و منهم من اعرض و منهم من کفرو منهم من توقف و منهم من تحیر بعد الذی ظهر برهانک علی اهل الادیان و لاحت حجتک بین ملا الاکوان و ظهرت ایات قدرتک علی شان احاطت من فی العالمین و عن وراء هولاء اعترض علی ذوو قرابتی بعد الذی انت تعلم بانی اجبتهم و اخترت لهم ما اخترت لنفسی و لما وجدونی فی السجن ارتکبوا فی حقی ما لا ارتکب اجد فی ارضک اذا اسئلک یا الهی باسمک الذی به فصلت بین النفی و الاثبات بان تطهر قلوبهم عن الاشارات و تقربهم الی مطلع الاسماء و الصفات فیا الهی انت تعلم بانی قطعت حبل نسبتی من کل ذی نسبة الا لمن تمسک ینسبتک الکبری فی ایام ظهور مظهر نفسک العلیا باسمک الابهی و عن کل ذی قرابة الا لمن تقرب الی طلعتک النورا ای رب لیس لی من ارادة الا بارادتک و لا لی من مشیة الا بمشیتک و لایجری من قلمی الا ما ینادی به قلمک الاعلی و ما تکلم به لسانی الا بما نطق به روح الاعظم فی ملکوت البقا و ما تحرکت الا باریاح مشیتک و ما تفوهت الا باذنک و الهامک

\*\*\*ص194\*\*\*

لک الحمد یا محبوب قلوب العارفین و مقصود افئدة المخلصین بما جعلتنی هدف البلایا فی حبک و مرجغ القضایا فی سبیلک فو عزتک الی لا اجرع عما ورد علی فی حبک و فی اول یوم الذی عرفتنی نفسک قبلت کل البلایا لنفسی و فی کل حین ینادیک راسی و یقول ای رب احب ان ارتفع علی القناة فی سبیلک و دمی یقول یا الهی فاجعل الارض محمرا فی حبک و رضائک و انک تعلم بانی ما حفظت نفسی فی البلایا و فی کل حین کنت منتظرا لما قضیته فی لوح قضائک اذا فانظرنی یا الهی فریدا بین عبادک و بعیداً من احبائک و اصفیائک اسئلک بامطار رحمتک التی بها انبتت فی قلوب الموحدین اوراد الذکر و البیان و ازهار الحکمة و التبیان بان ترزق عبادک و ذو قرابتی اثمار سدرة فردانیتک فی هذه الایام التی استویت علی عرش رحمانیتک ای رب لاتمنعهم عما عندک ثم اکتب لهم ما یصعدهم الی معارج فضلک و الطافک ثم اشربهم کوثر عرفانک و قدرلهم خیر الاخرة و الاولی و انک انت رب البها و محبوب البها و المذکور فی قلب البهاء و الناطق بلسان البهاء

\*\*\*ص195\*\*\*

و المستوی علی قلب البهاء لا اله الا انت العلی الاعلی و انک انت المقتدر المتعالی الغفور الکریم

بسمه المالک

انت تعلم یا الهی بان شفتائی ما فتحتا الا باذنک و ما جری قلم القدم الا بامرک و ما تحرکت الا من اریاح مشیتک التی احاطت من فی ملکوت امرک و خلقک و دعوت عبادک بما امرتنی الی رضوان قدس احدیتک و مقر عز رحمانیت و ما قضت علی ما ساعة لا و قد ورد فیها من سحاب القضا سهام البلا و انی اکون راضیاً بما قضی علی فی سبیلک و مشتاقا بما قدر لی فی صحایف تقدیرک نفسی لسهامک الفدا و روحی لقضائک لفدایا محبوب البها و انیس البها و مضرم نار الوفا فی صدر البها و الناطق بایاتک الکبری علی لسان البهاء و المنادی فی سرّ البهاء بکلمتک العلیا کینونة البهاء لفضلک الفداء و ذاتیة البها لرحمتک الفداء فو عزتک یا محبوبی ما اجد لنفسی من حظ الا فیما قدرلی من قلمک الاعلی و ما احب عندی ما مستنی فی حبک بلایا النازلة المحتومة و قضایا الواردة المکنونة اذا

\*\*\*ص196\*\*\*

اسئلک یا محبوبی بان لاتطرد عبادک عن باب رحمتک و عنایتک ثم شق حجبات قلوبهم و ابصارهم بانامل قدرتک و اقتدارک لیروک ظاهرا فوق کل شیئ و مستویا علی عرش لعظمة الکبریا و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت الکبیر المتعال ثم انزل یا الهی علی من سمی باسم الاول من هذین الاسمین الاعلیین من سحاب رحمتک ما یطهره عن دونک و یقدسه عمن سواک و یقلبه الی شطر وحدانیتک و مقر عز فردانیتک و ینقطعه عما یکرهه رضاک ثم انطقه یا الهی بثنائک بین بریتک و ذکرک بین عبادک لان ذکرک مرقاة یتصاعد به خلقک الی سما عز احدیتک و انک انت الذی لم تزل کنت بذلک مقتدرا علی من فی ملکوت السموات و الارض و مستغنیا عمن فی ملکوت الامر و الخلق تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید لا اله الا انت المقتدر العزیز المختار

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی نزل البیان فی ذکره وثنائه بان تحفظنی فی ظل سحاب رحمتک الکبری و غمام فضلک الذی احاط الاشیا ثم استقمنی

\*\*\*ص197\*\*\*

علی هذا الامر الذی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ ثم اشربنی فی کل الاحیان رحیق الحیوان ؟؟؟ بکلی عن دونک و ؟؟ الیک ای رب لیس لی ارادة الا ؟؟ اردته و لا خشیة الا ؟؟؟؟ ای رب فاحفظنی فی کنف حفظک و حمایتک عن کل ما ؟؟ عنک ثم انزل علی خیر الدنیا ؟؟؟؟؟ لا اله الا انت المقتدر العزیز المتعالی الرحمن

بسم الله الاقدس الابهی

سبحانک اللهم یا الهی انا عبدک و ابن عبدک و قد خرجت من وطنی حبا لجمالک و شوقا لمقر عرش عظمتک الی ان دخلت فی مدینة التی فیها ارتفعت نغماتک و ظهر سلطانک و فیها استعلیت باسمائک الحسنی و صفاتک العلیا ای رب لاتحرمنی عن بوارق انور وجهک و لاتجعلنی مایوسا من رشحات سحاب جودک و مواهبک ای رب فاقبل منی ما عملته فی حبک و رضائک و ماترک منی فی ایامک ای رب انت الغفور و انا العاصی و انت القادر و انا الضعیف فارحمنی ببدایع رحمتک ثم اجعلنی

\*\*\*ص198\*\*\*

خالصا لحبک یا فی قبضتک ملکوت الاسماء ثم استقمنی علی حبک علی شان اشاهد ماسواک معدوماً عند ظهورات انوار عز وجهک و فانیاً عند شئونات آثار قدرتک و عظمتک ثم انزل علی مایشغلنی بحبک و انک انت المقتدر المتعالی العزیز المستعان و الحمد لله الملک الروف المنان

هوالله

سبحانک اللهم یا الهی تسمع صریخ المشتاقین فی البعد و الفراق و ضجیج العاشقین فی البحر و الاشتیاق اسئلک بقلوب التی خزن فیها لالی علمک المکنون و جعلتها مطلع اسرار ما کان و ما یکون بان تقرب عبادک المریدین الی مقر عز وحدانیتک ثم ادخلهم یا الهی فی خیام رحمتک و الطافک و سرادق قربک و عواطفک فیا الهی فانظر الی بلحظات مکرمتک ثم انزل علی ما ینقطعنی عما سواک و ینطقنی ثنائک بین عبادک فاجذبنی یا الهی علی شان یظهر منی ما یجتذب به افئدة العالمین ثم ارزقنی ما یجعلنی غنیا عن دونک و انک انت علی کل شیئ قدیر و الحمدلله رب العالمین

\*\*\*ص199\*\*\*

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی منه تموجت البحار و اثمرت الاشجار و جرت الانهار و اشرقت الانوار و خرقت الاستار و کشفت الاسرار ان لاتمنعنا عن نفحات عزک التی منها استجذبت افئدة اصفیائک و قلوب اولیائک ای رب نحن عبادک فی قبضتک لاندا بجنابک و ؟؟؟ فی جمالک یا محبوب العالمین ؟؟؟ سبیلا الا الیک و لا؟؟ الا انت و لا مفرا الا جوار رحمتک الکبری اسئلک بنفسک العلی الاعلی بان لاتمنعنا عن باب رحمتک الذی فتح علی وجه العالمین ثم اجعلنا مستقیما علی حبک و سالکاً فی مناهج رضائک و انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت الغفور الرحیم ای رب انت الذی دعوت الکل الی مقر عز وحدانیتک و ساحة قدس فردانیتک و نحن من عبادک الذین سمعنا ندائک و اجبناک بما دعوتنا به ؟؟؟؟و الطافک و عیوننا ناظرة الی افق فضلک و مواهبک اسئلک بان لاتجعلنا محروماً عما عندک و قدر لنا ما قدرته للمنقطعین من عبادک و المقربین من بریتک و انک انت الغنی الحمید و الحمد لک اذ انک انت

\*\*\*ص200\*\*\*

مقصود القاصدین

سبحانک اللهم یا الهی لک الحمد حمدا یستقیم به النفوس علی حبک و رضاک و لک الحمد حمدا یتموج به فی کل قلب ؟؟ عرفانک و یحفظه عن التوجه الی دونک لک الحمد حمدا یشتعل به الوجود بنار حبک و یقلبه الی شطر القدس من مطلع انوار احدیتک لک الحمد حمداً یستغنی به کل نفس عن غیرک و یتوجه به کل الوجوه الی بوارق انوار وجهک ای رب انا الذی قصدت حرم توحیدک و کعبة تفریدک و انقطعت عن دونک و توجهت الیک ای رب لاتحرمنی من شئونات ایامک و ظهورات عز وحدانیتک و تجلیات قدس فردانیتک ای رب انت الکریم و انا المحتاج و قد اتیتک منقطعا عن دونک و متمسکا بحبل جودک و احسانک ای رب فاجذبنی من بدایع نغماتک التی بها اجتذبت افئدة المخلصین من خلقک و قلوب المقربین من بریتک لاستقیم علی حبک علی شان لایمنعنی اعراض المشرکین و انکار المریبین و اقوم علی خدمتک و ثناء نفسک و انک انت الذی قد کنت مقتدرا علی ما تشاء و مهیمنا علی ما ترید لا اله الا انت العزیز الکریم

\*\*\*ص201\*\*\*

ای رب فاجعلنا ناصرا لدینک و معینا لاحبائک و معرضا عن اعدائک لا اله الا انت المقتدر الحاکم المرید

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به رفعت سموات التبیان و استقرت ارض البیان و انبتت منها استیلاف الحکمة و المعانی بان توفقنی علی اعلاء کلمتک و نصرة امرک لاتمنعنی من بوارق انوار وجهک و لاتحرمنی من نغمات قمیص اسمک الرحمن فی ایامک ای رب لک الحمد بما اسمعتنی ندائک و عرفتنی مظهر نفسک و قد قمت یا الهی تلقاء مدین رحمتک و الطافک فانقطعنی عن دونک و قدسنی عن ذکر ماسواک ثم اجعل لی مقعد صدق عندک و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا هو المقتدر المتعالی العزیز الحکیم

ای رب اتیتک منقطعاً عما سواک و مقبلا الی حرم قربک و رضاک و اکون مقرا بوحدانیتک و معترفا بفردانیتک و مذعنا بظهورک الذی وعدتنی به فی کتب قضائک و الواح تقدیرک ای رب لاتجعلنی من الذین یعملون بما نزل من

\*\*\*ص202\*\*\*

قلمک الاعلی و ینکرون ربهم العلی الاعلی ای رب طهرنی من اشارات الذین یوسوسون فی صدور بریتک بعد الذی انیت بظهورات سلطنتک و ایات قدرتک و اثار عظمتک و بینات ربوبیتک و شئونات الوهیتک ای رب لاتجعلنی محروماً عما عندک و لا ممنوعاً عن شریعة التی جرت عن یمین عرش احدیتک فارحمنی یا الهی برحمتک التی سبقت الممکنات و بعنایتک التی احاطت الموجودات لاراک بعینک و اعرفک بنفسک و ان لا توفقنی بذلک وفقنی بان اراک بعینی لابعیون التی اخذها رَمَد الاوهام و به منعن عن مشاهدة انوار وجهک و ملاحظة ظهورات عز احدیتک و انک انت المقتدر بامرک و المتعالی بقدرتک لا اله الا انت العزیز المقتدر الوهاب

یا الهی و سیدی اسئلک باسم الذی به فتحت السن العارفین بذکرک و ثنائک و انقطعت قلوب المخلصین عما خلق فی الارض طلبا لقربک و رضاک بان لاتجعلنی محروما عن نفحات التی تهب عن جهة الایمن من ریاض جنابک و عن فوحات التی تمر

\*\*\*ص203\*\*\*

عن شطر اسمک الغفار علی العاصین من بریتک ثم اجعلنی یا الهی بکلی مقبلاً الیک و منقطعاً عمن سواک ثم اکشف بانامل القدرة حجبات التی حالت بینی و بین انوار وجه مظهر نفسک العلی الاعلی فی هذا الظهور الذی ظهر باسمک الابهی بین الارض و السما ثم انزل علیّ من سحاب رحمتک و سماء فضلک خیر الدنیا و الاخرة ثم اجعل لی مقعد صدق عندک فی الرفیق الاعلی و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز المتعالی المختار

سبحانک اللهم یا الهی لک الحمد علی ما ایدتنی علی امرک و عرفتنی مظهر نفسک اذا اسئلک باسمک الاعظم الذی یطوف فی حوله الاسما کلها ثم الصفات و جبروتها بان لاتجعلنی محروماً عما قدرته لی ثم اجعلنی منقطعا عن الدنیا و ما فیها و متوجهاً الی شطر رضاک و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز الغفار

سبحانک اللهم یا الهی یشهد لسانی بوحدانیتک و قلبی بفردانیتک و جوارحی و ارکانی بربوبیتک التی احاطت الممکنات اذا اسئلک یا الهی باسمک

\*\*\*ص204\*\*\*

الذی به طیرت المریدین الی هواء عز رحمتک و عرجت المشتاقین الی سماء قدس مکرمتک و اجتذبت القاصدین الی مقر قربک و لقائک بان لاتدعنی بنفسی و هوائی خذ یدی بسلطان قدرتک و اقتدارک ثم اسقنی یا الهی من کوثر الذی جری عن یمین عرش افضالک لیطهرنی عن حب ماسواک بحیث انقطع عن دونک و اتوجه الیک فو عزتک یا الهی کلما انظر الی غفلتی تکاد ان اکون مایوساً عن نفحات رحمتک و کلما اتوجه الی مواهبک و الطافک یطمعنی ؟؟؟ مع عبادک المقبلین فیا الهی لاتجعلنی محروماً عن نفحات ایامک التی فیها جدد هیاکل الاشیا برداء الاسما ثم البسنی بایادی العنایة خلع الهدایة لافتخر بها فی ملکوت الامر و الخلق و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المهیمن القیوم فیا ا لهی فاجعل بصری منیراً لاعرفک بک لا بما سواک لان دونک لم یکن دلیلا علیک الا ما جعلته حجة من لدنک بین بریتک و طهر اذنی لاصغاء کلمتک العلیا و قلبی لذکر نفسک العلی الابهی و لسانی لثنائک فی ملکوت الانشا فها انا ذا یا الهی قد ارفعت ید الرجا الی سماء رحمتک

\*\*\*ص205\*\*\*

و غفرانک اسئلک بایادی التی قطعت فی سبیلک بان لاترجعها محروماً عما اراد من کرمک و احسانک انت الذی یا الهی ما حاب عن باب رحمتک احد من عبادک و الذی حاب هو من اعرض عنک و ماتوجه الی شطر فضلک اذاً ایدنی یا الهی علی معرفة نفسک و قدّسنی عمن اعرض عنک و انک انت المقتدر المعطی المتعالی العزیز المحبوب

ای رب انا الذی کنت غافلا عن ظهورات عظمتک فی ایامک و نائما علی بساط الغفلة بعد ارتفاع کلمتک لک الحمد یا الهی بما کشفت حجابی و دللتنی الیک اذا اسئلک بنفسک بان تقبل منی ما فات عنی عند هبوب اریاح فضلک فاغفرلی یا الهی جریراتی العظمی و خطیئاتی الکبری ثم اجعلنی کیومٍ ولدت من امی لادعوک بلسان ظاهر و قلب منیر و انک انت المقتدر العزیز القدیر ای رب فاثبتنی و اهلی علی حبک و ثنائک لعل ؟؟ ما فات منا فی ایامک و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز الکریم

سبحانک اللهم یا الهی لک الحمد بما عرفتنی مظهر نفسک و مطلع

\*\*\*ص206\*\*\*

امرک و منبع علمک و مخزن ایاتک فو عزتک لو کان عندی ملا السموات و الارض من الذهب و ؟؟ و انفقتها فی سبیلک ما بلغت هذا المقام الا بعنایتک و الطافک ای رب فاستقمنی علی حبک ثم اثبتنی فی امرک بحیث لو یعترض علی عبادک الذین احتجبوا بالعلوم عن اسمک القیوم و لا یضطربنی اعراضهم عنک و اعتراضهم علیک ای رب فارزقنی ما رزق به اصفیائک و اولیائک فی ایامک ثم انزل علی ما یطهرنی عن ذکر دونک ثم استقمنی علی شان لایمنعنی ذوو قرابتی عن التوجه الیک و النظر الی شطر الطافک و مواهبک و انک انت محبوبی و محبوب العالمین و مقصودی و مقصود من فی السموات و الارضین ثم اجعل یا الهی مرادی فانیا فیما اردت ثم انظرنی بلحظات اعین رحمتک و فضلک و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز المتعالی المستعان

ای رب فاحفظنی بسلطانک و اقتدراک ثم اکبتنی مع عبادک الاخیار ای رب فاجعلنی علی ما انت تحب و ترضی و لاتدعنی بالهوی و انک انت المقتدر المختار

\*\*\*ص207\*\*\*

ای رب فاجذبنی

من نفحاتک علی شان اشتعل باسمک بین الاکوان لیجد کل ؟؟؟ حرارة حبک ؟؟ وجه امرک ای رب فو عزتک ان الحیوة محبوب لو تنتهی فی ؟؟ و تنفق فی سبیلک و من دون ذلک لا ؟؟؟؟ منها ای رب فاجعلوا خادماً لامرک ثم اقبلنی بفضلک و عنایتک و انک انت المقتدر فیما تشاء و انت المهیمن القیوم

یا الهی و سیدی انت الذی غرست اشجار العدل فی رضوان امرک و حکمتک اذا فاحفظها یا الهی من عواصف القضا و قواصف البلا لترتفع باغصانها و افنانها فی ظل فضلک و جوار رحمتک ثم اسکن یا الهی فی ظل اوراقها من ؟؟ خلقک و المقربین من عبادک و انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت الغفور الرحیم

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک بمیاه مکرمتک التی جرت من سحاب رحمتک و غمام افضالک و بها طهرت من اردت من غبار العصیان بان تطهر قلبی عن کل شک و ریب لانقطع بکلی عن دونک و اتوجه

\*\*\*ص208\*\*\*

الی شطر؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

\*\*\*ص209\*\*\*

و مطالع ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

بسم الله الاقدس الامنع

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به اشتعلت افئدة المقربین و به ؟؟؟ عبادک الراقدین و به تجلیت علی ؟؟ بانوار عز فردانیتک و تعلیت علی الموجودات لسلطنتک و اقتدارک بان لا تجعلنی محروماً عن حرم قدسک و کعبة الطافک و لاممنوعاً عن شاطی بحر ???و افضالک ای رب انا الذی توجهت الی شطر رضائک و تمسکت بحبل جودک و اکرامک اسئلک بان لا تخیبنی عن باب رحمتک الذی فتح علی وجه من فی ارضک و سمائک و لاتعبدنی عن ساحة قربک و لقائک ثم طهرنی

\*\*\*ص210\*\*\*

یا محبوبی من ؟؟ امرک ؟؟رضوانک ؟؟ فی ظاهری و باطنی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

\*\*\*ص211\*\*\*

بسم الله العزیز البدیع

سبحانک اللهم یا الهی ؟؟؟ امنت بک و بایاتک و اکون موقفا بوحدانیتک و ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

\*\*\*ص212\*\*\*

اکثر الوجوه و بلغ کل واحد منهم علی ؟؟ و اجتهاده اذا اسئلک یا الهی باسمک الذی منه اکشفت حجبات اهل الانشا و احترقت سبحات التی حالت بینک و بین عبادک الضعفا بان لا تمنع هولاء من اثواب رحمتک و بدایع فیضک و فضلک فالبسهم بایادی العنایة خلع الهدایة لیستضیئن بانوار احسانک بین خلقک و بریتک و یتوجهن بکلهم الیک و ینقطعن عمن سواک و ؟؟ علی نصرک و اظهار امرک و انک انت المقتدر العزیز المهیمن المختار

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک بهذا الفخر الذی اشرق عن افق سماء رحمتک و بامطار فیض فضلک التی نزلت من سحاب مواهبک و الطافک بان لاتدعنی بنفسی و هوائی خلصنی عن دونک و طهرنی عما سواک و وجهنی الی بوارق انوار وجهک العزیز المنیر ای رب لاتحرمنی عن حیاض مکرمتک و بحور الطافک ثم انطقنی بثناء نفسک بین بریتک و انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت المتعالی المهیمن القیوم ای رب قد ظهرت ایامک و ابشرقت وجهک

\*\*\*ص213\*\*\*

عن افق مشیتک و زین کل نفس اقبلت الیک بطراز اسمائک الحسنی و تموجت ابحر جودک و غفرک للعاصین من بریتک و جری سلسبیل الاحسان للطالبین من عبادک و المستحقین من خلقک و فتحت ابواب رحمتک الکبری علی وجه من فی ارضک و سمائک فها انا من الذین اقبلوا الیک و توکلوا علیک و اکون ناظرا الی شطر رحمتک و عنایتک اسئلک بان لاتحرمنی عما قدرته للمخلصین من احبتک و المقربین من ارقائک و انک انت المعطی الباذل الغفور الرحیم العزیز الودود

سبحانک اللهم یا الهی انا الذی فردت عن نفسی و هوائی و توجهت الی شطر رضائک اذا لاتحرمنی یا محبوبی عما قدرته للمقربین من اصفیائک و انک انت المقتدر علی ما تشاء تعلم ما فی نفسی و تشهدها لی و عندک علم السموات و الارض و انک انت الحق علام الغیوب ای رب اسئلک باسمک الذی به فصّلت بین عبادک بان لاتبعدنی عن شاطی فضلک و مواهبک و لاتحرمنی من نفحات التی تهب فی کل حین من رضوان مواهبک و الطافک ای رب فانزل

\*\*\*ص214\*\*\*

علیّ من سحاب رحمتک ما ینقطعنی عمن سواک و یقربنی الی لقائک فی هذا الیوم الذی کل کفروا بک و بایاتک الا عدة معدود الی رب فاستقمنی علی حبک ثم ذقنی حلاوة ذکرک ثم عرجنی الی سماء قربک و ساحة قدسک و مقر لقائک و منظرک الاعز الاقدس العزیز المحبوب

هوالباقی سبحانک اللهم یا الهی انادیک حینئذ حین الذی احاطتنی الاحزان عن کل الجهات و توجهت الی سهام البغضا من کل الاقطار عن شطر قلوب الذینهم ما امنوا بک و بایاتک الکبری فی ازل الازال و خلقت کینوناتهم من نار الحسد و طین الضلال فلک الحمد و یا الهی علی ما نزلته من سحاب قضائک و سماء تقدیرک علی هذا العبد الذی سجن فی هذه الارض البعد فو عزتک ما ؟؟ عن کل ما رضیت لی بل اشتاق کل ما ینسبا لیک و لو کان فوق طاقتی و استطاعتی و لکن اسئلک یا الهی بهذا الاسم الذی به انشقت سماء الاسما بان تعصم عبادک عن شر الشیطان ثم الذین اتخذوا هویهم الها لانفسهم ثم احفظهم یا الهی فی حصن عنایتک و کنف فضلک و الطافک ثم

\*\*\*ص215\*\*\*

طهر یا محبوبی ابصارهم لیعرفوک فی قمیص اسمک الابهی و یشرفن بلقائک فی ظهور مظهر نفسک العلی الاعلی و انک انت القتدر علی ما تشاء و انک انت علی کل شیئ قدیر ثم اسئلک یا الهی باسمک الظاهر الذی ما اطلع علیه احد من الممکنات و ما ؟؟ نفس علی ما هو علیه من مظاهر الاسماء و الصفات بان تنزل علی احبائک ما یقربهم الیک و ینقطعهم عما سواک ثم انزل علیهم من سحاب رحمتک خیر الدنیا و الاخرة لانهم فقراء لدی بابک و عجزاء عند ظهورات قدرتک و امل بدایع فضلک و ناظر الی شطر رحمتک و احسانک و انک انت المقتدر الغفور الرحیم

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک من انوار جمالک و باشراقات شمس فضلک و افضالک ان انقطعنی عما خلق فی السموات والارض و تجعلنی خالصاً لوجهک البهی الابهی و مخلصاً لدینک العلی الاعلی یا من کنت مقدساً عما یعرف و یقال و عما یشهد بالمقال ثم اسئلک یا الهی من سحاب جودک و مکرمتک و من غمام عنایتک و مرحمتک ان امطر علی ارض قلبی امطار

\*\*\*ص216\*\*\*

عز رافتک لینبت منه ؟؟؟ حکمتک لیجعلنی متوکلا الی طلعة ؟؟ ای رب ان المشرکون ما عرفوا جوهر ذاتک و ؟؟؟ اعینهم ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

\*\*\*ص217\*\*\*

و انک ؟؟؟ علی کل شیئ ؟؟؟ ای رب فاسقمنی کوثر عنایتک ثم ؟؟؟؟ و الطافک لیطهرن عما یکرهه ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ای رب فاخرق حجبات التی حالت بینی و بینک ثم ؟؟؟کوثر الشغاء من انامل رحمتک التی سبقت کل الاشیا و احاطت من فی الملک جمیعاً ای رب لا؟؟؟ ع بدایع مواهبک و جمیل احسانک ثم ارزقنی ما عندک من کاوس البقا ثم اثبتنی علی امرک و انک بکل شیئ قدیرا

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الابهی فی ظهورک الاخری بان ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ای رب فانزل علیّ من سحاب مکرمتک ما یجعلن منقطعاً عما سواک و تقربنی الی مقر رحمتک و الطافک ثم اشربنی یا الهی کثر الحیوان لئلا یوثر فی ؟؟ الشیطان ثم اجعل لی قدم صدق عندک ثم اجعلنی من عبادک

\*\*\*ص218\*\*\*

الذین انقطعوا عن کل من فی السموات و الارض و توجهوا الیک بقلب ظاهر منیراً

ای رب اسئلک بهذا البحر و ما ستر فیه من لئالی علمک و ؟؟؟ حکمک الذی ما اطلع بها احد الا نفسک بان لا تحرمنی عن التوجه الیه و ؟؟؟ فی لجة و انک انت لم تزل کنت علی کل شیئ قدیرا ای رب هذا مقام قدسته عن دخول کل ؟؟ و ورود کل منکر و جعلته مخصوصاً بنفسک و احبتک من انبیائک المقربین و اصفیائک ؟؟ ثم احفظ یا الهی ؟؟ الذین نسبتهم باسمک الابهی ؟ الارض و السما و جعلتهم منقطعا عن دونک ؟؟؟ الی نفسک من شر کل منکر و شرک کل مشرک عنیدا ثم ؟؟ اللهم یا الهی ؟ الذین ؟؟ بنفسک الابهی الذی ؟؟ المقام فضله قد خلق هذا ؟؟ و ما کنز فیه من بدایع ؟؟ و لئالی علمک و جادلوا به و ؟؟ حقه و انکروا ایاته ثم عذبهم یا الهی ؟؟؟ قهرک و نار غضبک و انک انت الذی تفعل ما تشا بسلطان کان علی الحق محیطا

\*\*\*ص219\*\*\*

؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

\*\*\*ص220\*\*\*

فسبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به نزلت ایاتک و اظهرت برهانک و اتممت حجتک و اکملت ؟؟ و بالذی یا الهی اقمته مقام امرک و جعلته مظهر نفسک و بالذی تبعثه فی یوم الذی فیه تقوم علی امرک بان تثبت هذا العبد الذی امن بک و ایاتک و هاجر فی سبیلک و ذخل فی حصن رحمتک و ظل عنایتک علی صراط حبک و امرک ثم اخلصه یا الهی عن کدورات النفس و الهوی ثم ادخله فی سرادق البقا عند سدرة المنتهی و شجرة القصوی لیسمع ؟؟ نغمات قدس وحدانیتک و؟؟ عز فردانیتک و یشهد ؟؟ انوار جمال عز صمدانیتک ؟؟ النعمة علیه من عندک و ؟؟ من لدنک و الاحسان من جانبک فو عزتک یا الهی انک من بدیع عنایتک لا؟؟ له کل ما؟؟ بلسانه ولکن انی احب یا الهی بان تقربه الی مقام الذی یکون موقنا بکل ما اعطیته و رزقته و لم یکن من الذینهم یشهدوک و لایعرفون و یمرون علیک و لایفقهون و ذلک لم یکن یا الهی لا من غفلتهم و ؟؟؟و الا انک انت الظاهر فوق کل شیئ والقائم علی کل شیئ و الشاهد علی کل شیئ و انک انت الظاهر المشهود

\*\*\*ص221\*\*\*

قلت و قولک الحق فکم من ایة فی السموات و الارض ؟؟ علیها و هم عنها معرضون و من یغفل عن ایاتک فی حد الامکان فی ملکک فکیف یقدر ان یعرفک فی مظاهر عز احدیتک و مطالع قدس قیومیتک الا بفضلک و عنایتک فاسئلک یاالهی بان تخرق حجبات الغفلة عن وجوهنا و تبلغنا الی منبع فضلک و معدن افضالک ثم ارزقنا ما انت اردت لنا لانک تعلم ما هو الخیر لنا و انک انت العلیم المحمود ثم ارفع عنا یا الهی کید المعرضین و مکر الماکرین ثم احفظنا عن کل بلاء و سقم و مرض و هم و غم ثم انزل علینا یا محبوبی خیر الدنیا و الاخرة و انک انت المقتدر علی کل شیئ و انک انت المهیمن القیوم فسبحانک اللهم یا الهی فو عزتک و جلالتک و عظمتک و اقتدارک و سلطنتک و اجلالک لو یغرق کل من فی السموات و الارض من دموع عینی او تسقی الارض کلها من دم جسدی و بعد ذلک یاکله السبع و الطیور او تدعنی بین یدی العصاة من طغاة خلقک و المشرکین من بریتک بحیث یفعلون بی ما؟؟ جزاء ذکری ایاک لاکون مستحقا باعظم من ذلک

\*\*\*ص222\*\*\*

و اکبر من هذا لان لم تکن خطیئة اعظم من ان یذکر المفقود سلطان الوجود او ان یبروا المعدوم نفسه تلقاء المعبود لان بذلک یثبت وجود غیرک فی ساحة عز صمدانیتک و ظهور دونک عند طلوع شمس وحدانیتک بعد الذی یشهد لسانی و السن الممکنات بانک کنت فی علو تفریدک و ما کان معک من شیئ و تکون فی سمو تجریدک و لم یکن معک من شیئ اذا یا الهی فارحم بهذا العبد الذی جرت دموع عینه علی خده لحبه ایاک ثم اغفره بفضلک و احسانک عن هذه الخطیئة التی لم یکن لها عدل فی ملکک و لاشبه فی مملکتک اوفا صعده الی مقام الذی لن یثبت بوجوده حکم التشبیه و لا التمثیل و انک انت رب جلیل و انک انت العزیز المحبوب

سبحانک اللهم یا الهی تری ضعفی و عجزی و ضری و افتقاری فارسل علیّ من نفحات قدسک التی لو یهب منها علی ؟؟ نملة علی الاولین و الاخرین لیقلبهم الی سلطان جمالک المنیر و یشرفهم بانوار وجهک المبین فیا الهی انا الذی تمسکت بحبل عروتک الوثقی فی الکلمة الاتم العظیم و تشبثت بذیل

\*\*\*ص223\*\*\*

عنایتک فی اسمک العلی المتعالی العلیم اذا یا الهی لما شرفتنی بلقائک و عرفتنی مظهر نفسک لاتحرمنی عن هذا الکوثر الذی اجریته عن یمین عرش کریم و لا تمنعنی یا الهی من فضلک المنیع و افضالک القدیم التی نزلت من سحاب رحمتک بالمنیع

سبحانک اللهم انک انت سلطان السموات و الارض و خالقهم و ملیک جبروت الامر والخلق و جاعلهم و بیدک زمام الموجودات و فی یمینک حقایق الممکنات تعطی من تشاء ما تشاء و تمنع عمن تشاء و تنزل من سماء التقدیر تدابیر عز احدیتک و من غمام التفضیل لئالی قدس مکرمتک و انک لم تزل کنت قادرا مقتدرا و لاتزال تکونن سلطانا مشتهرا لن یمنعک شیئ و لن یصدک امر و انک انت العالی المتعالی القادر المقتدر النازل الحاکم العلیم الحکیم

بسمه الاعظم الامنع الاقدس العلی الابهی

سبحانک اللهم یا الهی تسمع حنینی کحنین الشکلی و طفی الی الافق الاعلی تری و لاتری الی متی یا الهی ترکتنی بین هولاء الذین کفروا بنعمتک و جاحدوا بایاتک و انکروا حقک و اعترضوا علیک و اعرضوا

\*\*\*ص224\*\*\*

عنک خلصنی یا الهی بفضلک و رحمتک ثم اظهر ما وعدتنی به قبل خلق السموات و الارض فو عزتک کلما دعوت عبادک رادت شقوتهم و کلما تلوت علیهم ایاتک الکبری اعترضوا و قالوا اختریت علی الله کذلک سولت لهم انفسهم و اهوائهم بعد الذی یا الهی ما اظهرت لهم الا ما انی به علی من قبل و ما بینت لهم الا ما نزل فی البیان و انت تری و تعلم یا اله العالمین و مقصود العارفین بانهم ما قصدوا حرم امرک و ما توجهوا الی وجهک ولایسمعون ؟؟ ما امرتنی باظهاره فرّق بینی و بینهم یا من بیدک جبروت الامر و الخلق و ملکوت السموات و الارض تفعل ما تشاء بقدرتک و تحکم ما ترید بمشیتک و یا محبوب البها و مقصود البها کلما سترت نفسی اظهرتها بامرک و کلما فردت منهم ارجعتنی الیهم بقدرتک و سلطانک و کلما سکنت فی البیت صامتا عن ذکرک انطقتنی بمشیتک و اشتعلتنی فی حبک علی شان اخذ زمام الاصطبار عن کفی و خرجت عن البیت منجذبا الیک و نادیت باعلی الندا بین ملا الانشاء و دعوتهم الی ذکر نفسک العلی الاعلی من هذا الافق الابهی ارتفع

\*\*\*ص225\*\*\*

ضجیج المشرکین و صریخ المنکرین و قاموا علی قتلی و تضییع امرک و انک بعلمک المکنون احصیت و علمت ما عملوا و یعملون و قد قضی یا الهی ما قضیته بمشیتک و ظهر ما اردته بارادتک و قدرتک و اذا تراهم یا الهی اتخذوا العجل لانفسهم ؟؟ سواک و بعیدونه فی العشی و الاشراق من دون بینة و لاکتاب و بلغوا فی الغفلة الی مقام تمسکوا بالموهوم و اعرضوا عن سلطان المعلوم یامرون بما نزلته فی الواح امرک و ینسون انفسهم و یعترضون علی الذی به نزل امرک و ظهر برهانک و ثبت ایاتک و اشرق وجهک اولئک من الذین وصفتهم فی محکم کتابک الذی نزلته علی نبیک و خاتم اصفیائک قلت و قولک الحق یامرون الناس بالبر و ینسون انفسهم و اذا قیل لهم یا قوم بای برهان امنتم بربکم الرحمن و بمظهر نفسه الذی نزل علیه البیان و بایّ حجة اعترضتم علی الذی جائکم عن مشرق الامر بایات الله و برهانه و عظمته و سلطانه یقولون ما قاله الاولون الذین اعترضوا علی مظاهر نفسک و مطالع وحیک و مشارق الهامک و مخازن علمک و مکامن حکمتک و مصابیح هدایتک و سبل

\*\*\*ص226\*\*\*

ارادتک و مناهج قربک و شرایع مواهبک و اسرار توحیدک و ظهورات تفریدک و تجلیات جمالک و اذا قیل لهم یا قوم اما اظهرت نفسی بایات بینات و اما جئتکم عن مطلع الاسماء و الصفات و اما تلوت علیکم ایات الله الکبری و اما زینا سماء البیان بزینة المعانی و التبیان و اما دعوناکم بالله ربکم الرحمن و اما بینا لکم اسرار العرفان ؟؟ و برهان و اما اظهرت امرالله بین عباده و اما اشتهرت اثارالله بین بریته فلم اعرضتم عنی و کفرتم بایاتی یقولون ما لا اقدر ان اذکره تلقاء وجهک یا محبوب سری و المذکور فی قلبی یا الهی و سیدی الی متی ترکتنی بین عبادک فو عزتک لو لم یظهر منک حجة بین بریتک یکفی صبرک بعد قدرتک و حلمک بعد اقتدارک فی اثبات عظمتک و سلطنتک ای رب لماذا او دعتنی بین الذینهم کفروا بنفسک و الی متی لا تستجیب دعائی کلما اقول ای رب فاصعدنی الیک و خلصنی من طغاة خلقک بعد الذی تشهد ضری و بلائی تقول ای فو نفسی اشهد و اری کلما ورد علیک ورد علی نفسی و انی انفقتک فی سبیلی اتحب ما لا احب

\*\*\*ص227\*\*\*

اترید ما لا ارید اقول نفسی فداک مرادی ما ا نت اردته و محبوبی ما انت احببته فو عزتک احب ان یکون لی فی کل حین الف روح و ؟؟ فی سبیلک ولکن عزیز علیّ بان اکون باقیا و اری الذین هتکوا حرمتک و ظلموا علی مظهر نفسک بعد علمی بانهم خلقوا من کلمة امرک لن اتضطرب نفسی و ؟؟ عینی و ؟ سرّی و ؟؟ جلدی انت تقول ای فو نفسی اعلم ما فی نفسک و اری ما تری اصبر کما صبرت انی کتبت لک مالم اکتب لدونک و رضیت لک مالم ارض لغیرک و انی قد فدیتک لحیوة العالم و من فیه اقول لک الحمد یا محبوب العالمین نحمدک فیما کتبت لی و اشکرک فیما اردت و انک انت مولی العالمین فیا الهی فالهمنی بدایع ذکرک و انی فو نفسک لا اجد لنفسی سرورا الابه و لا بهجة الا به بحیث لو تمنعنی عنه لتضطرب نفسی و تنعدم ذاتی و کینونتی لاحیوة لاحد الا بذکرک و حبک و لاوجود لنفس الا بثنائک و وصفک مع علمی بان ذکری ایاک لم یکن الا کذکر العدم نفس القدم و استغفرک من ذلک بل لیس لاحد تلقاء ایة من ایاتک وجود و ذکر ؟؟

\*\*\*ص228\*\*\*

نفسک ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

\*\*\*ص229\*\*\*

؟؟ الی تعالی الذی بعثنی و فطرتی به کلمة العلیا تعالی تعالی الذی فطرتی و ؟؟ فی ملکوت الانشا ؟؟؟؟

\*\*\*ص230\*\*\*

علی کل شیئ تعالی تعالی ربی من ان یذکر بذکر خلقه او یوصف بوصف سواه کل عبده و فی قبضة قدرته و خلق بکلمة امره تعالی تعالی من ان یفترن بخلقه او یصعد الی هواء عرفانه ؟؟؟ افئدة عباده تعلای تعالی من ان ینزل من ؟؟ذاته و یسمن نفسه لم یزل کان مقدساً عن الصعود و النزول و لایزال یکون متعالیاًمن ان تدرک الافئدة و العقول کلما ذکر او یذکر هذا فی حد الامکان و یرجع الی الامکان دام الملک فی الملک و انتهی المخلوق الی شکله و مثله یا لیت یا الهی وجدت اذناً واعیة و؟؟؟ و انفسا ؟؟ و صدورا منیر قد ابصارا مدیدة و القیت علیهم بما ؟؟؟ بجودک و علمتنی بفضلک و الطافک وانت یا الهی ایقضتنی بجودک و ؟؟ علی مقام نفسک و انطقتنی بثنائک و امرتنی بخرق الاحجاب فلما کشفتها اول من ان ؟؟ فزع من فی جبروت الامر و الخلق و انصعق من فی السموات و الارض الا عدة معدودات من الذین وفوا بیمثاقهم و اقبلوا الیک منقطعاً عن دونک و خالصاً لوجهک و اخذهم سکر خمر معارفک فی هذا الظهور علی شان

\*\*\*ص231\*\*\*

سرعوا الی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟ناطقا بثناء نفسک ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟و طلبا لقربک و اعلاء کلمتک و اظهارا لسلطنتک و انتشار الا ؟؟ و ذکرک اشهد بانهم من اخرف کلمة توحیدک و مظاهر احدیتک و مطالع ظهورات امرک و مشارق ایات قدرتک و بهم ملا اسمک بین سمائک و ارضک و استعلت کلمتک علی من فی جبروت امرک و خلقک و من دمائهم حملت الارض ببدایع ظهورات قدرتک و جواهر ایات عز سلطنتک و ؟؟؟؟؟؟ اسئلک یا ؟؟ نفسک و بهم ؟؟؟ امر اسمائک الحسنی و مطالع صفاتک العلیا بان ؟؟؟ فی کل عالم من عوالمک من الذین یحکون عنک و یطوفون حول خباء عظمتک ثم ؟؟؟ انوار وحیک فی عوالمک و لاتغرق ؟؟؟ بینک و بینهم ثم ؟؟؟؟ قوتک و شئونات قدرتک و ایات عظمتک و ؟؟ جلالک ثم ؟؟؟؟ امرک لیدخلن کل فی جوار رحمتک التی سبقت الاشیا ثم انزل علیهم فی کل حین من بدایع رحمتک المکنونة و نعمک المخزونة انهم یا الهی

\*\*\*ص232\*\*\*

وفوا بعهودهم اذا اوف بعهدک و اشهد بانک خیر الموفین و ارحم الراحمین و معطی اجور المحسنین طوبی لهم ثم طوبی لهم بما ورد علیک و انت راضیاً منهم ای رب فاخرق الاحجاب عن ابصار بریتک لیشهدن ما ستر عنهم من ظهورات فضلک فی ایامک ثم عرفهم یا الهی قبایح اعمالهم و افعالهم لعل الی شطرک یسرعون و فی جوار رحمتک یدخلون و یوقنن بانک ما اردت لهم الا ما هو خیر لهم عن ملکوت ملک السموات و الارض ای رب نور ابصار قلوبهم لیعرفن ما قدرت لهم بجودک و احسانک و یعلمن بانک ما اردت ضر احبائک الا لبلوغ عبادک الی ذروة العرفان یا من بیدک جبروت الامر و ملکوت الخلق لا اله الا انت العزیز المقتدر المنان ای رب طهر اذان العباد عن قصص القبل کلها لیسمعن نغمات التی تتغنی بها ورقاء امرک فی سر کل الاشیا لئلا یقاسوا امرک بما عندهم من توهمات الذین کفروا بک و بایاتک و یلقون الشبهة فی افئدة بریتک لانی ؟؟؟ عبادک منعوا عنک بما تمسکوا بتماثیل التی کانت بینهم و قصص التی سمعوا من ابائهم ای رب فاجعلهم

\*\*\*ص233\*\*\*

خلقاً بدیعاً ثم اسمعهم ما اردت و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز الکریم فیا الهی و سیدی تری ابتلائی بین بریتک و ما ورد علیّ من طغاة خلقک مع انک و عدت الکل بظهوری و بشرت الکل بنفسی و ما اردت من البیان الا جمالی و ما نزلت فیه الاذکر و ثنائی و فی کل شان ما اراده ظهر نفسک الا سروری و بهجتی و فرحی فلما اخذت به عهد نفسی عمن فی ارضک و سمائک امرتهم بان لایسئلنی احد فی شیئ لئلا یمسّنی من تعب قلت و قولک الحق من اراد ان یسئله حین ظهوره فلیسئل منی لئلا یرد علیّ ما یحزننی و یکدر به فوادی و شرعت شرایع امرک و قدرت مقادیر اوامرک و احکامک بحیث ما ترک من شیئ الا و قدرت له ما ینبغی ؟؟ یرد علی قلبی ما یمنعه عن غلبات شوقه الیک و الا؟؟ فی لجة بحر احدیتک و الاشتغال بظهورات ایات عز عظمتک و اخبرتهم بلسان مظهر نفسک و مطلع احدیتک انه ینطق فی کل شیئ بانی انا الله لا اله الا انا ان یا خلقی ایای فانظرون و جعلت هذه الکلمة ذکری بین عبادک و ایة عزی فی مملکتک و قدست

\*\*\*ص234\*\*\*

ساحتی عن کل شیئ و عن ذکر دونک و ما بینت ذلک الا بعد علمک ؟؟ قلبی و لطافة نفسی و ساذجیة سری اذا یا محبوب قلبی و مقصود سرّی و معبود ذاتی مع هذه الرّفة التی لایعس فها احد الا انت تری ماورد علیّ من اعدائک الذین یقرئون کتابک و یستدلون بایاتک و جعلوا کتابک حافظا لریاستهم و حصناً لما یامرهم به اهوائهم فیا لیت قالوا فی حقی ما قاله المشرکون فی مخازن علمک و مظاهر نفسک و قد ورد علیّ منهم ما ظهر عند فزع الاکبر بین اهل ملأالاعلی و سکّان مداین الاسما و هم ؟؟ فی مقاعدهم و یستبشرون فی بیوتهم فیالیت ینظرون الیّ کما ینظرون احقر عبادک و بریتک کل ذلک ورد علی محبوبک الذی لو کنت فی تلک الایام لجعلت نفسک حایلا بینه و بین سهام المشرکین من خلقک ان الذی ما مرّ علی شیئ من الاشیا عما خلق فی ملکوت الانشا الا و قد سمع منه ان هذا لمحبوب العالمین یستهزئون به عبادک المشرکین فو عزتک یحب ان یعری جسده و ینقطع عن الکل و یتوجه الی ؟؟ و یوانس مع الوحوش لم ادر یا الهی ایّ جرم یثبتونه علی نفسی ان یقولوا ادعی ما هو فوق

\*\*\*ص235\*\*\*

مقامه انک یا الهی ادعیت هذا لنفسی و کتبت لی قبل ظهوری و ؟ الکل بذلک و لو یقولون لم ینطق بالایات لست انا منزلها بل انت نزلت و تنزل کیف تشاء کما نزلتها من قبلی علی سفرائک و اصفیائک و انت تعلم یا الهی لو کان الامر بیدی ما اظهرت نفسی و ما تکلمت بینهم بکلمة کلما اردت ان استر نفسی من ذیاب الارض انت اظهرتنی بقدرتک و سلطانک و کلما اردت الغیبة انت اردت ظهوری و کشفی غلبت ارادتک ارادتی و مشیتک و لاسکونا الا بعد امرک طوبی لمن یری فی ظهوری و ظهورات مشیتک و من اشتعالی نار حبک ان افتح یا الهی ابصار عبادک لیروک ظاهرا بظهورک عمت عین لایراک قیوماً فوق کل الاسما و مهیمنا علی الاشیا انک یا الهی ما جعلت الاسما الا قمصا لاصفیائک فلما بدّل القمیص باسم اخر فزع من فی السموات و الارض الا من کان طفه الی الافق الاعلی و شرب رحیق المعانی من کاس البقا باسمک الاعظم الذی به

\*\*\*ص236\*\*\*

کسرت اصنام الهوی و خرقت حجبات الاسما انه ممن عرفانک و عبدک و لاذین احتجبوا عنک بالاسما انهم من العاکفین علیها لیس لهم ذکر تلقاء عرش عظمتک و لالهم نصیب من هذا البحر الذی تموج فی ایامک و قد بلغت فی الذلة ای مقام قال المشرکون فی حقی انه اتی بکلمة او کلمتین و سر؟؟ من البیان بعد الذی فصلت من عندی کتب الاولین و الاخرین و ما هو الموجود عند احبائک یعادل ما نزل علی علیّ قد ؟؟ الذی جعلته مظهر احدیتک و مطلع سلطنتک و منزل ایاتک و مبشر غیب هویتک الذی جعلته قیوماً علی من فی السموات و الارض و سلطانا علی من فی جبروت الامر و الخلق بعد الذی نزلت فی البیان بان لایعادل بکلمة من عنده کتب العالمین لان معین ظهوره لو یقرء احد کل الکتب و لایومن به لاینفعه ابداً و لو یقرء ایة من ایاته لیکفیه اذاً اقول لاحول و لاقوة الا بک و فوضت امری الیک و توکلت علیک انت معینی و ناصری و مونسی فی الدنیا و الاخرة و اشهد بانک فصّلت بهذا الکلمة کل الذرات و اخذت منها جواهرها و ؟؟

\*\*\*ص237\*\*\*

یظهر بها التفصیل بین الذین یطوفون فی حولی و یخرج منهم الذین تمرّ عن شطر قلوبهم روایح النفس و الهوی و هذا ما اخبرتنی به فی الواحک و اخبرت به العباد قبل خروجی عن العراق فی لوح الذی فیه نزلت اسرار قضائک و مقادیر تقدیرک فیا الهی فارحم عبادک و احبائک ثم احفظهم بحفظک لئلا یرد علیهم سهام الاشارات من الذین کفروا بک یا منزل الایات و مالک الاسماء و الصفات ثم اصعدهم الی مقام لو تمنعهم من اعمالهم المردودة لایعترضون علیک و لایرون فی امرک و نهیک الا ظهورات عواطفک و بروزات مواهبک و انی اشهد بانک ما اردت فی امرک الا ورودهم فی لجة بحر رحمتک فو نفسک یا محبوب العالمین و معبود من فی السموات و الارضین قد اخذتنی الاحزان علی شان منع قلم الاعلی عن الجریان و لسان الابهی عن الذکر و البیان و قد رایت یا الهی فی حبک ما لا رات عیون الاولین و سمعت ما لاسمعت اذان العالمین و قد اری یا الهی عبادک الذین نزلت علیهم البیان و خلقتهم لنفسی حجبَ

\*\*\*ص238\*\*\*

من ملک القبل کلها بحیث یفتخرون نجاتک و ؟؟ علی الالواح لاثبات ریاستهم بعد الذی اتی ارسلته الیهم لعل یستشعرون لا فو عزتک لم یکن خاتمک الا فی اضبعی و لایفارق منی ابداً ولن یقدر احدا ان یاخذه منی طوبی لمن یقر اما نقش فیه من اسرارک المسبورة و ایاتک الاحدیة و ثنایاک المستودعة اذاً لم ادر یا الهی انت تذکرنی او انا اذکرک قد ارتفع الفصل و حقق الوصل ذکری ایاک ذکرک نفسی و ذکرک ایای ذکری نفسک قد نسخ البعد من ایة القرب و حکم ؟؟ من ایة الیقین و اشرق جمالک المبین من هذا الافق المنیر ان کان یا الهی ذنبی اظهار قدرتک و نعمتک احب ان اکون من نبا بین العالمین و ان کان تقصیر اعلاء امرک احب ان اکون مقصراً عند الثقلین و انت تعلم بانی لما رایت ذلة امرک بین خلقک قمت علی ارتفاعه فی مملکتک و ما کان فی ذلک الایام احد ان یذکرک بین عبادک بسلطنتک و اقتدارک و الذین اعترضوا علیّ انهم ستروا وجوههم خوفا من انفسهم و انت لما اردت اظهار کلمتک و اعزاز امرک اقمتنی و انطقتنی و اظهرتنی

\*\*\*ص239\*\*\*

الی ان استضائت الافاق من انوار هذا الاشراق و مرّت نفحات العزة و الاطمینان علی الاکوان فلما علت کلمتک و ظهرت عظمتک و لاح امرک و سلطانک خرجوا عن خلف الستر بغیا علی نفسک و اعراضاً عنک الی ان ارادوا قتلی بعد الذی جعلتنی حصنا لهم و ؟؟ لانفسهم فیا الهی اذ اکون جالساً بین یدیک و اکون منتظرا ما اردت لی عن قضائک الذی کان مستورا عن انظر بریتک فو نفسک کل جوارحی و ارکانی یحب ان یصیر اربا اربا فی سبیلک یا لیت کنت هذا الحین فی تلک الحالة یا خالق البریة و المذکور فی الافئدة فما احلی ذکرک فی مذاقی و ما ؟؟ عبودیتی لنفسک و قد بلغت فیها الی مقام کلما اشاهد ارضاً احت ان اکبّ بوجهی علیها خاضعاً لوجهک و ساجدا لنفسک فو عزتک لو لم اکن ناظرا الی قضائک المحتوم ما اظهرت نفسی الا بالعبودیة الصرفة بین بریتک ولکن انت قضیت بقدرتک ما اردت و امضیت ما شئت لیثبت ما نزل فی البیان و الا انی احببت بان اخضع لکل وجه کان خاضعاً لوجهک ان الذین تجاوزوا عن عبودیتک اولئک ما وجدوا ؟؟ اسئلک یا مالک ممالک البقا

\*\*\*ص240\*\*\*

بان توفیق ؟؟؟؟؟؟؟؟؟

\*\*\*ص241\*\*\*

ارواحهم و اجسادهم فی هذا الامر الذی به ظهر فزع الاکبر و ناح سکان ؟؟؟ الاسماء و ؟؟؟؟؟ و لاح ظهوراک ای رب فانزل علیهم ما ینبغی لشانک و یلیق ؟؟؟ لانهم ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز المتعالی السمتعان

بسمک ؟؟؟

انک انت یا الهی لما استویت علی کرسی عز فردانیتک و تعلیت علی عرش وحدانیتک ینبغی بان تمحو عن قلوب الممکنات ما یمنعهم عن الدخول فی حرم اسرار ربوبیتک و یحجبهم عن الورود فی سرادق الوهیتک لیجعل کل القلوب مراة لجمالک و مدلا علیک و حاکیا عنک لیظهر فی کل شیء اثار عز سلطنتک و اشراق انوار قدس حکومتک لیوحدک کل من فی السموات و الارض بما تجلیت لهم بهم بمظهر تفریدک ثم عز یا الهی عبادک عن قمیص النفس و الهوی او عرج عیون بریتک الی مقام الذی لایشهدن

\*\*\*ص242\*\*\*

فی الهوی الا هبوب هواء عز صمدانیتک و لاینظرن فی النفس الا ظهور نفس رحمانیتک لیطهر الارض و ما علیها عن الدلالة لغیرک و التحکی عن مظاهر نفیک و کل ذلک یظهر فی الملک بقولک کن فیکون بل اقرب من ذلک ولکن الناس هم لایشعرون سبحانک سبحانک یا محبوبی فو عزتک حینئذ اشاهد بانک استجبت لی کل ما دعوتک به فی هذه اللیلة المبارکة التی جعلتها حاکیة عن انیس جمالک و مصاحب وجهک قبل ذکری بین یدیک و اظهاری فی ساحة قدسک بحیث جعلت کل شیئ مظهر امرک و مطلع فعلک و مکمن علمک و مخزن حکمتک و اشاهد بان کل ما خلق بقدرتک و ذوت باقتدارک لو ینقص منه علی قدر خردل من ظهورات صفاتک و اسمائک لن یتم ارکان صنع صمدانیتک و لن یکمل جواهر حکمة ربانیتک لان حروفات النفی مع بعدهن عن نفحات قدس عرفانک و مع غفلتهن عن بدایع اشراق انوار فجر جمالک فی سماء اجلالک لو لم یکن فی ملکک کیف یعلو کلمات اثباتک فو عزتک یا محبوبی کل الوجود وجد لاعلاء نصرک و انتصارک و کل الحدودات آیات لسلطنتک و منادی لاقتدارک تعالی تعالی بدایع قدرتک فی کل شیئ بحیث جعلت ادنی خلقک

\*\*\*ص243\*\*\*

مطلعا لاعلی صفاتک و احقر صنعک محلا لاعظم اسمائک بحیث جعلت الفقر مظهرا لغنائک و الذل سبیلا لعزک و الخطا سبباً لغفرانک و بهم تثبت لنفسک اسمائک الحسنی و لذاتک بدایع صفاتک العلیا اذاً یا الهی بما اردت ان تدخل کل الاشیاء فی سرادق عز فضلک و افضالک و تهب علی کل الوجود من اریاح قمیص عز فردانیتک و تنظر کل شیئ بلحظات اعین جودک و وحدانیتک اسالک بحبک الذی جعلته علة ظهورات قدس صمدانیتک و شعلة قلوب المشتاقین من خلقک بان تخلق حینئذ لمخلصیک من بریتک و البهاء رضوان قدسک الاعلی و تجعله مقدساً عن کل ماسواک و منزها عن دونک ثم اخلق یا الهی فیها من انوار عرشک مغنیات من بدایع صنعک الاحلی لیذکرنک بکلمات التی جعلتها مطهرا عما سمعتها اذن الخلیقة من اهل ارضک و سمائک و مقدسا عن عرفان بریتک ثم افتح ابواب هذه الجنة علی وجه احبائک لعل یدخلون فیها باسمک و سلطنتک لیتم بذلک سلطان مواهبک علی اصفیائک و ملیک عطائک علی امنائک لیذکرنک فیها بنغمات التی لن یقدر احد ان یتغنی بها او یتکلم

\*\*\*ص244\*\*\*

علیها حتی لایخطر علی قلب احد من بریتک التلبس باثواب صفوتک و التظهر بظهورات احبتک و لئلا یشتبه علی احد محبیک عن مبغضیک و مخلصیک عن معاندیک و انک انت علی کل ما ترید لقادر مقتدر قدیر سبحانک سبحانک من ان توصف بابهی وصف الممکنات لان منتهی عرفان العباد فی منتهی ذروة القصوی لن یقدر ان یصعد عن حد الانشاء و لن یمکن ان یتعارج عن شان الامکان و بما قدر له من شوون القضاء فکیف یقدر ما خلق بمشیة الامکانیة فی رتبة الامکان ان یصعد الی هواء قدس عرفانک او یصل الی مقر عز اقتدارک سبحانک سبحانک من ان یطیر الفانی الی عرش بقائک او یصل الفقیر الی ذروة استغنائک لم تزل واصف نفسک لنفسک بنفسک و ناعت ذاتک لذاتک بذاتک فو عزتک یا محبوبی لم یکن غیرک مذکور حتی یعرفک و لا دونک موجود لیذکرک انت الذی لم تزل کنت فی ملکک بظهور عز وحدانیتک و طلوع قدس کبریائیتک و لو یذکر فی ممالک الانشاء من اعلی نقطة البقاء الی منتهی رتبة الثری احد دونک کیف یثبت استوائک علی عرش

\*\*\*ص245\*\*\*

فردانیتک و یعلو بدایع ذکرک فی کلمة توحیدک و وحدانیتک و اشهد حینئذ بما شهدت به لنفسک قبل خلق السموات و الارض بانک انت الله لا اله الا انت لم تزل کنت قادراً بمظاهر قدرتک لایات قدرتک و عالماً بمطالع علمک بکلمات علمک و لم یکن دونک من شیئ لیذکر تلقاء مدین توحیدک و لاغیرک من احد حتی یوصف فی ساحة قدس تفریدک فلک الحمد یا الهی علی ظهور مواهبک و عطائک فلک الحمد یا محبوبی علی طلوع شمس عنایتک و افضالک فلک الحمد حمداً یهدی المضلین الی تشعشع انوار صبح هدایتک و یصل المشتاقین الی مکمن اشراق نور جمالک فلک الحمد حمداً یقرب المریض الی معین شفائک و البعید الی کوثر لقائک فلک الحمد حمداً ینزع عن هیاکل العباد قمیص الذل و الفناء و یلبسهم رداء العز و البقاء و یهدی الفقراء الی شاطی القدس و الاستغناء فلک الحمد حمداً به تنطق الورقاء علی افنان سدرة البقاء بانک انت الله لا اله الا انت لم تزل کنت مقدسا عن ذکر دونک و متعالیاً عن وصف ماسواک فلک الحمد حمداً به تغن عندلیب البهاء فی جبروت العماء بان علیاً عبدک الذی اصطفیته

\*\*\*ص246\*\*\*

بین رسلک و صفوتک و جعلته مظهراً لنفسک فی کل ما یرجع علیک من ظهورات صفاتک و بروزات اسمائک فلک الحمد حمداً به تقیم کل شیئ بثناء نفسک و ذکر ذاتک و تنطق کل الوجود باذکار سلطان جمالک فلک الحمد حمداً یملا السموات و الارض من ایات عز هویتک و یدخل کل شیئ کتاب وصفک و صحیفة ذکرک فلک الحمد حمداً به تستوی ظهورات سلطنتک علی عرش حکومتک و تستقر شوونات اجلالک علی کرسیّ الوهیتک فلک الحمد حمداً به تثمر اشجار الیابسة من نسمات قدس اکرامک و تجدد هیاکل الموجودات من اریاح عز افضالک فلک الحمد حمداً به تنزل ایات عز توحیدک من سماء قدس تفریدک فلک الحمد حمداً به تعلم کل شیئ من جواهر علمک و ساذج حکمتک و لاتخیب المساکین عن ابواب رحمتک و احسانک فلک الحمد حمداً به یستغنی کل من فی السموات و الارض من کنایز استغنائک و یتعلی الممکنات الی ذروة عز الطافک فلک الحمد حمداً به تطیر قلوب العشاق فی هواء القرب و الاشتیاق و یستضئی نور النور فی شطر العراق فلک الحمد حمداً به ینقطع

\*\*\*ص247\*\*\*

 المقربون عن کل الجهات و یجذبهم الی عرش الاسماء و الصفات فلک الحمد حمداً به تغفر الخطا والعصیان و تقضی حوایج کل الادیان و تهب روایح الغفران علی الامکان فلک الحمد حمداً به یصعد الموحدون الی معارج حبک و یرتقی المخلصون الی رضوان وصلک فلک الحمد حمداً به یقضی حوایج الطالبین و مقاصد العارفین فلک الحمد حمداً به تمحو عن القلوب اشارات التحدید و تثبت ایات التوحید فلک الحمد حمداً به حمدت نفسک فی ازل الازال و جعلته مقدساً عن الشبه و الضد و المثال یا من بیدک جبروت الفضل و الافضال و ملکوت العز و الاجلال سبحانک اللهم یا الهی و سیدی تشهد و تری و تعلم ما ورد علی احبتک فی ایامک و نزل علی صفوتک من ترادف بلایاک و تتابع قضایاک و توالی رزایاک حیث ضاقت علیهم الارض و اخذتهم شوونات قهرک من کل الجهات و اثار خشیتک من کل الاقطار و سدت علی وجوههم ابواب رحمتک و عنایتک و منعت علی رضوان قلوبهم امطار فیض فضلک و الطافک اتحرم یا الهی محبیک عن بدایع نصرک و انتصارک اتخیب یا محبوبی

\*\*\*ص248\*\*\*

مخلصیک عن جوامع جودک و انعامک اتمنع یا سیدی عارفیک عن شاطی قدس عرفانک و هل تقطع عن افئدة مریدیک امطار عز افضالک لافوعزتک اشهد حینئذ بان رحمتک سبقت الممکنات و عنایتک احاطت کل من فی الارضین و السموات لم تزل کانت ابواب جودک مفتوحة علی وجه عبادک و لاتزال نسمات فضلک ساریة علی قلوب خلقک و امطار مکرمتک جاریة علی بریتک و اهل مملکتک و اعلم بانک تاخرت ظهورات نصرک فی الانشاء لما سبق به علمک من اسرار القضاء و خفیات ما قدر خلف حجبات الامضاء لیفصل بذلک من دخل فی ظل رحمتک الکبری عن الذی استکبر علیک ثم اعرض عن اللقاء عند ظهور جمالک الاعلی فسبحانک سبحانک یا محبوبی اذاً لما فصل فی الملک احبائک من اعدائک و ثم حجتک الاعظم و برهانک الاقوم علی کل من فی السموات و الارض اذاً فارحم الذین هم استضعفوا فی ارضک بما ورد علیهم فی سبیلک ثم ارفعهم یا الهی باقتدارک و مشیتک ثم اظهرهم علی الامر بسلطنتک و ارادتک فوعزتک ما اردت فی ظهورات نصرک الا ارتفاع

\*\*\*ص249\*\*\*

 امرک و اعلاء کلمتک و انی لایقنت بانک لو تاخر فی انزال نصرک و اظهار قدرتک لتمحی اثار سلطنتک فی ملکک و تضمحل ایات حکومتک فی مملکتک فیا الهی قد ضاق صدری و اخذنی الهم و الغم عن کل الجهات بما اسمع کل ذکر بین عبادک دون بدایع ذکرک و اری کل شیئ بین بریتک الا ما امرتهم به بامرک و قضیت لهم بسلطان مشیتک و قدرت لهم بملیک تقدیرک و بلغوا فی الغفلة الی مقام الذی لو احد من احبائک یلقی علیهم من بدایع ایات توحیدک و جواهر کلمات عز تفریدک یجعلون اصابعهم فی اذانهم و یعترضون علیه و یستهزئون به و انک انت احصیت کل ذلک باحاطة قیومیتک و احطت باقتدار ربوبیتک سبحانک سبحانک یا سیدی فانظر الی صدور التی تشبکت من سهام اعدائک فی محبتک و علی رووس التی ارتفعت علی القناة لاعلاء امرک و ارتفاع ذکرک ثم ارحم قلوب التی احترقت من نار حبک و ورد علیهم ما انت تعلم بعلمک سبحانک یا الهی انت تعلم ما قضی من ایامک فی عشرین من السنین الی ان بلغ الزمان

\*\*\*ص250\*\*\*

 الی الحین و ورد علی اصفیائک فی هذه المدة البعیدة ما لایحصی بالبیان و لایذکر باللسان بحیث ما وجدوا موطن امن و لامقعد صدق اذاً یا الهی بدل خوفهم بظهورات امنک و امانک و ذلهم بسلطان عزک و فقرهم بملیک غنائک و اضطربهم ببدایع استقرارک و هب علیهم من نسمات عزک و رحمتک ثم انزل علیهم من بدایع عنایتک ما یغنیهم عن دونک و ینقطعهم عما سواک لیظهر سلطان احدیتک و ملیک فضلک و افضالک اما تنظر یا الهی علی دموع التی جرت علی خدود احبتک و اما ترحم یا محبوبی عیون التی عمت فی فراقک و تعطیل ایات نصرک و اما تنظر یا سیدی قلوب التی استدفت فیها ورقاء عشقک و شوقک فو عزتک کاد الامر یصل الی مقام یمحو الرجاء عن افئدة اصفیائک و یاخذهم نقمات الیاس بما ورد علیهم فی ایامک فها انا ذا یا الهی هربت عن نفسی الی نفسک و عن ذاتی الی تجلیات انوار ذاتک و عن شئونات بعدی و غفلتی الی نفحات قربک و ذکرک و وفدت علی تراب مدین مغفرتک و احسانک و سکنت فی جوار رحمتک الکبری

\*\*\*ص251\*\*\*

و استشفع بسلطان ذکرک فی قمیص جمالک الالطف الاعلی بان تنزل فی هذه السنة علی احبتک ما ینقطعهم عن دونک و یخلصهم لظهورات ملیک مشیتک و سلطان ارادتک بحیث لایریدوا الا ما اردت لهم بامرک و لایشاووا الا بما شئت لهم بمشیتک ثم طهر یا الهی ابصارهم لمشاهدة انوار جمالک و سمعهم لاستماع نغمات ورقاء عز هویتک ثم املا قلوبهم من بدایع حبک ثم احفظ لسانهم عن ذکر غیرک و وجوههم عن التوجه الی غیرک و انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت العزیز المهیمن القیوم ثم احفظ یا محبوبی بمحبتک ایاهم و محبتهم ایاک هذا العبد الذی فدی بکله لحضرتک و انفق کل ما اعطیته فی سبیل محبتک و مناهج رضائک عن کل ما یکرهه نفسک ثم عن کل ما یمنعنی عن الدخول فی سرادق قدس سلطنتک و الورود الی مقاعد عز احدیتک ثم اجعلنی یا الهی من الذین ما شغلهم شیئ عن زیارة جمالک و التفکر فی بدایع صنع ازلیتک حتی لا استانس باحد دونک و لا التفت الی نفس سواک و لا اری فی شیئ عما خلقته فی ملکوت ملک السموات و الارض

\*\*\*ص252\*\*\*

 الا بدیع جمالک و ظهور انوار وجهک و استغرق فی طماطم سلطان ربوبیتک و یمایم قدس احدیتک علی مقام الذی انسی کل الاذکار دون اذکار عز هویتک و اغفل عن کل الاشارات یا من بیدک جبروت الاسماء و الصفات فسبحانک یا مقصودی فو عزتک احب ان اکون علی شان الذی لو یحضرن بین یدیّ طلعات اللواتی کن فی غرفات عصمتک و سترت جمالهن عن ملاحظة الموجودات و طهرت وجوههن عن مشاهدة الممکنات و یظهرن بظهورات انوار جمالک المنیع لا التفت علیهن و لا اتوجه الیهن الا لملاحظة اسرار صنعک الذی تحیرت فیه افئدة المقربین و کاعت انفس العارفین و ارتقی بحولک و قوتک الی مقام الذی لن یشغلنی شان عن شئونات عز قیومیتک و لا یحجبنی هندسیات الملکیة عن ظهورات قدس الوهیتک سبحانک سبحانک یا الهی و محبوبی و سیدی و مقصودی لا تخیب هذا الذلیل عن شاطی عزک و لاتحرم هذا المسکین عن میادین غنائک و لاتطرد هذا السائل عن ابواب فضلک و احسانک و موهبتک ثم ارحم هذا

\*\*\*ص253\*\*\*

 المفتقر الذی ما اتخذ لنفسه و لیاً دونک و لا انیسا سواک و لا مصاحباً غیرک و لا محبوباً الا انت و لا مقصوداً الا ایاک ثم انظرنی یا الهی بلحظات رحمتک ثم اغفر جریراتی و جریرات احبتک التی حالت بیننا و بین انزال نصرک و افضالک ثم کفر عنا سیئات التی احتجبت بها وجوهنا عن ملاحظة انوار شمس الطافک و انک انت المقتدر علی ما تشاء و تحکم کیف تشاء لا تسأل عما شئت بسلطانک و لا ترد عما قضیت بقضائک لا اله الا انت العزیز القادر الحیّ الرّوف

هوالحیّ الباقی القیوم

شهدالله لنفسه بوحدانیة نفسه و لذاته بفردانیة و نطق بلسانه فی عرش بقائه و علو کبریائه بانه لا اله الا هو لم یزل کان موحد ذاته بذاته و واصف نفسه بنفسه و منعت کینونة بکینونته و انه هو المقتدر العزیز الجمیل و هو القاهر فوق عباده و القائم علی خلقه و بیده الامر و الحق یحیی بایاته و یمیت بقهره لایسئل عما یفعل و انه کان

\*\*\*ص254\*\*\*

علی کل شیئ قدیر و انه لهو القاهر الغالب الذی فی قبضته ملکوت کل شیئ و فی یمینه جبروت الامر و انه کان علی کل شیئ محیط له النصر و الانتصار و له القوم و الاقتدار و له العزة و الاختیار و انه هو العزیز المقتدر المختار سبحانک یا من ناداک السن الکائنات فی ازل اللابدایات و ابد اللانهایات و ما وصل نداء احد منهم الی هواء بقاء قدس کبریائک و فتحت عیون الموجودات لمشاهدة انوار جمالک و ما رفعت عین نفس الی بوارق ظهورات شمس وجهتک و رفعت ایادی المقربین بدوام عز سلطنتک و بقاء قدس حکومتک و ما بلغت ید احد الی ذیل رداء سلطان ربوبیتک مع الذی لم تزل کنت ببدایع جودک و احسانک قائماً علی کل شیئ و مهیمناً علی کل شیئ و تکون اقرب بکل شیئ من انفسهم بهم فسبحانک من ان تنظر بدیع جمالک الا بلحظات عین فردانیتک او یسمع نغمات عز سلطنتک الا ببدایع سمع احدیتک فسبحانک من ان تقع علی جمالک عین احد من خلقک او ان یصعد الی هواء عز عرفانک فواد نفس من بریتک لان اطیار قلوب

\*\*\*ص255\*\*\*

 المقربین لو تطیر بدوام سلطان قیومیتک او تتعارج ببقاء قدس الوهیتک لاتخرج عن حد الامکان و حدود الاکوان فکیف یقدر من خلق بحدود الابداع ان یصل الی ملیک ملکوت الاختراع او یصعد الی سلطان جبروت العزة و الارتفاع سبحانک سبحانک یا محبوبی لما جعلت منتهی وطن البالغین اقرارهم بالعجز عن البلوغ الی رفارف قدس سلطان احدیتک و منتهی مقر العارفین اعترافهم بالقصور عن الوصول الی مکامن عز عرفانک اسالک بهذا العجز الذی احببته فی نفسک و جعلته مقر الواصلین و الواردین و بانوار وجهک التی احاطت الممکنات و بمشیتک التی بها خلقت الموجودات بان لاتخیب املیک عن بدایع رحمتک و لاتحرم قاصدیک عن جواهر فضلک ثم اشتعل فی قلوبهم مشاعل حبک لیحترق بها کل الاذکار دون بدایع ذکرک و یمحو عن قلوبهم کل الاثار سوی جواهر اثار قدس سلطنتک حتی لایسمع فی الملک الا نغمات عز رحمانیتک و لایشهد فی الارض الا سواذج انوار جمالک و لایری فی نفس دون طراز جمالک و ظهور اجلالک لعل لاتشهد من عبادک الا ما ترضی به نفسک و یحبه سلطان

\*\*\*ص256\*\*\*

 مشیتک سبحانک یا سیدی فو عزتک لایقنت بانک لو تقطع نفحات قدس عنایتک و نسمات جود افضالک عن الممکنات فی اقل من ان لیفنی کل الموجودات و ینعدم کل من فی الارضین و السموات فتعالی بدایع قدرتک الغالبة فتعالی سلطان قوتک المنیعة فتباهی ملیک اقتدارک المحیطة و مشیتک النافذة بحیث لو تحصی فی بصر احد من عبادک کل الابصار و تدع فی قلبه کل القلوب و تشهد فی نفسه کل ما خلقت بقدرتک و ذرات بقوتک و یتفرس فی اقالیم خلقک و ممالک صنعک فی ازل الازال لن یجد شیئا الا و قد یشهد سلطان قدرتک قائمة علیه و ملیک احاطتک قاهرة علیه فها انا ذا یا الهی قد وقعت علی التراب بین یدیک و اعترف بعجز نفسی و اقتدار نفسک و فقر ذاتی و غناء ذاتک و فناء روحی و بقاء روحک و منتهی ذلی و منتهی عزک بانک انت الله لا اله الا انت وحدک لاشریک لک وحدک لا شبیه لک وحدک لا ندّ لک وحدک لا ضدّ لک لم تزل کنت بعلو ارتفاع قیومیتک مقدساً عن ذکر ماسواک و لاتزال تکون فی سمو استرفاع احدیتک

\*\*\*ص257\*\*\*

منزها عن وصف ما دونک فو عزتک یا محبوبی لاینبغی ذکر الموجودات لنفسک الاعلی و لایلیق وصف الممکنات لبهائک الابهی بل ذکر دونک شرک فی ساحة قدس ربوبیتک و نعت غیرک ذنب عند ظهور سلطان الوهیتک لان بالذکر یثبت الوجود تلقاء مدین توحیدک و هذا شرک محض و کفر صرف و ذنب بحت و بغی باتّ حینئذ اشهد بنفسی و روحی و ذاتی بان مطالع قدس فردانیتک و مظاهر عز وحدانیتک لو یطیرن بدوام سلطنتک و بقاء قیومیتک لن یصلوا الی هواء قرب الذی فیه تجلیت باسم من اسماء اعظمک فسبحانک سبحانک عن بدیع جلالک فسبحانک سبحانک عن منیع اجلالک فسبحانک سبحانک عن علو سلطنتک و سمو شوکتک و اقتدارک و ان اعلی افئدة العارفین و ما عرفوا من جواهر عرفانک و ابهی حقایق البالغین و ما بلغوا الی اسرار حکمتک قد خلقت من روح الذی نفخ من قلم صنعک و ما خلق من قلمک کیف یعرف ما قدرت فیه من جواهر امرک او انامل التی کانت قیومیة علیه و علی ما فیه من رحمتک و من لم یبلغ الی هذا المقام فکیف یبلغ

\*\*\*ص258\*\*\*

 الی یدک التی کانت قاهرة علی انامل قوتک او یصل الی ارادتک التی کانت غالبة علی یدک فسبحانک سبحانک یا الهی بعد الذی انقطعت افئدة العرفا عن عرفان صنعک الذی خلقته بارادتک فکیف الصعود الی سموات قدس مشیتک او الورود فی سرادق عرفان نفسک سبحانک اللهم یا الهی و سیدی و مالکی و سلطانی حینئذ لما اعترفت بعجزی و عجز الممکنات و اقررت بفقری و فقر الموجودات انادیک بلسانی و السن کل من فی الارضین و السموات و ادعوک بقلبی و قلوب کل من دخل فی ظل الاسماء و الصفات بان لاتغلق علی وجوهنا ابواب فضلک و افضالک و لا تنقطع عن ارواحنا نسمات جوک و الطافک و لاتشتغل قلوبنا بغیرک و لا افئدتنا بذکر سواک فو عزتک یا الهی لو تجعلنی سلطاناً فی مملکتک و تجلسنی علی عرش فردانیتک و تضع زمام کل الوجود فی قبضتی باقتدارک و تجعلنی فی اقل ما یحصی مشغولا بذلک و غافلا عن بدایع ذکرک الاعلی فی اسمک الاعظم الاتم العلی الاعلی فو عزتک لن ترض نفسی و لن یسکن قلبی بل اجد ذاتی فی تلک الحالة اذل من کل

\*\*\*ص259\*\*\*

موجود نمی باشد

\*\*\*ص260\*\*\*

موجود نمی باشد

\*\*\*ص261\*\*\*

موجود نمی باشد

\*\*\*ص262\*\*\*

موجود نمی باشد

\*\*\*ص263\*\*\*

و حرم عز فردانیتک و لما

\*\*\*ص264\*\*\*

علیه فی سبیلک سیوف البغضا من عبادک الاشقیا ان الذینهم شربوا من کاس رحمتک و احسانک و انسوا بذکرک و ثنائک انهم لایشغلهم شئونات الدنیا عن التوجه الیک و الاقبال الی وجهک طوبی لمن انس بک و انقطع عن کل الوجود یا معبود الغیب و الشهود فکیف اذکر یا موجد البها و مقصود البها بدایع رحمتک التی سبقتنی و ظهورات عنایتک التی احاطتنی کنت راقدا یا ا لهی علی مهد المغفلة و ؟؟ و قد مرّت علیّ نفحات قمیص اسمک الرحمن و ایقضتنی عن النوم و انطقتنی بثناء نفسک بین ملأ الاکوان قمت و دعوت الکل الی نفسک العلی الاعلی منهم من اعرض عنک و کفر بایاتک و ظهوراتک فی هذا الظهور الذی ظهرت نفسک باسمک لا؟؟ منهم من توقف و قام بالمحاربة بعد الذی ما بینت لهم ما علمتنی من علومک المکنونة و ما اظهرت لهم ما عرفتنی من اسرارک المخزونة و دعوتهم بما نزل فی البیان و عرفتهم ما امروا بعرفانه فی الواح قضائک و صحائف تقدیرک و بذلک فزعوا و ناجوا و اعرضوا و استکبروا الا الذین بعثوا مرّة اخری بنفحات ایاتک الکبری

\*\*\*ص265\*\*\*

فی هذا الظهور الذی به انفطرت سموات الاوهام و کسرت اصنام الانام بعضد قدرتک یا من فی قبضة قدرتک جبروت الامر و ملکوت السموات و الارضین ای رب اسئلک باسمائک الحسنی و صفاتک العلیا و باسمک الذی جعلته قیوماً علی الاسما و مهیمنا علی من فی الارض و السما وبه الفت و فرقت و جعلته فصل الخطاب فی المبدء و الماب بان تفتح عیون عبادک لیروک بعینک و یعرفوک بنفسک و یعرضوا عن الذین کفروا بک و بسلطانک و اتخذوا لانفسهم ربا سواک و معبودا دونک ای رب لاتدعهم بانفسهم و اهوائهم خذ ایادیهم بید قدرتک و فضلک ثم احفظهم من شر عبادک الذین یوسوسون فی صدور الناس و یمنعونهم عن شاطی بحر توحیدک و لجة عز تفریدک ای رب نور ابصارک العباد بنور معرفتک ثم اشربهم من کوثر الذی من شرب منه انقطع عن ملکوت ملک السموات و الارض و توجه بکله الیک و استظل فی ظل اسمک الابهی الذی جعلته سیف امرک بین خلقک و به فصلت بین المقربین

\*\*\*ص266\*\*\*

و المبعدین و النور و الظلمة و ؟؟ و الشقی و مظاهر الاشات و النفی و الذی نوّر ؟؟؟ بنور اسمک الاعظم انه خلق مرة اخری و بعث یامرک یا رب العرش والثری و انه لبدیع فی مملکتک و منجعل من نفحات ایامک و یما یتکلم به فی ذکرک و ثنائک یجری علیه حکم البدع و لو یتکلم بما ذکرت به فی ازل الازال و هذا شان عبادک الذین خلقوا من حرکة قلمک الاعلی فی ملکوت الانشا و مع ذلک عبادک الاشقیا ینکرون ایاتک یا بدیع السموات و الارض و یسلبون حکم البدع عنها بعد الذی بها ثبت حکم البدع لو لاها ما ظهر البدع اذا ابکی و یبکی القلم ثم اللوح لضری و بما ورد علیّ من اعدائک و کلما یشتد علیّ البلایا من هولاء الذین کفروا بایاتک الکبری انظر الی مواهبک التی اختصصتنی بها بحیث جعلتنی و ما یظهر منی من القیام و القعود والمشی و الرقود ذکرک بین بریتک و ثنائک بین عبادک و جعلت کلها ذکراً واحد من عندک فلک الحمد یا الهی علی هذه الموهبة الکبری و العطیة العظمی اسئلک یا الهی و سیدی بان تقدر لعبادک ما قدرته لی و لاتفرق بینی و بینهم لا فی

\*\*\*ص267\*\*\*

الدنیا و لا فی الاخرة و انک انت خالق البریة فیا الهی ان اثبت اوراق هذه الشجرة لئلا تسقطها اریاح الافتتان و انک انت المقتدر العزیز المنان و لاتحرم عبادک الذین اقبلوا الیک ثم اجعلهم یا الهی مقرا بوحدانیتک و معترفا بفردانیتک و مذعنا بسلطنتک و اقتدارک و مقبلا الی حرم عزک و کبریائک و لا؟؟ و ؟؟ بحضرتک ای رب لاتطردهم بجودک و لاتمنعهم عن هذه الشریعة التی جرت عن یمین عرش احدیتک ای رب لاتجعلهم من الذین نقضوا میثاقک و نبذوا عهدک و استکبروا علیک و ؟؟حقک و انکروا فضلک و اعرضوا عنک بعد الذی ما رقم من قلمک الاعلی کلمة الا و قد اخذت بها عهد نفسی و علقت کلما نزل فی البیان بقبولی و امری علی شان لو یمحی من البیان ذکری و ثنائی لن یبقی منه کلمة و ما علقت امری بتصدیق نفس و لااقبال احد مع ذلک فانظر البها یا محبوب ابها و بما ورد علیه من اعدائک یا مقصود البها فو عزتک لایرتفع الندا من فم البها بما ورد علیه فی سبیلک یا ایها المذکور

\*\*\*ص268\*\*\*

فی قلب البها فیا لیت ارتکب ملا البیان ما ارتکبته ملل القبل فو عزتک یا محبوب البها ان البکاء یمنعنی عن الذکر و الثناء یا من بیدک جبروت القضاء و ملکوت الامضا انا الذی یا الهی ما یمنعنی عن حبک بغض اعدائک و لایصمتنی عن ثنائک ضوضاء الذینهم کفروا بایاتک فو عزتک لو یجتمعن علیّ مَن علی الارض بالظلم و الاعتساف لینطق لسانی بینهم بذکرک و ثنائک و لو یقطعون لسانی ینطق قلبی بما الهمتنی بجودک و احسانک و لو یقطعون ؟؟ لیذکرک حشائی بان یا مقصود البها فاقبل دم البها فی سبیلک و لو یقطعون حشائی و ارکانی شعری یصیح و ینادی ای رب هذا بهائک بین طغاة خلقک فانظره بلحظات عنایتک ای رب هذا هو الذی کان مذکورا فی صحایفک و کتبک و الواحک و هذا لهو الذی نزلت البیان لعلو شانه و سمو قدره و اعلاء کلمته و ارتفاع امره و هذا لهو الذی اصبحت بحبه و امسیت بذکره قلت و قولک الاحلی لو لاه ما نزلت البیان و قلت و قولک الحق کل ذکر خیر نزل فی البیان ما کان

\*\*\*ص269\*\*\*

مقصودی الا نفسه و جماله اذا فانظره مطروحاً بین ایدی اهل البیان یا منزل البیان فما احلی ذکرک نفسی و ذکری نفسک انت الذی اکتفیت بنفسی و انا الذی اکتفیت بنفسک عن انفس الخلایق کلها انت الذی اردت فی ذکرک نفسی و انا الذی ما ارید فی ذکری الا نفسک فیا الهی تری بان قلبی یذوب فی حبک علی شان لو مصیبت علیه بحور العالمین لا یحمد ابدا لان کینونتی و نفسی و روحی و جسدی و جسمی کلها قد خلقت بحبک و حبک باقی لایفنی و هذا مقام الذی اعطیتنی بجودک و لایقدر احد ان یتصرف فیه ابداً یا من ذکرک انیسی و فرح قلبی و قضائک مرادی و بلائک مونسی فیا الهی تشهد و تری ان الذین هتکوا هرمتک و ضیقوا امرک و نقضوا عهدک و خرفوا ایتک و کلمتک و نبذوا احکامک و ترکوا اوامرک اعترضوا علی هذا العبد الذی انفق روحه فی سبیلک و به اشتهر امرک و رفع ذکرک و لاح وجهک و استرفع فسطاط حکمک و خباء مجدک و بنی بیت امرک و حرم قدسک و کعبة جلالک و انت تعلم یا الهی افکهم و مفتریات

\*\*\*ص270\*\*\*

انفسهم و بعد ما ارتکبوا فی دینک ماناح به سکان مداین البقا و اهل ملأ الاعلی کتبوا بانامل الشرکیة فی حقی ما یلعنهم به کل الذرات ثم مظاهر التوحید و مطالع التفرید و مکامن وحیک و مخازن الهامک و بلغوا فی الشقوة الی مقام کتبوا بانه نسخ البیان بعد الذی بنفسی ظهر حکم البیان و اشرقت شمس التبیان و بذکری حقق ذکره و بنفسی قسّرت کلماته و کشفت اسراره و ؟؟؟ فصلت حروفاته و ظهرت کنوزه و برز ما خزن فیه من لئالی علمک و جواهر حکمتک فیا الی انت تعلم بانهم عرفوا نعمتک ثم انکروها لانک اظهرتنی ؟؟ التی بها ؟؟ الایمان بک و بمظهر نفسک اذا یا الهی طهر قلوبهم و نوّر ابصارهم لیعرفوک بعینک و ینقطعوا عما سواک و لو اتی اشاهدهم یا الهی احجب من ملک القبل بحیث ما احصیت اشقی منهم و ابعد منهم یقرئون البیان و یکفرون منزله یفتخرون به و یعترضون علی الذی به نزلت کتبک و صحایف امرک فی ازل الازال فو عزتک یا الهی انهم ما امنوا بک و لو امنوا ما کفروا فی هذا الظهور الذی به غنّت اورات سدرة المنتهی

\*\*\*ص271\*\*\*

بذکر اسمک العلی الاعلی و فتحت السن کل الاشیا بثنائک یا رب الاخرة و الاولی و یشهد کل کلمة نزلت فی البیان بانه لهو الناظر فی الافق الابهی سبحانک سبحانک یا الهی تسمع ضجیجی و صریخی و ما یرد علیّ فی کل الاحیان من مظاهر الشیطان و مطالع الطغیان و معادن الحسد و الحسبان فانظرنی یا من سمیت نفسک بالرحمن هل تری فی ارضک مظلوما شبهی او مخزونا مثلی بعد الذی بسروری طار العاشقون الی هواء قربک و ابتها؟؟ و استعرج المشتاقون الی سماء جذبک و عرفانک اذا استجار یا الهی هذا المظلوم فی جوار عدلک و هذا الذلیل فی جوار عزک و هذا الفقیر فی ظل غنائک فانزل علیه ما ینبغی لشانک و انه ما اراد الا انت و لایرید الا انت بحولک و قوتک یا مالک البها و الناطق فی صدر البها و الذاکر فی قلب البها فانزل یا رب البها علی قلوب العباد کلمة التقوی لیقومن عن رقد الهوی و یتوجهن الی الکلمة العلیا یا رب العرش و الثری فیا الهی و سیدی و رجائی اشهد بانک کنت فی ازل الازال الهاً واحداً احداً فرداً صمداً

\*\*\*ص272\*\*\*

و ترا باقیاً دائماً قائماً قیوماً ما اتخذت لنفسک شبهها و لاشریکا و لاوزیرا و لانصیرا ارسلت سفرائک الی عبادک و جعلتهم مهابط وحیک و ؟؟؟ انزلت الیهم کتبک و شرعت فیها شرایع امرک و احکامک الی ان انتهیت الکتب الی البیان و الرسل ؟؟؟ بعلی فی جبروت القضا و ملکوت الاسما و ؟؟؟ نفسه بامرک دعا الناس الی نفسک و ؟؟؟ بشربه به فی محکم ایاتک و متقن کلماتک و به قدرت مقادیر امرک و احکامک و به ؟؟؟ من عندک و منعت فیه العباد من ؟؟؟ الذین امنوا بک و ؟؟؟ حصن امرک و حمایتک و کذلک ؟؟؟ رسلک علی الامم و هذا من احکامک الحکمة و حدوداتک المتقنة بحیث نزل و کل الواحک و کتبک و زبرک و مع هذا الحکم المبین و الامر المتین نقضوا عهدک و نکثوا میثاقک و ترکوا ما امروا به و امروا ما نهوا عنه و بلغوا فی الغفلة الی مقام اخذ الشهود منهم زمام السکینة و الحیا و ؟؟ فی حرم نفسک العلی الاعلی فاه اه من فعله و ما ظهر منه ؟؟؟؟

\*\*\*ص273\*\*\*

ستر حجاب حرمتک بین خلقک و ناح روح الامین تلقاء وجهک و ؟؟؟ عین البها فی هذه المصیبة الکبری و الرزیة العظمی و ما ورد علی احد من سفرائک و اصفیائک ما ورد علی مظهر امرک الذی جعلته مظهر سلطنتک و مطلع الوهیتک و مشرق ربوبیتک اذا انوح و ینوح کلما الاشیاعما خلق من کلمتک العلیا و انک یا الهی لم تزل و لاتزال ما شرعت الشرایع و ما وضعت المناهج الا لا بقاء ذکرک بین خلقک و اعزاز امرک بین بریتک و انک بنفسک الحق کنت و تکون مقدساً من عمل العاملین و ذکر الذاکرین و انهم یا الهی ؟؟؟ منک و ما داعوا حرمتک فی مملکتک و اعزازک بین خلقک هل من ذی بصر ؟؟ فی بکائی و هل من ذی قلب ینوح ؟؟ فیما ورد علی حبیبی و محبوبی و ذکری و مذکوری ؟؟ من ؟؟ ینصف فیما ورد علی مظهر نفسک عن ؟؟ عبادک ؟؟ عزتک یا الهی ؟؟ باسیاف العالمین لکان احب عندی من ان اکون ؟؟؟ ما لا رات عین یا من بیدک ملکوت ملک السموات و الارضین و اخذه حب الریا؟؟ الی مقام سفک

\*\*\*ص274\*\*\*

دم الذی اختصصته بین بریتک و جعلته مظهر احدیتک و سقیته ؟؟؟؟ بامرک و نزلت فی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

\*\*\*ص275\*\*\*

باذنی و امری فاه اه قد تکدر ذیل التقدیس من غبار مفتریات اعدائک و تشبکت افئدة المقربین بما ورد علی محبوب العارفین من ؟؟ بریتک فیا الهی هذا ؟؟ یوم فیه فرضت القیام لاحبائک اسئلک بنفسک و ؟؟؟ فی حبک و رضاک لا ؟؟؟؟ باسمائک الحسنی فی صفاتک العلیا بان ؟؟ عبادک عرجت ماسواک و ؟؟ الی مطلع انوار وجهک و مقر عرش احدیتک و ؟؟ قلوبهم یا اهلی یا ؟؟ معرفتک و وجوههمم بضیاء شمس التی اشرقت عن افق مشیتک و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز المستعان ثم وفقهم یا الهی علی؟؟ نفسک و اعلاء کلمتک ثم اجعلهم ایادی امرک بین عبادک ثم ؟؟ دینک و اثارک بین خلقک لیجذ؟؟ الافاق من ذکرک و ثنائک و حجتک و برهانک و انک انت ؟؟ المتعالی المقتدر ؟؟ العزیز الرحمان سبحانک یا الهی کلما ارید ان ؟؟؟ اشهد ان حبک لاینتهی فلما ؟؟؟؟؟؟ ندائی و ذکری و ؟؟؟ و انک یا الهی قدرت المناجات لمن فی حولی و جعلت الایات بیناتا لنفسی

\*\*\*ص276\*\*\*

و ظهورات لامری ولکن انی احب بان اذکرک من قبل العالمین و بما عندهم من ذکرک و ثنائک یا من فی فی قبضتک ملکوت ملک السموات و الارضین انی رب فانصرنی ببدایع نصرک و ان نصرک نفسی و ؟؟ ایای هو ارتقائی الی الرفیق الاعلی و عروجی عن بین هولاءالاشقیاء الذین ما کان بینهم الا ضغینة و بغضا ای رب فاصعدنی الیک یا من بحرکة قلمک الاعلی خلق ملکوت الانشا و ما کان مقصودی یا الهی فیما نطقت به بین یدیک الا لیظهر عبودیتی بین بریتک و یشهد کل بانی انا ؟؟ و انک انت المسئول و انی انا الداعی و انک انت المجیب و الا فو عزتک مرادی ما اردت و مقصودی ما قصدت و اَمَلی ما قضیت من ؟؟ بین مشیتی و مشیتک انه کفر بک و اتخذ لک شریکا فی ملکک و بمشیتی اظهرت مشیتک ؟؟ ما کانت هی مرادی فداک یا مراد البها مقصودی فداک یا مقصود البها مشیتی فداک یا ؟؟ نار البها و یا ایها المشتعل فی صدر البها و یا ایها الناطق بلسان البها اذا یقول محبوب البها تالله لو لا البها ما غرّدت ورقاء الذکر یا ملأ

\*\*\*ص277\*\*\*

البغضا ان ارحموا البها یا من منکم و من ظلمکم انفطرت السما و شق ستر الوفا و یقول البها رضیت بقضائک یا اله العالمین و مقصود القاصدین و ما اردت الا ما انت اردته لنفسی و ما ارید الا ما انت ترید فو عزتک انی اکون خجلا من بدایع فضلک و ما اختصصتنی به بین بریتک بظهوری فصلت بین الممکنات و اخذت منها جواهر خلقک و سواذج بریتک و انقطعتنی یا الهی بکلمة من عندک و جعلتها ؟؟ ذا ظُبت؟؟بقدرتک و اقتدارک بظبة منها فصلت و فرقت عبادک و خلقک الذینهم استکبروا علیک و توقفوا فی امرک الذی ما اظهرت امرا اعظم منه و ؟؟ اخری جمعت و وصلت و بلغت و ربطت و الفت بین الذین اقبلوا الی وجهک و امنوا بایاتک الکبری و انقطعوا عما خلق فی الارض و السما شوقا لجمالک و طلبا لرضائک و اقبالاً بحضرتک و اظهارا لنعمتک و انک جعلتهم ایادی امرک بین بریتک و بهم اظهرت ما اظهرت من شئونات احدیتک و ظهورات فردانیتک طوبی لمن اقبل الیهم خالصاً لحبک و سمع منهم ایاتک و بیناتک التی عجزت

\*\*\*ص278\*\*\*

عن الاتیان بمثلها من فی السموات و الارضین اذا یا الهی اسئلک بک و بهذا المظلوم الذی ما شهد عین الابداع شبهه بان تنزل من سحاب رحمتک ما ینبت به فی قلوب المشتاقین نبات حبک و عرفانک و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المهیمن القیوم فیا الهی اسئلک بذکر اسمک العلی الاعلی بان تشرب کل العباد رحیق عناینک و افضالک لیعرفنک کل بعیونهم و یدخلن فی ظل سدرة التوحید یا من بیدک ملکوت التقدیر عزیز علیّ بان تجعل احدا من خلقک محروماً عن رحمة التی اختصصتها بایامک فو عزتک ان عبادک ارادوا ضری و ابتلائی و انا ارید تقربهم الیک و دخولهم فی جنة الابهی و انک انت المقتدر علی ما تشاء تعلم ما فی نفسی و انک انت المقتدر العالم العزیز المحبوب هذا دعاء فی شهر الصیام طوبی لمن یقرئه فی ایامه

بسم الاقدس الامنع الاعز العلی الاعلی

سبحانک اللهم یا الهی هذه ایام فیها فرضت الصیام لکل الانام لیزکی بها انفسهم و ینقطعن عما سواک و یصعد من قلوبهم ما یکون لایقا لمکامن عز احدیتک

\*\*\*ص279\*\*\*

و قابلاً لمقر ظهور فردانیتک ای رب فاجعل هذا الصیام کوثر الحیون و قدّر فیه اثره و طهر به افئدة عبادک الذین ما منعهم مکاره الدنیا عن التوجه الی شطر اسمک الابهی و ما اضطربهم ضوضاء الذینهم کفروا بایاتک الکبری بعد الذی ارسلت مظهر نفسک بسلطنتک و اقتدارک و عظمتک و اجلالک اولئک اذا سمعوا ندائک سرعوا الی شطر رحمتک و ما امسکتهم شئونات العرضیه و الحدودات البشریه و انا الذی یا الهی اکون مقرا بوحدانیتک و معترفا بفردانیتک و خاضعا لدی ظهورات عظمتک و خاشعاً عند بوارق انوار عز احدیتک امنت بک بعد الذی عرفتنی نفسک و اظهرته بسلطانک و قدرتک و توجهت الیه منقطعاً عن کل الجهات و متمسکا بحبل الطافک و مواهبک و امنت به و بما نزل علیه من بدایع احکامک و اوامرک و صمت بحبک و اتباعاً لامرک و افطرت بذکرک و رضائک ای رب لاتجعلنی من الذینهم صاموا فی الایام و سجدوا لوجهک فی اللیالی و کفروا بنفسک و انکروا ایاتک و جاحدوا برهانک و خرفوا کلماتک ای رب فافتح عینی و عین

\*\*\*ص280\*\*\*

 من ارادک لنعرفک بعینک و هذا ما امرتنا به فی الکتاب الذی انزلته علی من اصطیفته بامرک و اختصصته بین بریتک و ارتضیته لسلطنتک و اجتبیته و ارسلته علی بریتک فلک الحمد یا الهی بما وفقنا علی الاقرار به و التصدیق بمانزل علیه و شرفتنا بلقاء من وعدتنا به فی کتبک و الواحک و اذاً یا الهی قد توجهت الیک و تمسکت بعروة عطفک و جودک و تشبثت بذیل الطافک و مواهبک اسالک بان لا تخیبنی عما قدرته لعبادک الذین هم اقبلوا الی حرم وصلک و کعبة لقائک و صاموا فی حبک و لو انی یا الهی اعترف بان کل ما یظهر منی لم یکن قابلاً لسلطانک و لایلیق لحضرتک ولکن اسالک باسمک الذی به تجلیت علی کل الاشیاء باسمائک الحسنی فی هذا الظهور الذی اظهرت جمالک باسمک الابهی بان تشربنی خمر رحمتک و رحیق مکرمتک الذی جری عن یمین مشیتک لاتوجه بکلی الیک و انقطع عما سواک علی شان لا اری الدنیا و ما خلق فیها الا کیوم ما خلقتها ثم اسالک یا الهی بان تنزل من سماء ارادتک و سحاب رحمتک ما یذهب عنا روایح

\*\*\*ص281\*\*\*

العصیان یا من سمیّت نفسک بالرحمن و انک انت المقتدر العزیز المنان ای رب لاتطرد من اقبل الیک و لاتبعد من تقرب بک و لا تخیب من رفع ایادی الرجاء الی شطر فضلک و مواهبک و لاتحرم عبادک المخلصین عن بدایع فضلک و افضالک ای رب انت الغفور و انت الکریم و انت المقتدر علی ما تشاء و ماسواک عجزاء لدی ظهورات قدرتک و فقداء لدی اثار غنائک و عدماء عند ظهورات عز سلطنتک و ضعفاء عند شئونات قدرتک ای رب هل دونک من مهرب لنهرب الیه او سواک من ملجاء لاسرع الیه لا و عزتک لاعاصم الا انت و لامقر الا انت و لامهرب الا الیک ای رب اذقنی حلاوة ذکرک و ثنائک فو عزتک من ذاق حلاوته انقطع عن الدنیا و ما خلق فیها و توجه الیک مطهراً عن ذکر دونک فیا الهی فالهمنی من بدایع ذکرک لاذکرک بها و لا تجعلنی من الذین یقرئون ایاتک و لایجدون ما قدر فیها من نعمتک المکنونة التی تحیی بها افئدة بریتک و قلوب عبادک ای رب فاجعلنی من الذین اخذتهم نفحات ایامک علی شان انفقوا ارواحهم

\*\*\*ص282\*\*\*

فی سبیلک و سرعوا الی مشهد الفناء شوقاً لجمالک و طلباً لوصالک و اذا قیل لهم فی الطریق الی ایّ مقر تذهبون قالوا الی الله الملک المهیمن القیوم و ما منعهم ظلم الذین اعرضوا عنک و بغوا علیک عن حبهم ایک و توجههم الیک و اقبالهم الی شطر رحمتک اولئک عباد یصلین علیهم الملأ الاعلی و یکبرن اهل مداین البقاء ثم الذین رقم علی جبینهم من قلمک الاعلی هولاء اهل البهاء و بهم ظهرت انوار الهدی و کذلک قدّر فی لوح القضاء بامرک و ارادتک فیا الهی کبر علیهم و علی الذین طافوا فی حولهم فی حیوتهم و مماتهم ثم ارزقهم ما قدرته لخیرة خلقک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المقتدر المهیمن العزیز الوهال ای رب لاتجعل هذا الصوم اخر صومنا و اخر عهدنا ثم اقبل ما عملناه فی حبک و رضائک و ما ترک عما بما غلبت علینا شئونات النفس و الهوی ثم استقمنا علی حبک و رضائک ثم احفظنا من شر الذین هم کفروا بک و بایاتک الکبری و انک انت رب الاخرة و الاولی لا اله الا انت العلی الاعلی و کبر اللهم یا الهی علی النقطة الاولیة و سر الاحدیة و غیب الهویة

\*\*\*ص283\*\*\*

و مطلع الالوهیة و مظهر الربوبیة الذی به فصلت علم ما کان و ما یکون و ظهرت لالی علمک المکنون و سرّ اسمک المخزون و جعلته مبشرا للذی باسمه الف الکاف برکنها النون و به ظهرت سلطنتک و عظمتک و اقتدارک و نزلت ایاتک و فصلت احکامک و نشرت اثارک و حققت کلمتک و بعثت قلوب اصفیائک و حشر من فی سمائک و ارضک الذی سمیته بعلیّ قبل نبیل فی ملکوت اسمائک و بروح الروح فی الواح قضائک و اقمته مقام نفسک و رجعت کل الاسماء الی اسمه بامرک و قدرتک و به انتهت اسمائک و صفاتک و له اسماء فی سرادق عفتک و فی عوالم غیبک و مداین تقدیسک و علی الذین هم آمنوا به و بایاته و توجهوا الیه منقطعین عما سواک من الذین اعترفوا بوحدانیتک فی ظهوره کرة اخری الذی کان مذکوراً فی الواحه و کتبه و صحفه و فی کل ما نزل علیه من بدایع ایاتک و جواهر کلماتک و امرته بان یاخذ عهد نفسه قبل عهد نفسه و نزل البیان فی ذکره و شانه و اثبات حقه و اظهار سلطنته و اتقان امره طوبی لمن اقبل الیه

\*\*\*ص284\*\*\*

 و عمل ما امر به من عنده یا اله العالمین و مقصود العارفین فلک الحمد یا الهی بما وفقتنا علی عرفانه و حبه اذاً اسالک به و بمظاهر الوهیتک و مطالع ربوبیتک و مخازن وحیک و مکامن الهامک بان توفقنا علی خدمته و طاعته و تجعلنا ناصرین لامره و مخذلین لاعدائه و انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المقتدر العزیز المستعان

هذا دعاء قد نزل حین الافطار من لدی الله العزیز المختار

هو الامر

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک بالذین جعلت صیامهم فی حبک و رضائک و اظهار امرک و اتباع ایاتک و احکامک و افطارهم قربک و لقائک فو عزتک انهم فی ایامهم کلها صائمون و الی شطر رضائک متوجهون و لو یخرج من فم ارادتک محاطبا ایاهم یا قوم صوموا حبا لجمالی و لاتعلقه بالمیقات و الحدود فو عزتک هم یصومون و لایاکلون الی ان یموتون لانهم ذاقوا حلاوة ندائک و ذکرک و ثنائک و کلمة التی خرجت من شفتی مشیتک ای رب اسئلک بنفسک العلی الاعلی ثم بظهورک کرة اخری الذی به انقلب ملکوت

\*\*\*ص285\*\*\*

الاسماء و جبروت الصفات و اخذ السکر سکان الارضین و السموات و الزلزال من فی ملکوت الامر و الخلق الا من صام عن کل مایکره رضاک و امسک نفسه عن التوجه الی ما سواک بان تجعلنا منهم و تکتب اسمائنا فی لوح الذی کتبت اسمائهم و انک یا الهی ببدایع قدرتک و سلطنتک و عظمتک انشعب اسمائهم من عز اسمک و خلقت ذواتهم من جوهر حبک و کینوناتهم من ساذج امرک و ما تعقب وصلهم بظهورات الفصل و الانفصال و ما قدّر لقربهم بعد و لا لبقائهم ذوال انهم عباد لم یزل یحکون عنک و لایزال یطوفون فی حولک و یُهرولون حول حرم لقائک و کعبة وصلک و ما جعلت الفرق یا الهی بینک و بینهم الا بانهم لما شهدوا انوار وجهک توجهوا الیک و سجدوا لجمالک خاشعاً خاضعاً لعظمتک و منقطعاً عما سواک ای رب هذا یوم فیه صمنا بامرک و ارادتک بما نزلته فی محکم کتابک و امسکنا النفس عن الهوی و عما یکرهه رضاک الی ان انتهی الیوم و بلغ حین الافطار و اذاً اسئلک یا محبوب قلوب العاشقین و یا حبیب افئدة العارفین و یا وله صدور المشتاقین و یا مقصود

\*\*\*ص286\*\*\*

القاصدین بان تطیرنا فی هواء قربک و لقائک و تقبل عنا ما عملنا فی حبک و رضائک ثم اکتبنا من الذینهم اقروا بوحدانیتک و اعترفوا بفردانیتک و خضعوا لعظمتک و کبریائک و عاذوا بحضرتک و لاذوا بجنابک و انفقوا ارواحهم شوقاً للقائک و الحضور بین یدیک و نبذوا الدنیا عن ورائهم لحبک و قطعوا النسبة من کل ذی نسبة متوجهین الیک اولئک العباد الذین اذا یذکر لهم اسمک یذوب قلوبهم شغفاً لجمالک و تفیض عیونهم طلباً لقربک و لقائک ای رب هذه لسانی تشهد بوحدانیتک و فردانیتک و هذه عینی ناظرة الی شطر مواهبک و الطافک و هذه اذنی مترصدة لاصغاء ندائک و کلمتک لانی ایقنت یا الهی بان الکلمة التی خرجت من فم مشیتک ما قدرت لها من نفاد و تسمعها فی کل الاحیان الاذان التی قدستها لاستماع کلماتک و اصغاء ایاتک و ان هذه یا الهی یدی قد رفعتها الی سماء مکرمتک و الطافک اتطرد یاالهی هذا الفقیر الذی ما اتخذ لنفسه محبوباً سواک و لا معطیاً دونک و لاسلطاناً غیرک و لاظلاً الا فی جوار رحمتک و لا مامناً

\*\*\*ص287\*\*\*

الا لدی بابک الذی فتحته علی وجه من فی سمائک و ارضک لافو عزتک انا الذی اکون مطمئناً بفضلک و لو تعذبنی بدوام ملکک و یسالنی احد منک لینطق ارکانی کلها بانه لهو المحبوب فی فعله و المطاع فی حکمه و الرحمن فی سجیته و الرحیم علی خلقه فو عزتک یا محبوب قلوب المشتاقین لو تطردنی عن بابک و تدعنی تحت اسیاف طغاة خلقک و عصاة بریتک و یسالنی احد منک ینادی کل شعر کل فی اعضائی بانه هو محبوب العالمین و انه لهو الفضال القدیم و انه قربنی و لو ابعدنی و اجارنی و لو اطردنی و لم اجد لنفسی راحماً ارحم منه به استغنیت عن دونه و استعلیت علی ما سواه فطوبی یا الهی لمن استغنی بک عن ملکوت ملک السموات و الارض و الغنیّ من تمسک بحبل غنائک و خضع لحضرتک و اکتفی بک عمن سواک و الفقیر من استغنی عنک و استکبر علیک و اعرض عن حضرتک و کفر بایاتک فیا الهی و محبوبی فاجعلنی من الذین تحرکهم اریاح مشیتک کیف تشاء و لا تجعلنی من الذین تحرکهم اریاح النفس و الهوی

\*\*\*ص288\*\*\*

و تذهب بهم کیف تشاء لا اله الا انت المقتدر العزیز الکریم فلک الحمد یا الهی علی ما وفقتنی بالصیام فی هذا الشهر الذی نسبته الی اسمک الاعلی و سمیة بالعلاء و امرت بان یصوموا فیه عبادک و بریتک و یستقربن به الیک و به انتهت الایام و الشهور کما ابتدات اولها باسمک البهاء لیشهدن کل بانک انت الاول و الاخر و الظاهر و الباطن و یوقنن بان ما حقق اعزاز الاسماء الا بعز امرک و الکلمة التی فصلت بمشیتک و ظهرت بارادتک و جعلت یا الهی هذا الشهر بینهم ذکراً من عندک و شرفاً من لدنک و علامة من حضرتک لئلا ینسون عظمتک و اقتدارک و سلطنتک و اعزازک و یوقنن بانک انت الذی کنت حاکماً فی ازال الازال و تکون حاکماً کما کنت لایمنعک عن حکومتک شی عما خلق فی السموات و الارض و لا عن ارادتک من فی ملکوت الامر و الخلق فیا الهی اسالک باسمک الذی به ناحت قبائل الارض کلها الا من عصمته بعصمتک الکبری و حفظته فی ظل رحمتک العظمی بان تجعلنا مستقیما علی امرک و ثابتا علی حبک علی شان لو یعترض علیک عبادک و یعرض عنک

\*\*\*ص289\*\*\*

بریتک بحیث لا یبقی علی الارض من یدعوک و یقبل الیک و یتوجه الی حرم انسک و کعبة قدسک لاقوم بنفسی وحده علی نصرة امرک و اعلاء کلمتک و اظهار سلطنتک و ثناء نفسک و لو انی یا الهی کلما ارید ان اسمیک باسم اتحیر فی نفسی لانی اشاهد بان کل صفة من صفاتک العلیا و کل اسم من اسمائک الحسنی انسبها الی نفسک و ادعوک بها تلقاء وجهک هذا لم یکن الا علی قدر عرفانی لانی لما عرفتها ممدوحة نسبتها الیک و الا تعالی تعالی شانک من ان تذکر بدونک او تعرف بسواک او یرتقی الیک وصف خلقک و ثناء عبادک و کل ما یظهر من العباد انه محدود بحدودات انفسهم و مخلوق من توهماتهم و ظنونهم فاه اه یا محبوبی من عجزی عن ذکرک و تقصیری فی ایامک لو اقول یا الهی انک انت علیم اشاهد لو تشیر باصبع من اصابع مشیتک الی صخرة صما لیظهر منها علم ما کان و ما یکون و لو اقول انک انت قدیر اشاهد لو یخرج من فم ارادتک کلمة لتنقلب منها السموات و الارض فو عزتک یا محبوب العارفین کل علیم لو لا یقر عند علمک بالجهل

\*\*\*ص290\*\*\*

انه اجهل العباد و کل مقتدر لایقر بعجزه لدی ظهورات قدرتک انه لاعجز بریتک و اغفل خلقک مع علمی بذلک و ایقانی بهذا کیف اقدر ان اذکرک بذکر او اصفک بوصف او اثنیک بثناء اذاً مع هذا العجز قد سرعت الی ظل قدرتک و بهذا الفقر قد استظلت فی ظل غنائک و بهذا الضعف قد قمت لدی سرادق قوتک و قدرتک اتطرد هذا الفقیر بعد الذی ما اتخذ لنفسه معیناً سواک اتبعد هذا الغریب بعد الذی لم یجد لنفسه محبوباً دونک ای رب انت تعلم ما فی نفسی و انا لا اعلم ما فی نفسک فارحمنی برحمتک ثم الهمنی ما یسکن به قلبی فی ایامک و یستریح به نفسی عند ظهورات وجهک ای رب قد استضاء کل الاشیاء من بوارق انوار طلعتک و قد الاح کل من فی الارض و السماء من ظهورات عز احدیتک بحیث لا اری من شیئ الا و قد اشاهد فیه تجلیک الذی مستور عن انظر النائمین من عبادک ای رب لاتحرمنی بعد الذی احاط فضلک کل الوجود من الغیب و الشهود اتبعدنی یا الهی بعد الذی دعوت الکل الی نفسک و التقرب

\*\*\*ص291\*\*\*

الیک و التمسک بحبلک اتطردنی یا محبوبی بعد الذی وعدت فی محکم کتابک و بدائع ایاتک بان تجمع المشتاقین فی سرادق عطوفتک و المریدین فی ظل مواهبک و القاصدین فی خیام فضلک و الطافک فو عزتک یا الهی ان صریخی یمنع قلمی و حنین قلبی قد اخذ الزمام عن کفی کلما اسکن نفسی و ابشرها ببدائع رحمتک و شئونات عطوفتک و ظهورات مکرمتک اضطرب من ظهورات عدلک و شئونات قهرک و اشاهد بانک انت المذکور بهذین الاسمین و الموصوف بهذین الوصفین و لاتبالی بان تدعی باسمک الغفار او باسمک القهار فو عزتک لو لا علمی بان رحمتک سبقت کل شیئ لتنعدم ارکانی و تنفطر کینونتی و تضمحل حقیقتی ولکن لما اشاهد فضلک سبق کل شیئ و رحمتک احاطت کل الوجود تطمئن نفسی و کینونتی فاه اه یا الهی عما فات منی فی ایامک فاه اه یا مقصودی عما فات منی فی خدمتک و طاعتک فی هذه الایام التی ما رات شبهها عیون اصفیائک و امنائک ای رب اسالک بک و بمظهر امرک الذی استقر علی عرش رحمانیتک بان توفقنی علی خدمتک و رضائک ثم احفظنی عن ا لذین اعرضوا عن نفسک و کفروا

\*\*\*ص292\*\*\*

 بایاتک و انکروا حقک و جاحدوا برهانک و نبذوا عهدک و میثاقک کبر اللهم یا الهی علی مظهر هویتک و مطلع احدیتک و معدن علمک و مهبط وحیک و مخزن الهامک و مقر سلطنتک و مشرق الوهیتک النقطة الاولی و الطلعة الاعلی و اصل القدم و محیی الامم و علی اول من آمن به و بایاته الذی جعلته عرشاً لاستواء کلمتک العلیا و محلا لظهور اسمائک الحسنی و مشرقاً لاشراق شموس عنایتک و مطلعاً لطلوع اسمائک و صفاتک و مخزناً للالی علمک و احکامک و علی اخر من نزل علیه الذی کان وفوده علیه کوفوده علیه و ظهورک فیه کظهورک فیه الا انه استضاء من انوار وجهه و سجد لذاته و اقر بعبودیته لنفسه و علی الذینهم استشهدوا فی سبیله و فدوا انفسهم حبا لجماله نشهد یا الهی بانهم عباد امنوا بک و بایاتک و قصدوا حرم لقائک و اقبلوا الی وجهک و توجهوا الی شطر قربک و سلکوا مناهج رضائک و عبدوک بما انت اردته و انقطعوا عمن سواک ای رب فانزل علی ارواحهم و اجسادهم فی کل حین من بدائع رحمتک الکبری و انک انت المقتدر علی ما تشاء

\*\*\*ص293\*\*\*

 لا اله الا انت العزیز المقتدر المستعان ای رب اسالک به و بهم و بالذی اقمته علی مقام امرک و جعلته قیوماً علی من فی سمائک و ارضک بان تطهرنا عن العصیان و تقدر لنا مقر صدق عندک و الحقنا بعبادک الذین ما منعتهم مکاره الدنیا و شدائدها عن التوجه الیک و انک انت المقتدر المتعالی المهیمن الغفور الرحیم عز ثنائه فی اخر شهر

بسم الله ؟؟؟ الاقدس الصیام

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک بالذی اظهرته و جعلت ظهوره نفس ظهورک و بطونه نفس بطونک و باولیته حقق اولیتک و باخریته ثبت اخریتک و بقدرته و سلطانه شهد کل ذی قدرة باقتدارک و بعظمته شهد کل ذی عظمة بعظمتک و کبریائک و بقیومیته عرف قیومیتک و احاطتک و بمشیته ظهرت مشیتک و بوجهه لاح وجهک و بامره ظهر امرک و بایاته ملئت الافاق من بدایع ایات سلطنتک و السماء من ظهورات عز احدیتک و البحار من لالی قدس علمک و حکمتک و زینت الاشجار باثمار معرفتک و به سبحک کل شیئ و توجه

\*\*\*ص294\*\*\*

کل الاشیاء الی شطر رحمانیتک و اقبل کل الوجوه الی بوارق انوار وجهک و کل النفوس الی ظهورات عز احدیتک ما اعلی قدرتک و ما اعلی سلطنتک و ما اعلی اقتدارک و ما اعلی عظمتک و ما اعلی کبریائک الذی ظهر منه و اعطیته بجودک و کرمک فیا الهی اشهد بان به ظهرت ایاتک الکبری و سبقت رحمتک الاشیاء لولاه ما هدرت الورقاء و ما غن عندلیب السناء فی جبروت القضاء و اشهد بان من اول کلمة خرجت من فمه و اول نداء ارتفع منه بمشیتک و ارادتک انقلبت الاشیاء کلها و السماء و ما فیها و الارض و من علیها و بها انقلبت حقایق الوجود و اختلفت و تفرقت و انفصلت و ائتلفت و اجتمعت و ظهرت الکلمات التکوینیه فی عالم الملک و الملکوت و الظهورات الواحدیة فی عالم الجبروت و الایات الاحدیة فی عالم اللاهوت و بذلک النداء بشرت العباد بظهورک الاعظم و امرک الاتم فلما ظهر اختلفت الامم و ظهر الانقلاب فی الارض و السماء و اضطربت ارکان الاشیاء و به ظهرت الفتنة و فصلت الکلمة و بها ظهر

\*\*\*ص295\*\*\*

 الامتیاز بین کل ذرة من ذرات الاشیاء و بها سعرت الجحیم و ظهر النعیم طوبی لمن اقبل الیک فویل لمن اعرض عنک و کفر بک و بایاتک فی هذا الظهور الذی فیه اسودت وجوه مظاهر النفی و ابیضت وجوه مطالع الاثبات یا مالک الاسماء و الصفات و فی قبضتک زمام الموجودات عما خلق بین الارضین و السموات فلک الحمد یا الهی حمداً حمدت به نفسک و لایعرفه احد دونک و لا یحصیه نفس سواک ای رب انت الذی عرفتنی نفسک فی ایام فیها غفل عبادک الذین بانتسابهم الی نفسک حکموا علی من علی الارض و افتخروا علی الامم و انی یا الهی لو حکمت علی شرق الارض و غربها و ملکت خزائنها کلها و انفقت فی سبیلک ما بلغت الی هذا المقام الا بحولک و قوتک و لو اشکرک یا الهی بدوام عز احدیتک و بقاء سلطنتک و اقتدارک لایعادل بذکر من الاذکار التی علمتنی بفضلک و امرتنی بان ادعوک و اذکرک به فلما کان شان ذکر من اذکارک هذا فما مقام من عرف نفسک و فاز بلقائک و استقام علی امرک

\*\*\*ص296\*\*\*

 و انی بعین الیقین رایت و بعلم الیقین ایقنت بانک لم تزل کنت مقدساً عن ذکر الموجودات و لاتزال تکون متعالیاً عن وصف الممکنات لاینبغی لک ذکر احد الا ذکرک او ذکر مثلک و انک کنت لم تزل و لاتزال مقدساً عن الشبه و المثل و متعالیاً عن الکفو و العدل فلما ثبت تقدیس ذاتک عن المثلیة و تنزیه نفسک عن الشبهیة یثبت بان الذکر من ایّ ذاکر کان یرجع الی نفسه و حدّه و لایرتقی الی سلطان عز احدیتک و مقر قدس عظمتک فما احلی ذکرک ذاتک و وصفک نفسک اشهد یا الهی بانک لاتزال ما نزلت علی عبادک الا ما یصعدهم الی سماء قربک و مقر عز توحیدک و وضعت الحدود بینهم و جعلتها مطلع عدلک و مظهر فضلک بین خلقک و حصن حمایتک بین بریتک لئلا یظلم احد احداً فی ارضک طوبی لمن نهی النفس عن الهوی و اتبع ما رقم من قلمک الاعلی حباً لجمالک و طلباً لرضائک انه ممن فاز بکل الخیر و اتبع الهدی ای رب اسالک باسمک الذی به عرفت نفسک عبادک و بریتک

\*\*\*ص297\*\*\*

 و اجتذبت افئدة العارفین الی مقر عز وحدانیتک و افئدة المقربین الی مطلع ظهور فردانیتک بان توفقنی علی الصیام خالصاً لوجهک یا ذا الجلال و الاکرام ثم اجعلنی یا الهی من الذین تمسکوا بسننک و حدوداتک خالصین لوجهک من دون ان یکونوا ناظرین الی غیرک اولئک کانت خمرهم ما خرج من فم مشیتک الاولی و رحیقهم ندائک الاحلی و سلسبیلهم حبک و جنتهم وصلک و لقائک لانک کنت مبداهم و منتهاهم و غایة املهم و رجائهم عمیت عین تری ما لاتحب و انعدمت نفس ترید ما لاترید فیا الهی اسالک بنفسک و بهم بان تقبل اعمالنا بفضلک و عنایتک و لو انها لاتلیق لعلو شانک و سمو قدرک یا حبیب قلوب المشتاقین و طبیب افئدة العارفین فانزل علینا من سماء رحمتک و سحاب افضالک ما یطهرنا عن شائبة النفس و الهوی و یقربنا الی مظهر نفسک العلی الابهی و انک رب الاخرة و الاولی و انک علی کل شیئ قدیر صل اللهم یا الهی علی النقطة الاولی الذی به دارت نقطة الوجود فی الغیب و الشهود و جعلته مرجعاً لما یرجع الیک و مظهراً لما یظهر

\*\*\*ص298\*\*\*

 منک و علی حروفاته من الذین ما اعرضوا عنک و استقروا علی حبک و رضائک و علی الذینهم استشهدوا فی سبیلک بدوام نفسک و بقاء ذاتک و انک انت الغفور الرحیم ثم اسالک یا الهی بالذی بشرتنابه فی کل الواحک و کتبک و زبرک و صحفک و به انقلب ملکوت الاسماء و ظهر ما ستر فی صدور الذین اتبعوا النفس و الهوی بان تجعلنا ثابتین علی حبه و مستقیمین علی امره و موالی لاولیائه و اعادی لاعدائه ثم احفظنا یا الهی من شر الذین کفروا بلقائک و اعرضوا عن وجهک و ارادوا قتل مظهر نفسک یا الهی و سیدی تعلم بانهم ضیعوا امرک و هتکوا ستر حرمتک بین بریتک و تمسکوا باعدائک تضییعاً لامرک و بغیاً علی نفسک ای رب خذهم بقهرک و قوتک ثم اهتک ما ستر به عیوبهم و شقوتهم لیظهر ما فی صدورهم علی اهل مملکتک یا منزل النقم و خالق الامم و سابغ النعم لا اله الا انت العزیز الکریم

هوالله الابهی

فسبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی نجیت به الادم عن الشیطان و حفظت النوح عن الطوفان

\*\*\*ص299\*\*\*

و الخلیل عن النیران و الکلیم عن الفرعون و الروح عن الیهود و محمد من ابوجهل الزمان و باسمک الذی به اهببت روایح جودک علی اجساد الممکنات و اشرقت شمس عنایتک علی کل من فی الارضین و السموات و باسمک الذی به استغنی کل فقیر لدی باب مدین عز عنایتک و استغر کل ذلیل لدی ظهورات عز اعتزازک و استقرب کل بعید عن بدایع فضلک و الطافک و باسمک الذی به اشرقت الشمس عن افق مجد عنایتک و استرفعت سرادق العز فی ملکوت عز احسانک و استغرست اشجار التوحید فی رضوان عز الطافک و اکرامک ثم باسمک الذی به توجهت کل الوجود الی وجه وحدانیتک و اقبلت کل النفوس الی شاطی عز قربک و لقائک و طیّر طیور افئدة المقربین فی هواء عز مجد کبریائیتک و شربت عقول المقدسین من کاوس صمدانیتک بان تنظر یا محبوبی بنظرة عنایتک الی هولاء الذینهم کانوا ساهرا فی هذه اللیلة التی جعلتها عیداً لبریتک و فیه تجلیت باسمک الرحمن علی کل الامکان و فیه استوی جمال ربوبیتک علی عرش الغفران فسبحانک یا الهی اسئلک بها و بالذینهم

\*\*\*ص300\*\*\*

سهروا فیها بان تنزل علی هولاء کل خیر اتمه و کل احسان افضله و کل غناء اغناه و کل جمال اجمله و کل ظهور اظهره و کل بیان اقومه و کل سلطان ادومه و کل کلمة اتمها و کل عنایة اقدمها و کل ایة اقویها و کل اسم اعظمه و کل الاحسان اکمله و کل بهاء ابهاه و کل سناء اسناه و کل قدر اقدرها و کل اذن ابینه و کل کتاب ادونه و کل ثمرات اثمره لانهم یا الهی اجتمعوا فی حولک فی یوم الذی انفضوا عن جوادک کل سکان الارض و قصدوا حرمک بعد الذی کل اعرضوا عنه و اسئلک حینئذ یا الهی بان تبدل حزنهم بسرور من عندک و همهم بهجة من لدنک ثم انزل یا الهی علیهم من سحاب رحمتک ما ینبت بها صدورهم ؟؟ حکمتک و روضه عز احدیتک ثم اجعلهم یا محبوبی مستقیما علی حبک و امرک بحیث لو تمنعهم کل من فی السموات و الارض لن یعتنوا باحد منهم و توجهوا بسرهم و جهرهم الی شطر عنایتک و افضالک ثم

\*\*\*ص301\*\*\*

شرفهم یا محبوبی بلقائک الکبری فی یوم الذی فیه تستوی بجمالک علی عرش البقا و تزل فیه اقدام اولی النهی و تضطرب کل سکان الارض و السما اذاً یا الهی لاتدعهم بانفسهم خذ ایداهم بسلطان عنایتک ثم احشرهم بین یدی ملیک عز وهابیتک ثم ابتعثهم یا محبوبی علی ما اردت لهم بسلطان عز قیومیتک لان هذا خیر الذی لم یکن له شیبه فی الابداع و لانظیر له فی الاختراع و انک انت علی کل ذلک لمقتدر قدیر فسبحانک یا محبوبی اسئلک باسمک المکنون ثم برسمک المخزون ثم بسرک المصون بان لاتحرم هولاء عن تموجات بحر احدیتک ثم ارکبهم یا منائی فی سفینة عز کبریائیتک و لاتمنعهم یا رجائی عما عندک ثم انزل علیهم ما یسکن به فوادهم و یسر به قلوبهم و یستقیم به انفسهم و ینطق به السنهم و یطیر به افئدتهم و تقر به عیونهم و یسمع به اذانهم و یشغف به شوقهم تعل یستجذبون من نفحات عز ایامک التی ما فاز بها احد الا الذین اختصصتهم لاظهار امرک و سلطنتک و جعلتهم مشرق کینونیتک فی بلادک و مطلع قیومیتک بین بریتک و مظهر ربوبیتک بین سمائک و ارضک و انک انت المقتدر

\*\*\*ص302\*\*\*

علی ما تشاء و المتعالی علی ما ترید لاراد لامرک و لامرد لقضائک تفعل ما تشاء بسلطانک و تحکم ما ترید بامضائک و انک انت الخبیر العالم المعطی الباذل الحبیب الکریم ثم صل اللهم یا الهی علی الذینهم امنوا بک و بایاتک و بجمالک الذی تستضیئی بین ارضک و سمائک ثم انقطعهم یا الهی عن دونک و انجذبهم الی ساحة عزک فانک انت الغفور الودود الباعث المحیی العزیز الغالب القدیر فسبحانک یا الهی اسئلک باسمک الذی به تموجت بحور اسمائک فی ملکوت صفاتک و استشرق شمس تقدیرک عن افق قضائک و استظهر بدر تدبیرک عن شطر امضائک بان ؟؟ یا محبوبی هولاء فی ظل شجرة وحدانیتک ثم ارزقهم یا الهی سرا من بدایع نعماء عز فردانیتک لیستطعموا بها کما استلذ و اجهرة من بدایع الا عز صمدانیتک ثم انزل یا محبوبی فی قلوبهم ما یطهرهم عن دونک و یقربهم الی مکمن رضائک و منبع ارادتک حتی لایتکلموا الا بحبک و لایتغمسوا الا بودّک و لایتوجهوا الی جهةٍ الا شطر رحمتک و جودک و لایرفعوا ایداهم الا الی سماء عزک و اکرامک و لایفتحوا عیونهم الا الی

\*\*\*ص303\*\*\*

بدایع اشراق انوار نور بهجتک ای محبوبی فاشربهم عن کاوس الحیوان من ید هذا الغلام فی هذا الرضوان لینقطعهم عن هیکل الشیطان و یتفقون علی امرک فی هذا الاحیان و یذکرونک فی العشی و الاشراق فی ظل عنایتک یا منان و یا منزل البیان و مظهر السبحان و موجد الامکان ثم اسئلک یا محبوبی بان ترفع الاختلاف بین هولاء ثم اقمصهم من قمص عنایتک و خلع الطافک بحیث لایحکون الا عن بدایع اثار عز قیومیتک و لایهب منهم الا ما یهدی به الممکنات الی ساحة عز محبوبیتک لعل یتعارجن الی هواء قرب توحیدک و یصعدون الی قضاء قدس تفریدک و لعل بذلک یتحدون فی جوار رحمتک و یکونن کنفس واحدة تلقاء مدین عز کبریائک ثم اسئلک یا الهی بان تطهر قلوبهم عن عجاج الممکنات و غبار الکائنات لتصفی بذلک مرایاء افئدتهم ؟؟ فیها بدایع ؟؟ الی انوار جمالک المنیر و انک انت المعطی القائم الخبیر و انک انت علی کل شیئ حکیم

\*\*\*ص304\*\*\*

هوالعلیم الفرد ؟؟ الابهی

فسبحانک اللهم یا الهی کیف اذکرک بعد الذی ایقنت بان السن العارفین کلت عن ذکرک و ثنائک و منعت طیور افئدة المشتاقین عن الصعود الی سماء عزک و عرفانک لو اقول یا الهی بانک انت عارف اشاهد بان مظاهر العرفان قد خلقت بامرک و لو اقول بانک انت حکیم اشاهد بان مطالع الحکمة قد ذوتت بارادتک و ان قلت بانک انت الفرد الاحظ بان حقایق التفرید قد بعثت بانشائک و ان قلت انک انت العلیم اشاهد بان جواهر العلم قد حققت بمشیتک و ظهرت بابداعک فسبحانک سبحانک من ان تشیر بذکر او توصف بثناء او باشارة لان کل ذلک لم یکن الا وصف خلقک و بعث بامرک و اختراعک و کلما یذکرک الذاکرون او یعرج الی هواء عرفانک العارفون یرجعن الی النقطة التی خضعت لسلطانک و سجدت لجمالک و ذوتت بحرکة من قلمک بن استغفرک یا الهی عن ذلک لان بذلک یثبت النسبة بین حقایق الموجودات و بین قلم امرک فسبحانک سبحانک من ذکر نسبتهم الی ما ینسب

\*\*\*ص305\*\*\*

الیک لان کل النسب مقطوعة عن شجرة امرک و کل السبل ممنوعة عن مظهر نفسک و مطلع جمالک فسبحانک سبحانک من انت تذکر بذکر او توصف بوصف او تثنی بثناء و کلما امرت به عبادک من بدایع ذکرک و جواهر ثنائک هذا من فضلک علیهم لیصعدن بذلک الی مقر الذی خلق فی کینونیاتهم من عرفان انفسهم و انک لم تزل کنت مقدسا عن وصف ما دونک و ذکر ما سواک و تکون بمثل ما کنت فی ازل الاال لا اله الا انت المتعالی المقتدر المقدس العلیم فسبحانک اللهم یا الهی تشهد ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

\*\*\*ص306\*\*\*

بامضائک و ؟؟ فیها ورد علیه فی ازل الازال فی سبیلک و رضائک مرة یا الهی ؟؟ الذی ؟؟ قتله بسیف البغضابین الارض و السماو بذلک ؟؟؟؟ المقربین و عن ورائهم کلها ؟؟؟؟؟؟و کان ؟؟ السیف یشکرک و یدعوک بلسان الذاکرین و مرة یا الهی اودعتنی بید ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟یذکرک ببدایع ذکرک و یشکرک بجواهر شکرک و ینادیک

\*\*\*ص307\*\*\*

لک الحمد یا الهی علی ما قبلت من ما لاینبغی لشانک و لایلیق لسلطانک و لم یکن هذا الا من بدایع موهبتک علی عبدک و ظهورات فضلک لابن امتک الی ان ؟؟؟ الی مقعد الظالمین و مقر الفاسقین و بعد ذلک انت تعلم ماورد علیه و احصیته بعلمک الی ان ؟ الایام و اللیالی الی ان بعثتنی بالحق و اظهرتنی باسم ؟؟ عبادک و القیتهم ما امرتنی بسلطان امرک و بلغتهم ؟؟ لانک و اوامرک اذا قاموا علیّ من غیر بینة و لاحرم الی ان ؟؟فی الهوا او ضربونی ؟؟؟ البغضا الی ان ارتقت روحی بالرفیق الابهی و الافق الاعلی و بذلک شقت ستر الحجاب عن وراء سرادق ؟؟ و خباء مجدک و استدمت افئدة المرسلین علی مکامن تقدیسک ؟؟؟ تالله بذلک بکت الاخیار و الابرار ثم الاشجار و الاثمار ثم البحار و الانوار ثم ما کان و مایکون و ما قضت من ذلک ایام ؟؟؟ بعثتنی بقمیص اخری و اظهرتنی هذا الاسم فی ملکوت الانشاو ارسلتنی الی کل من فی الارض و السما و القیت العباد ما القی علیّ الروح من عندک

\*\*\*ص308\*\*\*

و بلغتهم رسالاتک و علمتهم سبل هدایتک و تلوت علیهم من بدایع ایاتک و نصرتهم بسلطان الذی به ارفعتنی الی من فی ملکوت امرک و خلقک فلما نصرتهم یا الهی بقدرتک و اقتدارک و ارفعت امرک الی مقام الذی هبت روایح الاعزاز عن شطر عنایتک اذا قاموا علیّ و حاربوا بنفسی و جادلوا بایاتی و کذبوا برهانی و اشتد الامر علیّ علی مقام بقیتت فریدا بینهم من غیر ناصر و معین اذا یا الهی لا تمنعنی عن لحظات اعین رحمانیتک و لاتحرمنی عن نفحات قدس فردانیتک فلما یا الهی انهزموا عنی عبادک فی سبل حبک انت لاتبعدعنی بفضلک و رحمتک لان بوجودک لاینبغی ان یکون سواک و انی بک استغنی عن کل شیئ و عن کل من فی السموات و الارض فیا الهی و محبوبی تری کیف اجتمعوا علیّ عباد الذین یدعون الایمان بک و الایقان بمظهر نفسک اذا یا الهی هذا حبیبک بین یدیک و تنظر المشرکین فی حوله بحیث لو التفت الی الیمین اشاهد المغلین بسیوف البغضا و اذا اتوجه الی الیسار الا حظ المنکرین برماح الغل و الاذکار

\*\*\*ص309\*\*\*

و انی اخاطب ایاهم بلسان سرّی و اقول تالله ما انطق عن الهوی فاسمعوا ما یشهد فوق راسی لسان الله العلی الاعلی و ینادی تالله یا قوم ان هی من تلقاء نفسه بل من لدن شدید القوی عند سدرة المنتهی و یا قوم ان لن تومنوا لاتکفروا و لا تتعرضوا و لاتکونن من المشرکین و بذلک امرتم فی ملکوت البقا من لدی الله العلی الابهی و یا قوم احرّم ما ؟؟ علیکم احلل ما حرم علی انفسکم او بدل ما عندکم من سنن الله و دینه و شریعة الله و حدوده و یا قوم ما محلی اثر دمی علی وجه الارض و ما استقرت افئدة المضطربین فی کربتی و مصایبی ان کنتم امنتم بنفسی هذا نفسی و ان امنتم بایاتی هذه ایاتی و من دونهما ظهوری و سلطنتی و اقتداری و احاطتی علی العالمین و یا قوم فارحموا علی انفسکم و لاتحرموها عن حرم الله و لاتمنعوا عن قلوبکم نفحات عز رحمته و لا عن وجوهکم بوارق انوار وجهه اتقوا الله و کونوا من المتقین و یا قوم لاتحرفوا کلمات الله عن مواضعها و لاتغیروا نِعَمَه علی انفسکم و لاقد حضوا الحق بما عندکم ان اعرفوا الله بالله ثم انقطعوا عما سواه

\*\*\*ص310\*\*\*

تالله لن ینفعکم الیوم شیئ عما قدر فی السموات و الارض و لن یغنیکم کنایز الملک و لن ؟؟ ایادی الخلق عن غمرات الوهم و لن یهدیکم سرج الابداع و لن یضیئکم شموس الاختراع الا بان توفوا بالله و توقنوا بایاته و تتوجهوا الیه و تستظلوا فی ظله و تهربوا من انفسکم الیه و تمسکوا بحبله و تشبثوا بعروته کذلک ینصحکم ربکم فمن عمل فلنفسه فمن ترک ان ربکم الرحمن کان عن العالمین غنیّاً

\*\*\*ص311\*\*\*

هوالله تعالی

سبحانک اللهم یا الهی تری ابتلائی فی کل الایام قد حبستنی مع سبعین انفس من عبادک بما نزلته فی الواح امرک من مبرم قضائک و منهم من کان ناضراًالیک و خاضعاً لک و خاشعاً لامرک و منهم من یعلو مرة و یسفل اجری اسئلک بالذین فتحت ابصارهم و یرون فی کل حین ایات قد ربک و بینات عظمتک بان تعفو عن الذین غفلوا فضلا و کرامة للذین یطوفون فی حولک و یستضی وجوههم من انوار وجهک و تقلب قلوبهم باصبعی قدرتک و انک انت العزیز الکریم

بسم الله الابدیّ بلازوال

سبحانک یا الهی هذا عبدک الذی اقبل الیک و اعرض عن سوائک و طار فی هواء شوقک و فاز بحبک و قصد سبیل رضائک و نطق بثنائک و ؟؟ بذکرک و اشتعل

\*\*\*ص312\*\*\*

من نار التی اشتعلتها فی مملکتک و استضاء من مصباح الذی جعلته نیر امرک اسئلک یا الهی اسمک الذی تطوف فی حوله الاسماء و بمن ابتلی فی سبیلک بین الاعداء بان تنصره ببدایع نصرک و لاتدعه بنفسه بجودک و الطافک فاجعله طائف حولک فی ممالک تقدیسک و مداین تنزیهک و ملکوت عزک و جبروت اقتدارک انک انت المقتدر العزیز العلام

بسم الله القدمی بلانفاد

سبحانک اللهم یا الهی هذا عبدک الذی دعوته الی نفسک العلی الاعلی و احبائک بقوله بلی و طار فی هواء الشوق و الاشتیاق فی حبک و رضائک الی ان شرب رحیق المختوم من ایادی فضلک اسئلک یا اله من فی الارض و السما و الناظر الی افق اسمک الابهی بان تحفظه بحفظک و حراستک عن رمی اعدائک ثم اجعله خالصاً لنفسک بحیث لاتحرکه ظهورات البلا و شئونات القضا عن الاستقامة فی امرک و نوّر وجهه فی الدنیا و الاخرة بانوار وجهک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المحبوب فی کبد البها

بسم الله الامنع الاقدس العلی الابهی

هذا عبدک الذی حرکته اریاح رحمة اسمک الرحمن و نجاه عن حزب الشیطان و اخذته ایادی قدرتک الی ان ادخلته فی حصن الایمان انک یا الهی لما اشتعلت فی قلبه مصباح حبک فاحفظه من اریاح الافتتان و انک ایدته علی ذکرک و ثنائک بین اهل الاکوان فاحفظه من وَساوس اول الادیان فلما البسته یا الهی من بُرد عنایتک لاتنزع عنه بفضلک ثم اجعله یا الهی فی کل الاحوال ناظرا الی وجهک و محرکا بارادتک و مقبلا الی کعبة تقدیسک و حرم تجریدک ثم ارزقه ما قدرته لعبادک المقربین و انک انت الغفور الرحیم

بسم الله الاقدر الاقدر

سبحانک یا الهی هذه حرف من حروفات قلم انشائک ارادت کلمة العلیا التی نطق بها مظهر ذاتک و منزل ایاتک فیا الهی لما اراد نفسک لاتطرده بفضلک و لما قصد مقصود العالمین فلا تحرمه بعنایتک فیا الهی اسئلک بعبادک الذین جعلهم الغافلون اسری فی سبیلک و اخذوهم عن کل الجهات بما اقبلوا الی فو عزتک و اقتدارک بان تحفظه من ضر کل ذی ضر هذه الفتنة التی بها زلت اقدام اکثر

\*\*\*ص314\*\*\*

العباد ثم اصعده الی مقام لاتمنعه الدنیا عن ذکرک و ثنائک و لاما خلق فیها عن التوجه الی شطر رحمتک انک انت المقتدر فیما ترید و الحاکم علی ما تشاء لا اله الا انت المهیمن القیوم

بسم الله الاقدم الاقدم

سبحانک یا الهی تری کیف صاقت الارض علی احبائک و زاغ عنهم ابصار عبادک فی کل حین یدعونک و یریدون لقائک و ینوحون فی فراقک فلما بعثت بینهم مظهر نفسک بسلطنتک و اقتدارک اعرضوا عنک و کفروا بایاتک و انکروا بیناتک بعد الذی ما اردت من ظهور امرک الا بان تدخلهم به فی ملکوتک و جبروتک و تجعلهم باقیا ببقائک و انک تری یا الهی بانهم بعد اعراضهم و انکارهم قتلوا احبتک و سفکوا دمائهم فی اکثر البلاد بلغوا فی ؟؟ الی ان ؟؟ مظهر جمالک و اهله و احبته من الزوراء الی ان ادخلوهم فی الموصل الحدباء لک الحمد یا الهی علی ما ورد علینا فی سبیلک من طغاة خلقک و اشکرک فی کل الاحوال و انک انت العلی المتعال

بسم الله الامنع الاقدس

\*\*\*ص315\*\*\*

تری یا الهی کیف اجتمع علی احبتک طغاة خلقک و عصاة بریتک ما من ارض الا و قد ارتفع فیها ؟؟ احبائک و حنین اصفیائک اسئلک باسمک الاعظم بان تخرج من جیب قدرتک ید قوتک و تنصربها احبتک تری یا الهی بان عیونهم ناظرة الیک و ابصارهم الی افق عزک و عنایتک بدل یا الهی ذلهم امرک و فقرهم بغنائک و عجزهم بقدرة من عندک انک انت القدیر علی ما ترید لا اله الا انت العلیم الخبیر

بسم الله الاقدس الاعلی

لم ادر یا الهی کیف اکون بین عبادک کلما اذکرهم ببدایع ذکرک یعرضون علیّ و یقومونن علی المحاربة و کلما اظهر بینهم ظهورات سلطنتک و اقتدارک یجتمعون علیّ بسیوف البغضاو کلما ابیّن لهم اسرار علمک و جواهر حکمتک یقولون ما وجدنا فی کتب ابائنا و کلما استضئی بینهم بانوار وجهک لاخلصهم من ظلمات انفسهم یفرّون و یشاورون فی قتلی الی متی یا الهی امهلتهم فی ارضک خذهم بقهرک و اقتدارک و غضبک و انتقامک ثم انزل علی قلوب احبتک ما یطهرهم عن دونک و ینطقهم بثنائک لینتشر بهم ذکرک بین عبادک انک انت المقتدر العلی العظیم

\*\*\*ص316\*\*\*

بسم الذی ینظر و لا ینظر

سبحانک یا الهی ؟؟؟؟ لاکوان سبحات الظلما و حجبات ؟؟؟اخرجت عن جیب قدرتک انامل قوتک و انفطرت بها الحجبات ؟؟؟ الزلازل من فی ارضک و لاضطراب من فی بلادک الا من عصمته بسلطانک و انقذته من غمرات النفس و الهوی و اصعدته الی جبروت اسمک الابهی فو عزتک یا مقصود العالمین ؟؟؟ الحجبات عن وجه عندک لسرعوا الی مداین ؟؟؟ الی ما امرتهم به ؟؟؟ و طافوا فی حول ؟؟ الذین تستضئی بوجوهم ؟؟ مداین البقا و ؟؟؟ السدرة المنتهی اسئلک یا الهی بان توید الذین اقبلوا الیک و لاتدعهم فی اقل ؟؟ بانفسهم ثم اصعدهم الی مقام لایمنعهم الدنیا عن ؟؟ الیک و ؟؟الی شطرک و لا ؟؟؟ الی اسمک لان ؟؟ سلطان الاسما و به قدرت حیوة العالمین و الحمد لله رب العالمین

بسم الله الامنع الاقدس الاعلی

یا من تسمع ضجیج العشاق من کل الافاق و صریخ المشتاقین من کل الاشطار و نوح الفاقدین من کل الاقطار و ورد

\*\*\*ص317\*\*\*

علی کل واحد منهم الی سبیلک ؟؟ علی اصفیائک فکیف ؟؟؟؟؟ یا الهی ؟؟؟ مع احبتک فی ازل الازال و تکون معهم بسلطانک و اجلالک و ما ورد علیهم من ؟؟ جزائهم ؟؟ ولکن اسئلک باسمک ؟؟ بان تنزل علی ؟؟؟به انفسهم فی النیا و فی الاخرة؟؟؟؟ عذاب ؟؟؟ انک انت المقتدر القدیر

بسم الله المقدس عما سواه

سبحانک اللهم یا الهی تشهد بان مشیتک غلبت الاشیاء کلها و سبقت رحمتک من فی الارض و السما فلما اردت اظهار سلطنتک و اعلاء کلمتک و ابراز جودک و رحمتک بعثت عبداً من عبادک و اصطفیته بین بریتک و اخترته لنفسک و البسته خلع هدایتک و اغمسته فی بحور عظمتک و کبریائک و طهرته عن کل ما لاینبغی لعظمتک و اقتدارک ثم امرته بالنداء بین الارض و السما لیدعوا الکل الی مظهر ذاتک و مطلع ایاتک فلما قام علی امرک و علی ما امرته فی الواح قضائک ظهر فزع الاکبر بین بریتک و منهم من اقبل الک منقطعاً عن دونک و مقدساً عمن علی الارض

\*\*\*ص318\*\*\*

کلها و اخذه حلاوة ندائک علی شان نبذعن ورائه ما خلق فی ملکوت الانشا و منهم من اقبل الیک مرة و توقف مرة اخری و منهم من منعته الدنیا عنک و حالت بینه و بینک و منهم من استکبروا اعرض و اراد ان یمنعک عما اردت بعد الذی کل یدعونک و ینتظرون ما وعدوا به فی الواحک فلما جائهم ما عرفوا بایاتک و بیناتک کفروا و اعرضوا الی ان قتلوا عبادک الذین استضائت بوجوههم وجوه اهل ملأالاعلی اسالک یا مالک الاسماء بان تحفظ احبتک من اعدائک ثم اثبتهم علی حبک و رضائک فاحفظ ارجلهم عن الزلل و قلوبهم عن الحجبات و عیونهم عن الاغضاء و اجتذبهم بنغمات عز احدیتک علی شان ینقطعن عما سواک و یقبلن الیک و ینطقن فی کل الاحوال لک الحمد یا الهی بما عرفتنا نفسک العلی الابهی نحن بفضلک نکون متمسکاً بک و منقطعاً عما سواک و علمنا بانک انت محبوب العالمین و فاطر السموات و الارضین و الحمدلله رب العالمین

هوالله تعالی

سبحانک اللهم یا الهی تری مقری و محبسی و ابتلائی فو عزتک قد عجز القلم عن ذکرها و البیان عن بیانها

\*\*\*ص319\*\*\*

 و شرحها لم ادر یا الهی بایّ جهة ترکتنی بین اعادی نفسک فو عزتک لا اجزع عن الشداید فی حبک و لا اضطرب عن البلایا فی سبیلک بل حزنی فی تاخیرک فیما قضیته فی الواح امرک و صحائف قضائک و تقدیرک و ان دمی یخاطبنی فی کل الاحیان و یقول یا طلعة الرحمن الی متی حبستنی فی حصن الاکوان و سجن الامکان بعد الذی وعدتنی بان تحمر الارض منی و تصبغ وجوه اهل ملا الفردوس من رشحاتی و انا اقول ان اصبر ثم اسکن لان ما ترید یظهر فی ساعة و یتم فی ساعة اخری ولکن ما انا علیه فی سبیل الله لاشرب فی کل حین کاس القضاء و لا ارید ان ینقطع القضاء و البلاء فی سبیل ربی العلی الابهی و انک ارد ما ارید و لا ترد ما ترید ما حبستک لحفظی بل لقضاء بعد قضاء و بلاء بعد بلاء قد انعدم حبیب یمیز بین الشهد و السم فی حب محبوبه کن راضیاً بما قضی الله لک و انه یحکم علیک ما یحب و یرضی لا اله الا هو العلی الاعلی

بسم الله الاقدس الاعلی

فیا الهی هذه امة من امائک قد اقبلت الیک و امنت بایاتک و ارادت وجهک و لقائک فاکتب یا الهی لها

\*\*\*ص320\*\*\*

ما ارادت فی سبیلک ثم اشتعل فی کل الاحیان قلبها بنار محبتک ثم اشربها من کوثر الحیوان الذی جری عن یمین عرش عظمتک ثم ارزقها خیر الدنیا و الاخرة بفضلک و احسانک انک یا الهی خلقتها بقدرتک و عرفتها مظهر نفسک اسئلک بان تحفظها من وساوس اهل الاکوان الذین غفلوا عن ذکر اسمک الرحمن انک انت المقتدر العزیز القدیر

بسم الله العلی الابهی

سبحانک یا الهی تسمع ضجیج عبادک فی فراقک و صریخ امائک فی ایامک او قدت فی قلوبهم نار محبتک و سترت وجهک عنهم بما قدرته فی الواحک دعوت الکل الی مظهر نفسک العلی الاعلی ثم منعتهم عن الدخول تلقاء جماله و الورود فی ساحة عزه فلک الحمد فی کل ما فعلت و تفعل اسئلک بان تحفظ عبادک و امائک بقدرتک و اقتدارک ثم اسکنهم فی جوار رحمتک و ارزقهم خمر الطافک و کوثر مواهبک و انک انت الغفور الرحیم

بسم الله الاقدس الاعظم العظیم

سبحانک یا الهی قد قدّرت لعبادک المقربین

\*\*\*ص321\*\*\*

فی الرضوانک الاعلی مقامات لو یظهر مقام منها لینصعق من فی السموات و الارض فو عزتک لو یرونه الملوک لینقطعن عن ممالکهم و یتوجهن الی الملوک الذی استظل فی جوار رحمتک الکبری فی ظل اسمک الابهی اسئلک یا محبوب العالمین و مقصود العارفین باسمک الذی به تقلب من تشاء و تقرب من تشاء بان تفتح ابصار احبتک لئلا یحتجبوا کما احتجب من فی البلاد و یروا اثار قدرتک ظاهرا و ما قدّرت لهم فی ممالک عزک باطنا انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت المحبوب فی الاخرة و الاولی لا اله الا انت العلی الابهی

سبحان من تقدس عن الاسما

سبحانک یا من تری و لاتری تسمع ضجیج احبتک عن کل الاقطار و صریخ اهل ولایتک من کل الاشطار لو یسال الظالمون بایّ جهة ظلمتم هولاء و جعلتموهم اساری فی الزوراء و دیار اخری هل ظلموا فی الارض و هل خانوا مع اهلها و هل سفکوا الدماء او غاروا البلاد لیتحیرون فی الجواب و انت تعلم یا الهی بان لیس لهم ذنب الا حبک لذا اخذوهم و فرقوهم فی الاکناف اهل الاعتساف و لو انی یا الهی اعلم بانک لاتنزل علی احبتک الا ما هو خیر لهم

\*\*\*ص322\*\*\*

ولکن اسئلک باسمک المهیمن علی الاشیاء ان تبعث لنصرتهم من یحفظهم عن الاعداء اظهاراً لفضلک و ابرازاً لقدرتک و انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت الملک العزیز المهیمن القیوم

هو الصمد بلا؟؟

سبحانک اللهم یا الهی قد بکت عیون المقربین فی فراقک و ارتفع صریخ المخلصین فی هوائک ما بقت من مدینة الا و قد ارتفع فیها ضجیج الاشتیاق و صریخ الفراق و انک کنت فی کل الاحیان شاهداً لهم و ناظراً علیهم و سامعاً ما یخرج من شفتیهم اسئلک باسمک الاعظم بان تجذب قلوبهم علی شان لا توثر فیها سهام الاعداء و رماح الاشقیا و لایقلبهم هبوب القضا ثم افتح علی وجوههم ابواب العزة فی الدنیا و الاخری و انک انت ؟؟ لما تشاء و انک انت العلی الاعلی

بسم الله الاقدس الابهی

سبحانک یا الهی انت تعلم بانی ما اردت لنفسی راحة فی حبک و لاسکونا فی امرک و لا اصطبارا فی اجراء ما امرت به فی الواحک ؟؟؟ ورد علیّ ما لم یرد علی احد من اهل مملکتک فو عزتک لم اکن ممنوعاً عن ذکرک و لو

\*\*\*ص323\*\*\*

احاطتنی البلایا من کل الاشطار کل اغصانی و جوارحی یرید ان یقطع فی سبیلک و رضائک و یلقی علی التراب امام عینیک یا لیت عبادک ذاقوا ما ذقت من حلاوة حبک اسئلک بان ترزق من توجه الیک کوثر عطائک لنیقطعه عما دونک و انک انت المقتدر العزیز القدیر

بسم الله الاقدس الاعلی

سبحانک یا الهی انت تعلم بان المشرکین منعاوا قلم الامر عن ذکر اسرارک و اخذوا المراصد و یمنعون عبادک عن التوجه الی افق عزک و اجلالک ولکن الذین ارادوا وجهک من کل اناث و ذکور یحبون بان تمر علیهم نفحات الطافک و ترسل الیهم اثارک و لو ان بذلک یا الهی تشتدّ علینا البلایا من اولی البغضا ولکن انت تعلم بانی ما اردت فی سبیلک حفظی و فی حبک راحتی انزل لکل نفس اقبل الیک ما انزلته من سماء مشیتک و هولاء ارادتک لیجذبه نفحاتک و یبلغه الی مقام قدرته له اسئلک یا مولی العالمین بان تنصر احبائک ببدایع نصرک لانهم ما اتخذوا لانفسهم ناصرا دونک و تکون عالماً بما فی قلوبهم من حبک انک انت العلیم الحکیم

بسم الله الابدیّ بلا زوال

\*\*\*ص324\*\*\*

سبحانک اللهم یا الهی هذه ورقة التی ارادت وجهک و تحرکت من اریاح فضلک و اخذها شغف حبک و اجابت ندائک و اقبلت الی وجهک اسئلک برحمتک التی سبقت الاشیا بان تجعلها مستقیمة علی ما کانت علیه فی حبک ثم ارزقها ما قدرته فی سماء فضلک لخیرة امائک ثم افتح علی وجهها ابواب الفضل فی الدنیا و الاخرة و ان فضلک سَبَقَ عدلک و رحمتک سبقت غضبک و انک انت الغفور الرحیم

بسم الله العلی الاعلی

فیا الهی کل ورقة من اوراق سدرة حبک ارادت ان تمر علیها اریاح رحمتک ؟؟ ینبغی بفضلک و احسانک بان ترسل علیها ما یجذبها باسمک و یحرکها بمحبتک اسئلک بالذین جعلتهم اساری فی سبیلک و منعوا عن راحة الدنیا فی حبک بان ترزق کل ورقة ما یحفظها عمن سواک و یقدسها عن دونک انک انت المقتدر المتعالی العلیم الحکیم و الحمد لله رب العالمین

هوالله تعالی شانه

سبحانک اللهم یا الهی لم ادر بایّ ماء خلقتنی و بایّ نار اشتعلتنی و بایّ تراب عجنتنی قد تمت امواج

\*\*\*ص325\*\*\*

البحور و ما تمت امواج هذا البحر الذی موّجته اریاح مشیتک قد خمدت کل نار و ما خمدت هذه النار التی اشتعلتها بایدی قدرتک و اشتهرتها باسمک بین سمائک و ارضک کلما یشتدّ البلایا یزداد لهیبها اذاً تری یا الهی مصباحک بین هبوب اریاح قضائک و کلما تمر علیه العواصف من کل شطر یزداد نوره و ضیائه لک الحمد فی کل ذلک اسئلک باسمک الاعظم و سلطانک الاقدم ان تنظر احبتک الذین اضطربت قلوبهم فیما ورد علی مظهر نفسک و انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت العلیم الحکیم

بسم الله الاقدس الاعظم

سبحانک یا الهی هذا عبد من عبادک قد اخذته نفحات وحیک و اجذبته فوحات حبک علی شان توجه بوجهه الی انوار وجهک المنیر اسئلک یا فالق الاصباح بان تویده فی کل الاحیان و قدّر له فی ملکوت عزک ما یحب و یرضی فیا الهی لاتحرم عبادک الذین قصدوا حرم توحیدک و سرعوا الی مدین عز تقدیسک لم تزل کنت فی علو القدرة و العزة و لاتزال تکون فی سمو القوة و العظمة تنصر من تشاء بطلایع نصرک و تنزل علی من تشاء

\*\*\*ص326\*\*\*

بدایع نعمائک اسئلک بالذین جعلهم المشرکون اساری فی سبیلک بان تنزل من سحاب رحمتک ما یطهر به اهل مملکتک فو نفسک اذا کلهم ینوحون علی ما فعلوا بمظهر ذاتک و منبع قدرتک و مخزن اسرارک یا اله من فی السموات و الارضین و یا من بیدک زمام العالمین

بسم الله الاقدر الاقدر

سبحانک یا الهی تری عبادک اسیراً بین بریتک و محروماً عن وجهک و زیارة طلعتک و مغلولا باغلال البغضا بما اکتسبت ایادی عصاة خلقک و ؟؟ بالسلاسل فی سبیلک لو یقول احدا خذت عنهم نظر عنایتک یکذبه کل الاشیا و انی اری بانک ناظر الیهم و لم یکن مداداتک مع المشرکین الا لحکمة التی اخفیتها عن انظر عبادک فسوف ترفع من ؟؟ فی حبک و تعز من ذل فی سبیلک و یستضئی وجه من تغیر من لطمات المشرکین لامرک و قدرت ایاماًفیها یبعث کل واحد من احبائک بظهورات قدرتک و شئونات عزک و لمثل هولاء الاصفیا الذین ذاقوا حدة السیوف شوقا لجمالک و شربوا السموم طلبا للقائک یلیق ثنائک یا محبوب البها تری محبوبک فی سجن العکا

\*\*\*ص327\*\*\*

و ما یرید منک راحة نفسه و مراده رضائک و مرادک لا اله الا انت المذکور بلسان البها فی العرش و الثری و انک انت محبوب العالمین

بسم الله الاقدس الاعلی

سبحانک اللهم یا الهی هذه ورقة حرکتها اریاح عنایتک و اجذبتها نغمات عز احدیتک و اخذها حبک علی مقام منعها عن سوائک و کرّم وجهها عن التوجه الی غیرک و اخذتها عواطفک و الطافک علی شان اشتهرت اسمها فی الفردوس الاعظم اسئلک یا الهی بان تجعلها علی ما هی علیها بدوام عزک و لاتقطع عنها هبوب اریاح رحمتک الی ابد الابدین انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت الغفور الرحیم

بسم الله المقتدر علی ما یشاء

سبحانک یا الهی تری بانی حبست فی هذه المدینة التی لم یسکن فیها احد الا اهلها و انها اقبح مدن الدنیا و اخرتها و منعنا الغافلون عن الخروج منها و سدوا علی وجوهنا کل الابواب فو عزتک ؟؟ اجزع من ذلک لانی قبلت فی حبک البلایا کلها و اخترت فی سبیلک القضایا باسرها ولکن حیّرنی بعض قضائک و تقدیرک فکیت ختم ؟؟؟ بین الذین لایعرفون فوحاته بن یغرون منه

\*\*\*ص328\*\*\*

و اشهد یا الهی بانی فی کل فعلک لحکمة بعد حکمة و ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟سطع اریاحه و انک انت المقتدر المهیمن القیوم

؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

سبحانک اللهم یا الهی هذا عبدک الذی استضاء من سراج ؟؟؟؟؟ الی مقر عرش عظمتک و ؟؟؟ نسائم ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ عن النظر الی جمالک اسئلک یا مالک البریة و ؟؟؟؟ لاتمنعه عن بدایع فضلک و لاتحرمهم عن حرم تقدیسک و کعبة توحیدک ثم ؟؟ ما یطیره فی کل الاحیان الی هواء عز ؟؟؟؟یا فاطر الاکوان و خالق الامکان لا اله الا انت العزیز المقتدر المنان

بسم الله الفرد بلا مثال

سبحانک اللهم یاالهی تری کیف احاطت البلایا عبادک فی کل الاطراف و کل قاموا علیهم بالاعتساف

\*\*\*ص329\*\*\*

فو عزتک لو یجتمع علینا اشقیاء الارض کلهم و یحرقوننا باشدّ ما یمکن فی الابداع لایحول ابصارنا عن النظر الی افق اسمک العلی الاعلی و لایقلب قلوبنا عن التوجه الی منظرک الابهی فو عزتک ان السهام فی سبیلک دیباج لهیکلنا و الرماح فی حبک حریر لابداننا فو عزتک لاینبغی لاحبائک الا ما سطر من قلم تقدیرک فی هذا اللوح العزیز العظیم و الحمد لنفسک فی کل الاحوال و انک انت العلیم الحکیم

بسم الله ؟؟؟

سبحانک اللهم یا الهی قد اخذت الظلمة کل الاقطار و احاطت الفتنة کل الاشطار و لکن انی اری فیها بیضاء حکمتک و انوار تدبیرک و الذین احتجبوا ظنوا بانهم مطفی نورک و مخمد نارک و مرکد اریاح فضلک لا فو عزتک لو لم یکن البلایا حامل حکمتک و القضایا و عاء تدبیرک لن یقدر احد ان یعترض علینا و لو یجتمع اهل السموات و الارض و انی لو اذکر ما اری من بدایع حکمتک لیقطع اکباد اعدائک فسبحانک یا الهی اسالک باسمک الاعظم ان تجتمع احبائک علی شریعة رضائک ثم انزل علیهم ما یطمئنهم و انک انت المقتدر علی ما

\*\*\*ص330\*\*\*

تشاء و انک انت المهیمن القیوم

بسم الله؟؟؟

سبحانک یا الهی ترانی جالساً علی الصخرة السما فی حصن ؟؟؟ منقطعاً ؟؟ فی الارض و السما و ممنوعا عن النظر الی الاشیا و بذلک ؟؟؟؟ قلوبهم عبادک الاشقیا فو عزتک ؟؟؟؟؟؟؟ناح به سکان مداین البقا ولکن سترت عنهم بما اکتسبت ایدیهم فی ؟؟؟؟؟؟؟ باسمائک الحسنی بان تنصر ؟؟؟؟؟ بجنود القوة و الاقتدار و انک انت المقتدر المختار لا اله الا انت العزیز الملک المهیمن المقترد القدیر الجبار

بسم الله العلی الاعلی

سبحانک یا الهی هذا ؟؟ الذی اختصصته ؟؟؟ نفسک و ؟؟؟ بنار محبتک و عرفته سبیل رضائک ونزلت اسمه فی لوح تقدیرک اسئلک یا الهی باسمک الذی به ؟؟؟ عین الاشیا عما خلق بین الارض و السما بان ؟؟؟ فی الدنیا عن التوجه الی غیرک و فی الاخرة سکنه فی جوار رحمتک ثم انزل علیه فی کل حین خیرا من عندک و ؟؟؟ من لدنک نوّر یا الهی وجهه بانوار

\*\*\*ص331\*\*\*

وجهک ثم اجعله ذاکر نفسک بین خلقک و ؟؟ ذاتک بین بریتک انک انت المقتدر علی ما تشاء و المهیمن علی من فی الارض و السما لا اله الا انت الباقی المقتدر المتعالی الغفور الکریم و الحمد لله رب السموات و الارضین

بسم الله الامنع الابدع

حرّک یا الهی کل ؟؟؟ اوراق سدرة حبک فی هذا الرضوان الذی فیه ؟؟؟ ورقاء احدیتک ببدایع الحانک یا الهی اسئلک بمظلوم الذی ورد علیه فی سبیلک ؟؟؟ فی مملکتک بان تحفظ اوراقک من اریاح الافتتان ثم اجعلهن ؟؟؟ لوجهک و ناظرة الی افق اجلالک و منقطعة عما سواک انک انت الفضال لما تشاء لا اله الا انت العزیز العلی و رب الاخرة و الاولی

بسم الله الاقدس الاعلی

سبحانک یا الهی یشهد کل ذی بصر بسلطنتک و اقتدارک و کل ذی نظر بعظمتک و اجبارک لاتمنع المقربین اریاح الافتتان عن التوجه الی افق عزک و لا تطرد المخلصین عواصف الامتحان عن التقرب الیک

\*\*\*ص332\*\*\*

کان فی قلوبهم اضاء سراج حبک و مصباح ودّک لایقلبهم البلایا عن امرک و لا القضایا عن رضائک اسئلک یا الهی بم و بزفرات التی تخرج من قلوبهم فی فراقک بان تحفظهم من شر اعدائک و ترزقهم ما قدرته لاولیائک الذین لاخوف علیهم و لاهم یحزنون

بسم الذی تمر السحاب بامره

سبحانک یا الهی هذا عبدک الذی شرب خمر رحمتک من ایادی فضلک و ذاق طعم حبک فی ایامک اسئلک باسمائک التی لاتمنعها الاحزان عن الشغف فی حبک و النظر الی وجهک و لایمنعهم جنود الغافلین عن سبیل رضائک بان ترزقه خیر ما عندک و عرّجه الی مقام الذی یری الدنیا کظل یمرّ فی اقرب من لمح البصر ثم احفظه یا الهی بعظمتک الکبری عن کل ما یکرهه رضاک و انک انت مولاه و مولی العالمین و المقتدر علی ما ترید

بسم الله الابدع الامنع

سبحانک یا الهی ترانی مظلوماً بین ملا الفرقان والذین ینسبون انفسهم الی البیان و انت تعلم یا الهی بانهم او شربوا رحیق المعانی من کاس البیان وعرفوا مظهر اسمک الرحمن ما اعترضوا علی محبوب الامکان و ملیک الاکوان

\*\*\*ص333\*\*\*

و ما کفروا بالذی ما تکلمت لسان العظمة الا بذکره و ثنائه قلت یا الهی ما اردت من البیان الا تطهیر القلوب و استعدادها لهذا الظهور الذی به غرّدت الورقاء علی افنان سدرة المنتهی و ناد المناد بین الارض و السما و ظهرت اسرار اسمائک الحسنی فی ملکوت الانشا لم ادر ان الذین اعرضوا ع هذا الظهور بایّ وجه یتوجهون و الی من یذهبون و فی ایّ وادیهیمون فو عزتک لا عاصم الیوم لاحد الا لمن هرب من نفسه الی افق ایاتک الکبری و اعرض عما عنده و اقبل الی شطرک الابهی و انت تعلم یا الهی بانی حفظت و اخی من حوادث الزمان و دعوته فی کل الاحیان الی اسمک الرحمن و نزلت علیه من ایاتک و اویته فی جوار رحمتک و ما ترکته ان تمر علیه الاریاح و کیف ضر خلقک و ظلم بریتک انی یا الهی حفظت نفسه و انه فی سرّ السر؟؟؟ مدینة لسفک دمی و انی کنت و تبیته فی ایامی انه حفر البئر لنفسی و مع علمی بما فی قلبه ما تعرضت به الی ان ظهر ما فی صدره تجنبت منهم و خرجت عنهم لئلا یحدث فی مملکتک ما یتغیر به ذیل تقدیسک بین عبادک و ما اتعرضت علیهم بعد قدرتی و اقتداری

\*\*\*ص334\*\*\*

الی ان مکروا فی امرک و ظهر الفساد فی البلاد ؟؟؟ فی العراق مع الظالمین الذین کفروا بنفسک و اعرضوا عن جمالک الی ان جعلوا القوم اهلی و احبتی اساری من الزوراء الی الحدبا و بما ارتکبوا ناح محمد رسولک فی الافق الاعلی و بکی علیّ عند سدرة المنتهی لم ادر بایّ برهان کفروا بک و بایّ بینته اعرضوا عنک فو عزتک لو یجعل المشرکون ارکانی ؟؟؟ لا اتمسک بهم و لا اتوجه الیهم بحولک و لا اتحد معهم بفضلک و احسانک انت خلصتنی یا الهی من فطرتک قبل خلق سمائک و ارضک و شربت خمر حبک حین الذی شربت اللین من ثدی امّی بعنایتک و لایخرج منی ابداً اسئلک یا فالق الاصباح و خالق الارواح باسمک الذی منه ناحت القبائل و ظهرت الزلزال بان تفتح ابصار خلقک لیروک جالساً عن یمین العظمة و القدرة و الجلال و متکئاً علی و سارة الرفعة و العزة و الاجلال هل یکون من ذی شمّ لایجد عرف قمیص رحمانیتک بعد الذی فاحت نفحاته و هل یکون من ذی ذائقة لا یجد حلاوة هذا الذکر فی ایامک لا فو عزتک لم یکن الا من کان لم یزل محروماً من لقائک و ؟؟؟؟؟

\*\*\*ص335\*\*\*

و ممنوعا عن خمر عرفانک ای رب طهر الارض من اعدائک لیستضئی بذلک وجوه اصفیائک و یسرعن الکل الی البحر الذی کل موج من امواجه یقول ان الحمد لک یا محبوب العالمین

بسم الله الاعظم الابهی

سبحانک یا الهی ما اعظم قدرتک و سلطانک و ما اکبر قوتک و اقتدارک اظهرت من ینطق باسمک بین سمائک و ارضک و امرته بالندا بین خلقک فلما نطق بکلمة اعرض عنه العلماء من بریتک و اعترض علیه الادباء من عبادک و بذلک اشتعلت نار الظلم فی مملکتک الی ان قام الملوک علی اطفاء نورک یا مالک الملوک و بلغ الامر الی مقام جعلوا اهلی و احبّتی اساری فی ارضک و منعوا احبائک عن التوجه الی وجهک و الاقبال الی شطر رحمتک و بما فعلوا ما سکنت نار انفسهم الی ان جعلوا مظهر جمالک و منزل ایاتک اسیرا و ادخلوه فی حصن العکا و منعوه عن ذکرک و ثنائک ولکن الغلام ما منع عما امر به من عندک و من افق البلاء ینطق و ینادی من فی الارض و السماء و یدعوهم الی سماء رحمتک و شطر عنایتک و ینزل فی اللیالی و الایام ایات قدرتک

\*\*\*ص336\*\*\*

 و بینات عظمتک لیجتذب بها افئدة بریتک لیقبلن منقطعاً عن انفسهم الیک و یهربن من افتقارهم الی سرادق غنائک و یسرعن من ذلهم الی فناء عزک و اعتزازک هذا سراج اشتعل من نور ذاتک لایطفیه اریاح النفاق من الافاق و هذا بحر ظهر بسلطانک لا تمنعه سطوة الذین کفروا بیوم الطلاق و هذا شمس اشرقت عن افق سماء مشیتک لاتمنعها سبحات الفجار و لاشبهات الاشرار لک الحمد یا الهی علی ما فدیتنی فی سبیلک و جعلتنی هدفاً لسهام البلایا حباً لعبادک و مرجع القضایا لاحیاء بریتک و ما الذ بلائک فی مذاقی و ما اعز قضائک فی نفسی عدمت کینونة تقر من سطوة الملوک حفظاً لنفسها فی ایامک فو عزتک من شرب کوثر عطایاک لاتجزعه البلایا فی سبیلک و لاتمنعه الرزایا عن ذکرک و ثنائک اسئلک یا مالک البهاء و ملیک الاسماء بان تحفظ الافنان الذین نسبتهم الی نفسک و اختصصتهم فی هذا الظهور بین عبادک و دعوتهم الی التقرب الیک و الاقبال الی افق وحیک ای رب لاتمنع عنهم سحاب رحمتک و اشراق شمس فضلک فاجعلهم ممتازاً بین بریتک لاعلاء کلمتک و نصرة

\*\*\*ص337\*\*\*

 امرک وفقهم یا الهی علی ما انت تحب و ترضی لا اله الا انت المقتدر العلی الاعلی

بسم الله الاعظم العظیم

یا الهی ان البها انس ؟؟ فی حبک و رضائک کما انس الحبیب بذکرک و ثنائک و انه یشتاق القضا فی سبیلک یا مالک الاسما کاشتیاق الظما ان الی فرات رحمتک و کوثر الطافک و ؟؟ الیه کتوجه العشاق الی مقر الذی فیه استضاء انوار وجهک کذلک خلقتنی یا محبوب البها فو عزتک لم ؟؟؟؟ ورد علیّ فی ایامک و علی ؟؟؟ بحولک و قوتک ؟؟؟ بامواج بحر احدیتک و استقر عرش عظمتک و اذکار اوراق سدرة فردانیتک بان تنزل من سماء کرمک علی افنان هذه الشجرة ؟؟؟ علی حبک و یسرهم فی کل الاحیان ؟؟؟ ای رب ان الذی اذکره انه ؟؟؟؟ الیک و اعرض عما سواک قدّر له یا الهی ما قدرته للمخلصین من اصفیائک ثم انزل علیه خیر الدنیا و الاخرة انت تعلم یا الهی بانی احد منهم رایحة حب محبوبی ؟؟ اخترتهم للذکرک فی ایامی قدس وجوههم عن التوجه الی غیرک و عیونهم عن النظر الی دونک

\*\*\*ص338\*\*\*

و قلوبهم عن ذکر ما سواک انک انت ؟؟ العارفین و اله من فی السموات و الارضین

بسم الله الاعظم العظیم

سبحانک یا الهی تعلم ؟؟ احب افنان سدرة فردانیتک و اوراق شجرة وحدانیتک انت خصصتهم فی هذا الظهور بین خلقک و نزلت اسمائهم فی الواحک و ارسلت الیها ؟؟؟ عظمتک و بینات احدیتک فارسل علیهم یا محبوب العالمین فی کل الاحیان اریاح فضلک لیذکرنک ؟؟؟ السدرة التی ارتفعت باسمک و تنطق بایاتک لاتمنعهم و نطق بثنائک و اقبل الی افق جمالک و ؟؟ الی کوثر عرفانک و شرب من ایادی فضلک قدّر له یا الهی خیر ما قدّرته لاصفیائک ثم ارزقه فی ایامک نعمة التی نزلتها من سماء مشیتک و هواء ارادتک ای رب تراه مقبلا الی حرم رضائک و طائف کعبة امرک لاتمنعه بجودک و لاتطرده بفضلک ایده یا الهی فی کل الاحیان علی حبک علی شان لاتمنعه الافتتان عن شطر اسمک ؟؟ و لا الامتحان عن التوجه

\*\*\*ص339\*\*\*

الی نفسک یا من بیدک زمام الممکنات و فی قبضتک من فی الارضین و السموات لاراد لمشیتک و لا ؟؟ لحکومتک و انک المقتدر المتعالی العزیز المختار

بسم الله الاقدس الاعلی

فسبحانک یا الهی اشهد بان العباد لو یتوجهون الیک ببصر الذی خلقت فیهم و سمع الذی اعطیتهم لتجذبهم کلمة واحدة التی نزلت عن یمین عرش عظمتک و بها تستضئ وجوههم و تطمئن قلوبهم و تطیر ارواحهم فی هواء عز احدیتک و سماء ربوبیتک اسالک یا مالک الاسماء و ملیک الارض و السماء ان تجعل احبائک کاوس رحمتک فی ایامک لیحیین بهم قلوب عبادک ثم اجعلهم یا الهی امطار سحاب فضلک و اریاح ربیع عنایتک لیخضر بهم اراضی قلوب خلقک و بریتک و ینبت منها ما تفوح نفحاتها فی مملکتک لیجدن کل رایحة قمیص امرک انک انت المقتدر علی ما ترید فو عزتک یا الهی من شرب من الکاس التی تدور بها ید رحمتک ینقطع عن دونک و ینجذب بکلمة منه عبادک الذین رقدوا فی مهاد الغفلة و النسیان و یتوجهون الی شطر آیتک الکبری

\*\*\*ص340\*\*\*

و لایریدون منک الا انت و لایطلبون الا ما قدرت لهم من قلم قضائک فی لوح تقدیرک اذاً یا الهی باسمک الاعظم فانزل علی احبتک ما یقربهم الیک فی کل الاحوال و انک انت المقتدر العزیز المستعان

بسم الله الاقدس الاعلی

سبحانک یا الهی تری کل ذی استقامة حرکته اریاح الامتحان و کل ذی استقرار انقلبته نفحات الافتتان الا الذین اخذوا خمر الحیوان من ید مظهر اسمک الرحمن اولئک لایوثر فیهم کلمة الا کلمتک العلیا و ما تجذبهم الا نفحات قمیص ذکرک یا مالک الاسماء و فاطر الارض و السماء اسئلک یا مونس البهاء باسمک الابهی بان تحفظ هولاء فی ظل جناح رحمتک الکبری لئلا یرد علیهم سهام الاشارات من اشقیاء خلقک الذین کفروا بایاتک ای رب لایمنع قدرتک من علی الارض کلها و لایرد مشیتک من فی ملکوت الاسماء فاظهر فی الارض سلطنتک و اقتدارک و علّم احبّتک ما ینبغی لهم فی ایامک انک انت المقتدر المتعالی العزیز العظیم

بسم الله الاقدس الاقدس

یا الهی تری بان السکر اخذ عبادک الذین اعرضوا

\*\*\*ص341\*\*\*

عن جمالک و اعترضوا علی ما نزل عن یمین عرش عظمتک قد اتیت یا الهی علی ظلل المعانی و البیان اذا اضطربت اهل الاکوان و تزلزلت ارکان الذین کفروا ببرهانک امن فی قبضتک من فی الامکان انت الذی نادیت الکل لی شطر رحمتک و دعوتهم الی افق فضلک و الطافک و ما اجابک الا الذین انقطعوا عن دونک و سرعوا الی مشرق جمالک و مطلع وحیک و الهامک تعلم یا الهی لیس علی وجه الارض من یذکرک الا هولاء و تراهم بین ایدی الظالمین من خلقک و منهم یا الهی من سفک دمه فی سبیلک و منهم من خرج عن دیاره متوجها الی مقر عرشک و منع عن الدخول فی فناء عظمتک و منهم فی السلاسل و الاغلال و منهم بین ایادی الفجّار اسالک یا من بیدک زمام الاختیار ان تنصرهم ببدایع نصرتک ای رب قد اخذتهم الذلة فی سبیلک عزّزهم بسلطانک و قد اخذهم الضعف فی حبک فاغبلهم علی الاعداء بقدرتک و اقتدارک و لو انی یا الهی اعلم بانک قدّرت لهم ما لا یعادل به ما فی سمائک و ارضک ولکن احب بان تراهم فی العزة و الاقتدار فی ایامک انک انت المقتدر علی خلقک کل فی قبضتک و فی کفّ اقتدارک لا اله الا انت المقتدر

\*\*\*ص342\*\*\*

العلیم الحکیم

بسم الله الاقدس الاقدس

سبحانک یا الهی ترانی تحت ایدی الظالمین کلما اتوجه الی الیمین اسمع ضجیج احبائک الذین جعلهم المشرکون اساری بما امنوا بک و بایاتک و اقبلوا الی افق فضلک و عنایتک و اذا التفت الی الیسار اسمع نداء الفجار الذین کفروا بک و بایاتک و کانوا مصرّ انی اطفاء سراج احدیتک الذی اضاء بنور ذاتک بین سمائک و ارضک ای رب قد ذابت قلوب اصفیائک فی فراقک و احترقت اکباد احبائک بنار الاشتیاق فی ایامک اسئلک یا فاطر السماء و مالک الاسماء بنفسک الابهی و ذکرک العلی الاعلی بان تنزل علی احبتک ما یقرّبهم الیک و یسمعهم ایاتک ای رب فاخرق سبحات الجلال بید القدرة و الاجلال لیروک المخلصون علی عرش عظمتک و تقرّ عیون الموحدین من بوارق انوار وجهک ای رب قد غلقت ابواب الرخاء علی قلوب المشتاقین و عندک مفاتیحها ان افتح بقدرتک و سلطانک انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت العزیز المنان

بسم الله الاعظم

\*\*\*ص343\*\*\*

یا الهی قرت عین البها بالنظر الی افق البلا الذی انی من سماء قضائک و اخذه من کل الجهات بما رقم من قلم تقدیرک ذو نفسک ما ینسب الیک انه لمحبوب البهاء و لو یکون سم الرّدی یا الهی ان الروح فی لیلة التی انهتت الیها ایامه قد خرج فی ظلمتها الی العراء وده اکبّ لوجهه علی التراب و قال یا ربی و محبوبی ان ترید ان ترد هذه الکاس فارجعها عنی بفضلک و احسانک فو جمالک یا مالک الاسماء و فاطر السما ان البهایجد نفحات کلماته التی خرجت من فمه فی حبک و یجد التهاب الذی اخذه فی شوقه الی لقائک و اشتیاقه الی مطلع نور فردانیتک و مشرق عز وحدانیتک و انی و نفسک اقول یا ربی و سیدی و مولائی لیس لی ارادة تلقاء ظهور ارادتک و لالی مشیة عند طلوع مشیتک فو عزتک لا ارید الا ما انت ترید و لا احب الا ما انت تحب ان مختار البها ما اخترته لنفس البها یا مالک البهاء بل لا احد لنفسی ذکرا تلقاء ظهورات اسمائک کیف لدی تجلی انوار ذاتک فاه اه لو اذکرک نفس الذکر یدل علی شرکی و یشهد علی غفلتی عند ظهور نور توحیدک هل یکون لدونک من ظهور لدی ظهورک او لغیرک من وجود لیذکرک

\*\*\*ص344\*\*\*

او یباهی بثنائه ایاک لا فو نفسک قد ثبت بالبرهان بانک انت الواحد الفرد المستعان لم تزل کنت بلاء ذکر شیئ معک و لاتزال تکون بلا وجود شیئ عندک لو یثبت غیرک کیف یثبت تقدیس ذاتک عن الامثال و تنزیه نفسک عن الاشباح و ان اعلی افئدة الموحدین لایرتقی الی هواء علم الذی خلقته بکلمة امرک و کیف الی علم الذی ینسب الی ذاتک کل الاذکار و الافکار منقطعة من هذا المقام الذی خلق من قلمک الاعلی فکیف مقام الذی قدّسته عن الذکر و البیان و ان ذکر العدم ایات القدم کحرکة القطرة عند تموجات ابحر احدیتک استغفرک یا الهی من هذا التشبیه لان التشبیه و التمثیل من شئونات خلقک کیف یتقرب الیک و یصعد الی نفسک فو عزتک یا الهی مع علمی و ایقانی بان ذکر دونک لن یصل الیک و ثناء غیرک لایتعارج الی سماء قربک و اصمت من ثنائک و بدایع ذکرک لیحترق کبدی و تذوب نفسی بذکرک یا الهی یسکن عطشی و یستریح فوادی و به انس البهاء کانس الرضیع الی ثدی رحمتک و به اشتاق البهاء کاشتیاق الظمان الی کوثر عطائک یا رحمن یا من بیدک

\*\*\*ص345\*\*\*

جبروت الامکان لک الحمد یا الهی بما اذفتنی بذکرک لولاه لما یستأنس البهاء و یفرح قلب البهاء بذکرک جعلت تمنیّیا عن ذکر العالمین و بحبک لا اجزع عن ضر الظالمین فارسل یا الهی علی احبتی ما تفرح به قلوبهم و تستنیر به وجوههم و تسترّ به ذواتهم و انت تعلم یا الهی ان فرحهم فی استعلاء امرک و اعلاء کلمتک فاظهر یا الهی ما تقرّ به عیونهم و قدّر لهم خیر الدنیا و الاخرة انک انت العزیز المقتدر الوهاب

بسم الله الامنع الابهی

یا الهی قد کاد ان یصفر ما نبت فی رضوان عز فردانیتک فاین امطار سحاب رحمتک و عرّت اغصان سدرة وحدانیتک من حلل العزة و العرفان فاین ربیع الطافک و مواهبک قد توقعت فلک امرک علی بحر الامکان فاین اریاح جودک و احسانک و احاطت سراج احدیتک اریاح النفاق من کل الافاق این زجاجة حفظک و اکرامک فیا الهی تری طرف هولاء الفقراء الی افق غنائک و افئدة هولاء الضعفاء الی شطر قدرتک اسئلک یا مقصود العارفین و اله العالمین لما اجتذبتهم بکلمتک العلیا لاتبعدهم عن سرادق الذی

\*\*\*ص346\*\*\*

رفعته باسمک الابهی ای رب قد اشتدت علیهم الامور و احاطهم اهل الفجور فارسل من سماء امرک جنود غیبک باعلام نصرک لینصرنهم فی مملکتک و یحفظنهم من اعدائک و اسئلک یا الهی باسمک الذی به امطرت السحاب و جرت الانهار و اشتعلت نار الحب فی الاشطار بان تنصر عبدک الذی اقبل الیک و نطق بذکرک و اراد نصرتک ثم اثبته یا الهی علی حبک و دینک هذا خیرک عما خلق فی ارضک لان الدنیا و ما خلق فیها تفنی و ما عندک یبقی بدوام اسمائک الحسنی فو عزتک لو یکون الدنیا باقیة بدوام ملکوتک الا ینبغی ان یتوجه الیها من شرب خمر الوصال من ایادی رحمتک فکیف بعد علمه بفنائها و ایقانه بزوالها و ان تغییرها و تغییر ما فیها فی کل الاحیان لبرهان علی انعدامها و الذی عرفک لاینظر الی غیرک و لایرید منک الا انت و انک انت منتهی اَمَل الاملین و غایة رجاء المخلصین لا اله الا انت المقتدر المهیمن العزیز القدیر

بسم الله الباقی الکافی

سبحانک یا الهی تری ضعف احبائک و قدرة

\*\*\*ص347\*\*\*

اعدائک و ذلة اصفیائک و عزة الذین جحدوا امرک و کفروا بایاتک انهم ینکرون ایاتک بما اعطیتهم من النعم الفانیة و هولاء یشکرونک بما ورد علیهم ابتغاء ما عندک من النعم الباقیة و ما احلی ذکرک فی الشدة و البلا و ثنائک عند هبوب اریاح القضا و انت تعلم یا الهی بان البها لایجزع عما ورد علیه فی سبیلک بل اجد کل اغصان و جوارحی لمشتاق البلا لاظهار امرک یا مالک الاسماء من نار حبک استبقی البهاء فی ملکوت الانشاء و من نار ذکرک اشتعل البهاء بین الارض و السماء طوبی لی و لهذه النار التی تسمع من زفیرها لا اله الا انت المحبوب فی صدر البها و الذکور فی قلب البها فو عزتک لو یجتعن من فی السموات و الارض علی ان تمنعن البهاء عن ذکرک و ثنائک لا یستطیعن و لایقدرنّ لو یقتلوننی المشرکون اذاً دمی ینطق باذنک و یقول لا اله الا انت یا مقصود البها و لو یطبخوننی فی قدر البغضا قتار الذی یفوح من لحمی یتوجه الیک و ینادی این انت یا مولی العالمین و مقصود العارفین و لو یحرقوننی بالنار فو عزتک رمادی ینطق باذنک و یقول قد فاز الغلام بما اراد من ربه

\*\*\*ص348\*\*\*

العزیز العلام و الذی کان کذلک هل یخوفه اجتماع الملوک علی ضره فی امرک لا فو نفسک یا مالک الملوک لا یجزعنی سطوة العالمین فی حبک و قمت بنفسی علی امرک بحولک و لا یضطربنی جنود الظالمین و انادی من فی الارض یا عبادالله اتقوا الله و لاتحرموا انفسکم من هذا الرحیق الذی جری عن یمین عرش رحمة ربکم الرحمن تالله من عنده خیر لکم عما عندکم و عما اردتم و تریدونه فی الحیوة الباطلة دعوا الدنیا و توجهوا الی الافق الاعلی ان الذی شرب خمر ذکره یغفل عن ذکر ما سواه و الذی عرفه ینقطع عن الدنیا و ما فیها یا الهی و سیدی اسالک بالکلمة التی بها طار الموحدون فی هواء عرفانک و عرج المخلصون الی سماء احدیتک ان تلهم احبتک ما تطمئن به قلوبهم علی امرک ثم استقمهم علی شان لا یمنعهم شیئ عن التوجه الیک انک انت المعطی الباذل الغفور الرحیم الحمد لک یا محبوب العالمین

هوالله

لم ادر یا الهی انطق ببدایع ذکرک بین عبادک و اعرفهم خفیات رحمتک و اسرار امرک او اجعل قلبی وعائها

\*\*\*ص349\*\*\*

و لو ان المحب لا یحب ان یسمع احد حدیث محبوبه ولکن لما جاء امرک المبرم باظهار امرک لا اتوقف ابداً و اذکرک و لو تنزل علیّ من سحاب القضاء سهام البلاء فو عزتک لایمنعنی عن ذکر ما امرت به جنود السموات و الارضین مع ارادتک لیس لی ارادة و عند مشیتک لیس لی مشیة اکون بفضلک فی کل الاحوال حاضراً لخدمتک و منقطعاً عما سواک ولکن یا الهی احب ان تامرنی باظهار ما هو المکنون فی علمک لیطیرن المخلصون من الاشتیاق الی هواء احدیتک و یضطربن المشرکون و یرجعن الی اسفل الجحیم مقام الذی قدّرت لهم بسلطانک ای رب تری احبائک بین ایدی اعدائک و تسمع ضجیجهم من کل الاشطار بما ورد علیهم فی سبیلک ای رب انت تعلم بانهم ما ارادوا الا وجهک و ما اقبلوا الا الی حضرتک و الذین ظلموهم ما ارادوا بذلک الا الاعراض عنک و اخماد نار التی اشتعلتها بایدی قدرتک ای رب فاخرج من شفتی مشیتک کلمة و سخّر بها من علی الارض کلها الی متی یا الهی تنظر و تصبر قد اخذت الظلمة کل الجهات و کاد ان تنعدم اثارک فی بلادک استغفرک یا الهی عما ذکرت لانک انت

\*\*\*ص350\*\*\*

 العلیم و عندک من خفیّات الامور ما لا عند غیرک اذا اتی الوعد تظهر ما ترید و تسخر کیف تحب لیس لنا ان نرید الا ما انت اردت لنا عندک علم کل شیئ تعلم عاقبة الامور و انک انت الحق علام الغیوب فاغفر لی و لاحبتی ثم ارزقهم خیر الدنیا و الاخرة و انک انت الغفور الرحیم

بسم الله العزیز الباقی

یا الهی یحترق قلب المشتاق من نار الاشتیاق و تبکی عیون العشاق من سطوة الفراق و ارتفع ضجیج الاملین من کل الافاق انک یا الهی حفظتهم بسلطان قدرتک بین الضدین لو لا احتراق اکبادهم و زفرات قلوبهم لیغرقون فی دموعهم و لو لا دموعهم لتحرقهم نار قلوبهم و حرارة نفوسهم کانهم ملائکة التی خلقتهم من النار و الثلج اتری یا الهی بان تمنعهم بعد هذا الاشتیاق عن لقائک او تطردهم بعد هذا الاشتعال عن باب رحمتک یا الهی یکاد ان ینقطع الرجاء عن قلوب الاصفیاء این نسایم فضلک قد احاطتهم الاعداء من کل الاطراف این رایات نصرک التی و عدتها فی الواحک فو عزتک لا یصبحون احبائک الا و یرون کاس البلاء فی مقابلة وجوههم بما امنوا بک و بایاتک

\*\*\*ص351\*\*\*

 و لو انی اعلم بانک ارحم بهم من انفسهم و ما ابتلیتهم الا لاظهار امرک و ارتقائهم الی جبروت البقاء فی جوارک ولکن انت تعلم بان بینهم ضعفاء یجزعون من البلایا اسالک یا الهی بان توفقهم علی الاصطبار فی حبک ثم اشهدهم ما قدرت لهم خلف سرادق عصمتک لیسرعن الی القضاء فی سبیلک و یستبقن البلاء فی حبک او فاظهر رایات نصرتک ثم اجعلهم مقتدراً علی اعدائک لیظهر سلطانک علی من فی مملکتک و اقتدارک بین خلقک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العلیم الحکیم ان اثبت یا الهی عبدک الذی امن بک علی نصرة امرک ثم احفظه فی کنف حفظک و حمایتک فی الاخرة و الاولی انک انت الحاکم علی ما تشاء لا اله الا انت الغفور الکریم

بسم الله العزیز الجمیل

سبحانک یا الهی قد ظهرت طلایع ربیع فضلک و اخضرت بها اراضی مملکتک و امطرت سحاب سماء کرمک علی هذه المدینة التی فیها حبس من اراد عتق بریتک و به تزینت ارضها و تردی اشجارها و استفرحت اهلها ولکن قلوب احبتک لا تستر الا من ربیع عواطفک

\*\*\*ص352\*\*\*

 الذی به تخضر القلوب و تجدد النفوس و تثمر اشجار الوجود ای رب قد اصفرّ نبات قلوب احبتک فامطر علیهم من سحاب المعانی ما ینبت من صدورهم کلا علمک و حکمتک ثم اسررهم باظهار امرک و استعلاء سلطنتک ای رب کل مترصد الی شطر جودک و متوجه الی افق فضلک لاتحرمهم باحسانک انک انت المقتدر بسلطانک لا اله الا انت العزیز المهیمن القیوم

بسم الله الباقی

سبحانک یا الهی لو لا البلایا فی سبیلک من این تظهر مقامات عاشقیک و لو لا الرزایا فی حبک بایّ شیئ تبین شئون مشتاقیک و عزتک انیس محبیک دموع عیونهم و مونس مریدیک زفرات قلوبهم و غذاء قاصدیک قطعات اکبادهم و ما الذ سم الرّدی فی سبیلک و ما اعزّ سهام الاعداء لاعلاء کلمتک یا الهی فاشربنی فی امرک ما اردته و انزل علیّ فی حبک ما قدّرته و عزتک لا ارید الا ما ترید و لا احب الا ما انت تحب توکلت علیک فی کل الاحوال اسالک یا الهی بان تظهر لنصرةهذا الامر من کان قابلاً لاسمک و سلطانک

\*\*\*ص353\*\*\*

 لیذکرنی بین خلقک و یرفع اعلام نصرک فی مملکتک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المهیمن القیوم

بسم الله الاقدس

تری یا الهی کیف حال بین عبادک و مظهر نفسک ظلم المعرضین من خلقک ای رب فانزل علیهم ما یشغلهم بانفسهم ثم اجعل باسهم بینهم لتستریح بذلک الارض و من علیها ای رب ان امة من امائک ارادت وجهک و طارت فی هواء رضاک ای رب لاتحرمها عما قدرتها لخیرة امائک ثم اجتذبها بایاتک عی شان تذکرک بین امائک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز المستعان

بسم الله الاقدس الاعلی

سبحانک یا الهی قد استظلت فی ظل سدرة وحدانیتک امة من امائک التی بک و بایاتک یا الهی فاشربها رحیقک المختوم باسمک الظاهر المکنون لیاخذها عن نفسها و یجعلها خالصة لذکرک و منقطعة عما سواک ای رب لما عرفتها عرفک لاتمنعها بجودک و لما دعوتها الی نفسک لاتطردها بکرمک فارزقها

\*\*\*ص354\*\*\*

ما لایعادله ما فی ارضک انک انت الکریم ذو الفضل العظیم او تهب مثل السموات و الارض لاحد من خلقک لاینقص من ملکوتک مقدار ذرة انت الاعظم من ان تدعی بالعظیم لانه اسم من اسمائک قد خلق بارادة من عندک لا اله الا انت المقتدر المتعالی العلیم الکریم

بسم الله الاعز الامنع الاقدس

سبحانک اللهم یا الهی تری بان طرف البهاء متوجه الی شطر عنایتک و عینه الی افق فضلک و الطافک و یده مرتفعة الی سماء مواهبک فو عزتک کل عضو من اعضائی ینادیک و یقول یا محبوب العالمین و اله من فی السموات و الارضین و رجاء افئدة المخلصین اسئلک ببحرک الذی الیه دعوت من فی سمائک و ارضک بان تنصر عبادک الذین منعوا عن التوجه الیه و التقرب الی شطره ثم اجعلهم یا الهی منقطعاً عمن سواک و ناطقاً بذکرک و مثنیاً بثنائک فارزقهم یا الهی رحیق رحمتک لیجعلهم غافلاً عن دونک و قائماً علی امرک و مستقیماً علی حبک انک انت الههم و معبودهم لو تطردهم من ینظر الیهم و لو تبعدهم من یقربهم فو عزتک لامهرب الا انت و لا ملجاء

\*\*\*ص355\*\*\*

الا الیک و لا عاصم الا انت فویل لمن اتخذ لنفسه من دونک ولیّاً و نعیم للذین انقطعوا عن کل من فی ارضک و تمسکوا بذیل عطائک اولئک اهل البهاء بین الارض و السماء لا اله الا انت العلیم الحکیم و الحمد لله رب العالمین

بسم الله الاقدس الاعلی

سبحانک یا اله العالمین و محبوب العارفین ترانی جالساً تحت سیف علق بخیط و تعلم بانی فی هذا الحال ما قصّرت فی امرک و بلغت ذکرک و ثنائک و کل ما امرتنی به فی الواحک و اذاً تحت السیف ادعو احبائک بکلمات التی تنجذب منها القلوب الی افق مجدک و کبریائک ای رب صفّ اذانهم لاصغاء نغمات التی ارتفعت عن یمین عرش عظمتک فو عزتک یا الهی لو یسمعها احد ما قدرته فیها حق الاصغاء لیطیر الی ملکوت امرک الذی ینطق فیه کل ما خلق فیه بانک انت الله لا اله الا انت المقتدر المهیمن القیوم یا الهی طهر ابصار عبادک ثم اجتذبهم بایاتک علی شان لا یمنعهم البلایا عن التوجه الیک و عن النظر الی افق امرک یا الهی قد احاطت الظلمة کل

\*\*\*ص356\*\*\*

البلاد و بها اضطربت اکثر العباد اسالک باسمک الاعظم بان تخلق فی کل بلد خلقاً لیتوجهن الیک و یذکرنک بین عبادک و یرفعن رایات نصرتک بالحکمة و البیان و ینقطعن عن الاکوان انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز المستعان

بسم الله الاقدس

سبحانک یا الهی ترانی محبوساً فی هذا السجن و تعلم بانی ما وردت فیه الا فی سبیلک و اعلاء کلمتک و اظهار امرک انادیک یا اله العالمین فی هذا الحین باسمک المبین بان تجذب قلوب عبادک الی مطلع اسمائک الحسنی و مشرق ایاتک الکبری فیا الهی لو لم تکن البلایا فی سبیلک بایّ شیئ یسر قلبی فی ایامک و لو لا سفک الدماء فی حبک بایّ شیئ یحمر وجوه اصفیائک بین خلقک فو عزتک طراز وجوه محبیک دم الذی یجری من جباههم علی وجوههم فی حبک فیا الهی تری بان کل عظم من عظامی جعل مزمار وحیک منه ظهرت ایات وحدانیتک و بینات فردانیتک یا الهی اسئلک باسمک المجلی علی الاشیاء بان تخلق عباداً یسمعن نغمات التی ارتفعت عن یمین عرش عظمتک ثم اشربهم راح

\*\*\*ص357\*\*\*

رحمتک من راحة فضلک لیستریحوا بها فی انفسهم و یتوجهوا من شمال الظنون و الاوهام الی یمین الیقین و الاطمینان ای رب لما هدیتهم الی باب فضلک لاتطردهم بعنایتک لما دعوتهم الی افق امرک لا تمنعهم بجودک و کرمک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العلیم الخبیر

بسم الله الامنع الاقدس

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی منه اجتذبت قلوب عبادک الی افق وحیک و طیرت افئدة اصفیائک فی هواء قربک بان تظهر فی کل مدینة من یقوم علی اعلاء امرک و نشر معارفک ای رب فاحفظ عبادک عن النظر الی غیرک و التوجه الی دونک فاظهر لهم سبیلک الواضح المستقیم لیصلن کل الیک و یتوجهن الی سرادق قربک ای رب لاتنظر الیهم و اعمالهم فانظر الی رحمتک و احسانک و عواطفک و افضالک لم تزل کنت غنیاً عن عبادة خلقک و مستغنیا عن نصرة عبادک اسئلک بنفسک بان تجمع الذین تقربوا من ظلم اعدائک و تشتتوا من اعراض بریتک ثم انصرهم بجنود الغیب و الشهادة لا اله الا انت المقتدر العلی العظیم

\*\*\*ص358\*\*\*

و الحمد لله رب العالمین

بسم الله القیوم

یا الهی و محبوبی لا مقر لاحد عند نزول احکامک و لامهرب لنفس لدی صدور اوامرک او حیت القلم اسرار القدم و امرته ان یعلم الانسان ما لم یعلم و یشربهم کوثر المعانی من کاس وحیک و الهامک فلما ظهر منه علی اللوح حرف من علمک المکنون ارتفع ضجیج العشاق من کل الاشطار و بذلک ورد علی الاخیار ما بکت عنه سکان سرادق مجدک و ناحت اهل مداین امرک تری یا الهی فی تلک الایام مطلع اسمائک تحت سیوف اعدائک و فی هذه الحالة ینادی من فی ارضک و سمائک و یدعوهم الیک فیا الهی طهر قلوب بریتک بسلطنتک و اقتدارک لیوثر فیهم کلماتک لم ادر یا الهی ما فی قلوبهم و ما یظنون فی حقک کانهم ظنوا بانک تدعوهم الی افقک الاعلی لیزداد بذلک شانک و عزک لانهم لو علموا انک تدعوهم الی ما یحیی به قلوبهم و تبقی به انفسهم ما فرّوا عن حکومتک و ما تبعدوا عن ظل سدرة فردانیتک فاکشف یا الهی ابصار خلقک لیروا مظهر نفسک مقدساً

\*\*\*ص359\*\*\*

 عما عندهم و ما یدعوهم الی افق وحدانیتک الا خالصاً لوجهک فی حین الذی لایطمئن لنفسه حیوة فی اقل من ساعة لو یرید نفسه ما یلقیها بین ایدی اعدائک فو عزتک قبلت البلایا لاحیاء من فی سمائک و ارضک ان الذی احبک لا یحب الا لاعلاء امرک و الذی عرفک لا یعرف سواک و لایلتفت الی دونک عرف یا الهی عبادک ما اردت لهم فی ملکوتک ثم عرّفهم ما حمله مصدر اسمائک الحسنی لاحیاء انفسهم حباً لنفسک لعل الی کوثر الحیوان هم یقصدون و الی شطر اسمک الرحمن یتوجهون ای رب لاتدعهم بانفسهم فاجذبهم بجودک الی افق سماء وحیک هم الفقراء و انک انت الغنی الغفور الرحیم

بسم الله الباقی

سبحانک یا الهی تری کیف ابتلیت بین عبادک و ما ورد علیّ فی سبیلک انت تعلم بانی ما تکلمت الا باذنک و ما یفک شفتای الا بامرک و ارادتک و ما تنفست الا بذکرک و ثنائک و ما دعوت الکل الا الی ما دعی به اصفیائک فی ازل الازال و ما امرتهم الا بما یقربهم الی مشرق عنایتک و مطلع الطافک

\*\*\*ص360\*\*\*

 و افق غنائک و مظهر وحیک و الهامک و انت تعلم یا الهی بانی ما قصرت فی امرک ارسلت فی کل الاحیان نفحات وحیک علی الاشطار و عرف قمیص رحمانیتک الی الاقطار لعل یجدونه عبادک و یتوجهون به الیک اسئلک یا الهی بانوار احدیتک و مهابط وحیک ان تنزل من سحاب رحمتک ما یطهر به قلوب الذین توجهوا الیک ثم امح عن صدورهم ما یعترض به العباد فی امرک یا الهی غلبت ارادتک ارادتی و ظهر منی ما ابتلیت به فارحمنی یا ارحم الراحمین وفق یا الهی عبادک علی نصرة امرک ثم اشربهم ما تحیی به قلوبهم فی مملکتک لئلا یمنعهم شیئ عن ذکرک و ثنائک یخرجون من اماکنهم باسمک و یدعون الکل الیک ای رب طهر وجوههم عن التوجه الی غیرک و اذانهم عن اصغاء کلمات الذین اعرضوا عن جمالک و کفروا بایاتک انک انت المقتدر علی کل شیئ لا اله الا انت العلیم الحکیم

بسم الله الاقدس الابهی

یا الهی ؟؟؟؟؟؟ اوراق ارضک ارادت ؟؟؟؟؟ و اجذبتها ؟؟ ایامک علی شان انقطعت ؟؟؟؟ و سرعت قلبها الی شطر قربک و ؟؟؟ ای رب طهر

\*\*\*ص361\*\*\*

قلبها بماء معرفتک ثم اشربها ؟؟؟؟ الحیوان التی جرب فی قلب الرضوان باسمک الرحمن ؟؟؟ فی امرک علی شان لاتمنعهم البلایا عن ذکرک یا مالک الاسماء و لا تصدهم القضایا یا من حبک یا فاطر السماء ای رب فارسل علیهم ؟؟؟؟ قمیص رحمتک ؟؟؟؟؟ علیها من اصبع قدرتک ؟؟؟ عیوب العالمین ای رب ؟؟ تعلم بانی ؟؟؟ فی امرک کلما ازدادت البلایا ؟؟؟ ذکری ایاک؟؟؟امرک علی ماسواک بحیث ؟؟؟؟؟؟؟ ؟؟؟؟وحیک الی عبادک ؟؟؟؟؟؟؟ الناس الی اسمک العزیز الوهاب بان ؟؟؟/؟؟ ما کشفته للذین طاروا فی هواء قربک و سماء مشیتک لینقطعن عما دونک و یتوجهن ؟؟؟ الی شطر الذی فیه ؟؟؟؟؟ المکنون فی ازل الازال ای رب فانبت بما جری من القلم الاعلی من ضیاء احدیتک و امطار عز وحدانیتک قی قلوب احبتک سنبلات الحکمة و البیان لیتمسکن

\*\*\*ص362\*\*\*

بهذا ؟؟؟؟ عن الذکر و العرفان انک ؟؟ لم تزل معطی من ارادک و ملهم من انس بذکرک لا اله الا انت المقتدر العلیم الحکیم

بسم الله الاقدس الابهی

تری یا الهی عبادک تمسکوا باسمائک و یدعونها فی اللیالی و الایام و اذا ظهر من خلق بکلمة من عنده ملکوت الاسماء و جبروت البقاء انفضوا عن حوله و کفروا بایاتک الکبری الی ان اخرجوه من دیاره و ادخلوه الی اخرب بلادک بعد الذی عمرت الدنیا لنفسه و یکون جالساً فی هذا السجن الاعظم و مع هذا البلاء الذی ما رات شبهه عین الابداع یدعو الناس الیک یا مالک الاختراع اسالک یا خالق الامم و محیی الرمم بان توید عبادک علی عرفان مظهر ذاتک و مطلع قیومیتک لیکسروا بقدرتک اصنام الهوی و یدخلوا فی ظل رحمتک الکبری التی سبقت الاشیاء باسمک العلی الابهی لم ادر یا الهی الی متی یرقدون بریتک علی فراش الغفلة و الهوی و الی متی ینامون علی بساط البعد و النّوی قربهم یا الهی الی المنظر الاعلی و اجتذبهم من نفحات وحیک التی بها طار الموحدون الی هواء الاشتیاق و المخلصون

\*\*\*ص363\*\*\*

الی مطلع نیر الافاق ای رب فاخرق حجباتهم لیروک مشرقاً عن افق احدیتک و طالعاً عن فجر ربوبیتک فو عزتک لو وجدوا حلاوة ذکرک و ما ینزل علیهم عن یمین عرش عظمتک لیضعون ما عندهم و یسرعون فی بیداء الاشتیاق لیرتد الیهم لحظات اعین مرحمتک و یتجلی علیهم شمس جمالک ای رب فاجذب افئدتهم بذکرک ثم اجعلهم غنیاً بغنائک و مویداً علی اظهار امرک بین خلقک انک انت المعطی الغفور الرحیم

بسم الله؟؟؟؟؟؟

لک الحمد یا الهی بما وفیت بما رقم من قلم امرک فی الالواح التی ارسلتها الی خیرة خلقک الذین بهم فتحت ابواب رحمتک و اشرقت شمس هدایتک و لک الحمد یا الهی علی ما اظهرت ما کان مکنوناً فی ازل الازال فی سرادق العزة و العظمة و الاجلال و به زینت سماء امرک و الواح کتاب برهانک فلما جاء الوعد و ظهر الموعود انکروه عبادک الذین یدعون الایمان بمظهر نفسک الذی جعلته مبشراً لهذا الظهور الذی منه قرّت عیون اهل خباء احدیتک ای رب لم ادر بایّ حجة امنوا بک و بایاتک و بای برهان کفروا بسلطانک

\*\*\*ص364\*\*\*

 کلما ادعوهم الیک و اقول یا قوم فانظروا بما عندکم من ایات الله ربکم و بما نزل من سماء المشیة و الاقتدار یعترضون علیک و یعرضون عنک بعد الذی انت تعلم بان کل کلمة من کلمات التی خرجت من فم ارادتک تتضوع منها نفحات رحمتک و منهم من تمسک بالذی لم یکن له شان لیتکلم عند احد من خدّام بابک و کیف مقام الذی فیه ینطق لسان عظمتک ای رب طهر قلوبهم و ابصارهم لینظروا بعیونهم و یفقهوا بقلوبهم لعل یجذبهم ایاتک الی مشرق وحیک و یقربهم الی سلسبیل عرفانک ای رب انت الذی اخذت عهدی منهم فی کل سطر من کتابک و اکدت ذلک علی شان انقطع عنه اعتذار خلقک قلت و قولک الحق لایعادل بکلمة من عنده ما نزل فی البیان اذاً تری یا الهی ما ارتکبوا فی امرک و بما اکتسبت ایدیهم فی ایامک ینوح من ظلمهم سدرة امرک و سکان سرادق عظمتک و اهل مداین اسمائک لم ادر یا الهی بایّ حجة قاموا علی الظلم و بایّ برهان اعرضوا عن مطلع ایاتک اسئلک یا مالک الاسماء و فاطر السماء ان تویدهم علی الانصاف فی امرک لعل یجدون عرف قمیص رحمتک و یتوجهون الی افق الذی

\*\*\*ص365\*\*\*

فیه اضاء انوار طلعتک ای رب انهم ضعفاء و انت القوی القدیر و هم فقراء و انت الغنی الکریم و انت تعلم یا الهی بانی ما اردت لنفسی امراً فی ایامی فدیت روحی و ذاتی لاعلاء کلمتک بین خلقک و ارتفاع ذکرک بین عبادک و ارسلتنی بحجة بها اهتز من الشوق مطالع وحیک و مشارق الهامک و بها ثبت برهانک و تمت نعمتک و کمل امرک و نزلت ایاتک و ظهرت بیناتک و انت تعلم یا الهی بانی ما اردت الا ما اردت و ما ارید الا ما ترید ان انطق بین عبادک ما الهمتنی بجودک و امرتنی بذکره بین خلقک یعترض علیّ طغاة بریتک و ان اصمت عن بدایع ذکرک یقوم کل جوارحی بثنائک لم ادر بایّ ماء خلقتنی و بایّ نار اوقدتنی فو عزتک لا اصمت عن ذکرک و لو یقوم علیّ من فی سمائک و ارضک اذکرک فی کل الاحوال منقطعاً عن العالمین و الحمد لک یا محبوب افئدة العارفین

بسم الله الاقدس العلی الابهی

سبحانک اللهم یا الهی ترانی مظلوماً بین عصاة بریتک و غریبا فی مملکتک کلما سکنت فی مدینة بامرک و اذنک اخرجونا طغاة خلقک و الذین کفروا بنعمتک

\*\*\*ص366\*\*\*

التی انزلتها من سحاب فضلک و سماء مشیتک بعد الذی ما کنت فی افقها الا شمس عنایتک و لالحدایتها لااریاح ربیع رحمتک و لالزروعها الا امطار جودک و الطافک و لالظلمتها الا سراج امرک و مصباح هدایتک کلما توجه وجه الی وجه فردانیتک ؟؟ من غمرات الغفلة و ؟؟؟ الی معارج عز وحدانیتک و سقیته من رحیق وحیک و الهامک و کلما رایت مقبلاً الی حرم عزک و کعبة جودک اقبلت الیه حبا لنفسک و متوجها الی وجهک و تنزلت علی شان یستطیع ان یتقرب الی شجرة امرک و انزلت نفسی الی مقام ؟؟ معه و انست به کانی احد مثله بعد الذی جعلت کل شیئ فی قبضة قدرتی بقدرتک و کل الاریاح مرسلات بارادتی بارادتک و فی کل مدینة رفعت فیها ذکرک و اسمک اجتمع علیّ عبادک الذین کفروا بنفسک و اعرضوا عن حضرتک و قاموا علی النفاق الی ان اخرجونا عنها و داروا بنامن مدینة الی مدینة الی ان ادخلونا بالظلم فی هذا الحسن الذی بنی من الصخرة الصما و هذه المدینة التی لایسع منها الاصوات الصدی و فی اول الدخول؟؟؟ عرض الدنیا و سدّوا علی وجوهنا ابواب

\*\*\*ص367\*\*\*

ابواب الرخاء فو عزتک یا محبوب البها انی اجد ؟؟ فی حبک امطار غمام جودک و فضلک و بها اخضر قلب البها و نبتت منه سنبلات حکمتک یا من بیدک زمام الاشیا فو عزتک یا محبوب العالمین و مقصود العارفین من وجد عرف قمیص رحمانیتک و اخذه عرفک و الطافک لاتمنعه البلایا عن ارادتک و لا القضایا عن حبک و رضائک و انت تعلم یا محبوبی و مقصودی بانی انادیک بلسان احبائک و کلما یجری من هذا القلم الاعلی ما کان مقصودی منه الا بان انادیک بلسان احبتک و اناجیک من قبلهم لیاخذهم نغماتک عن انفسهم و یجذبهم الی وجهک الابهی و یویدهم علی التوجه الی الافق الاعلی و الا ذکری نفسک لم یکن الا کذکرک نفسی لایقدر ان یطلع به احد الا من جعلته منقطعاً عما سواک و مسرعاً الی سبل امرک و رضائک قد ؟؟ یا الهی علینا اللیالی و الایام فی هذا السجن الاکبر الی ان جائت هذه اللیلة التی فیها استدعی من احبک و اراد وجه مظهر نفسک و مکمن ذاتک و مصدر امرک و بسط خوان النعمة للاخوان حبا لنفسک و انت تعلم یا الهی بانه کان قاصداً وجهک و ناظرا الی

\*\*\*ص368\*\*\*

شطر مواهبک و ؟؟؟ فی ذلک الا رضائک ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

بسمه الرحمن الرحیم

سبحانک اللهم یا الهی یشهد بلسان سرّی و جهری

\*\*\*ص369\*\*\*

و اعضائی و جوارحی و عروقی و اشعاری بانک انت الله لا اله الا انت لم تزل کنت مقدساً عن الامثال و الاشباه و منزهاً عما فی الابداع و الاختراع کنت فی ازل الازال متوحداً بسلطان تفریدک و متعالیاً من شئونات خلقک فلما اردت اظهار سلطنتک و اعلاء کلمتک و هدایة بریتک اصطفیت احداً من عبادک و ارسلته بایات سلطنتک و بینات احدیتک لیتم حجتک علی الامکان و یکمل برهانک علی من فی الاکوان فلما ظهر بامرک و نادی العباد الی شطر مواهبک و افق عرفانک اختلفوا منهم من سمع النداء و اجابک من غیر ان یتوقف فی اقل من آن و منهم من اعرض و اتبع هواه اسئلک یا الهی باسمک الاعظم ان تجتذب الامم بالکلمة التی جعلتها سلطان الکلمات فی ایامک و بها ظهرت لالی علمک المکنون و جواهر اسرارک المخزون ان لاتجعلهم محروماً عما اردت لهم بجودک و احسانک و لاتجعلهم بعیداً عن شاطی بحر قربک ای رب یشهد کل الوجود من الغیب و الشهود بان رحمتک سبقت الممکنات و عنایتک احاطت الموجودات اسئلک ان تنظر الیهم بلحظات اعین رحمانیتک انک انت الغفور

\*\*\*ص370\*\*\*

 و انک انت العطوف فاعمل بهم ما ینبغی لجلالک و شانک و عظمتک و جودک و کرمک لا بما هم علیه من حدودات البشریة و الشئونات العرضیة ای رب انتم تعلم بانی احد من عبادک ذقت حلاوة بیانک و اعترفت بوحدانیتک و فردانیتک و توجهت الی مصدر اسمائک الحسنی و مطلع صفاتک العلیا و اردت ان تدخلنی فی لجة بحر احدیتک و طمطام یمّ وحدانیتک ای رب ایدنی علی ما اردت و لاتجعلنی محروماً عما عندک و اجذبنی ببدایع ایاتک علی شان لایمنعنی شئونات الدنیا و ما فیها عن التوجه الیک و الاستقامة علی امرک و النظر الی افق فضلک ثم وفقنی یا الهی علی ما تحب و ترضی و اکتب لی خیر الدنیا و الاخرة و قدّر لی مقعد صدق عندک انک انت المقتدر علی ما تشاء و الحاکم علی ما ترید لا اله الا انت المتعالی العزیز العظیم و الحمد لک یا اله العالمین و معبود العالمین

بسم الله الاقدس الابهی

یا الهی هذه ایام فیها فرضت الصیام علی عبادک و به طرزت دیباج کتاب اوامرک بین بریتک و زینت صحائف احکامک لمن فی ارضک و سمائک و اختصصت کل ساعة منها بفضیلة لم یحط بها الا علمک الذی

\*\*\*ص371\*\*\*

احاط الاشیاء کلها و قدّرت لکل نفس منها نصیباً فی لوح قضائک و زبر تقدیرک و اختصصت کل ورقة منها بحزب من الاحزاب و قدّرت للعشاق کاس ذکرک فی الاسحار یا رب الارباب اولئک عباد اخذهم سکر خمر معارفک علی شان یهربون من المضاجع شوقاً لذکرک و ثنائک و یفرون من النون طلباً لقربک و عنایتک لم یزل طرفهم الی مشرق الطافک و وجههم الی مطلع الهامک فانزل علینا و علیهم من سحاب رحمتک ما ینبغی لسماء فضلک و کرمک سبحانک یا الهی هذه ساعة فیها فتحت ابواب جودک علی وجه بریتک و مصاریع عنایتک لمن فی ارضک اسئلک بالذین سفک دمائهم فی سبیلک و انقطعوا عن کل الجهات شوقاً للقائک و اخذتهم نفحات وحیک علی شان یسمع من کل جزء من اجزاء ابدانهم ذکرک و ثنائک ان لاتجعلنا محروماً عما قدرته فی هذا الظهور الذی به ینطق کل شجر بما نطق به سدرة سینا لموسی کلیمک و یسبح کل حجر بما سبح به الحصاة فی قبضة محمد حبیبک فیا الهی هولاء عبادک الذین جعلتهم معاشر نفسک و موانس مطلع ذاتک

\*\*\*ص372\*\*\*

و فرقتهم اریاح مشیتک الی ان ادخلتهم فی ظلک و جوارک ای رب لما اسکنتهم فی ظل قباب رحمتک وفقهم علی ما ینبغی لهذا المقام الاسنی ای رب لاتجعلهم من الذین فی القرب منعواا عن زیارة طلعتک و فی الوصال جعلوا محروماً عن لقائک ای رب هولاء عباد دخلوا معک فی هذا السجن الاعظم و صاموا فیه بما امرتهم فی الواح امرک و صحائف حکمک فانزل علیهم ما یقدسهم عما یکرهه رضائک لیکونوا خالصاً لوجهک و منقطعاً عن دونک فانزل علینا یا الهی ما ینبغی لفضلک و یلیق لجودک ثم اجعل یا الهی حیاتنا بذکرک و مماتنا بحبک ثم ارزقنا لقائک فی عوالمک التی ما اطلع بها احد الا نفسک انک انت ربنا و رب العالمین و اله من فی السموات و الارضین فیا الهی تری ما ورد علی احبائک فی ایامک فو عزتک ما من ارض الا و فیها ارتفع ضجیج اصفیائک و منهم الذین جعلهم المشرکون اساری فی مملکتک و منعوهم عن التقرب الیک و الورود فی ساحة عزک و منهم یا الهی تقربوا الیک و منعوا عن لقائک و منهم دخلوا فی جوارک طلباً للقائک و حال بینهم و بینک سبحات خلقک و ظلم طغاة بریتک ای رب هذه ساعة جعلتها خیر

\*\*\*ص373\*\*\*

 الساعات و نسبتها الی افضل خلقک اسئلک یا الهی بک و بهم ان تقدر فی هذه السنة عزاً لاحبائک ثم قدّر فیها ما یستشرق به شمس قدرتک عن افق عظمتک و یستضئی بها العالم بسلطانک ای رب فانصر امرک و اخذل اعدائک ثم اکتب لنا خیر الاخرة و الاولی و انک انت الحق علام الغیوب لا اله الا انت الغفور الکریم

بسم الله الامنع

سبحانک یا الهی امة من امائک امنت بک فی هذا الظهور الذی تجلیت به علی اهل مملکتک باسمائک الحسنی و صفاتک العلیا و اخذتها ارایح محبتک علی شان اقبلت الیک و انقطعت عن سوائک اسئلک یا الهی بنفسک و بالذی سجن فی سبیلک و حمل البلایا فی حبک بان لاتدعها بنفسها فاحفظها عن دمی الشیاطین الذین یدعون الناس الی دونک قرّ یا الهی عینها بالنظر الی افق الطافک انک انت الحاکم علی ما تشاء و انک انت العزیز الکریم

بسمه العطوف

سبحانک یا الهی اسئلک باسمک الاعظم الذی مه تموج بحر القدم بان ترزق احبتک خمر احدیتک ثم

\*\*\*ص374\*\*\*

انطقهم بین خلقک بذکرک و ثنائک ای رب انت تعلم بانی ما اردت لم الا ما یقربهم الی سماء فضلک و ما امرتهم الا بما ا مرت به من عندک ای رب فافتح علی وجوههم ابواب رحمتک ثم احفظهم فی جوار فضلک ثم اجعلهم مستقیماً علی حبک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المقتدر العزیز الحکیم

بسمه الله الاقدس الابهی

سبحانک اللهم یا الهی لک الحمد بما جعلتنی مرجع القضایا و مطلع البلایا لحیوة عبادک و خلقک فو عزتک یا محبوب العالمین و مقصود العارفین لا ارید الحیوة الا لاظهار امرک و ما اردت البقا الا لمّس البلایا فی سبیلک اسئلک یا من بندائک طارت افئدة المقربین بان تنزل علی احبتک ما یجعلهم غنیّاً عما سواک ثم استقهم علی شان یقومن علی امرک و ینادیک بین سمائک و ارضک بحیث لایمنعهم ظلم الفراعنة من عبادک انک انت المقتدر المتعالی العزیز الحکیم

بسم الذی ینطق عن افق الابهی

سبحانک یا الهی تری عبادک الاخیار تحت ایادی الاشرار الذین کفروا باسمک المختار و انکروا عظمتک

\*\*\*ص375\*\*\*

و اختیارک و قدرتک و اقتدارک و یقولون ما قاله الیهود من قبل ای رب فاخرج ید قدرتک من رداء عظمتک ثم انصر بها احبتک الذین ما منعوا عن افق وحیک بعد الذی ورد علیهم فی سبیلک ما ناح به سکان ملکوت امرک ای رب فاختم قلوبهم بخاتم عصمتک لئلا یدخل فیها ذکر غیرک ثم اجعلهم منادیاً باسمک بین خلقک ثم ارزقهم خیر ما قدّرته للمقربین من اصفیائک انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت العزیز المستعان

بسم الله الاقدس الابهی

سبحانک یا الهی اشهد بان کل ذکر بدیع منع عن الارتقاء الی سماء عرفانک و کل ثناء جمیل منع عن الصعود الی هواء علمک لم تزل کنت مقدساً عن ذکر عبادک و منزهاً عن وصف ارقائک ما شان العدم لیذکر تلقاء القدم اشهد بان توحید الموحدین و منتهی ذکر العارفین یرجع الی المقر الذی خلق من قلم امرک و ذوّت بارادتک فو عزتک یا محبوب البهاء و خالق البهاء لا یری البهاء لنفسه الا العجز عن ذکرک و ثنائک علی ما ینبغی لعظمتک و اجلالک لما کان الامر کذلک اسئلک برحمتک

\*\*\*ص376\*\*\*

 التی سبقت الکائنات و فضلک الذی احاط الممکنات ان تقبل من عبادک ما یظهر منهم فی سبیلک ثم ایدهم علی اعلاء کلمتک و انتشار ذکرک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز الحکیم

بسم الله الابدع الابهی

لک الحمد یا الهی بما اظهرت سلطان الایام الذی بشرت به اصفیائک و انبیائک فی الواح عز احدیتک و فیه تجلیت علی کل الاشیاء بکل الاسماء طوبی لمن اقبل الیک و فاز بلقائک و سمع نغماتک ای رب اسئلک باسم الذی یطوف فی حوله ملکوت الاسماء ان توید احبائک علی اعلاء کلمتک بین عبادک و ذکرک بین بریتک لتاخذ جذبات وحیک من فی ارضک ای رب لما هدیتهم الی کوثر فضلک لاتمنعهم بجودک و لما دعوتهم الی مقر عرشک لاتطردهم بعنایتک فانزل علیهم یا الهی ما یجعلهم منقطعاً عن دونک و طائراً فی هواء قربک علی شان لاتمنعهم سطوة الظالمین و لا اشارات الذین کفروا بنفسک العلی العظیم

بسم الله الاقدس الابهی

سبحانک یا من بیدک ملکوت الاسماء و فی قبضة قدرتک من فی الارض و السماء اسئلک باسمک الابهی الذی جعلته هدفاً لسهام القضا فی سبیلک یا ملیک البقا بان تخرق احجاب التی منعت بریتک عن افق احدیتک لعل یتوجهون الی شطر رحمتک و یتقربون الی افق عنایتک ای رب لاتدع عبادک بانفسهم فاجذبهم بایاتک الی مطلع وحیک و مشرق الهامک و مخزن علمک انت الذی شهد کل شیئ بقدرتک و اقتدارک و ما منعک من امرک ما خلق فی ارضک و سمائک فانصر یا الهی عبادک الذین توجهوا الیک و اقبلوا الی مقر فضلک ثم انزل یا الهی علیهم ما یحفظهم عن التوجه الی غیرک و النظر الی سوائک انک انت المقتدر علی ما تشاء و الحاکم علی ما ترید لا اله الا انت العزیز الحکیم

هوالاقدس الابهی

سبحانک یا الهی انت الذی سبقت رحمتک الممکنات و عنایتک الکائنات اسئلک باسمک الاعظم الذی به فصّل بین الامم بان تنزل من سحاب رحمتک ما یطهر به اهل مملکتک لیتقربوا الی مطلع وحیک و مشرق الهامک و مخزن علمک و مکمن ارادتک ای رب فانزل علی احبائک من کل ذکر و انثی ما ینبغی

\*\*\*ص378\*\*\*

لکرمک یا من بیدک ملکوت الاسماء ثم قدّر لکل نفسٍ ما یقر به الیک فی الدنیا و الاخرة انک انت المعطی العزیز الکریم

هوالابهی

سبحانک یا خالق الاسماء و فاطر الارض و السماء اسئلک باسمک الابهی الذی بحزنه ناح سکان رضوانک الاعلی بان ؟؟ امائک سلسبیل ذکرک و کوثر حبک ثم اجعلهن یا الهی مبشرات فی ایامک و ذاکرات بثنائک و عاصمات عن کل ما یکرهه رضائک و طائفات حول ارادتک و متوجهات الی مشرق مشیتک و مطلع ارادتک انک انت المقتدر المتعالی المهیمن العزیز السلطان

الابهی الله لا اله الا هو المهیمن القیوم الاعظم الابهی

سبحانک اللهم یا الهی فالبس قلوب احبائک ؟؟ الاستقامة و الاطمینان لئلا یوثر فیها سهام اشارات الذین کفروا بسلطان الامکان ثم زین روسهم باکلیل اسمک الرحمن ثم انزل علیهم من سحاب رحمتک و سماء عنایتک ما یجعلهم غنیّاً عما سواک و منقطعاً عما دونک انک انت المختار فی امرک و المطاع فی حکمک

\*\*\*ص379\*\*\*

و المحبوب فیما ترید لا اله الا انت المقتدر العزیز المستعان

الابهی الله لا اله الا هو المهیمن القیوم هوالابهی

سبحانک اللهم یا الهی قوّ قلوب احبائک بقدرتک و سلطانک لئلا یخوّفهم من فی ارضک ثم اجعلهم یا الهی مشرقا عن افق عظمتک و طالعاً عن مطلع قدرتک لئلا تمنعهم اشارات الذین کفروا بایاتک ثم ایدهم یا الهی علی نصرة امرک فی مملکتک و ذکرک بین خلقک انک انت المقتدر المتعالی العزیز الفرید

بسم الله الابدع الابهی

سبحانک یا الهی تری ما ورد علی اصفیائک فی سبیلک و تعلم ما حملوا فی حبک و رضائک و تسمع من کل شطر حنین احبتک و ضجیج صفوتک ای رب اسئلک بسلطانک الذی احاط من فی سمائک و ارضک بان ؟؟ ثابتا علی امرک و مستقیما علی ذکرک و ثنائک ای رب لما ذاقوا کاس القضایا لامرک لاتطردهم عن جوار رحمتک ثم انزل علیهم من سحاب تقدیر لما تحیی به قلوبهم و تطمئن به نفوسهم لئلا تمنعهم سطوة الظالمین عن النظر الی افق عنایتک و التوجه الی شطر امرک

\*\*\*ص380\*\*\*

انک انت لم تزل کنت مقتدرا باقتدارک و مهیمنا بسلطانک و ما منعک اعراض العباد عما اردته به ؟؟؟ لا اله الا انت المقتدر المتعالی العلیم الحکیم

بسم الله الاقدس الابهی

سبحانک اللهم یا الهی تری مقصود العالمین تحت سیوف المشرکین و تسمع ضجیج المشتاقین الذین ؟؟؟ و اقبل الیک فی ؟؟؟؟ اسئلک یا خالق فی سماء و ؟؟؟؟؟ احبائک ما یجعلهم منقطعا عن دونک لن ؟؟؟ علی امرک ای رب فافتح علی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ای رب لاتمنعهم عما عندک ثم ارزقهم قربک و لقائک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العلیم الحکیم

هو البهی الابهی

سبحانک اللهم یا الهی هذا ندائک قد ارتفع عن یمین عرش عظمتک فاجتذب به قلوب عبادک یا من فی قبضتک من فی سمائک و ارضک اتطردهم

\*\*\*ص381\*\*\*

یا الهی و انت ؟؟؟؟؟؟و انت المعطی ؟؟؟؟ فضلک العظیم یا ؟؟؟؟؟و انک انت ارحم الراحمین

هوالله الاعز الابهی

سبحانک اللهم یا فاطر السماء و مالک الاسماء اسئلک بجمالک الذی اشرقت عن افق البهاء بان تجمع احبتک فی ظل قباب فضلک ثم اشربهم ما یحیی به قلوبهم فی ایامک انک انت المقتدر المهیمن العزیز القیوم

بسم الله الاقدس الامنع الابهی

سبحانک اللهم یا الهی لک الحمد بما تجذبتنی لحیوة العالمین و لک الحمد بما حبستنی ؟؟؟ العالمین ؟؟؟؟ بان لاتطرد عبادک عن مشرق فضلک و لاتمنعهم عن کوثر الحیوان فی ایامک انک انت المقتدر المهیمن القیوم

؟؟؟؟؟؟ الابهی

سبحانک اللهم یا الهی لک الحمد بما جعلتنی اسیراً بایدی الظالمین فی سبیلک ؟؟؟؟؟؟ حلاوة ما شربت من کاس ؟؟؟ فی حبک ای رب عرف عبادک جمالک و ؟؟؟

\*\*\*ص382\*\*\*

محروماً عن خمر رحمتک التی جرت من اصبع مشیتک فی ایامک انک انت المقتدر القدیر

هوالاعظم الابهی

سبحانک اللهم یا الهی لک الحمد بما انفقتنی لاحیا؟ من فی ؟؟؟ و ارضک و جعلتنی هدف السهام القضا الا ؟؟؟؟؟؟؟؟ انک انت العزیز الوهاب

بسم الله الاعظم الابهی

سبحانک اللهم یا الهی لک الحمد بما جعلتنی سراج الظالمین و ضیاء ؟؟ انت ؟؟ یا الهی بان ؟؟؟؟ الی عبادک خلصهم یا الهی عن النفس و الهوی و ؟؟؟؟ فی ایامک انک انت الکریم لا اله الا انت العظیم

بسم الله الاعظم الابهی

سبحانک اللهم یا الهی لک الحمد بما سقیت البهاء کاس القضا فو عزتک یا مالک الاسماء بمحبتک لایجزع البهاء عن البلاء و به یفتخر علی من فی الارض و السماء اسئلک بان لاتخیب الاملین عن شطر رحمتک انک انت المقتدر العزیز الکریم

\*\*\*ص383\*\*\*

هوالبهی الابهی

سبحانک اللهم یا اله الاسماء زین راس البهاء بتاج الشهادة فی سبیلک کما زینت هیکله بطراز البلا بین اهل مملکتک و قرب المشتاقین الی افق فضلک الذی اشرق منه شمس جمالک ثم قدّر لهم ما یجعلهم غنیاً عما سواک و منقطعاً عن الذین کفروا بایاتک لا اله الا انت المهیمن القیوم

هو ؟؟؟؟؟؟

سبحانک اللهم یا مالک الامم و محیی الرمم و ملیک القدم اسئلک باسمک الاعظم بان ؟؟؟ العباد و ؟؟؟؟؟؟؟؟ یا الهی انهم قوم لایفقهون و لایعلمون ؟؟؟؟ و انک انت العلیم الغفور الرحیم ثم استقر یا الهی قلوب احبائک علی صراط الذی ؟؟؟ باسمک البهی الابهی انک انت الحاکم علی ما تشاء و انک انت العلی العظیم

بسمه القائم بلا انتقال

لک الحمد یا الهی بما اسقیتنی فی سبیلک کاس القضا و جعلتنی اسیرا بایدی الاشقیا فو عزتک لو تقطعنی احد؟؟؟؟؟؟؟؟ اخرج من ظل رحمتک

\*\*\*ص384\*\*\*\*

و ینطق کل عضوی بانک انت الله رب العالمین اسئلک یا فاطر الوجود بان تجعلنی مستقیما علی صراطک الممدود ثم انطقنی بذکرک بین اهل مملکتک علی شان لایمنعنی حجبات الذین کفروا بک یا ربی العزیز الودود

بسمه القیوم علی القائم

سبحانک یا الهی تعلم بان البها فی هذه الشداید ما یرید الرخاء بل رخائه فی کل الاحیان ما انت اردت له یا من بیدک جبروت الفضل و الاحسان اسئلک بان تنزل من سماء عنایتک علی احبتک ما یحددهم فی حبک و ینطقهم بثنائک و یحفظهم عما یکرهه رضاک لیجتمعوا علی ذکرک بین خلقک ای رب قدّسهم عن کل ما لاینبغی لامرک انک انت ولهم فی الدنیا و الاخرة لا اله الا انت العزیز الجمیل

هوالعلی

سبحانک یا الهی اسئلک بانوار وجهک بان تلبس اهل الامکان رداء الغفران و زین یا الهی هیاکلهم باثواب الرحمة و الاحسان ای رب هم ضعفاء و انت القوی القدیر و هم فقراء و انت الغنی القدیم

\*\*\*ص385\*\*\*

ای رب فاجذب کل قلب الی مشرق وحیک و کل عین الی منظر عنایتک انک انت المقتدر المهیمن القیوم

بسم الله الاقدس الابهی

سبحانک یا الهی تری بهائک فی حصن العکا مسجونا و مظلوماً بما اکتسبت ایدی الاشقیا الذین منعهم الهوی عن التوجه الیک یا مالک الاسماء فو عزتک لایمنعنی البلا عن ذکرک و ثنائک ان البلیة فی حبک رحمتک علی خلقک و الرزیة فی سبیلک نعمتک لاصفیائک اشهد بان بالبلاء اضاء وجه البهاء عن مشرق البقاء و به زیّن هیکله بین الارض و السماء ای رب اسئلک باسمک الاعظم ان توید الذین امنوا بک و بایاتک علی الاستقامة علی حبک و التوجه الی مطلع شمس عنایتک فالهمهم یا الهی بما ینطقهم بذکرک و یقربهم الیک فی الدنیا و الاخرة انک انت المقتدر العزیز المنان

العزیز العظیم سبحانک یا الهی تری اسمک الاعظم و سرّ القدم فی ظلل الاحزان و احاطته جنود الشیطان فو عزتک یا ربی الرحمن اکون مشرقا من افق البلا

\*\*\*ص386\*\*\*

بسلطانک و عظمتک و لا؟؟ من افق التبیان بثناء نفسک اسئلک یا اله الاسما و فاطر السما بان تنزل علی قلوب المخلصین ما یقربهم الیک و ینطقهم بثنائک بین خلقک بانقطاع ینجذب منه قلوب بریتک و ؟؟ منه جبال الارض بقدرتک لا اله الا انت المقتدر المتعالی العلی الابهی

البهی الاعلی

یا الهی و ربی کیف اشکرک بما جعلتنی مشرق البلایا فی سبیلک و مطلع القضایا فی حبک و رضائک فو عزتک یا محبوب العالمین و مقصود العارفین لایمنعنی الاسیاف عن التوجه الی وجه وحدانیتک و لا الرماح عن السلوک فی مناهج عز فردانیتک هل یستریح العاشق بعد الذی او قدت قلبه بنار الاشتیاق فی حبک و هل یسکن المرید الصادق بعد الذی مرت علیه نفحات قمیص رحمتک لا فو عزتک لاتمنع العشاق اریاح النفاق و لا اهل الاشتیاق سطوة الافاق کذلک قضی الامر من قلم عز منیر و الحمد لنفسی العلیم الخبیر

الاقدس الابهی

\*\*\*ص387\*\*\*

تری یا الهی کیف اشتعلت نار الاعتساف و خبت مصابیح الانصاف الی ان اخرجونا عبادک الاشقیا عن الاوطان و جعلو ما اساری بایادی اهل الطغیان بما اقبلنا الی شریعة رضائک و توجهنا الی مطلع ایاتک و مشرق انوار وجهک فلما کان تقصیرنا عندهم هذا فو عزتک قبلنا ضر العالمین فی حبک و رضائک و نسئلک بان لاتجعلنا ؟؟ فی اقل رجع البصر عن منظرک الاکبر لا اله الا انت العلیم الحکیم

بسم الله الاعظم الاعظم

لم ادر یا الهی بایّ نار او قدت سراج امرک و بایّ زجاجة حفظته من اعادی نفسک فو عزتک صرت متحیرا فی بدایع امرک و ظهورات عظمتک اری یا مقصودی بان النار لو یمسّها الماء تخمد فی الحین و هذه النار لاتخمدها بحور العالمین و اذا یصّب علیها الماء تنقلبه ایدی قدرتک و تجعله دهناً لها بما قدّر فی الواحک و اری یا الهی بان المصباح اذا احاطته الاریاح یطفی فی نفسه لم ادر یا محبوب العالمین بایّ قدرة حفظته فی سنین معدودات من اریاح التی تمر فی کل الاحیان من شطر مظاهر الطغیان

\*\*\*ص388\*\*\*

فو عزتک یا الهی ان سراجک فی هیکل الانسان ینادیک و یقول ای محبوبی الی متی ترکتنی فارفعنی الیک و لو ان ما اتکلم به لم یکن الا من لسان بریتک ولکن انت تعلم بانی ارید ان افدی نفسی فی سبیلک و انک جعلت ارادتی نفس ارادتک و مشیتی ذات مشیتک اسئلک ان تحفظ احبائک فی ظل رحمتک الکبری لئلا یمنعهم البلایا عن شطر اسمک العزیز الوهاب

الاعظم الاعظم

یا محرق قلوب العشاق اسئلک بنیر الافاق بان تنزل فی قلب احبائک سکینة من عندک لئلا یمنعهم البلایا عن التوجه الیک و ما احلی یا الهی بلایاک فی مذاق المقربین من عبادک و ما الذّ قضایاک فی فم المخلصین من احبائک فو عزتک راس البها مع ما اعتراه من البلا لایسکن علی ؟؟؟ و لایستریح جسده علی البهاء هل ؟؟؟ عیون العشاق و سلسبیل ارقاد و هل تطفی نار الاشتیاق التی اوقدتها فی الفواد لا فو نفسک یا مالک الایجاد و ملیک یوم التناد طوبی ثم طوبی لعبادک الذین انت تدعو نفسک بالسنهم و تذکر سلطانک من ؟؟؟ فو عزتک لم یکن هذا الا من عنایتک و رحمتک

\*\*\*ص389\*\*\*

و مواهبک و فضلک و بما حملوا فی حبّک ما لا حمله قبلهم من خلقک انک انت العلیم الحکیم

هو الاقدس

سبحانک یا الهی اسئلک بفصل الخطاب الذی به قلع اصل الارتیاب و ظهر سرّ اسمک العزیز الوهاب بان تحفظ کل صغیر دخل فی ظل رحمتک ثم ارحم یا الهی رضایع الذین اخرجهم القوم عن دیارهم فی حبک حین الذی استرضعوا من امهاتهم ای رب فارحمهم برحمتک و انت ارحم الراحمین

بسم الله القدمیّ بلازوال

یا الهی تری و تعلم بانّ المعتدین اعتدوا علی احبائک الذین اقبلوا الی مشرق وحیک و مطلع الهامک و مصدر امرک و اخرجوهم مع اطفالهم و نسائهم عن ؟؟ بعد الذی ما ظهر منهم الا ما امرتهم به من قلمک الاعلی ای رب اسئلک باسمک الابهی بان تنزل من سماء عنایتک ما یعزّ به الموحدون و یخذل به المشرکون لا اله الا انت المهیمن القیوم

بسم الله الاقدس الاعلی

سبحانک اللهم یا الهی تری احبائک فی دیار الغربة

\*\*\*ص390\*\*\*

و ذلّتهم بین البریة و لو ان ذلة احبائک فی سبیلک عزه لهم ولکن اسئلک یا الهی بسلطان الاسماء الذی به زینت الارض و السماء بان تنزل علی عبادک و امائک ما یجعلهم ایات عزتک بین خلقک و بینات اقتدارک بین عبادک ای رب قد غلت الصدور فی بغضک و قام کل نفس علی احبائک قد اشتد الامر علی شان لا یرحمون القوم علی الصغیر و الکبیر و کلما یسمعون من احدٍ ذکرک یعترضون علیه اسئلک یا منزل الایات و مظهر البینات بان تطهر الارض من هولاء الفجار انک انت المقتدر المختار لا اله الا انت العزیز الکریم

الاقدس الاقدس

سبحانک یا الهی اسئلک بسراج الذی به اضاء الممکنات و بسلطانک الذی احاط الکائنات بان تنزل علی عبادک و امائک من سماء عنایتک و سحاب رحمتک ما یجعلهم منقطعاً عن دونک و مستقیما علی حبک و رضائک ای رب یشهد کل لسان بسلطنتک و اقتدارک اسئلک بنفسک بان لاتطرد الذین توجهوا الیک و تشبثوا بذیل رحمتک ثم اجمعهم یا الهی فی ظل سدرة وحدانیتک لیسمعن باذانهم ندائک و ما نزل

\*\*\*ص391\*\*\*

عن یمین عرش عظمتک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز الوهاب

هو العالم و لا معاوم

یا رب الارض و السماء موجد الاسماء تسمع ضجیج الابهی من حصن العکاء و تری احبائه الاسراء بایدی الاشقیاء ای رب لک الحمد بما ورد علینا فی سبیلک یا لیت قدرت لظاهر جسدی عمر الاولین و الاخرین بل ما یحصیه احد من العالمین و نزلت فی کل ان ملاء جدیدا فی حبک و رضائک ولکن یا الهی انت تعلم بانی ما اردت الا ما اردت و قضیت لی بان ارتقی الی الرفیق الابهی و الملکوت الاسنی ای رب قرّ به بفضلک و عنایتک ثم انزل علی احبتک ما لا یضطربهم بعدی انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز الحکیم ای رب تری بان احبائک خرجوا عن دیارهم شوقا للقائک و منعهم المشرکون عن زیارة طلعتک و الطواف حول حرم کبریائک ای رب فانزل علیهم صبراً من عندک و سکونا من لدنک انک انت الغفور الرحیم

بسم الله الاقدس

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک بقلمک الذی منه

\*\*\*ص392\*\*\*

احییت العالمین و باسمک الذی منه ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

بسم الله ؟؟ الابهی

سبحانک اللهم یا ؟؟؟ الملوک و راحم المملوک اسئلک باسمک الذی ؟؟؟؟؟؟ بسلطننک فی ؟؟؟؟؟ عبادک الذین ؟؟ فی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟اقتدارک ای رب فارحم صغیرنا و کبیرنا برحمتک ثم ادخلنا فی ؟؟؟ عنایتک و الطافک ای رب انت تعلم ؟؟؟؟ و علینا فی سبیلک فاکتب ؟؟؟ ما فی الواحک و قدّرک ما عندک من بدایع فضلک و احسانک انک انت المقتدر فیما ترید و انک انت

\*\*\*ص393\*\*\*

اله العالمین ؟؟؟؟ و العارفین لا اله الا انت العزیز الحکیم

الاقدس الابهی

سبحانک یا الهی اسئلک بانوار وجهک و ظهورات سلطنتک و شئونات عظمتک و اقتدارک بان تنزل علی المخلصین من احبتک ما ؟؟ عن ا لنفس و الهوی و یجعلهم خالصا لوجهک ؟؟؟ ای رب قد قضت ؟؟؟؟؟و نزل فیها علی ؟؟؟؟؟ ؟؟؟؟؟؟ سلطانک ثم اجعلم ؟؟؟ علی ؟؟ الذین ؟؟ بایاتک و ؟؟؟؟؟ و مطلع ذاتک انک انت المقتدر الذی و ؟؟؟ قدرتک شیئ؟؟؟؟؟ قضائک امره لا اله الا انت ؟؟؟ المقتدر القدیر

بسم الله العزیز العظیم

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به زینت دیباج کتاب الابداع بان تجعل امائک اللائی ؟؟؟ فی سبیلک من ؟؟؟ جنة الابهی ثم انزل علیه من فی کل حین ؟؟؟ عن التوجه الی دونک ای رب ؟؟؟ اقبلن الیک و هاجرن فی سبیلک فافعل ؟؟ ما ینبغی لشانک و یلیق

\*\*\*ص394\*\*\*

لسلطانک انک انت المقتدر علی من فی السموات و الارض لا اله الا انت العلیم الحکیم

بسم الله القادر المتعال

سبحانک یا الهی ؟؟؟ بانی قبل بلوغی صرت ؟؟؟ لتبلیغ امرک بین عبادک و انتشار ذکرک بین اهل ارضک اسئلک بنفسک العلیا و ؟؟؟الکبری و اسمائک الحسنی و ان ؟؟؟ من اهل فردوسک الذین اقروا بوحدانیتک و اعترفوا بفردانیتک و اقبلوا الی شطر رحمتک و ؟؟؟؟ انت استشهدوا فی سبیلک و مدوا انفسهم فی حبک و رضائک ای رب ان الکرم ینسب الیک و ؟؟؟ تطوف حولک ؟؟ هذا الصغیر بعنایتک ثم اقبله لخدمتک انک انت جواد کریم لا اله الا انت المقتدر القدیر

بسم الله الباقی الدائم

کیف اذکرک بما ؟؟؟ بعد الذی لدی ماسواک معدوماً عند ظهورات سلطنتک و کلیلا عند تغردان ؟؟؟ احدیتک فو عزتک ؟؟؟ ان قلم الاعلی یتحرک علی لوح الامکان و لسان العظمة ینطق فی رضوان البیان مع ذلک کیف یلیق بحضرتک صریر قلم

\*\*\*ص395\*\*\*

عبادک و ثناء ؟؟؟؟ منهم و تستجب لهم لم یکن هذا الا من بدایع فضلک و علو کرمک و الطافک من ؟؟؟؟؟؟ اشهد یا الهی بان ؟؟؟؟؟؟؟ و قلمک یلیق ان ؟؟؟؟ علی ذکرک و وصلک کل الاسماء ؟؟؟؟؟ عند ظهور اسمک الاعظم ؟؟؟؟؟ کل شیئ فی ایامک ؟؟؟؟؟؟؟؟؟و لاتدعهم بانفسهم فی اقل من انٍ و انک انت المقتدر العزیز المستعان

الاقدس الابهی

سبحانک یا الهی لک الحمد بما بلغت امرک و اظهرت سلطنتک و اقتدارک و ارسلت الی کل ؟؟؟؟؟ و علیه ما اردته لبریتک بعد الذی کنت مسجونا بایدی الغافلین من خلقک اشهد یا الهی بانک انت المقتدر علی ما تشاء لایمنعک الظلم عما اردته بمشیتک تحکم ما شئت بامرک و تفعل ما ترید بسلطانک اسئلک یا الهی بهذه القدرة التی قلبت الاشیا بان تنصر الذین اقبلوا الیک و نصروا مظهر نفسک ثم اجعلهم ؟؟؟؟

\*\*\*ص396\*\*\*

الذین ما منعتهم حجاب البشر عن النظر الی المنظر الاکبر انک انت المقتدر العزیز الحکیم

بسم الله الاقدس الابهی

سبحانک اللهم یا الهی ترانی الیوم فی السجن بین ایدی اعدائک و الابن علی التراب ما وجهک ای رب هذا عبدک الذی نسبته الی مطلع ذاتک و مشرق امرک اذا ولد ابتلی بالعراق بما جری علیه حکم قضائک و اذا شرب رحیق الوصال ابتلی بالسجن بما امن بک و بایاتک و کان یخدم جمالک الی ان ورد فی هذا السجن الاعظم اذا یا الهی فدیناه فی سبیلک و تری ما ورد علی احبائک فی هذه المصیبة التی فیها ناحت القبائل و عن ورائها اهل ملا الاعلی ای رب اسئلک به و غربته و سجنه بان تنزل علی احبائه ما تسکن به قلوبهم و تصلح به امورهم انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المقتدر القدیر

هوالاقدس الابهی

سبحانک اللهم یا الهی هذا یوم من ایام رضوانک و فیه استدعی حدمن عبادک مظهر ذاتک و مطلع سلطانک و زین موضعا من مواضع السجن لجمالک الابهی یا اله الارض و السما یا حبّذا للساعة التی فیها خرج مطلع

\*\*\*ص397\*\*\*

قیومیتک من مقره مقبلا الی مقر اخر من السجن اسئلک یا سلطان الاسما و فاطر الارض و السما بان تکتب لاحبتک الذین منعوا عن الدخول فی جوار رحمتک و الحضور لدی عرش عظمتک اجر من فاز بلقائک و زار جمالک ای رب تسمع حنینهم فی هجرک و صریخهم فی فراقک اسئلک بان تکتب لهم کل خیر من عندک انک انت المقتدر علی ما ترید لا اله الا انت العزیز الجمیل

الاعظم الاقدس

سبحانک اللهم یا الهی انت الذی اجتذبت قلوب عبادک و امائک ببدایع نغماتک و الحانک ثم ترکتهم فی ؟؟الفراق بما قضی من قلم قضائک و اشربتهم کوثر حبک و جعلتهم من الذین بعدوا عن رضوان وصالک و منعوا عن الدخول فی حرم قربک و لقائک اشهد یا الهی بان کل ما ینزل من عندک و یستشرق من افق امرک و ارادتک انه خیر لعبادک و بریتک اسئلک یا مسخر الاریاح و فالق الاصباح بان تجعلنی مویدا لذکرک بین خلقک و موفقا علی ثنائک فی بلادک انک انت المقتدر الذی لایعجزک شیئ و سلطان الذی لایمنعک امر تفعل ما اردته بقدرتک و تحکم ما شئته بمشیتک انک انت

\*\*\*ص398\*\*\*

المقتدر المتعالی العزیز الحکیم

الاقدس الاعظم الابهی

سبحانک یا الهی قد اخذتنی نفحات وصلک علی شان نسیت نفسی و ماعندی ان هذا الا من بدایع فضلک و مواهبک لک الحمد یا الهی علی ما اصطفیتنی بین بریتک و جعلتنی مطالع قوتک و مظهر قدرتک و اظهرت منی من ایاتک و شئونات عظمتک و اقتدارک ما عجز عنها من فی ارضک و سمائک ای رب اسئلک باسمک الابهی بان تعرف اهل البها ما قدّرت لهم ثم احفظهم فی حصن ولایتک و سرادق عصمتک لئلا بظهر منهم ما یختلف به عبادک ای رب فاجمعهم علی شاطی هذا البحر الذی کل فطرة منه تنادی بانک انت الله لا اله الا انا العزیز الحکیم ای رب عرّفهم عظمة امرک لئلا یشتبه علیهم سلطنتک و اقتدارک فو عزتک یا محبوب العالمین لو عرفوا ما تکلموا بما لا قدّرت لهم فی سماء مشیتک ای رب فالهمهم عجز انفسهم تلقاء مظهر نفسک و علیهم فقر ذواتهم لدی ظهورات غنائک و استغنائک لیجمعوا علی امرک و یتشبثوا بذیل رحمتک و یتمسّکوا بحبل ارادتک انک انت مولی العالمین و ارحم الراحمین

\*\*\*ص399\*\*\*

بسم الله الامنع الاقدس الابهی

تری یا الهی بان البها یذکرک بعد الذی ورد علیه من البلاء الا یقدر ان یحصیه احد الا نفسک و یثنیک فی السجن بما الهمته من بدایع وصفک علی شان ما منعته الاعداء عن ذکرک یا مالک الاسماء لک الحمد بما جعلته قویا بقوتک و مقتدرا بسلطانک بحیث یری ما سواک کقبضة من التراب و احاطته انوار القدم عی شان لایری مادونک الا کالعدم فلما جاء امرک المبرم قمت بحولک و دعوت من فی سمائک و ارضک الی شطر مواهبک و افق الطافک و منهم من اعترض علی و قام علی ضرّی و قتلی و منهم من شرب خمر افضالک و سرع الی جهة عرشک اسئلک یا خالق الارض و السما و موجد الاشیا بان تجذب العباد بنفحات قمیص وحیک و الهامک و تبلّغهم الی سرادق امرک و اقتدارک لم تزل کنت مقتدرا بقیومیتک و لاتزال تکون متعالیا بسلطانک و الوهیتک فارحم عبادک و بریتک انک انت المقتدر المتعالی العزیز المختار

الاقدس الاظهر

سبحانک یا الهی تسمع حنین الذین ذابوا فی هجرک

\*\*\*ص400\*\*\*

و فراقک و ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

الابهی الابهی

 یا الهی این ابصار القلوب بنور وجهک ؟؟؟ من فی الارضین و السموات ثم ؟؟؟ عبادک

\*\*\*ص401\*\*\*

الاجل عن التوجه الی ؟؟ اسمک الوهاب کم من عباد یا الهی قصدو المقصود و ما بلغوا بما اکتسبت ایدی الفجار ای رب قدّر لکل ؟؟؟؟؟ فازوا بلقائک و ؟؟؟؟ جمالک و سمعوا ایاتک بعد الذی منعت عنها الا ؟؟ تری یا الهی ما حملت ؟؟؟ عبادک و ؟؟؟ اسئلک باسمک الاعظم بان تقربوا الی ما اردت لهم ؟؟ و احسانک انک انت المقتدر ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ثم اکبت لکل واحد منهم خیر الدنیا و الاخرة لشهدن فی قبضتک ملکوت کل شیئ و فی یمینک جبروت الاقتدار

الاظهر الابهی

تری یا الهی اشراق شمس کلمتک من افق سجنک بما ارتفع فیه ذکرک بلسان مظهر ذاتک و مطلع نور احدیتک و بذلک تضوعت نفحات محبوبیتک فی بلادک و احاطت اهل مملکتک یا الهی لما اظهرت فضلک لاتمنع عبادک عن التوجه الیه لا تنظر یا الهی الی مقاماتهم و شئونهم و اعمالهم فانظر الی عظمتک و مواهبک و قدرتک و الطافک و عزتک لو تنظر بعین العدل کل یستحقون غضبک و سیاط قهرک خذ یا الهی ایادی الخلق بایادی فضلک ثم عرفهم ما هو خیر لهم عما خلق فی ملکوت

\*\*\*ص402\*\*\*

الانشاء نشهد یا الهی بانک انت الله لا اله الا انت لم تزل کنت و ما کان احد دونک و لاتزال تکون و مایکون غیرک اسئلک بالابصار التی یرونک مستقراً علی عرش التوحید و کرسیّ التفرید بان تنصر احبتک باسمک الاعظم ثم ارفعهم الی مقام یشهدون بذواتهم و السنهم بانک انت الواحد الفرد الاحد الصمد ما اتخذت لنفسک شریکاً و لا شبیهاً انک انت العزیز المستعان

هوالاقدس الابهی

یا الهی لک الحمد بما طلع فجر عیدک الرضوان و فاز فیه من اقبل الیک یا ربنا الرحمن کم من احبائک یا الهی یرکضون فی برّ الشام شوقاً لجمالک و منعوا عن الورود فی ساحة عزّ احدیتک بما اکتسبت ایادی اعدائک من الذین کفروا بک و بسلطانک ای رب فانظر طغاة بریتک بلحاظ قهرک و عزتک قد بلغوا فی الظلم الی مقام لایقدر احد ان یحصیه الا نفسک العلیم قد رضوا احبتک بالسجن و الدخول فیه و هم لایرضون بذلک بغیاً علی مظهر امرک طوبی لبصیر یری فی کل ما یرد علیه فی سبیلک علو مقامه و اعلاء امرک یا اله العالمین و عزتک لو یجتمعن من علی الارض کلها علی ضرّ

\*\*\*ص403\*\*\*

احد من اهل البهاء لایقدرن لان کل ما یرونه ضرّاً لاصفیائک انه نور لهم و نار لاعدائک لو لا استقر مطلع قیومیتک فی السجن الاعظم کیف ینتشر امرک و یظهر سلطانک و یعلن اقتدارک و تبرهن ایاتک یا لیت حملت کل البلایا علی نفسی حباً لک و لخلقک ای رب فافتح عیون عبادک لیروک فی کل الاحوال مستویاً علی عرش عظمتک و مهیمناً علی من فی ارضک و سمائک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المقتدر القدیر

الاعظم الابهی

یا الهی این ابصار القلوب بنور وجهک یا محبوب ؟؟؟ ثابتا علی امرک انک انت العزیز ؟؟ و مستقیما علی شان ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ بنور معرفتک ای رب انت الکریم ذو الفضل القدیم ؟؟؟؟ علی ما شئت انک انت المقتدر المختار

الاقدس الاعظم الابهی

\*\*\*ص404\*\*\*

تری یا الهی احبائک فی الذلة الکبری بما اکتسبت ایدی الاشقیا ای رب انهم اقبلوا الیک و اقرّوا بفردانیتک و بذلک ورد علیهم ما ناح به سکان سرادق عظمتک و الذین استقروا فی خیام عزّک و مجدک ای رب عزّزهم بسلطانک ثم اخرق احجاب التی خالت بینک و بین بریتک لیروا ما قدّرت لهم بجودک و احسانک قرب یا الهی بین اراد وصلک و لقائک ثم ادخله فی جوار رحمتک ای رب لاتحرمه من نفحات قربک و فوحات ایاتک ثم احفظهم یا الهی فی ظل رحمتک و نوّر ابصارهم بنور معرفتک و قلوبهم بانوار عرشک انک انت المقتدر علی ما تشاء و انت المهیمن القیوم

یا مسجون

تری یا الهی صفوتک تحت سطوة اعدائک و اولیائک بین اشقیاء خلقک ای رب تری انظارهم متوجهة الی مشرق وحیک و مطلع الهامک و قلوبهم مرتقبا بدایع فضلک و الطافک کم من وجوه تغیّرت من لطمات المشرکین من بریتک و کمن من صدرو تشبکت من سهام المنکرین فی سبیلک اسئلک یا سلطان الاسما و فاطر الارض و السّما بان تنزل علی احبتک من سحاب رحمتک

\*\*\*ص405\*\*\*

ما یقربهم الیک و یسکنهم فی جوار رحمتک فی کل عالم من عوالمک ثم اقبل منهم ما ارادوا فی حبک و رضائک ثم اکتب لهم خیر الدنیا و الاخزة بجودک و مواهبک و عنایتک و الطافک انک انت المقتدر علی ما تشاء و انت الغفور الرحیم

بسم الله الباقی

سبحانک اللهم یا الهی ترانی بین ایادی الاعدا و الابن محمدا بدمه امام وجهک یا من بیدک ملکوت الاسما ای رب فدیت ما اعطیتنی لحیوة العباد و اتحاد من فی البلاد اسئلک یا محیی القلوب باسمک الذی به ظهر تفصیل الاکبر بین البشر بان تنزل من سحاب رحمتک علی احبتک ما یقربهم الیک ثم اخرق یا الهی حجاب الذی حال بینک و بین عبادک لکی یعرفوک فی ایامک و یقصدوا مقصودهم الذی اتی من سماء امرک ثم اکتب یا الهی للذین قصدوا مقر الاقصی و شطرک الابهی ما کتبته للمخلصین من بریتک الذین فازوا بلقائک و سمعوا ندائک انک انت المقتدر العزیز الکریم

بسم الله الاقدس الابهی

لک الحمد یا الهی بما اوقدت سراج احدیتک بین سمائک و ارضک و امددته بدهن حکمتک و امرک

\*\*\*ص406\*\*\*

و حفظته بزجاجة قدرتک و اقتدارک ای رب ان المصباح بلسان الحال یقول یا الهی ترانی و تعلم ما فی سرّی بانی ما اظهرت نفسی فی الافاق الا بان یستضیئ من خلقک و بریتک کما یشاهد کل ذی بصر ظهورات انواری مع ذلک احاطتنی اریاح الاختلاف من کل الاشطار و تراه یا الهی بین ایدی الفجار لم ادر الی متی ترکته فی دیارک بعد الذی یرید منک الصعود الی مکمن عز احدیتک و مصدر نور فردانیتک اسئلک یا مرسل الاریاح و مسخّر ؟؟ تضیئ به العالم انک انت المقتدر المتعالی العزیز القدیم

الاقدس الاعظم الابهی

کلما اذکرک یا الهی فی السجن اشاهد بان کل الموجودات یسبحونک معی یا مالک الاسماء و الصفات منهم من یعرفک و یذکرک و منهم من یذکرک و لایعرف سلطنتک و اقتدارک و لو انه یا الهی تمسّک باسم من اسمائک ولکن لما بعد عما اردته لذا لن یذکر ذکره تلقاء وجهک اسئلک باسمک الذی به سخّرت من فی سمائک و ارضک و ظهر به اقتدارک و سلطنتک بان تقرب عبادک الی شطر مواهبک و مطلع ظهور نور الطافک انک انت

\*\*\*ص407\*\*\*

الذی لم تزل کنت مقتدرا بسلطانک و مهیمنا بقدرتک و اقتدارک لا اله الا انت المقتدر العزیز المستعان

بسم الله الابهی

سبحانک اللهم یا الهی هذا یوم من ایام الرضوان الذی فیه تجلیت علی من فی الارض باسمک الرحمن و ظهرت قدرتک و سلطانک علی من فی الاکوان ای رب تری الیوم احد من احبائک استدعی مظهر ذاتک من محله الی محل اخر فی السّجن و انعقد مجلس باسمک و زیّن بنفسک بحیث اشرقت من افقه شمس جمالک طوبی لنفس فازت بذلک و لیوم تشرف بظهورک و لارض اشرقت من انوار وجهک ای رب قدّر له و لعبادک الذین منعوا عن لقائک اجر من فاز بلقائک و رتّب مجمعاً باسمک و ذکرک ثم اکتب لهم ما کتبته للمقربین انک انت علی کل شیئ قدیر

الاعظم الاعظم

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به فلقت الاصباح و ارسلت الاریاح و موّجت البحار و زیّنت الاشجار بالاشجار و الارض بالانهار بان تنصر احبائک بجنود الغیب و الشهادة ثم اغلبهم علی الذین بغوا فی ارضک و هتکوا حرمتک و کفروا بایاتک و نقضوا میثاقک

\*\*\*ص408\*\*\*

 و نبذوا احکامک و قاموا بالمحاربة الی ان جعلوا اساری اهلک و حبسوا مظهر ذاتک و مطلع کینونتک فی اخرب البلاد ای رب انت القویّ القدیر و ذو الامر الشّدید خذ اعدائک بسلطانک ثم اجمع احبائک فی ظل سدرة فردانیتک لیحضرنّ تلقاء عرشک و یستمعنّ نغماتک و ینظرنّ جمالک و یعرفنّ اقتدارک انک انت المقتدر القدیر

فرغ من کتابته کاتبه المسکین حرف الرا فی یوم الجلال مزبور النور من شهر النور من سنة البهاء من الواحد الثانی من ظهور نقطة البیان علیه بهاءالله الملک السبحان و کنت فی ذلک الحین فی ارض الحدبا و هذه هی السنة الثالثه الذی وفقی الله لکتابتها و الحمد لله اولا و اخر و ناطقا و ظاهرا

23ربیع الاول 1299